سردار محمد داوود خان صدراعظم افغانستان
۱۹۶۳-۱۹۵۳
دورۀ پیشرفت و رویارویی‌ها

دکتر سمیع الله پویا



برگردان و تحشیه: دکتر خلیل وداد

تدوین دیجیتال: محمد قاسم آسمایی

بازپخش دیجیتال: انتشارات راه پرچم

شناسنامهٔ کتاب:
عنوان: **سردار محمد داوود خان صدراعظم افغانستان ۱۹۵۳-۱۹۶۳ دورهء پیشرفت و رویارویی‌ها**
مؤلف: **دکتر سمیع‌الله پویا**
برگردان و تحشیه: **دکتر خلیل وداد**

تدوین دیجیتال: **محمد قاسم آسمایی**
بازپخش دیجیتال: **انتشارات راه پرچم دسمبر ۲۰۲۶**
https://rahparcham۱.org/

این اثر بنابر موافقه مترجم کتاب، از جانب انتشارات راه پرچم برای پخش رایگان تدوین شده است. هرگونه بهره‌برداری مادی از آن جواب‌دهی حقوقی را در قبال دارد.

فهرست

دربارهٔ پخش دیجیتال اثر i
یادداشت مترجم پیرامون کتاب حاضر و نویسندهٔ آن I
پیش‌گفتار ..... أ
فصل یکم
صدراعظم محمدداوودخان و سیاست داخلی او
(۱۹۵۳-۱۹۶۳)..... ۱
۱. چهرهٔ سیاسی محمدداوودخان..... ۱
۲. دورهٔ صدارت عظمی محمدداوودخان..... ۹
۳. سیاست نوین اقتصادی محمدداوودخان (۱۹۵٤-۱۹٦۱)..... ۱٤
٤. مشی اجتماعی - سیاسی محمدداوودخان ٤٦
فصل دوم سیاست
خارجی صدراعظم محمدداوود ٥٤
۱. اوضاع بین‌المللی در زمان صدارت محمدداوودخان..... ٥٤
۲. روابط افغانستان باکشورهای منطقه..... ٥۹
۲. مناسبات افغانستان با کشورهای غربی ۷٥
٤. روابط افغانستان با ابرقدرت‌ها..... ۸۱
فصل سوم سیاست
محمدداوودخان پیرامون پشتونستان..... ۱۲۸
۱. ریشه‌های تاریخی معضل پشتونستان ۱۲۸

۲. رویارویی‌های افغانستان - پاکستان (۱۹۵۵-۱۹۵۱) پیرامون معضل پشتونستان ۱۳٤
۳. لویه‌جرگه سال ۱۹۵۵م. ۱۵٤
۴. سفرهای متقابل سران افغانستان و پاکستان (۱۹۵۵ -۱۹۶۰) ۱۵۹
۵. گسست روابط افغانستان و پاکستان (۱۹۶۱ -۱۹۶۳) ۱٦۹
سخن پایانی..... ۱۷۹
فهرست منابع..... ۱۸۳

دربارۀ پخش دیجیتال اثر

«سردار محمد داوود خان صدراعظم افغانستان ۱۹۵۳-۱۹۶۳ دورهء پیشرفت و رویارویی‌ها»، کتاب سودمندی دربارۀ یک دهه تلاش برای آبادی و پیشرفت افغانستان است که در بسیاری از موارد، معلومات ارزشمند و دست‌اولی را مستند به مدارک آرشیف وزارت خارجه و آرشیف دولتی روسیه – آثار معتبر داخلی و خارجی دربارۀ رویدادهای افغانستان و روزنامه‌ها و جراید کشور دربارۀ پلان‌های انکشافی و طراح آن در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

کتاب در اصل رسالۀ علمی (مونوگراف) محترم داکتر سمیع‌الله پویا است که به زبان روسی نگارش یافته و سپس توسط محترم داکتر خلیل وداد با نثری روان و دلچسپ به فارسی دری ترجمه شده است.

سردار محمد داوود و اعضای خانواده‌اش، برعکس سایر اعضای آل‌یحیی (کاکاها، برادر، پسران کاکا و...)، در جهات گوناگون زندگی شخصی از باتقواترین شخصیت‌ها بوده و از زراندوزی و سایر انحرافات کاملاً به دور و نیک نام بودند. همین صفات نیک، او را در زمرۀ رهبران برگزیدۀ کشور پس از حصول استقلال قرار می‌دهد.

دورۀ ده‌سالۀ صدارت محمد داوود (۷ سپتمبر ۱۹۵۳ - ۱۰ مارچ ۱۹۶۳) مرحله‌ای است که در آن حکومتی بی‌کفایت و تقریباً خانوادگی از کاکایش، سردار شاه‌محمود، برایش به میراث مانده بود. چنانچه بر اساس ارقام نشر شده، در آغاز دورۀ صدارت موصوف در سراسر کشور تنها ۲۱ باب لیسه و مکتب متوسطۀ ذکور و ۳ باب لیسه و مکتب متوسطۀ نسوان وجود داشت که از این میان ۸ باب لیسه در شهر کابل قرار داشت. افزون بر این، راه‌های مواصلاتی مناسب اصلاً وجود نداشت و تنها چند کیلومتر سرک محدود در شهر کابل قیرریزی شده بود.

محمد داوود برای نوسازی اقتصاد کشور، در چارچوب «اقتصاد رهبری‌شده» و پلان پنج‌سالۀ اقتصادی، طرح پروژه‌های متعدد بنیادی و زیربنایی را اساس گذاشت. او به ساخت راه‌ها، ایجاد مؤسسات صنعتی، استخراج معادن، تقویۀ

سیستم کریدت‌دهی و گسترش آموزش و پرورش کادرهای ملی توجه ویژه نمود و برای آن‌ها اولویت قایل شد.

محمد داوود متناسب با شرایط زمان، در برخی عرصه‌ها به اصلاحات اجتماعی نیز متوسل شد؛ از جمله لغو حجاب و گسترش حضور زنان در اجتماع و عرصهٔ آموزش که فصل نوینی را در راه تأمین حقوق نیمی از جامعه گشود از کارهای با ارزش دوران صدارت اوست.

البته ذکر این نکته ضرور است که سردار محمدداوود خان سیاستمداری باارادە، منظم، قاطع، ملی‌گرا و معتقد به دولت مقتدر و اردوی نیرومند بود و شماری از خصوصیات خانوادگی و سیر زندگی و آموزش او نیز بر سبک و شیوهٔ کارش بی‌تأثیر نبودند.

دوران ده سالهٔ صدارت او مصادف با دورهٔ پرتلاطمی در منطقه و جهان بود که بر سیاست خارجی حکومتش تأثیرات ژرفی وارد می‌کرد. از جمله، تلاش‌هایی برای کشاندن افغانستان به پیمان‌های نظامی صورت گرفت و هم‌زمان از کشور مصنوعی و تازه تأسیس پاکستان که برای تأمین منافع استراتژیک جهان‌خواران ایجاد شده بود؛ به حیث اهرم فشار استفاده می‌شد. چنانچه دولت پاکستان وقتاً فوقتاً با مسدود ساختن راه ترانزیتی بر روی اموال صادراتی و وارداتی افغانستان موانع ایجاد می‌کرد و در شماری عرصه‌ها سبب بروز مشکلات در پیشبرد پروژه‌های انکشافی حکومت می‌شد.

باوجود دشواری‌ها و فشارها، افغانستان توانست به عضو پیشگام و فعال جنبش عدم انسلاک که در برابر بلوک‌های نظامی - سیاسی سنتو و سیاتو ایجاد شده بود؛ مبدل شود و با ۴۰ کشور جهان روابط دپلوماتیک برقرار نماید.

با این همه، اصلاحات جهشی که بتواند دگرگونی عمیقی را در ساختار جامعه به میان آورد، عملی نشد؛ زیرا آوردن دگرگونی‌های بنیادی در سیستم کهنه و فرسودهٔ اداری کشور، دموکراتیزه کردن زندگی اجتماعی و رفع دشواری‌های بی‌شمار اقشار زحمتکش، با امکانات محدود و جهانبینی مختص به خود او، کاری فوق‌العاده بغرنج و دشوار بود.

در نهایت، این کتاب با رویکردی پژوهشی و مستند، تصویری روشن از دستاوردها، چالش‌ها و تنگناهای یکی از سرنوشت‌سازترین دهه‌های تاریخ معاصر افغانستان را ارائه می‌دهد. مطالعهٔ این اثر نه‌تنها برای پژوهشگران و علاقه‌مندان تاریخ سیاسی افغانستان سودمند است، بلکه برای درک ریشه‌های تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاست خارجی کشور در دهه‌های بعدی نیز منبعی ارزشمند به شمار می‌رود.

برای مؤلف و مترجم اثر موفقیت و توانایی بیشتر آرزو می‌نمایم

محمد قاسم آسمایی

یادداشت مترجم پیرامون کتاب حاضر و نویسندۀ آن

دکتر سمیع الله پویا را از سال‌های ۸۰ هنگامی که هردو مانند هزاران دانشجوی افغانستان در روسیه مشغول تحصیل بودیم، می‌شناس. ما همدیگر را پس از سال‌های دراز در سال ۲۰۱۳ در هالند زمانی که او جهت سپری کردن رخصتی و دیدار با خویشاوندانش آمده بود، دیدیم. او ضمن صحبت‌ها از مونوگراف (رسالۀ علمی) اش دربارۀ صدارت محمدداوودخان گفت که سخت مورد دلچسپی ام واقع شد. من پیشنهاد کردم که این کتاب باید بدسترس خوانندگان در افغانستان قرار گیرد و من حاضرم آنرا به فارسی - دری برگردان کن. او به من وعده داد که پس از چاپ کتاب به زبان روسی، یک نسخۀ آنرا در اختیارم قرار دهد و به قولش در سال پار وعده نموده و آنرا برایم گسیل کرد.

وقتی کتاب را به مطالعه گرفتم، به ارزش بی‌نظیر آن پی‌برده و به ترجمۀ آن آغازیدم. چون متن رساله خیلی جالب، مستند و عینی نوشته شده، برگردان کتاب نیز برایم، پرجذبه، آسان و هیجانی بود. چون در هر برگ آن فاکت‌ها، ارقام و اسناد ناشناخته و قبلاً محرم مانند: مدارک بایگانی وزارت‌خارجه روسیه، بایگانی دولتی روسیه - بخش تاریخ سیاست خارجی و مقالات روزنامه‌های آن‌روز افغانستان مانند انیس، اصلاح و غیره استفاده شده و بازتاب یافته اند.

جذبۀ کتاب باعث سهولت ترجمه و کارم شده و اصلاً فشار اضافی احساس نه‌نمودم. به قول کنفسیوس: «به من کاری مناسب دهید، و در آن‌حالت لازم نیست تا کار کنم». و اکنون که کتاب برگردان و علاقمندان تاریخ کشور و منجمله جوانان از لابلای برگ‌های انترنتی با محتوای آن آشنا شده اند و بنگاه بزرگ انتشاراتی کشور سعید حاضر به چاپ آن شده است؛ با استفاده ازین پیش‌گفتار از همکاری استاد سعید و فرزند فرهیختۀشان شیرمحمد سعیدی از نام خود و مؤلف کتاب دکتر سمیع الله پویا ابراز سپاس فراوان نموده و پیروزی‌های بیشتر و خوشی‌های بیشتر برای‌شان می‌خواهم.

با این مرام از زندگی‌نامهٔ دوست ورجاوندم سمیع الله پویا می‌آغازم، که در کتابش کوتاه چنین آمده است:

«سمیع الله پویا در سال ۱۹۶۱ در کابل بدنیا آمد. در سال ۱۹۷۹ از لیسه عالی امانی فارغ شده و در سال ۱۹۸۸ ماستری خود را از انستیتوت کیمیا و تکنالوژی مسکو در رشته انرژی برق به دست آورد. وی در سال ۱۹۹۲ از رسالهٔ دکترای خویش را در انستیتوت انرژی برق مسکو دفاع کرده و در سال ۲۰۱۲ دومین دکترا را در رشته تاریخ به دست آورد. پویا اکنون کارمند مرکز مطالعات افغانستان معاصر و مبصر سیاسی رادیوی اسپوتنیک روسیه می‌باشد.»

گرچه برشالودهٔ گفتهٔ معروف «گل خوب آنست که با عطرش خود را نشان دهد» و از پیش‌داوری‌ها به حیث مترجم باید دوری بجویم، مگر همچون شاگرد علم پهناور تاریخ دربارهٔ شخص مرحوم محمدداوودخان و زمان حکومتش می‌خواهم چند نکته و برداشتم را با خوانندگان در میان گذاشته و نمونه‌هایی از ارزش ویژهٔ کتاب را اینجا بیاورم:

سردار محمدداوود باوجود جاه‌طلبی و شیفتگی به مقام و قدرت، در زندگی شخصی خویش بی‌آلایش‌ترین و ساده‌ترین فرد در خانوادهٔ حاکم محمدزایی و طایفه یحیی‌خیل بود. او از زراندوزی، عیاشی و مادی پرستی بدور بود. در حالی که همهٔ خویشاوندان او که رده‌های حکومت را به دست داشتند، گوی سبقت را یکی آزادیگر در مسابقهٔ ثروت اندوزی و مال‌پرستی می‌ربودند. در حالی که مردم افغانستان به سختی یک وعده خوراک را برای خود و خانواده‌شان تهیه می‌کردند، کاکاها و کاکازادهای داوود منجمله هاشم‌خان، شاه‌محمودخان، شاه‌ولی‌خان، سردار ولی، برادرش سردار محمدنعیم در فکر بی‌وقفهٔ زراندوزی و کسب دارایی بودند. چنانچه در پاورق کتاب حاضر مطابق اسناد بایگانی شوروی در مورد سردار شاه‌محمود چنین آمده است:

«شاه‌محمود یکی از ثروتمندترین‌های افغانستان بود: دارایی‌های او به اندازهٔ ۲ ملیارد افغانی ارزیابی می‌شدند. سرمایه‌های محفوظ در «دافغانستان بانک»، بانک‌های انگلستان و ایالات متحده امریکا به او تعلق داشتند. شاه‌محمود صاحب

زمین‌ها و باغ‌ها در نواحی گوناگون افغانستان بوده و دارای چندین‌خانه در کابل بود. وی یکی از سهم‌داران بزرگ شرکت قره‌قل پنداشته می‌شد. او از نفوذ گسترده در میان قبایل ولایات شرقی و جنوبی برخوردار بوده و ارتباطات پهناور داشت. برعکسِ محمدداوود که خواستار برخی اقدامات خشن در رابطه به قبایل بود، شاه‌محمود به برخورد «ملایم» با قبایل شهرت داشت. او با اتکا به پشتیبانی رهبران قبایل شرقی و جنوبی افغانستان تلاش می‌کرد دوباره پست صدارت را اشغال کند. مگر نظر به اطلاع سفارت شوروی در کابل، وی برای ریاست حکومت افغانستان شانس واقعی نداشت، چون خودرا باسیاست شدید غربی و رشوه‌ستانی بدنام کرده بود.»

و این در حالی بود که بودجه کل کشور در سال پایانی حکومت شاه محمد (۱۳۳۳ خورشیدی) به یک ملیارد و ۱۴۱ ملیون ۸۸ هزار و ۶۱۲ افغانی می‌رسید.

محمدداوودخان در سیاست خارجی بویژه در آستانهٔ جنگ دوم جهانی طرفدار هیتلر و ایدیولوژی نازیزم بود. چنانچه در کتاب حاضر آمده است: در آستانهٔ جنگ دوم جهانی، محمدداوود با برادرش محمدنعیم[1] و برخی از نخبه‌گان بارسوخ قشر جوان افغان هوادار مشی مناسبات نزدیک با آلمان بود. وی هواخواه هیتلر بوده و از مشی ضدانگلیسی اش پشتیبانی می‌کرد. او در سال ۱۹۳۹ قوماندان قول اردوی مرکز و فرمانده مکتب حربیه شد. در سال ۱۹۴۲ حکومت هاشم‌خان با خطر واقعی برکناری توسط گروه هوادار آلمان در رأس محمدداوود مواجه شد.

[1] فوند ۵ نسخه ۵۱۲۸,۵. ۳۴۷. - آرشیف دولتی روسیه بخش تاریخ نوین:... محمدنعیم پسر کاکای ظاهر شاه بود. او در سال ۱۹۱۰ در کابل زاده شد. در فرانسه در میان سال‌های ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۹ و همچنان در پوهنتون (دانشگاه) کابل که آنرا بپایان نرساند، آموزش دیده بود. پس از مراجعت به افغانستان محمدنعیم رییس شعبهء سیاسی وزارت امور خارجه (سال‌های ۱۹۳۱-۱۹۳۲) شد. در سال‌های ۱۹۳۲-۱۹۳۴ وزیر مختار افغانستان در ایتالیا بود. پس از برگشت به کابل محمدنعیم پست دستیار وزارت خارجه را احراز کرد. او از سال ۱۹۳۶ تا ۱۹۴۶ وزیر معارف و مدتی هم معاون صدراعظم بود و از ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸ وزیر مختار افغانستان در انگلستان و از ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۳ سفیر افغانستان ایالات متحده امریکا بود. وی از سال ۱۹۵۳ معاون صدراعظم و وزیر خارجه بود. محمدنعیم شوهر خواهرشاه و به‌مثابه عضو خانواده شاهی در مسایل اساسی سیاست داخلی و خارجی شخصی تأثیرگذاری بود.

«آلمان در آستانهٔ آمادگی به جنگ (جهانی) به افغانستان نقش مهمی را همچون تخته خیز نیروهای آلمانی برای حمله به هند قایل بود. آلمانی‌ها میدان‌های هوایی را در کابل و هرات اعمار نموده، جادهٔ قندهار به جنوب به مرز هند برتانوی را عصری‌تر ساخته، در آموزش افسران افغانی سهم گرفته و انواع گوناگون اسلحه را به افغانستان تحویل دادند.

آلمان به افغانستان کریدت خیلی مناسب را برای خرید تجهیزات فابریکه‌های نساجی و بند برق داده و شرکت هوانوردی «لوفت هانزا» پروازهای منظمی را در مسیر برلین - کابل انجام می‌داد. همچنان دافغانستان بانک نمایندگی اش را در آلمان برای خدمات تجاری و کمک‌های تخنیکی باز کرده بود.

کارشناسان جرمنی که تعدادشان به ۳۰۰ نفر می‌رسید، نه‌تنها در عرصه‌های گوناگون مؤسسات افغانی چون بانک ملی، پولیس، بلکه برخی عرصه‌های دیگر مانند جاده و پل‌سازی همکاری نموده و همچنان به تدریس هنرهای زیبا و زراعت در لیسه‌ها و آموزشگاه‌های افغانستان مشغول بودند. مگر بیشتر آنان جاسوسان استخبارات آلمان بودند که زیر رهبری کارمندان سفارت آلمان در کابل فعالیت کرده و با اجنت‌های ایتالیا و جاپان در افغانستان مشترکاً کار می‌کردند.»

در سیاست داخلی محمدداوود مترقی‌ترین شخص هیأت حاکمه بوده و خواستار دگرگونی‌های شدید و عاجل اجتماعی اقتصادی بود. او گرچه خودش زبان پشتو را مانند افراد دیگر آل یحیی بلد نبود، ولی هوادار برتری قوم پشتون در افغانستان بود. چنانچه در متن کتاب آمده است: «هنگام کار در قندهار او استفاده از زبان پشتو را همانند یگانه زبان دولتی باوجود آنکه دری عموماً زبان گفت‌وگوی افغانستان بود، تبلیغ می‌کرد.»

تمام دورهٔ صدارت و پسان‌ها ریاست جمهوری محمدداوود زیر سایهٔ سنگین داعیهٔ پشتونستان گذشت. که در کتاب درین مورد بتفصیل پرداخته شده است. ولی جالب‌ترین نکته در این پژوهش نزدیکی بیش از حد او با عبدالمجید زابلی چهرهٔ بانفوذ، ثروتمند و در عین زمان مرموز سیاسی است.

مجید زابلی سال‌های طولانی در مسکو بسر برده و مشغول تجارت پوست و قالین از طریق روسیه با لندن و برلین بود. او در سال‌های بیست قرن ۲۰ در مسکو با سردار محمدهاشم که در آن‌زمان وزیرمختار افغانستان در مسکو و شخص رشوه‌خواری بود، رابطه محکم قایم نموده، در آینده‌ها از این پیوند برای اهداف جاه طلبانه و سیاسی و قومی اش استفادهٔ گسترده کرده و با داشتن تجربه، لیاقت و سرمایه تا مقام وزیراقتصاد افغانستان ارتقاء کرد.

بجاست یادآوری شود که سیاست نزدیکی داوودخان با مسکو تا حدی از ناگذیری بوده و در آن مسایل ایدیولوژیک و سیاسی دخیل نبوده اند که در کتاب با پهنا و بگونه مستند در این‌باره توضیح داده شده است.

شادروان کارگون افغانستان‌شناس برجستهٔ شوروی و روسیه در سال ۱۹۹۳ برایم در انستیتوت خاورشناسی مسکو پیرامون مجید زابلی گفت که در سال‌های پایانی جنگ داخلی دولت شوروی سیاست نوین اقتصادی را در رابطه به تشبثات خصوصی موسوم به «نِپ» پیشه نموده و افراد بی‌شمار روسی و خارجی مقیم روسیه ازین مشی سود برده و ثروت اندوختند. یکی از کسانی که با استفاده ازین امکانات و با استفاده از کالاهای بازرگانی افغانی سرمایه اندوخت، مجید زابلی بود که در آن‌وقت تابعیت شوروی را کسب نموده، تخلص‌خانوادگی خکیموف را داشته و با یک‌خانم روسی از دواج کرده بود.

زابلی پسان‌ها مانند شاه‌محمودخان و سردار محمدداوود هوادار آلمان نازی بوده در اواخر زندگی طرفدار غرب و امریکا شده و به آن جا رفت. او پرورنده و رشد دهندهٔ نورمحمد تره‌کی بوده و در سال ۱۳۵۷ پس از کودتای نظامی ثور ملیون‌ها افغانی سرمایه اش را به رژیم خلقی بخشید.

پیرامون زابلی در این کتاب از جمله آمده است:

«بدون کمک عبدالمجید زابلی محمدداوودخان نمی‌توانست در درازنای یک‌ربع قرن به یکی از اثرگذارترین چهره‌های دولت افغانستان تبدیل شود. در ماه اپریل سال ۱۹۴۶ محمدداوود به حیث وزیرداخله تعیین شد. در این‌زمان در کشور

تمایلات اپوزیسیونی شکل گرفته و در سال ۱۹۴۷ نخستین جنبش مخالف (اپوزیسیونی) بنام جوانان بیدار «ویش زلمیان» عرض وجود کرد. به تاریخ اول مارچ سال ۱۹۵۰ نخستین شماره جریده «انگار» ارگان نشراتی این گروه به نشر رسید.[۲] در این جریده مقالاتی با درخواست‌های پیشبرد دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی انتشار می‌یافت.

در کابل حتی در پایان سال‌های ۴۰ از تلاش‌های متجاوزانهٔ مسکو می‌هراسیدند. در این‌باره عبدالمجید زابلی وزیراقتصاد کشور هنگام سفر سال ۱۹۴۸ اش به امریکا که تلاش داشت قرضه‌یی باندازهٔ ۱۱۸ ملیون دالر را به دست آورد، یادآوری کرده بود. وزیرنامبرده همچنان تقاضای کمک نظامی را برای امنیت داخلی در صورت شورشِ ممکن قبایل نموده بود. مگر واشنگتن به یک تهدید توانمند دیگر که همانا تهدید شوروی بود، علاقمندی داشت. و این موضوع را عبدالمجید زابلی بخوبی درک می‌کرد. چنانچه او گفته بود که افغانستان می‌تواند در یک جنگ احتمالی علیه شوروی‌ها نقش مثبتی را بازی کند: «افغانستانِ خوب تسلیح شده و مورد حمایت ایالات متحده امریکا می‌تواند، از پیشروی شوروی‌ها بسوی هندوکش جلوگیری کند و این امر سهمی به پیروزی نیروهای مسلح غرب است... البته، زمانی که جنگ آغاز شود، افغانستان می‌تواند، شکست بخورد و اشغال شود. مگر روس‌ها توان آنرا نخواهند داشت تا این کشور را مطیع خود سازند. افغانستان می‌تواند و توانایی آنرا دارد تا یک جنگ پارتیزانی (چریکی) را در درازمدت به پیش ببرد».[۳]

و در مورد یک ویژه‌گی دیگر مرحوم محمدداوودخان: در زمستان سال ۱۳۹۳ خورشیدی هنگام کار در اکادمی علوم افغانستان اکادمیسین سلیمان لایق برایم گفت که محمدداود هزاره‌ها را خوش نداشت. و هنگامی که من دلیلش را پرسیدم، او گفت که آنرا نمی‌داند. ولی پندار من (وِداد) اینست که در این امر جو سیاسی حاکم آن‌زمان که همان ا سرکوب و خشونت در مقابل اقوام غیرپشتون و منجمله اهل

---

[۲] پلاستون و. ن. فعالیت سازمان‌ها و نیروهای بنیادگرا در کشورهای خاور. چاپ شهر نوه سیبیرسک روسیه ، سال ۲۰۰۵، ص.۲۶۰

[۳] امین الله دریخ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور. ۲۰۰۷ م. ص. ۳۳۸-

تشیع و هزاره‌ها که از دوران امیر عبدالرحمان‌خان حاکم بود و بویژه قتل محمدنادرشاه به دست جوان انقلابی هزاره عبدالخالق تأثیر گذار بوده است.

در پایان این پیشگفته برای پویای گرانمایه پیروزی‌های بیشتر و آفرینش‌های تازه آرزو می‌نمایم.

خلیل وداد جنوری سال ۲۰۱۶م.

شهر دنهاگ (لاهه) هالند

پیش‌گفتار

در گسترهٔ شکل گیری دو سیستم متقابل جهانی در پایان سال‌های ۴۰ افغانستان در تلاش بود تا جای‌گاهش را با موازین استراتیژی عنعنوی توازن میان دو ابرقدرت اتحادشوروی و ایالات متحده امریکا، که در واقع بر اصل عدم‌انسلاک استوار بود، برگزیند.

پس از پایان جنگ جهانی دوم اوضاع جهانی از ریشه دگرگون شد: جهان دو قطبی گردیده و امپراتوری استعماری بریتانیا از هم پاشید، که در نتیجه در نیم‌قارهٔ هندوستان دولت‌های پاکستان و هند پدید آمدند.

پدید آمدن دو دولت نامبرده نمی‌توانست بدون رویارویی‌ها و چالش‌های ارضی باشد. افغانستان نیز نمی‌توانست پیرامون دگرگونی‌های به میان آمده بی‌تفاوت باقی بماند، معاهدهٔ «خط دیورند» منعقدهٔ سال ۱۸۹۳ شالودهٔ تیرگی روابط افغانستان با دولت تازه به میان آمدهٔ پاکستان گردید.

هم‌زمان در درون افغانستان نیز دورهٔ زمامداران جناح محافظه‌کار یعنی کاکاهای ظاهرشاه شامل هاشم‌خان، شاه‌محمودخان و شاه‌ولی‌خان بپایان رسید.

در صحنهٔ سیاسی کشور اعضای جوان دودمان شاهی مانند سردار محمدداوودخان، برادرش سردار محمدنعیم‌خان و سردارعبدالولی افراد تندرو (رادیکال) و قدرت‌طلب که خواستار تأمین عدالت تاریخی بودند، عرض اندام کردند.

در آغاز سال‌های ۵۰ کشورهای همسایه شامل هند و اتحادشوروی نیز دستخوش دگرگونی‌ها شده و در منطقه بلوک‌های نظامی - سیاسی مانند «سیاتو» (۱۹۵۴)، «سیتو» (۱۹۵۵) و همچنان جنبش بین‌المللی عدم‌انسلاک (۱۹۵۵) پدید آمدند.

در چنین شرایطی در برابر صدراعظم افغانستان محمدداوود که در سال ۱۹۵۳ به قدرت رسیده بود، گزینه‌های دشواری در امر رشد بعدی کشور قرار داشت.

درست در سال های ۵۰ - ۶۰ محمدسیاست خارجی افغانستان و مشی مربوطهٔ آن تکوین یافته و رشد نمود که بصورت عموم نقش و جای بعدی آنرا در سیستم روابط بین‌المللی کشور و روابط با دولت‌های منطقه و غربی معین کرد.

صدراعظم محمدداوود خواستار کمک‌های خارجی منجمله نظامی بود. غرب و در گام نخست ایالات متحده امریکا نمی‌خواستند به افغانستان کمک نمایند و می‌کوشیدند افغانستان را که بشکل عنعنوی بی‌طرف بود، به بلوک‌ها و اتحادهای نظامی که خطری برای امنیت اتحادشوروی بود، جلب کنند. در حالی که کمک‌های تخنیکی - اقتصادی اتحادشوروی به افغانستان برای حکومت محمدداوود امکان ایجاد شالودهٔ اقتصاد عصری و همچنان تحکیم مواضع بین‌المللی آنرا مساعد ساخت. هم‌زمان نزدیکی چندجانبه با اتحادشوروی باعث وابستگی اقتصادی و تا حد معینی وابستگی سیاسی کشور به همسایهٔ شمالی آن شد.

سیاست خارجی داوود تا حد معینی بر مسألهٔ پشتونستان استوار بود. بر همین شالوده، افغانستان در سال های ۱۹۵۳-۱۹۶۳ مناسبات اش را با پاکستان و کشورهای دیگر منجمله ابرقدرت‌ها معین می‌ساخت. در عرصه سیاست داخلی محمدداوود توجه را به عصری ساختن (مدرنیزه نمودن) کشور متمرکز نموده بود. هم‌زمان در پروسهٔ تشکل کابینه، او به دودمان حاکم محمدزایی که نمایندگان آن زمان درازی در رأس قدرت قرارداشته و توانایی کشاندن کشور به شاهراه ترقی را نداشتند، اتکا نکرد.

دورهٔ زمانی ۱۹۵۳-۱۹۶۳ از نگاه کیفی سرآغاز مرحلهٔ نوین افغانستان یعنی تعویض نسل‌ها در درون اشرافیت حاکم و شروع مشی نوین اجتماعی - اقتصادی و سیاست خارجی بود. دورهٔ صدارت محمدداوود موضوع توجه ژرف تاریخ‌نگاران و نویسندگان افغانی است. در کتاب‌های درسی و در نشرات تاریخی پیرامون افغانستان، محمدداوود همچون شخصیت میهن‌دوست و ملی‌گرا به تصویر کشیده شده که در دورهٔ زمامداری اش دگرگونی‌های گسترده در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جامعه افغانی پدید آمد. داوودخان کشوری را با اقتصاد پس‌مانده و ناتوان که در انزوای مطلق بین‌المللی بسر می‌برد، به ارث گرفت.

با گزینش محمدداوود به پست صدارت، وی تلاش اعظمی نمود تا کشور را ازین حالت رکود نجات دهد. در عرصهٔ سیاست خارجی او نتوانست یکی از بغرنج‌ترین و دردآورترین پرابلم‌ها یعنی معضل پشتونستان را که چندین بار به رویارویی‌ها تا مرز جنگ با همسایهٔ جنوبی اش پاکستان انجامید، حل کند.

فصل یکم
صدراعظم محمدداوودخان و سیاست داخلی او
(۱۹۶۳-۱۹۵۳)

۱. چهرهٔ سیاسی محمدداوودخان

محمدداوودخان در سال ۱۹۰۹ در کابل زاده شد. پدرش سردار محمدعزیزخان که در سال ۱۹۳۳ توسط سید کمال[٤] کشته شد، برادر نادرشاه پادشاه افغانستان بود. منشاء فامیلی آنها به یکی از فرزندان پاینده‌محمدخان، متعلق به گروه سرداران پشاور یحیی خیل از دودمان شاهان محمدزایی[٥] می‌رسد.

محمدداوود تعلیمات ابتدایی را در یگانه لیسهٔ معتبر آن‌زمان در کابل «حبیبیه» که در سال ۱۹۰۳ توسط امیر حبیب الله بنیان‌گذاری شده بود، آموخت. سپس از سال ۱۹۲۱ تا سال ۱۹۳۰ همراه با شاه آینده محمدظاهرخان در فرانسه مشغول آموزش بود. محمدداوود در پاریس زمانی که پدرش سرپرست محصلان افغانی بود، به آموزش مهندسی پرداخت. در ماه اکتوبر محمدداوود به کابل برای کار در وزارت‌خارجه برگشت، زیرا بخوبی فرانسوی را بلد بوده و کمی هم انگلیسی می‌دانست.

---

[٤] گ. پ. ایژوف معلومات کوتاه بیوگرافیکی. مسکو سال ۲۰۰۴، چاپ دوم، ص. ۵۱.
سید کمال یک فرد هواخواه امان‌الله شاه و ضد انگلیس بود که در سال ۱۹۲۲ بحیث دانشجو به برلین رفت. او با شهزاده عبیدالله برادر امان‌الله و مادرش زندگی می‌کرد. وی بتاریخ ۶ جون متهم (به قتل سردار محمد عزیز پدر داوود) شناخته شده و به روز ۱۴ جنوری ۱۹۳۵ محکوم به اعدام شد.

[٥] ص۷۳ محمدعلی. افغانستان مترقی، لاهور سال ۱۹۳۳.
از قول زندگی‌نامه‌نگاران افغانی خانوادهء نادرشاه از نگاه خونی به دوشاخهء محمد زایی و سدوزایی تقسیم می‌شود. یک شاخهء آن از سوی پدر به بنیانگذار طایفه، سردار سلطان‌محمد طلایی فرزند سردار پاینده خان (سدوزایی) و از سوی مادری به احمدشاه ابدالی بنیانگذار دولت افغانی در سال ۱۷۴۷ می‌رسید. نادرشاه فرزند نواسه سلطان‌محمد طلایی بود.

در سال ۱۹۳۱ او کورس‌های یک‌سالهٔ افسری را در حربی پوهنتون در مسلک پیاده آموخته، در سال ۱۹۳۲ رتبهٔ بریدجنرالی (نایب‌سالار) را به دست آورده و قوماندان عمومی قوای پکتیا شد. ارتقای سریع او به مقام‌های بالا در وجودش ویژه‌گی‌های خودخواهانه و خودبینی بیش از حد را به بار آورد. او در سال ۱۹۳۴ به حیث والی و قوماندان عمومی قطعات نظامی مشرقی (ولایات ننگرهار، لغمان، نورستان و کنر کنونی) انتصاب شده و پس از یکسال والی و قوماندان قطعات ولایات قندهار و فراه انتصاب شد.[۶] به این‌ترتیب محمدداوود قدرت پهناوری را در این ناحیهٔ بسیار مهم مرزی با هند برتانوی (پسان‌ها پاکستان) بخود متمرکز ساخت، مناطقی که در آن اکثریت قبایل پشتون بودوباش دارند.

در ماه جون سال ۱۹۳۵ رتبهٔ جرنیلی را به دست آورد. در سال ۱۹۳۸ م.داوود دوباره به ولایت مشرقی منصوب شده و فرماندهی قطعات مستقر در آن جا را به عهده گرفت.

در آستانهٔ جنگ دوم جهانی، محمدداوود با برادرش محمدنعیم[۷] و برخی از نخبه‌گان بارسوخ قشر جوان افغان، هوادار مشی مناسبات نزدیکی با آلمان بود. وی هواخواه هیتلر بوده و از مشی ضدانگلیسی وی پشتیبانی می‌کرد. وی در سال ۱۹۳۹ قوماندان قول اردوی مرکز و رییس مکتب حربیه شد. در سال ۱۹۴۲ حکومت هاشم‌خان با خطر واقعی برکناری توسط گروه هوادران آلمان در رأس

---

[۶] افغانستان در قرن بیستم. پشاور. سال ۲۰۰۷، ص. ۳۰۵. امین الله دریځ

[۷] ...فوند۵ نسخه۵۱۲۸,۵ قسمت. ۳۴۷.پرونده - آرشیف دولتی روسیه بخش تاریخ نوین:.... محمدنعیم پسرکاکای ظاهرشاه بود. او در سال ۱۹۱۰ در کابل زاده شد. در فرانسه در میان سال‌های ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۹ و همچنان در پوهنتون کابل آموزش نمود. پس از مراجعت به افغانستان محمدنعیم رییس شعبهء سیاسی وزارت امور خارجه (سال‌های ۱۹۳۲-۱۹۳۱) شد. در سال‌های ۱۹۳۴-۱۹۳۲ وزیر مختار افغانستان در ایتالیا بود. پس از مراجعت به کابل محمدنعیم پست دستیار وزارت خارجه را احراز کرد. او از سال ۱۹۳۶ تا ۱۹۴۶ وزیر معارف و مدتی هم معاون صدراعظم بود و از ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸ وزیر مختار افغانستان در انگلستان و از ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۳ سفیر ایالات متحده امریکا بود. وی از سال ۱۹۵۳ معاون صدراعظم و وزیر خارجه بود. محمدنعیم شوهر خواهر شاه و به‌مثابه عضو خانوادهء شاهی در مسایل اساسی سیاست داخلی و خارجی تأثیر گذار بود.

محمدداوود مواجه شد.[۸]

محمدداوود نظر به پندارهایش فردی ملی‌گرا (ناسیونالیست) بود. در سال‌های ۳۰ او گروه به اصطلاح وزیران «جوان» را که هواداران آلمان بودند، رهبری می کرد. برادرش محمدنعیم که هم‌نظر محمدداوود بود، هیأت‌های افغانی را در جلسات اسامبله عمومی ملل‌متحد و کنفرانس‌های جهانی را مانند کنفرانس کشورهای آسیا و افریقا در ماه اپریل ۱۹۵۵ در باندونگ رهبری کرد. تا جنگ دوم جهانی او هواخواه نزدیکی با آلمان هیتلری بود.

به قول منابع غیررسمی مربوط به سال ۱۹۴۵ سفیر پیشین آلمان در افغانستان هانس پیلگر در اعترافاتش به ارگان‌های مربوطهٔ شوروی دربارهٔ محمدنعیم چنین گفت: «در سال ۱۹۴۲ محمدنعیم موافقت کرد که به من بطور سیستماتیک اطلاعات مربوط به انگلیس‌ها و همچنان اتحادشوروی را بدهد».[۹] محمدداوود چندین بار گفته بود که «آلمان باید پیروز شود»، و او از توانمندی نیروهای مسلح رژیم هیتلر ابراز خرسندی می کرد.[۱۰]

آلمان در آستانهٔ آمادگی به جنگ (جهانی) به افغانستان نقش مهمی را همچون تخته‌خیز نیروهای آلمانی برای حمله به هند قایل بود. آلمان‌ها میدان‌های هوایی را در کابل و هرات ساخت، جادهٔ قندهار به جنوب به مرز هند برتانوی را عصری‌تر ساخت، در آموزش افسران افغانی سهم گرفته و انواع گوناگون اسلحه را تحویل دادند.

آلمان به افغانستان کریدت خیلی مناسب را برای خرید تجهیزات فابریکه‌های نساجی و بند برق داده و شرکت هوانوردی «لوفت هانزا» پروازهای منظمی را در مسیر برلین - کابل انجام می‌داد. همچنان دافغانستان بانک نمایندگی اش را در آلمان

[۸] تیخانوف یو. ن. جنگ ا استالی در مسیر افغانستان. نبرد برای آسیای میانه. مسکو سال۲۰۰۸. ص ۴۰۳.
[۹] همان جا، ص. ۱۵۵
[۱۰] همان جا، ص. ۳۹۹

برای خدمات تجاری و کمک‌های تخنیکی باز کرده بود.

کارشناسان جرمنی که تعدادشان به ۳۰۰ نفر می‌رسید، نه‌تنها در عرصه‌های گوناگون مؤسسات افغانی چون بانک ملی، پولیس و بعضی عرصه‌های دیگر همچو سرک‌سازی و پل‌سازی همکاری نموده و همچنان به تدریس هنرهای زیبا و زراعت در لیسه‌ها و آموزشگاه‌های افغانستان فعال بودند. مگر بیشتر آنان جاسوسان استخبارات آلمان بودند که زیر رهبری کارمندان سفارت آلمان در کابل فعالیت کرده و با اجنت‌های ایتالیا و جاپان در افغانستان مشترکاً کار می‌کردند.

بسیاری از افغان‌ها، کمک‌های جرمنی را نه همانند نفوذ سیاسی و نظامی آلمان فاشیستی به کشور، بلکه همچون هم‌یاری در امر عصری‌سازی اقتصاد افغانستان می‌دیدند. همچنان در صورت پیروزی آلمان فاشیستی پندارهایی مبنی بر برگشت سرزمین‌های از دست رفته به هند برتانوی شامل بلوچستان، سند با بندر کراچی و پنجاب غربی و به عبارهٔ دیگر احیای دولت افغانی زمان امپراتوری درانی نیز تبلیغ می‌شدند.

آلمان در آن‌زمان به یک عمل وسیع در سرزمین هند آمادگی می‌گرفت. در بهار سال ۱۹۴۱ آلمانی‌ها گروپ ویژهٔ اوپراتیفی را مرکب از ۱۷ فرقه زیر نام شفری «افغانستان» که باید عملیات نظامی را برعلیه هند به کمک قبایل پشتون پیش می‌برد، تشکیل دادند. فقط اشغال کشور همسایه ایران از طرف قوای متحد روس و انگلیس افغان‌ها را وداشت تا مشی سیاسی خود را تغییر دهند.

این امر باعث شد تا تقاضای (اولتیماتوم) ارائه شده را از سوی حکومات بریتانیا و شوروی به کابل مبنی بر اخراج اجنت‌های آلمانی از افغانستان عملی سازد. در لویه‌جرگه[۱۱] در ماه نوامبر سال ۱۹۴۱ افغانستان به مشی بی‌طرفی اش تأکید ورزیده و موافقه کرد که جواسیس آلمانی را باوجود آنکه محمدداوود و کاکای پادشاه شاه‌محمود[۱۲] وزیرحربیه مخالف این تصمیم بودند، از افغانستان اخراج کند.

[۱۱] امین الله دریځ افغانستان در قرن بیستم. پشاور. ، ص. -۲۵۸ سال ۲۰۰۷

[۱۲] .۵ فوند. ۲۸ نسخه۳۴۷مبحث۵۴/ ۵.پرونده. - آرشیف دولتی روسیه بخش تاریخ عصر نوین.

پیروزی متحدین، بویژه قطعات شوروی در جبهات جنگ جهانی، افغان‌ها را واداشت تا سیاست خارجی‌شان را بازنگری کنند. فقط پس از نبرد استالینگراد محمدداوود نخستین بار از سفارت شوروی بازدید کرد، گرچه صدراعظم هاشم‌خان اینکار را پیشتر انجام داده بود. قابل یادآوریست که حتی در سال‌های ۴۰ محمدداوود به سازماندهی گروهی از ناراضیان خانوادهٔ سلطنتی بدورش به منظور مقابله با جناح محافظه‌کار در رأس مارشال شاه‌ولی‌خان[۱۳] پرداخت.

شاه محمود یکی از ثروتمندترین‌های افغانستان بود: دارایی‌های او به اندازهء ۲ ملیارد افغانی ارزیابی می‌شدند. سرمایه های محفوظ در «دافغانستان بانک»، بانک‌های انگلستان و ایالات متحده امریکا به او تعلق داشتند. شاه محمود صاحب زمین‌ها و باغ ها در نواحی گوناگون افغانستان بوده و دارای چندین خانه در کابل بود. وی یکی از سهم‌داران بزرگ شرکت قره قل بود. وی از نفوذ گسترده در میان قبایل ولایات شرق و جنوبی برخوردار بوده و ارتباطات پهناور داشت. برعکسِ محمدداوود که خواستار برخی اقدامات خشن در رابطه به قبایل بود، شاه محمود به برخورد «ملایم» با قبایل شهرت داشت. او با اتکا به پشتیبانی رهبران قبایل شرق و جنوبی افغانستان تلاش می‌کرد دوباره پست صدارت را اشغال کند. مگر نظر به اطلاع سفارت شوروی در کابل وی برای ریاست حکومت افغانستان شانس واقعی نداشت، چون خودرا باسیاست شدید غربی اش و رشوه ستانی بدنام کرده بود.

[۱۳] ۵ فوند. ۲۸ نسخه۵/۵۴. پرونده ۳۴۷ مبحث - آرشیف دولتی روسیه بخش تاریخ عصرنوین: شاه‌ولی‌خان کاکای ظاهرشاه در سال ۱۸۸۷ زاده شده بود. او شوهر خواهر شاه پیشین امان‌الله‌خان بود. آموزشش را در هند دیده و به زبان‌های فارسی، پشتو، اردو، فرانسوی و انگلیسی صحبت می‌کرد. رشد کاری شاه‌ولی از خدمت در گارد (رساله) شاهی آغاز شد. در سال ۱۹۰۵ او به رتبهء غند مشری (جگړنی) اردوی افغانی ارتقا نموده و سپس قوماندان گارد شاهی شد. در سال ۱۹۱۹ شاه‌ولی‌خان در جنگ (سوم) افغان- انگلیس سهم گرفته و به مدال‌هایی مفتخر شد. پس از پایان جنگ و کسب استقلال او در مذاکرات مربوط به عقد معاهده ۱۹۱۹ با انگلیس‌ها سهم د اشت. در سال ۱۹۲۰ شاه‌ولی به رتبه جنرالی (نایب‌سالاری) ارتقا نموده و فرمانده شخصی (سر اسپور خاص) شاه امان‌الله شد، مگر در سال ۱۹۲۶ کناره گیری نموده به فرانسه نزد برادرش و شاه آینده نادرخان رفته و او را در غصب قدرت در سال ۱۹۲۹ از رهبر قیام کنندگان «بچهء سقاء» کمک کرد. او که با برادرش به افغانستان برگشته بود، رهبری قبایل افغان سکن مرزهای افغانستان - هند برتانوی را به عهده گرفته و لشکر حبیب الله «بچه سقاء» را شکست داد. سپس او به رتبهء مارشالی و به وی لقب افتخاری «فاتح کابل» و «غازی» داده شد. شاه ولی از سال ۱۹۲۹ به بعد به کارهای دیپلماتیک سرگرم بوده و بترتیب وزیرمختار افغانستان در لندن، پاریس، وارسا، بروکسل و ژنیو (۱۹۴۷-۱۹۲۹) بوده و سپس سفیر افغانستان در کراچی و لندن بود. وی همچنان به گونه نوبتی به کابل آمده و سرپرستی وزارت حربیه و صدرات عظمی (۱۹۴۷) را بعهده داشت.

در پایان سال‌های ۴۰ سردار محمدداوود با کمک سخاوتمندانه سرمایه‌دار افغانی عبدالمجید زابلی «کلوپ ملی» را بنیان گذاشت.[۱۴] داوود امیدوار بود در چوکات این کلوپ می‌تواند عناصر فعال سیاسی و ملی میهن‌دوست از جملهٔ روشنفکران، کارمندان دولت، اشرافی‌های سلطنتی و افسران ناراضی را که اپوزیسیون حکومت شاه‌محمودخان بودند، بسیج کند.

او به این مرادش نایل شد. در میان هوادارنش نه تنها افراد ناسیونالیست پشتون بلکه طرفداران اندیشه‌های چپی نیز بودند. یکی از این کسان نورمحمد تره‌کی رهبر آیندهٔ چپی‌ها و (پسان‌ها) رییس دولت بود. فعالیت «اپوزیسیونی» کلوپ که بیشتر به نکوهش و تضعیف حکومت شاه‌محمود متمرکز بود، بطور چشمگیری به اعتبار محمدداوود به مثابه عنصر ترقی‌خواه کشور مطابق روحیهٔ جامعه افغانی انجامید. مگر در سال ۱۹۵۰ کلوپ بخاطر نبود منابع مالی از هم پاشید، زیرا تمویل کننده اصلی آن عبدالمجید زابلی بازنشسته شده و مدتی در امریکا مهاجر شد.[۱۵] بدون کمک عبدالمجید زابلی محمدداوودخان نمی‌توانست در درازنای یکربع قرن به یکی از اثرگذارترین چهرهٔ دولت افغانستان تبدیل شود.

شاه‌ولی پس از تقاعد کدام پست رسمی نداشته، در کابل کمتر بوده ولی همچون عضو خانواده شاهی در تصامیم مهم پیرامون سیاست داخلی و خارجی سهم می‌گرفت. افرادی که شاه‌ولی را می‌شناسند، وی را یک دیپلمات ورزیده مگر شخص غیرفعال در اجرای مسوولیت‌هایش می‌دانند. در حلقات سیاسی کابل او را شخص بی‌اراده و «غیرمستقل» می‌دانستند. شاه‌ولی در گفت‌وگوهایش با کارمندان سفارت شوروی در پاریس و کابل با ابراز احساسات دوستانه نسبت به اتحادشوروی بارها گفته بود که از آلمان‌ها و انگلیس‌ها خوشش نمی‌آید. از جمله در ملاقات با کارمند سفارت شوروی در کابل بتاریخ ۱۳ اگست ۱۹۵۵ شاه ولی اعلام کرد که «افغانستان به روابط دوستانهء گذشته اتحاد شوروی ارزش بسیاری قایل بوده و خرسند است که اتحادشوروی این سیاست را در آینده نیز ادامه می‌دهد. افغانستان به نفع روسیه بی‌طرفی‌اش را حفظ کرد، و ما می‌دانیم، تا زمانی که روابط افغانستان - شوروی دوستانه باشند، کسی جرأت نمی‌کند استقلال ما را خدشه دار سازد. بنابراین ما علاقمندیم که روابط دوستانه با اتحادشوروی را ادامه و گسترش دهیم». همزمان، بقول کاردار سفارت مصر در کابل که در جریان گفتگوی ماه مارچ ۱۹۵۳ به کارمند سفارت شوروی بیان داشته بود، شاه‌ولی «از بسیار پیش در خدمت انگلیس‌ها بود».
- امین الله دریځ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور. سال ۲۰۰۷، ص. ۲۹۶

[۱۴] امین الله دریځ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور. سال ۲۰۰۷، ص. ۲۹۶

[۱۵] امین الله دریځ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور. سال ۲۰۰۷، ص. ۲۷۹

در ماه اپریل سال ۱۹۴۶ محمدداوود به حیث وزیرداخله تعیین شد. در این‌زمان در کشور تمایلات اپوزیسیونی شکل گرفته و در سال ۱۹۴۷ نخستین جنبش مخالف (اپوزیسیونی) بنام جوانان بیدار «ویش زلمیان» عرض وجود کرد. به تاریخ اول مارچ سال ۱۹۵۰ نخستین شماره جریده «انگار» ارگان نشراتی این گروه به نشر رسید.[۱۶] در این جریده که مدیر مسوول آن نورمحمد تره‌کی بود، مقالاتی با درخواست‌های پیشبرد دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی انتشار می‌یافت.[۱۷]

بنابر اختلاف نظر با صدراعظم شاه‌محمود، محمدداوود به حیث سفیر در فرانسه و سفیر غیرمقیم سویس و بلژیک بخارج رفته و در آنجا در میان سال‌های ۱۹۴۸ - ۱۹۴۹ کار کرد. در سال ۱۸۴۸ محمدداوود ریاست هیأت افغانی در اسامبله عمومی ملل‌متحد را که متشکل از وزیران: حربیه، داخله، مخابرات و ریاست مستقل قبایل بود، به عهده داشت. پس از برگشت به افغانستان سردار محمدداوودخان دوباره وزیرداخله (۱۹۴۹ -۱۹۵۰) شده و هم‌زمان مسوولیت ریاست مستقل قبایل را که مستقیماً امور نه تنها عشایر داخلی بلکه پشتون‌های مستقر در پاکستان را پیش می‌برد، به عهده داشت.

قابل یادآوری است که یک سازمان نیمه‌مخفی دیگر بنام «انجمن آزادی پشتونستان» زیر رهبری غلام حیدر عدالت نیز ایجاد شد که بنیانگذار عملی این جمیعت محمدداوودخان بود. یکی از اعضای این انجمن محصل دانشگاه کابل و در آینده یکی از رهبران چپ افغانستان ببرک کارمل بود. گرچه مرام این انجمن دفاع از حقوق حقهٔ پشتون‌ها اعلام شده بود، مگر در عمل هدف آن به قدرت رسیدن محمدداوودخان بود.[۱۸] در سال ۱۹۵۱ در اوج گسترش جنبش بورژوا - دموکراتیک در افغانستان، محمدداوود از پست وزارت استعفاء داده و مدتی بدون داشتن کدام پست رسمی به فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی پرداخت.

---

[۱۶] پلاستون و. ن. فعالیت سازمان‌ها و نیروهای بنیادگرا در کشورهای خاور. چاپ شهر نوه سیبیرسک روسیه ، سال ۲۰۰۵، ص.۲۶۰

[۱۷] صاحب‌امتیاز و مدیر مسوول جریده« انگار» فیض‌محمد انگار بود. مترجم

[۱۸] امین الله دریځ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور. سال ۲۰۰۷، ص.۲۷۹.

در آن‌زمان وضعیت اقتصادی کشور به وخامت گرایید، تجارت خارجی کاهش یافت، عواید دولت تکافوی مخارج آنرا نمی‌کردند، در عرصهٔ زراعت (که اساسی‌ترین بخش اقتصاد کشور بود) شیوه‌های مردود و کهن کشتِ زمین مروج بودند. چنین می‌نمود که کاکاهای شاه که مسوولیت صدارت کشور را به عهده داشتند، در درازنای ۲۰ سال به شیوهٔ قدیم به دست داشتند، از دگرگونی‌ها در زندگی کهنِ سنتی در هراس بودند. شرایط بوجود آمده دگرگونی‌های ژرف را می‌طلبیدند و محمدداوود همچون یکی از پیشگامان اجرای اصلاحات اقتصادی عرض اندام کرد.

محمدداوودخان یکی از قاطع‌ترین، با انرژی‌ترین و پیگیرترین عضو هیأت حاکمه شمرده می‌شد. او دارای توانمندی‌های شایسته در عرصهٔ اداری و سازماندهی بود.[۱۹] وی با ویژگی اش که مستقلانه مسایل بی‌شمار را بدون در نظرداشت نظر اعضای‌خانواده شاهی حل کند، آزادیگران متمایز بود. همچنان او فوق‌العاده پرکار و با دسپلین بوده، خوش نداشت در پیرامونش کسانی که با دیدگاه‌هایش مخالف باشند، قرار داشته باشد. اگر کسی با چنین ویژه‌گی‌ها در اطرافش می‌بود، می‌کوشید بسرعت از آنها فاصله گیرد.[۲۰]

چنین می‌نماید که محمدداوود طرفدار عصری شدن افغانستان بوده و برای بهبود زندگی مردم تلاش می‌کرد، مگر مسایل ناحل شده بی‌شماری وجود داشتند و رفع آنها آنقدر نیروی مادی و معنوی می‌طلبید که گاه حل آنها را نا ممکن می‌نمود. اما در جامعه امکانات و جریانات نوینی براه افتاده و نمایندگان روشنفکران کشور در انجمن‌های همفکران متحد شده بودند که بیش‌ترینه پندارهای‌شان با نظرات و تبلیغات محافل حاکمه متفاوت بود. [۲۱]

[۱۹] امین الله دریځ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور. ، ص.۳۰۶ سال ۲۰۰۷.
[۲۰] فرهنگ، میر محمدصدیق. افغانستان در پنج قرن اخیر. جلد دوم. قم. سال ۱۳۴۷. ص. ۷۰۱
[۲۱] امین الله دریځ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور. ، ص.۳۰۷ سال ۲۰۰۷.

۲. دورهٔ صدارت عظمی محمدداوودخان

در ماه سپتامبر سال ۱۹۵۳ حکومت شاه‌محمودخان استعفاء کرد. تصمیم روز ۶ سپتامبر ۱۹۵۳ مقامات حاکمه مبنی بر توظیف محمدداوودخان به حیث صدراعظم، گواه درک لزوم تغییر مشی سیاسی در کشور بود.

محمدداوود از نفوذ گسترده در اردو برخوردار بود. ادارات استخبارات،، ژاندارم و پولیس در دست او بودند، چون وی هم‌زمان وزیر امورداخله نیز بود. با قرار گرفتن در اهرم حاکمیت، محمدداوود به «تصفیه» ارتش پرداخته و کسانی را که مخالفش می‌پنداشت به احتیاط گسیل کرد. او در پست‌های وزارتخانه‌ها دست نشاندگانش را که عموماً فعالان جوان افغان بودند، گماشت. محمدداوود و اعضای حکومتش بخاطر کسب پشتیبانی جامعه از کارهای خویش گذارش داده و در مطبوعات بودجه‌ها و برنامه‌های اقتصادی را پخش می‌کردند که در گذشته در افغانستان بی‌سابقه بود.

صدراعظم نو به محض رسیدن به قدرت از تعهدات کاکایش (شاه‌محمودخان. مترجم) مبنی بر گسترش دموکراسی در کشور پرهیز کرد. سیاست وی بر اصل شالوده‌یی - اجرای اقتصاد رهبری (پلان) شده از سوی دولت و حل معضلات پشتونستان استوار بود. مسوولیت اساسی اجرای این برنامه‌ها به عهدهٔ شخص محمدداوود، برادرش محمدنعیم و همکار نزدیک صدراعظم عبدالملک عبدالرحیمزی وزیرمالیه بود.[۲۲] همچنان محمدداوود مسوولیت وزارت‌دفاع و محمدنعیم سرپرستی امور وزارت‌خارجه و معاونیت دوم صدارت عظمی را در امور

[۲۲] -РГАНИ. Ф. ٥. Оп. ٢٨, p. ٥/٥٤. Д. ٣٤٧
آرشیف دولتی روسیه بخش تاریخ سیاست خارجی: ... عبدالملک در سال ۱۹۱۸ در لوگر در خانوادهء عبدالرحیم از طایفه عبدالرحیمزی بدنیا آمد. او در مکتب حربیه و در ترکیه تحصیل کرده بود. در سال ۱۹۵۳ وزیر مالیه شده و در سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ به ایالات متحده امریکا سفرهای رسمی نمود. در سال ۱۹۵۷ «بخاطر تلاش در سقوط حکومت به کمک یک کشور خارجی» زندانی شد. پس از کناره گیری محمد داوود از پست صدارت، وی از ترک زندان خودداری کرد و خواهان محکمه خود شد. پس از انقلاب ثور در سال ۱۹۷۸ آزاد شد، مگر همچنان از یکی از منتقدان رژیم بشمار می‌رفت. او در سال۱۹۸۲ از دنیا رفت.

سیاست خارجی به عهده داشتند.

صدراعظم نو مشی باصطلاح اقتصاد «رهبری شده» که مرام آن را تسهیل و تسریع رشد سرمایه داری در کشور، دادن سهم فعال به سرمایه گذاران در زندگی اقتصادی کشور، استفادهٔ گسترده از کمک‌های گستردهٔ خارجی، دادن امکانات مناسب به سرمایه‌داران ملی، از جمله متوسط و خرده، برای شرکت در امر رشد اقتصاد و انکشاف نیروهای تولیدی کشور اعلام کرد.[۲۳]

رشد کشور بر اساس پلان‌های پنجساله در نظر گرفته شده بود. بنابراین در ساختار کابینه وزارت‌پلانگذاری ایجاد شد که شالوده ترتیب استراتیژی برنامه‌ریزی کشور را تشکیل می‌داد.

این ارگان در اوایل از یک وزیر و معاون (معین) اش عبدالحی عزیز که همچنان از خانوادهٔ شاهی، دو رییس اداره‌های پلانگذاری و احصاییه و مدیران ۲۲ شعبه که در هرکدام یک نفر به حیث سرپرست شعبه کار می‌کردند، تشکیل یافته بود. در سال‌های نخست، وزارت‌پلان و دفتر صدارت‌عظمی در یک ساختمان واقع شده بودند. محمدداوود با هم‌آهنگی سه وظیفه بکارش تا سال ۱۹۵۴ ادامه داد. او در این زمان قادر به انجام کارهای بسیاری شد. با آمدن وی در رأس قدرت برگ نوینی در تاریخ کشور گشوده شد.

نظر به ماهیت و مشخصات خویش برخی اقدامات وی ادامهٔ سیاست امان‌الله‌خان بودند. نخستین بار در تاریخ کابینه، باستثنای محمدعلی‌خان[۲۴] که مانند گذشته

---

[۲۳] Теплинский Л.Б. История советско-афганских отношений.- М., ۱۹۸۸. С.۱۶۰تپلینسکی ل. ب. تاریخ روابط افغانستان- شوروی. مسکو سال ۱۹۸۸ ص. ۱۶۰

[۲۴] ۳٤۷ .Д .٥/٥٤ ,p .۲۸ .Оп .٥ .Ф -РГАНИ- آرشیف دولتی روسیه بخش تاریخ سیاست خارجی: ... محمدعلی‌خان سالمندترین سیاستمدار بود که به برکت ویژگی‌های شخصی اش چون کاردان بی‌همتا، توانایی سازماندهی، آموزش و وفاداری به دودمان سلطنتی به بالاترین مقام در میان محافل حاکمه دست یازیده بود. او از پشتیبانی گستردهء سران اقوام تاجک، ترکمن و ازبک برخوردار بوده. نظر به اطلاع افراد آگاه علی‌محمد از اعتماد بزرگ شاه و اعضای دیگر خاندان سلطنتی برخوردار بود.

عهده‌دار پست معاونیت اول صدارت بود، تغییر کلی یافت. این‌بار افراد نو و فرهیخته و عموماً جوان مانند دکتر یوسف،[۲۵] دکتر علی‌احمد پوپل،[۲۶] دکتر عبدالله

وی درسال ۱۹۸۵به دنیا آمد. پدرش از ناموران تاجک از شغنان (پامیر افغانی) بود که زمان درازی در خدمت یکی از امیران افغانستان قرار داشت. علی‌محمد یگانه مأمور عالیرتبه کشور بود که به دودمان شاهی تعلق نداشت. او تحصیلاتش را در کابل به پایان رسانده بود. کار دولتی اش را در سال ۱۹۲۵ آغاز کرده و سپس در سال ۱۹۳۳ در مقام‌های مسوول وزارت معارف و تجارت قرار داشت. وی همچنان به حیث مترجم در وزارت امور خارجه افغانستان کار می‌کرد. علی‌محمد از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۸ سفیر افغانستان در بریتانیا بوده، از سال ۱۹۳۸ تا ۱۹۵۰ وزیر امورخارجه و از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ معاون صدر اعظم و وزیر خارجه کشور بود. او از ماه سپتامبر ۱۹۵۳ معاون اول صدراعظم در کابینه محمد داوود بود. علی‌محمد نظر به پندارهایش شخصی محافظه کار بود. او هوادار «مشی خشن» در برابر اپوزیسیون کشور بود. چنانچه در سال ۱۹۵۱ علی‌محمد زمانی که موقتاً سرپرستی صدارت را بعهده داشت، جریده ندای خلق را که ارگان حلقات مترقی کشور بود، توقیف کرد. همچنان پسان‌ها بسیاری از شهروندان دموکرات را بازداشت کرده و تمام نشرات ترقی‌خواه را مصادره نمود. علی‌محمد یک زمیندار بزرگ بوده و دارای چندین خانه در کابل بود. او سرمایه‌هایش را در بانک‌های افغانستان نگه داری می کرد.

[۲۵] محمدیوسف در ماه جنوری سال ۱۹۱۴ در کابل زاده شد. او فرزند محمدحسن بود. در مکتب نجات درس خوانده و سپس به جمهوری فدرال آلمان رفته در دانشگاه مونشن و گیتنگن دکترای را در رشته فزیک بدست آورده، در سال (۱۹۴۴) پروفیسور، استاد و سپس رییس فاکولته علوم طبیعی (ساینس) دانشگاه کابل بود. و در سال ۱۹۴۸ مدتی رییس تعلیمات تخنیکی و در سال (۱۹۴۹) معین وزارت تعلیم و تربیه بود. در سال ۱۹۵۲ مسوولیت مرکز فرهنگی افغانستان را در مونشن بعهده داشت. در سال‌های ۱۹۵۳ - ۱۹۶۳ وزیر معدن و صنایع بود. در سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۵ صدراعظم کشور بود (نخستین صدراعظمی بود که به خانواده سلطنتی تعلق نداشت). او سپس بدلیل کشته شدن چهار نفر مظاهره کننده توسط پولیس ناگذیر به استعفا شد. وی در میان سال‌های ۱۹۶۶- ۱۹۷۳ سفیر افغانستان در آلمان فدرال بود. در آغاز سال ۱۹۷۳ او سفیر افغانستان در اتحاد شوروی بود. در ماه جولای ۱۹۷۳ او از مسکو خواسته شده و برکنار شد. پس از انقلاب ثور در خارج بسر می‌برد. زبان مادری اش دری بود.

[۲۶] Ежов Г.П. Краткий биографический справочник.- М., ۲۰۰٤. С.۲۲۸.
ایژوف گ. پ. معلوماتی کوتاه بیوگرافیکی. مسکو سال ۲۰۰۴، چاپ دوم، ص.۲۲۸-
علی‌احمد پوپل در سال ۱۹۱۷ در کابل بدنیا آمد. او در مکتب نجات آموزش دیده بود. درجهء دکترای فلسفه را از دانشگاه ایین (آلمان) بدست آورده بود. در سال ۱۹۴۲معلم جغرافیه و در سال ۱۹۴۶ مدیر لیسه نجات بود. در سال‌های ۱۹۴۶-۱۹۴۹ مدیر دارالمعلمین کابل بود. در سال‌های ۱۹۴۹-۱۹۵۱ رییس تدریسات وزارت معارف، در سال‌های ۱۹۵۲- ۱۹۵۶ معین و در سال‌های ۱۹۵۶- ۱۹۶۴ وزیر معارف و بعداً معاون دوم صدارت بود. وی در سال‌های ۱۹۶۴- ۱۹۶۶ سفیرافغانستان در آلمان و در سال‌های ۱۹۶۷- ۱۹۶۸ سفیر در ترکیه بود. در سال ۱۹۶۶- ۱۹۶۷ معاون صدارت عظمی و هم‌زمان وزیر معارف بود. سپس (سال‌های ۱۹۶۹-۱۹۷۴) سفیر در

ملکیار،[۲۷] و عبدالرووف سرپرست وزارت‌اقتصاد ملی که به مشی اقتصادی طرح شدهٔ حکومت مخالفت کرده و در ماه جنوری محمدداوود استعفاءاش را پذیرفت، به قدرت رسیدند.[۲۸]

در سال ۱۹۵۶ محمدداوود ترکیب کابینه اش را تغییر داد. نظر به پیشنهاد صدراعظم و با موافقه شاه چنین دگرگونی بعمل آمد: وزیرفوایدعامه عبدالحکیم (شاه عالمی مترجم) وزیرداخله شد. سید عبدالله[۲۹] قوماندان و والی کابل به حیث سرپرست وزارت‌عدلیه تعیین شد، عبدالملک سرپرست وزارت‌مالیه، محمدیوسف سرپرست وزارت‌معادن و صنایع، محمدمرید سرپرست وزارت‌مخابرات به حیث وزرا در وزارت‌های مربوط برگزیده شدند و محمدهاشم میوندوال رییس مطبوعات به حیث معین وزارت‌امورخارجه احراز وظیفه کرد. همچنان معین وزارت‌صحت‌عامه عبدالظاهر بحیث سرپرست وزارت‌صحت‌عامه و معین فوایدعامه محمدکبیر منحیث سرپرست آن وزارت گماشته شدند.[۳۰]

پاکستان و سفیر در اتحاد شوروی (۲۱ دسامبر ۱۹۷۷- ۱۵ می ۱۹۷۸) بود. او نویسندهء مقاله هایی زیادی در مطبوعات داخلی و خارجی بود. پس از انقلاب ثور در کابل زندگی می‌کرد.

[۲۷] Ежов Г.П. Краткий биографический справочник.- М., ۲۰۰٤. С..۱٤۳

ایژوف گ. پ. معلوماتی کوتاه بیوگرافیکی. مسکو سال۲۰۰۴ ، چاپ دوم، ص.۱۴۳-

عبدالله ملکیار فرزند عبدالاحمد در سال ۱۹۰۸ در غزنی بدنیا آمده بود. او از لیسه استقلال و انستیتوت تهران فارغ شده بود. وی رییس هیأت دولتی برای خرید تجهیزات در اروپا با مرکزیت آلمان (۱۹۷۳) بود. همچنان او معاون دِ افغانستان بانک و هم‌زمان معاون سوم و وزیر اقتصاد ملی بود. در سال‌های ۱۹۴۴- ۱۹۴۹ والی هرات و در سال ۱۹۴۸ وزیر مخابرات بود. او در سال ۱۹۵۳ رییس پروژه آبیاری وادی هلمند شد. در سال ۱۹۵۷ وزیر تجارت و در سال ۱۹۵۸ وزیر مالیه بود. وی در سال ۱۹۶۳ معاون صدراعظم شد. در سال ۱۹۶۴ سفیر در لندن، در سال ۱۹۶۶ سفیر در واشنگتن و در سال ۱۹۷۶ سفیر در تهران بود. از سال ۱۹۸۰ به بعد در ایالات متحده امریکا می‌زیست.

[۲۸] ۳/۰۱. انیس شماره مورخ ۳ جنوری سال ۱۹۵۵.

[۲۹] - Ежов Г.П. Краткий биографический справочник.- М., ۲۰۰٤. С.۲۵۰

ایژوف گ. پ. کتاب معلوماتی کوتاه بیوگرافیکی. مسکو سال۲۰۰۴، چاپ دوم، ص.۲۵۰ سید عبدالله فارغ لیسه حبیبیه بوده، معلم و کارمند وزارت معارف بود. پسانها مدیر لیسه حبیبه، معاون (معین) وزارت معارف (۱۹۴۲)، وزیر عدلیه (۱۹۵۶) و معین وزارت داخله بود (۱۹۵۷).

[۳۰] Ежов Г.П. Краткий биографический справочник.- М., ۲۰۰٤. С.۲۵۰.

همانجا:...

هم‌زمان دگرگونی‌هایی در پست‌های دیگر دولتی نیز رخ داد: عبدالستار شالیزی به حیث معاون رییس مستقل مطبوعات (که عملاً کار رییس کل اداره را انجام می‌داد) و والی میمنه میر عبدالعزیز به حیث والی و رییس تنظیمهٔ ولایت کابل تعیین شده و جایش را به غلام حیدر داد. [۳۱]

نظر به پیشنهاد وزیرمعارف، شورای وزیران شاعر مشهور گل پاچا الفت[۳۲] به حیث رییس «پشتو تولنه» یا اکادمی علوم افغانستان به جای صدیق رشتین که پست مشاوریت وزارت‌معارف را احراز کرده بود، تعیین گردید.[۳۳]

محمدداوود جوانان و تحصیلکردگان را به کارهای دولتی و اداری جلب نموده و از دانشجویان پوهنتون (دانشگاه) کابل خواست از برنامه هایش حمایت کنند. برای کسب اعتماد دانشجویان داوودخان فارغ التحصیلان فاکولتهٔ حقوق را مستقیماً به حیث رؤسا در شهرداری‌های کابل و ولایات مقرر کرده و هم‌زمان از وزارتخانه‌ها و ادارات می‌خواست به مسأله اشغال و کاریابی کارشناسان جوان توجه نمایند. او همچنان پنجاه نمره زمین را برای ساختمان مسکن‌های ارزان قیمت برای نادارترین فارغان مطابق برنامهٔ بانک رهنی و تعمیراتی تخصیص داد. به اینگونه او توانست

---

[۳۱] آرشیف وزارت خارجه روسیه:

АВП РФ. ١٩٥٤. Ф.٠٤٢. Д. ١. П.-٨٨ - ٣٤

[۳۲] ٢٨ Ежов Г.П. Краткий биографический справочник.- М., ٢٠٠٤. С.٢٥٠
ایژوف گ. پ. معلوماتی کوتاه بیوگرافیکی. مسکو سال ۲۰۰۴، ص.۲۹۷.
گل پاچا الفت در سال ۱۹۰۹ در ولایت لغمان زاده شده و فرزند میر سید پاچا بود. او تعلیمات اسلامی را آموخته بود. در سال ۱۹۳۶مدیر مسوول روزنامه انیس شد. همچنان به عضویت اکادمی «پشتو تولنه» و انجمن ادبی درآمد. در سال ۱۹۳۸ مدیر مسوول جریده زیری شد. در سال ۱۹۴۱ رییس بخش زبان و ادبیات پشتو در پشتو تولنه شد. او محرر جراید زیادی بود. او در سال ۱۹۴۹ آمر اداره قبایل ولایت ننگرهار بود. وی اشتراک کنندهء لویه جرگه سال ۱۹۵۶ و ۱۹۶۴ بود. در سال ۱۹۵۷ مدیر پشتو تولنه شد. سپس در سال ۱۹۶۳ رییس اداره قبایل شد. او وکیل شورا در دوره های ۷ و ۸ بود. همچنان او صاحب امتیاز و مدیر مسوول جریدهء «ولس» بود. الفت همچنان یکی از بنیانگذاران جریان «ویش زلمیان» پنداشته می‌شود. از قلم وی مقالاتی با مضامین اجتماعی و سیاسی نشر شده است. الفت یکی از مشهورترین شاعران زبان پشتو است. او بتاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۷۷ وفات کرد.

[۳۳] روزنامه اصلاح، ۳۱ می سال ۱۹۶۵

توجه قشر تحصیلکرده را به دگرگونی‌های نوین جلب نموده و زمینهٔ اشتراک آنها را در تحقق برنامه‌های اقتصادی حکومت عملی سازد.[۳٤]

۳. سیاست نوین اقتصادی محمدداوودخان (۱۹٥٤-۱۹٦۱)

در سال ۱۹۵۴ محمدداوودخان مشی سیاسی «اقتصاد رهبری شده» را در پهلوی اقتصاد بازار آزاد اعلام کرد. این سیاست «اقتصاد رهبری شده» باعث گسترش شالوده‌های اجتماعی رژیم شد.[۳٥]

در سال‌های ۵۰- ۶۰م. با تلاش‌های رژیم محمدداوود نقش سکتور دولتی در زندگی اقتصادی کشور گسترش یافت. در این راستا به عرصه‌های راه‌سازی، ایجاد مؤسسات صنعتی، گسترش شالودهٔ انرژیتیکی کشور، پژوهش و استخراج معادن، تقویه سیستم کریدت‌دهی کشور و پرورش کادرهای ملی توجه ویژه می‌شد. گرچه رهبری دولتی اقتصاد در شرایط افغانستان بشکل قسمی عملی می‌شد، بازهم تاحدودی باعث ارتقای تولید، بهبود وضعیت مادی و مالی کشور و بهتر شدن اشتغال مردم می‌شد.[۳٦] در دورهٔ صدارت محمدداوود یک‌سلسله اصلاحات اجتماعی - اقتصادی عملی شدند.

در زمان حکومت نامبرده، بنیان انکشاف ترانسپورت عصری، انرژی و صنایع کیمیاوی، فلزکاری هِشته شده و برنامه درازمدت اصلاحات زمین (ارضی) ترتیب شد. در ین زمان ده‌ها هزار افغان تخصص‌کاری آموخته و برخی هم بخارج جهت آموزش فرستاده شدند.

---

[۳٤] ۳۰۷افغانستان در قرن بیستم. پشاور.سال ۲۰۰۷ ص. ، امین الله دریځ

[۳٥] - Коргун В.Г. История Афганистана XX век. - М., ۲۰۰٤. С.
کارگون و. گ. افغانستان در قرن بیست، مسکو سال۲۰۰۴ ، ص.۳۰۴ .

[۳٦] История вооруженных сил Афганистана ۱۷٤۷-۱۹۷۷Отв. ред. Ю.В. Ганковский. -
М., ۱۹۸٥. С. . ۱۰۷۱۰۷. تاریخ قوای مسلح افغانستان ازسال۱۷۴۷ تا.۱۹۷۷ سرمحرری. و. گانکوفسکی. مسکو۱۹۸٥. ص

در سال ۱۹۵۴ عملاً تحقق مشی نوین اقتصادی آغاز شد. گام نخست در این راستا سرشماری نفوس کابل بود. نظر به این سرشماری تعداد باشندگان پایتخت به ۲۰۹۴۷۶ نفر می‌رسید. نظر به ارقام به دست آمده در برابر هر ۱۰۰۰ نفر ۳۰ تن بدنیا می‌آمد و از هر ۱۰۰۰ نفر ۱۰ تن فوت می‌کرد.[۳۷]

گام دوم کنترول صعود قیم و تثبیت بهای محصولات اساسی و کالاها بود. همچنان قانون جدید کار ترتیب شد. نظر به این سند، زمان کاری هفته وار ۴۵ ساعت بود که در برابر اضافه کاری باید پول پرداخت شده، حداقلِ دستمزد دوبرابر بیشترگردیده، همچنان زمان رخصتی درازتر شده و پرداخت‌های اجتماعی و تقاعد (بازنشستگی) بیشتر شدند.

در سال ۱۹۵۴ ترتیب و آماده نمودن پلان‌های انکشاف اقتصادی کشور که توسط عبدالملک عبدالرحیمزی پیشکش شده بود، آغاز گردید. چون وزیر نامبرده در ترکیه که شالودهٔ نظام مالی دولت آنرا اقتصاد نظامی و مشی اتاتیزم[۳۸] تشکیل می‌داد، تحصیل نموده بود، می‌خواست، عین مودل را در افغانستان عملی نماید. در این‌زمان همهٔ شرایط برای تحقق اندیشه‌های وی آماده شده بود. چنانچه ساختار حکومت بازسازی شده، تنظیم پلان‌های اقتصادی کشور آغاز گردیده، از کمک‌های خارجی برای سرمایه گذاری استفاده شده، کارشناسان خارجی برای

---

[۳۷] روزنامه اصلاح مورخ ۲۸ اکتوبر ۱۹۵۴

[۳۸] Этатизм/ étatism اِتاتیزم (ایتاتیسم) واژه فرانسوی است که از کلمهء دولت گرفته شده و ایدیولوژی است مبتنی بر نقش مطلق دولت بر جامعه و مداخلهء دولت در شئون اقتصادی و اجتماعی کشور و مردم.
اصول و اندیشه های اتاتیزم پسان‌ها در قرن بیست مورد استفاده مصطفی کمال اتاترک قرار گرفته و نخست در برنامهء حزب مردمی جمهوری‌خواه (درسال ۱۹۳۱) و سپس در قانون اساسی جمهوری ترکیه (۱۹۳۷) همانند دکترین رسمی اقتصادی پذیرفته شدند. سیاست اتاتیزم باعث رشد سریع اقتصاد ملی ترکیه شد. پس از جنگ دوم جهانی دولت ترکیه از سیاست اتاتیزیم بخاطر نفوذ بوژوازی بزرگ فاصله گرفت. بتدریج جای دکترین اتاتیزم را در نهایت «اقتصاد مختلط» گرفت. در سال‌های ۶۰ سدهء گذشته شعار «اِتاتیزم نوین» پیشکش شد. (مترجم خلیل وداد) http://iph.ras.ru/elib/۳۵۷۸html.

همکاری و امور ساختمانی دعوت شده و برای تقویه اردو اقداماتی رویدست گرفته شده بود.

در همین زمان در شورای ملی برای نخستین بار عبدالملک (عبدالرحیمزی) وزیرمالیه دربارهٔ بودجهٔ سال ۱۹۵٤-۱۹۵۵ بیانیه‌یی را ایراد کرد. او به نمایندگان بیان کرد که مجموع مصارف دولت ۱،۱۴۱،۰۰۸،۶۱۲ افغانی پیش‌بینی شده و نظر به مصارف بودجهٔ پیشین ۴۸۶،۸۳۳،۹۱۲ افغانی بیشتر می‌باشند. مصارف امور اجتماعی (عامه) به۹،۴۰۸،۵۴۷ افغانی افزایش یافته و به صحت عامه ۲۵،۷۴۲،۳۴۲ افغانی بیشتر هزینه شده بود.

در این اجلاس عبدالرحیم دربارهٔ مصارف نظامی اعلام کرد: «با درنظرداشت برخی پندارها ما نمی‌توانیم بیشتر از ۲۰ درصد کلی بودجه را به بخش نظامی تخصیص دهیم.[۳۹]

یک‌سال پس روزنامهٔ انیس[٤٠] متن بیانهٔ عبدالملک را که در شورای ملی دربارهٔ بودجه سال ۱۹۵۵ - ۱۹۵۶ ارائه کرده بود نشر کرد. بر مبنای ارقام مذکور بخش مصارف بودجه متشکل از ۳۰۱,۱۰۲,۱٦۲.۱ افغانی بود که از عواید دولت ٤۱٤,۲۸۸.۶ بیشتر بود. همچنان بخش مصارف بودجه سال ۱۹۵۶-۱۹۵۵ نظر به بودجه سال گذشته افزایش ۱۶۰،۰۱۳،۵۴۹ افغانی را نشان می‌داد.

مطابق اطلاع روزنامه انیس[٤١] مورخ ۱۴ دسامبر آمادگی برای ترتیب برنامه‌های انکشاف اقتصادی کشور آغاز شد. بدین منظور در چوکات وزارت‌مالیه شورای مشورتی ایجاد شد که در ترکیب آن کارشناسان اقتصاد، بازرگانی، مالیات و امور تخنیکی در زیر رهبری جنرال عبدالملک رحیمزی معاون صدارت و وزیرمالیه شامل بودند. پس از بررسی‌های طولانی وضعیت اقتصادی کشور و مشوره‌های گونه‌گون در وزارت‌مالیه چندین کمیته ایجاد شدند: کمیته‌های مالیات، تجارت، صنایع و

[۳۹] آرشیف وزارت خارجه روسیه:- АВП РФ. ۱۹٥٤. Ф. ٠٤٢. Д. ١. П. ٨٨

[٤٠] روزنامه انیس مورخ ۲۸ اگست سال ۲۸/۰۸/۱۹۵۵

[٤١] روزنامه انیس مورخ ١٤/١٢/١٩٥٤

معدن، زراعت، ترانسپورت و مخابرات. این کمیته‌ها وظیفه داشتند پیشنهادات معینی را برای تکمیل برنامه عمومی انکشاف اقتصادی پیشکش نمایند.

روزنامه اصلاح[۴۲] مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۵۴ چالش‌هایی را که برای رفع آنها این کمیته‌ها مؤظف شده بودند، بازتاب داد: کمیته زراعت باید مسأله افزایش حاصلات، بهبود زمین‌های کشاورزی، ایجاد کوپراتیف‌های زراعتی و انکشاف پیله‌وری را بررسی می‌کرد. کمیته امور ترانسپورتی باید مسایل بهبود ترانسپورت کشور، بهبود کارِ «شرکت سرویس» به مثابه مؤسسه مرکزی سهامی ترانسپورتی، ایجاد مؤسسه دولتی برای کنترول امور ترانسپورت، ترتیب پلان‌های مربوط به گسترش ترانسپورت هوایی و ایجاد راه‌های مواصلاتی را بررسی می‌نمودند. به کمیته امور بانکی پیشنهاد می‌شد تا بهبود مدیریت سیستم کریدت با ایجاد کنترول بر عواید اسعاری، تعیین مشی بانک‌ها و ترتیب قوانین بانکی را مد نظر داشته باشد.

کمیته امور صنایع مکلف به تعیین اهداف مربوط به انکشاف صنعت، تعیین امتیازات برای صنایع و استقرار کنترول بالای آن بود. و کمیته استخراج معادن مؤظف به سروی و تعیین مقدار ذخایر معدنی، ترتیب پیشنهادات به حکومت برای تمویل پروژه‌ها و جلب کارشناسان و تمویل کنندگان خارجی در عرصه‌های مناسب استخراج معادن بود.

در اپریل سال ۱۹۵۴ حکومت داوودخان قانون سرمایه گذاری خارجی را تصویب کرد که در آن دسترسی سرمایه‌گذاران خارجی در همه عرصه‌های اقتصاد افغانستان پیش‌بینی شده بود.

بخاطر مؤثریت بیشتر برنامه‌های اقتصادی عبدالملک رحیمزی وزیرمالیه در اگست سال ۱۹۵۴ هم‌زمان مسؤلیت اداره وزارت‌اقتصاد ملی را نیز عهده‌دار شد.[۴۳] او فعالیتش را از ریفورم سیستم بانکی آغاز کرد. در سال ۱۹۵۴ - ۱۹۵۵ در کابل

[۴۲] - روزنامه اصلاح مورخ۱۱/۱۲/۱۹۵٤.
[۴۳] - روزنامه اصلاح، مورخ ۲۸/۰۸/۱۹۵٤-

دو بانک جدید - بانک رهنی و تعمیراتی و بانک انکشاف زراعتی[٤٤] بنیان‌گذاری شده و محدودیت‌ها برای ورود ۱۰۱ قلم جنس لوکس از میان برداشته شدند.[٤٥]

در ماه سپتامبر همان سال عبدالملک رحیمزی در حضور اعضای اتاق تجارت کابل در وزارت‌اقتصاد بیانه‌یی داد که طی آن از حلقات بازرگانی کشور درخواست نمود به حکومت در راستای اقدامات تجارتی همکاری نموده و در تثبیت قیمت‌ها در مغازه‌های خصوصی کمک کنند.[٤٦]

در جریان سال ۱۹۵۴ وزارت‌اقتصادملی اقداماتی معین تشکیلاتی را برای ایجاد بانک «دِ پشتنی تجارتی بانک» انجام داد. چنانچه روزنامۀ انیس[٤٧] مورخ ۴ دسامبر گذارش داد که سرپرست وزارت‌مالیه عبدالملک از این بانک دیدن کرده و توصیه کرد: «هرچه عاجل باید به گشایش این مؤسسه که نقش مهمی را در سهولت امور بازرگانان خواهد داشت، اقدام شود.»

بنابر اطلاع روزنامۀ انیس[٤٨] مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۵۴ قانون تجارت که دارای ۹۴۴ ماده بوده و مسوولیت‌های محاکم تجارتی و بازرگانان را مشخص کرده، مسایل مربوط به رشد تجارت خارجی و استفاده کشور از سرمایه گذاری خارجی را نیز معین نموده بود، نافذ شد..

در ماه نوامبر سال ۱۹۵۵ عبدالملک در بیانه اش خاطر نشان کرد: «زمانی که حکومت به ایجاد بانک‌ها و پیشبرد اقدامات برای تنظیم فعالیت‌های ادارات تجارتی آغاز کرد، صداهایی بگوش می‌رسید که گویا حکومت کار تجارتِ خصوصی را نابود کرده و کار بازرگانی را خود به عهده می‌گیرد... آیا حکومت هیچ اقدامی را

---

[٤٤] Гуревич Н.М. Экономическое развитие Афганистана/ Отв. ред. Ганковский Ю.В. – М., ١٩٧٢. С. ١٢٥. - گوریویچ، رشد اقتصادی افغانستان . تحت نظر گانکوفسکی ی. و. مسکو سال۱۹۷۲ ، ص۱۲۵

[٤٥] روزنامه اصلاح، مورخ۲۸/۰۸.

[٤٦] همانجا...

[٤٧] روزنامه انیس مورخ, ٤/١٢/١٩٥٤

[٤٨] روزنامه انیس مورخ, ١١/١٢/١٩٥٤

برای جلوگیری از حوادث نامطلوب در پیش نگیرد؟ آیا حکوت برای تجارت و تقویه اقتصاد کشور نباید راه‌های بیرون رفت را جستجو کند؟». عبدالملک از جمله بیان کرد که در طی سالیان گذشته به دهقانانی که مشغول کشت پخته اند، همکاری نشد، در نتیجه وضعیت این کشاورزان بدتر شده، کشت پنبه کاهش یافته و به اقتصاد کشور ضربهٔ سهمگینی وارد شد.»[۴۹]

بانک دولتی «دِافغانستان بانک» به انحصار گسترده در عرصهٔ عملیات اسعاری و بخش‌های تجارت و صنایع کشور دست یازید. پس از آن این بانک تمام اسعار خارجی را که در نتیجهٔ صادرات و به ویژه فروش پشم و پنبه عاید می‌شد، ثبت نموده و آنها را به نگه‌داری این عواید در بانک مؤظف می‌کرد. تا ٪۴۰اسعار خارجی را بانک به ۲۱ افغانی در برابر هر دالر و ٪۶۰ را به ۳۰ افغانی از هر دالر محاسبه می‌کرد.

در ماه جولای ۱۹۵۵ افغانستان به عضویت بانک بین‌المللی بازسازی، توسعه و صندوق بین‌المللی پول شامل شد.[۵۰]

در ماه سپتامبر ۱۹۵۵ پارلمان کشور تفاهم نامهٔ منعقده ۲۲ جون ۱۹۵۵ با بانک بین‌المللی بازسازی، توسعه و صندوق بین‌المللی پول را در کنفرانس ملل متحد در بریتون وُدس (ایالات متحده) تأیید کرد.[۵۱]

در سرمقالهٔ روزنامهٔ انیس مورخ ۱۷ نوامبر پیرامون عضویت افغانستان در بانک بین‌المللی بازسازی، توسعه و صندوق بین‌المللی پول آمده بود: «ما امیدواریم که بتوانیم از بانک بین‌المللی کریدت‌هایی را برای رشد صنایع افغانستان و انکشاف تولیدات زراعتی به دست آوریم. زمانی که سرمایه‌گذاران خارجی به کشور ما توجه نمایند، سرمایه‌ها نیز به کشور وارد شده و در آن‌صورت می‌شود، نتایج کمک بانک

[۴۹] آرشیف وزارت‌خارجه فدارسیون روسیه:...АВП РФ. ١٩٥٥. Ф. ٠٤٢. Оп. ٦٧а. Д. П.٨٦
[۵۰] همانجا - ۴۵
[۵۱] همانجا -۴۶-

بین‌المللی را ارزیابی کرد».[۵۲]

وزیر اقتصاد ملی افغانستان عبدالرووف هنگام سفرش به ایالات متحده از مسوولان بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه و صندوق بین‌المللی پول خواستار کمک به اقتصاد افغانستان شد. او همچنان از تصویب قانون سرمایه گذاری خارجی و امتیازاتی که به سرمایه‌گذاران خارجی مطابق این قانون داده می‌شد، معلومات داد.

در ماه دسامبر سال ۱۹۵۵ در کابل، بانک رهنی و تعمیراتی با سرمایهٔ ۶۰ ملیون افغانی ایجاد شد. مهم‌ترین اهداف این بانک اعطای قرضه‌های گوناگون برمبنای رِهن (گرو) دارایی‌های منقول، دادن وام‌های کوتاه مدت بر مبنای ضمانت اسهام شرکت‌ها و بانک‌ها، اجرای عملیات گوناگون بانکی در امور ساختمانی، مددرسانی به شرکت‌ها و مؤسسات ساختمانی شاغل در امر صادرات کالاهای ساختمانی و همچنان واردات چنین اجناس از خارج اند؛ اعلام شد. همچنان فیصله شد، کریدت‌های کوتاه مدتِ با ٪۶ سود بانکی به صادرکنندگان قره‌قل برای خرید پوست داده شود.[۵۳]

گشایش رسمی بانک به تاریخ ۵ جنوری سال ۱۹۵۵ صورت گرفت. به این مناسبت وزیراقتصاد عبدالملک بیانیه‌یی ایراد کرده و طی آن خاطر نشان ساخت که او «تلاش زیادی برای ایجاد این مؤسسه که بزرگ‌ترین گام در راستای تحکیم اقتصاد و بهبود وضعیت تاجرا ن است، نموده است».

همچنان در جنوری همان سال او در اتاق‌های تجارت کابل بیانیه‌یی پیرامون برنامه‌های اقتصادی دولت ایراد نمود. از جمله وی گفت که حکومت قصد ندارد تجارت را به دست خود گیرد. عبدالملک از بازرگانان درخواست کرد، با

---

[۵۲] روزنامه انیس مورخ ۱۷ نوامبر۱۹۵۵.

[۵۳] آرشیف وزارت خارجه فدارسیون روسیه:

АВП РФ. ۱۹۵۵. Ф. ۰٤۲. Оп. . ٦٦б. Д. ۱. П. ۸۸...

وزارت‌اقتصاد ملی برای تحقق برنامه‌های نو اقتصادی همکاری نزدیک نمایند.[۵۴]

باوجود یک سلسله اقدامات بهای مواد مورد ضرورت اولیه افزایش یافت. بنابراین وزارت‌اقتصادملی مجبور شد، باصطلاح حد اعظم قیمت‌ها را معین سازد که برشالودهٔ آن وارد کنندگان محصولات وارداتی تا ٪۱۰ و فروشندگان تا ٪۷ حق مفاد را داشتند. مگر بیش‌ترینهٔ بازرگانان برخلاف فیصلهٔ حکومت به افزایش بهای کالاهای‌شان ادامه می‌دادند که با اقدامات شدید دولت مواجه می‌شدند. چنانچه روزنامهٔ اصلاح به تاریخ ۲ اکتوبر ۱۹۵۵ نوشت، «تاجرانی که نمی‌خواستند، قیمت‌های محصولات را مناسب سازند، جریمه شدند و مغازه‌های یکعده تاجر توسط کمیسیون تفتیش برای مدت معین بسته شد».

اجرای یک‌سلسله اقدامات مهم اقتصادی مصارف قابل ملاحظه‌یی را می‌خواست و بنابراین حکومت تلاش می‌نمود مالیات اضافی را عملی کند. در ماه اکتوبر سال ۱۹۵۵ شورای ملی پیش‌نویس جدید قانون مالیه از بازرگانان، کارمندان، کارگران، پیشه‌وران و غیره اصناف را به بررسی گرفت. بر مبنای پیش‌نویس این قانون اندازهٔ مالیات در نظر گرفته شده نظر به گذشته افزایش می‌یافت. هویدا بود که فشار اصلی پرداخت مالیه بازهم متوجه مردم عادی که بی‌آنهم در شرایط دشواری زیست می‌نمودند، بود.

به تاریخ ۹ نوامبر ۱۹۵۵ وزارت‌اقتصادملی کمیسیون پلانگذاری اقتصادی را سازماندهی کرد که در تشکیل آن معین وزارت‌زراعت غلام صدیق، رییس دِ افغانستان بانک حبیب‌الله، رییس بانک انکشاف زراعتی محمداکبر پامیر، رییس انحصارت دولتی موسوم به «دیپو» احمدالله کریمی و یکعده رؤسای وزارت ذکرشده عضویت داشتند.[۵۵] به کار کمیسیون برخی کارشناسان عرصه‌های گوناگون اقتصاد نیز جلب شدند. عبدالملک طی یک گذارش در جلسه کمیسیون نامبرده

[۵۴] همانجا، آرشیف وزارت خارجه فدارسیون روسیه:
- АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٥. Оп. ٦٦б. Д. ١. П. ٨٨..

[۵۵] ...

که متن آن در روزنامۀ اصلاح[۵۶] نشر شد، در پایان سال ۱۹۵۵ اعلام کرد که وظیفه اساسی کمیسیون اینست که در آینده نزدیک پلان انکشاف عرصه‌های مختلف اقتصاد کشور را ترتیب نماید.

در روزنامه انیس مورخ ۴ دسامبر[۵۷] مقاله‌یی زیر عنوان «بانک‌ها نظارت امور سرمایه‌های خصوصی را به عهده می‌گیرند»، نشر شد. برمبنای این نبشته پشتنی تجارتی بانک، «بخاطر بهبود امور، گسترش تشکیل، یافتن راه‌های درست فعالیت با شرکت سرمایه‌های خصوصی، باید فعالیت خویش را تنظیم می‌کرد. فعالیت سرمایه‌داران خصوصی در بانک تجارتی نامبرده باعث تحکیم وضعیت مالی - اقتصادی کشور شده و منافع سکتور خصوصی با ضروریات اقتصادی دولت را منطبق خواهد ساخت».

در نیمۀ نخست دسامبر سال ۱۹۵۵شیوۀ پرداخت‌های شرکت‌هایی که حق انحصاری صدور قره‌قل را داشتند، تغییر خورد. در گذشته آنها در برابر هر جلد پوست با کیفیتِ قره‌قل ۵ افغانی و در برابر پوست‌های دیگر ۳ افغانی و در برابر پوست بره ۱افغانی پول به حساب شرکت نساجی واریز می‌کردند. مگر مطابق مقررۀ جدید این شرکت‌ها مؤظف بودند پرداخت‌های‌شان را بحساب بانک انکشاف زراعتی انجام دهند.[۵۸]

روزنامه انیس مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۵۵ خبری را پیرامون فیصلۀ حکومت و تصویب پادشاه برای لغو مالیۀ جنسی محصولات زمین و پرداخت پول به جای آن، نشر کرده بود.

اقدامات نامبردۀ حکومت افغانستان در عرصۀ سیستم بانکی و تجارتی باهدف برقراری کنترول و آزادیاد حجم محصولات بازرگانی صادراتی بود. البته برخی از این دگرگونی‌ها (مانند تغییر مالیۀ جنسی محصولات زمین به مالیۀ پولی) باعث رشد

---

[۵۶] - روزنامه اصلاح مورخ: ۱۰/۱۱/۱۹۵۵

[۵۷] انیس مورخ: ۱۰/۱۱/۱۹۵۵

[۵۸] روزنامه اصلاح مورخ: ۱۶/۱۲/۱۹۵۵

مناسبات بازار آزاد در کشور می‌شدند.

عرصهٔ اصلی اقتصاد افغانستان زراعت بود که ٪۷۰ عاید اسعاری ملی کشور را تأمین می‌کرد. باوجود این سطح رشد کشاورزی همچنان پایین بود. گرچه ٪۸۰ نفوس مملکت مشغول زراعت بود، با آنهم کشاورزی نمی‌توانست کشور را با محصولات لازمی خوراکی و مواد خام تأمین کند. کشاورزی از سه عرصه تشکیل شده بود که عبارت بودند از: زمینداری، مالداری و باغداری.

در عرصهٔ زمینداری تولید محصولات خوراکی (گندم، برنج و جواری) و در عرصهٔ محصولات تخنیکی (کشت پنبه و لبلبو) بخش اساسی را تشکیل می‌دادند. چنانچه صدور پنبه ۲۰ تا ۲۵ در صد صادرات کشور را تشکیل می‌داد.[۵۹]

در عرصهٔ مالداری پرورش گوسفند منجمله گوسفند قره‌قل که ٪۲۵ عاید سالانهٔ صادرات کشور را تشکیل می‌داد، جایگاه عمده را داشت.

در عرصهٔ باغداری بیشتر مرکبات (مالته و لیمو)، میوه‌های سردرختی (سیب، ناک و انار) و انگور تولید می‌شدند. صادرات این کالاها سالانه به کشور تا ٪۴۰عاید اسعاری را به‌بار می‌آورد.

به علت سطح پایین تخنیک کشاورزی، تولید میوه‌های نامبرده چندان زیاد نبود. چنانچه در جریان پنجسال (۱۹۵۴ - ۱۹۵۸) حد اوسط حاصلات زراعتی از هر هکتار چنین بود: گندم ۹ - ۱۰ کیلوگرام، جواری ۱۶ - ۱۸ کیلوگرام، برنج ۱۵ کیلو، پنبه ۷ - ۹ کیلوگرام و لبلبو ۶۰ - ۸۰ کیلوگرام. به قول وزیرمالیه عبدالملک در سال ۱۹۵۴در کشور ۲ ملیون تُن گندم، ۳۰ هزار تن پنبه، ۹۰ هزار تن محصولات تخنیکی دیگر و ۵ هزار تن شکر تولید شده و ۲،۲ ملیون جلد پوست قره‌قل جمع‌آوری شده بود.[۶۰]

---

[۵۹] آرشیف وزارت خارجه فدارسیون روسیه:
АВП РФ. Ф. ۰٤۲. ۱۹۵۵. Оп. ۷۰. Пор. ۱. П. ۸۸

[۶۰] همانجا

میانگین محصول ناخالص زراعتی سالانه در کشور (به حساب هزار تن) چنین بود: گندم - ۲۲۳۵، جو - ۲۸۰، برنج - ۳۱۶، کچالو - ۱۰۸، جواری - ۷۲۹، ترکاری و محصولات فالیزی - ۱۰۰، انواع میوه - ۶۷۶، پنبه - ۶۵، تنباکو - ۲۲، لبلبو - ۳۸، نیشکر - ۱۱۶، نباتات روغندار - ۵۰.

قابل یاددهانی است، در سال ۱۹۵۹ در جاهایی که از تکنالوژی زراعتی استفاده می‌شد، حاصل بیشتری نسبت به مقدار میانه کشور به دست می‌آمد: گندم از ۳۰ تا ۳۵ کیلوگرام از هکتار، جواری از ٤٠ تا ٤٥ کیلوگرام از هکتار، پنبه از ۲۵ تا ۳۰ کیلوگرام از هکتار، لبلبو در حدود ۲۰۰ کیلو از هکتار که این ارقام شاهد امکانات گسترده در امر ارتقای حاصل‌دهی کشاورزی در افغانستان که مساحت آن برابر به ۶۵۲ هزار کیلومتر مربع و یا ۶۵ ملیون هکتار است، می‌باشد.

تقسیم‌بندی زمین‌های افغانستان از جدول زیر واضح میگردد: [۶۱]

مشخصات	ملیون هکتار	٪ آن بتناسب مساحت کل
۱. زمین‌های غیرقابل کشت (کوه‌ها، محلات ساختمانی و راه‌ها)	۹،۴۵	۷۶
۲. چراگاه‌ها و مرغزارها	۳،۲	۵
۳. جنگلزارها	۱	۱،۵
۴. کشتزارها	۹	۱۴
۵. زمین‌های قابل استفادهٔ که مورد کشاورزی قرار ندارند	۲،۳	۳،۵
جمع کل	۶۵	۱۰۰٪

زمین‌های کشاورزی بنوبه خود به بخش‌های زیر تقسیم می‌شدند:[۶۲]

[۶۱] همانجا

[۶۲] آرشیف وزارت خارجه فدارسیون روسیه:
АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٥. Оп. ٧٠. Пор. ١. П. ٨٨

مشخصات	ملیون هکتار
۱. زمین‌های کشاورزی	۳۱،۵
شیوهٔ آبیاری این زمین‌ها:	
الف - توسط آب رودخانه ها	۳،۳۸
ب - بوسیله آب کاریزها	۰۶،۱
پ - توسط آب چشمه ها	۸۷،۰
۲. زمین‌های للمی	۴۹،۲
۳. زمین‌های للمی که استفاده نمیشوند	۲،۱
جمع کل	۹

برعلاوه حدود ۳،۲ ملیون هکتار زمین قابل کشت همچون زمین بایر بی‌حاصل همانند چراگاه استفاده می‌شد. از جمله۳۱،۵ ملیون هکتار زمین زراعتی نیم آن به علت نبود آب استفاده نمی‌شد. این زمین‌ها از ۱ تا ۲سال به آیش «بوره»[۶۳] گذاشته شده و پس از آن کشت می‌شدند، و آن قطعات زمین را که یک تا دو سال کشت کرده بودند، می‌گذاشتند یک - دو سال «آیش» (بوره) کند. این بدان معنی بود که بیش‌ترینه زمین‌های آبی همانند للمی هرساله کشت نمی‌شد.[۶۴] بنابراین در افغانستان سالانه مقدار قابل ملاحظه زمین استفاده نمی‌شد. ارقام پایینی گواه این گفته‌ها اند.

به قول وزارت‌زراعت در سال ۱۹۵۷/ ۵۸ ساحه زمین بذری (به هزار هکتار) چنین بود: [۶۵]

[۶۳] آیش واژه قبول شده ادبي استراحت (یا باصطلاح دمراستی) زمین و بوره اصطلاح مروج Hن در گویش دری است. (مترجم).

[۶۴] آرشیف وزارت خارجه فدارسیون روسیه:
АВП РФ. Ф. ۰۴۲. ۱۹۵۵. Оп. ۷۰. Пор. ۱. П. ۸۸.

[۶۵] همانجا...

۱.غله	۳۱۹۲
از جمله:	
– گندم	۲۲۲۵
– جواری	۴۰۵
– جو	۳۵۰
– برنج	۲۱۰
– ارزن	۲
۲. اقلام دیگر بذری	۱۲۶۲
از جمله:	
– حبوبات	۱۵۰
– کچالو	۱۲
– سبزی‌ها و محصولات فالیزی	۱۰۰
– انگور و میوه های دیگر	۱۰۰۰
۳. حاصلات تخنیکی	۲۵۵
از جمله:	
– پنبه	۸۰
– تنباکو	۲۲
– لبلبو	۶
– نیشکر	۲،۹
– نباتات روغندار	۱۴۴
علوفه	**۶۰**
جمعاً	**۴۷۶۹**

به این ترتیب از ۹ ملیون هکتار زمین قابل کشت بیشتر از ۴۲۳۰ هکتار آن سالانه استفاده نشده، آیش و یا و به اصطلاح «بوره» می‌کرد و به این ترتیب روند بدون بذر ادامه می‌یافت.

از نمونه‌های یادآوری شده برمی‌آید که بطور تقریبی به اندازه یک هکتار زمین قابل کشاورزی بحساب سرانۀ ملی می‌رسید، که از جمله نیم هکتار زمین قابل آبیاری بود. این مقدار زمین در صورت استفادۀ درست می‌توانست باعث رشد زراعت و تولید مقدار لازمی حاصلات و مواد خام شود.

از سویی رشد ضعیف کشاورزی نمی‌توانست، شرایط لازم برای انکشاف مالداری

را به‌بار آورد. عدم موجودیت امکانات برای تأمین علوفه باعث بازدهی پایین آن می‌شد. چنانچه جمع‌آوری سالانه شیر بحساب یک رأس گاو ۵،۱ - ۲ هزار کیلوگرام بود. شرایط نابسامان نگه‌داری حیوانات اهلی علت بیماری‌های حیوانی و مرگ آنها بود. حد میانهٔ مرگ و میر حیوانات در مرحلهٔ نامبرده به ۲۰ در صد می‌رسید.

در سال ۱۹۵۹ در کشور تعداد کلی مواشی چنین بود:[٦٦]

گاو	۲ ملیون
گوسفند	۴۳ ملیون
بز	۸ ملیون
خر	۶۷۰ هزار
شتر	۲۲۰ هزار
اسپ	۱۹۰ هزار

دوران کالایی در عرصهٔ کشاورزی بسیار پایین بود. بصورت عموم تمام محصولاتی که توسط مردم تولید می‌شد، توسط خود آنان نیز مصرف می‌شد. البته پنبه، قره‌قل، پوست، پشم (کرک) بز و شتر، غله، نباتات روغندار، میوه‌ها و انگور که بخشی از آنها به سفارش شرکت‌ها تولید گردیده و به خارج صادر می‌شدند، در این میان سوا بودند.

در سال ۵۶/۱۹۵۵ دو شرکت صادراتی میوه بنام («میوه» در کابل با سرمایهٔ ۵،۷ ملیون افغانی و «میوه» در قندهار با سرمایهٔ ۷ ملیون افغانی) و همچنان شرکت صادرات دانه‌های روغنی («حبوبات» در مزارشریف با سرمایهٔ ۷ ملیون افغانی و شرکت «کنجد و زغر» در کابل با سرمایهٔ ۵،۲ ملیون افغانی) و غیره به کار آغاز نمودند.[٦٧]

---

[٦٦] آرشیف وزارت خارجه روسیه:
АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٥. Оп. ٧٠. Д. ١. П. ٨٨

[٦٧] Гуревич Н.М. Очерки истории торгового капитала в Афганистане / Отв. ред. Ю.В. Ганковский. - М., ١٩٦٧. С. ٩٧.
گوریویچ ن.م. رساله‌ء سرمایه‌ء بازرگانی افغانستان، تحت نظر گانکوفسکی، ی. و. مسکو ۱۹۶۷. ص. ۹۷.

همچنان سطح میکانیزه شدن کشاورزی خیلی پایین بود. در سال ۱۹۵۹ بصورت کل در سطح کشور ۱۴ ماشین بذر افشانی، ۷۲ عراده تراکتور، ۲۴ عراده تراکتور شخم زنی، ۳۱ واسطه قلبه، ۹ عدد اسپار اسپی، ۳۶ وسیلۀ درو و ۲۴ عدد واسطۀ علف دروی، موجود بود.[۶۸]

وسیلۀ اساسی بذر زمین قلبه (گاوآهن)[۶۹] بود که تعداد کل آن در سال‌های ۵۰ میلادی ۹۱۴ هزار می‌رسید. از این جمله ۴۶۴ هزاران با اسپار فلزی و ۴۵۰ هزار دیگر چوبی بودند. «ماله» وسیلۀ اصلی تسطیح زمین که یک تخته چوبی ضخیم بود، بشمار می‌رفت. وسیلۀ عمدۀ درو حاصل داس بود. تعداد کل داس در کشور ۱۸۷۲ هزار دانه بود که از جمله ۱۴۵۰ هزاران امریکایی و ۴۲۲ هزاران اتریشی بودند.[۷۰]

عرابۀ دو چرخی وسیلۀ اصلی ترانسپورت بود که فقط در اختیار کشاورزان‌دارا قرار داشت. بیش‌ترینه دهقانان بارهای‌شان را بوسیلۀ حیوانات بارکش انتقال می‌دادند.

در عرصه کشاورزی کمبود جدی کارشناسان چون انجنیران زراعتی، کارشناسان پرورش حیوانات (زوتخنیک)، وترنران و غیره احساس می‌شد. در سال ۱۹۶۰ در این عرصه بصورت کل ۲ نفر کارشناس داخلی با تحصیلات عالی کار می‌کردند. بنابراین افغانستان مجبور بود کارشناسان کشاورزی را از کشورهای دیگر دعوت کند.

در سال ۱۹۶۰ در سیستم زراعت افغانستان ۵۳ کارشناس از ۱۳ کشور مشغول کار بودند. از آنجایی که بیش‌ترینۀ آنان برای کوتاه مدت (تا یک سال) به اینجا می‌آمدند، می‌توان با اطمینان گفت که کشور از وجود کارشناسان خارجی در عرصۀ کشاورزی سود لازم را نمی‌برد. بادرنظرداشت ویژه‌گی‌های زراعتی افغانستان لازم

---

[۶۸] آرشیف وزارت خارجه روسیه:
АВП РФ. Ф. ۰۴۲. ۱۹۵۵. Оп. ۷۰. Пор. ۱. П. ۸۸

[۶۹] درمتن اصلی روسی واژه «اوماچ» آمده است. (مترجم خلیل وداد.)

[۷۰] همانجا

بود که تعداد کمتر متخصصان خارجی برای مدت درازتر چون ۲-۳ سال دعوت شده و هم‌زمان مکاتب زراعتی برای آماده نمودن کادرهای ملی فعال شوند.[۷۱]

همان طوری که گفته شد، حکومت محمدداوودخان بانک انکشاف زراعتی را بنیان‌گذاری کرد که کار گسترده‌یی را در اعطای قرضه‌های بانکی برای رشد پیشه‌وری و انکشاف روستاها انجام می‌داد. بخش ناچیز دهقانان نیز از دولت قطعات زمین را دریافت می‌کرد. همچنان اعلام شد که اصلاحات ارضی عملی شده و قطعات اضافی زمین در برابر پول به کشاورزان داده خواهد شد. به این منظور بانک انکشاف زراعتی از تاریخ ۲۲ اگست تا ۱۱ دسامبر ۱۹۵۴ کریدت‌هایی را به مبلغ ٤١٥,٥٩٣.٥ افغانی اعطا کرد.[۷۲] در روزنامه انیس مورخ ۱۵ دسامبر[۷۳] همان سال مقاله‌یی جابجا شده بود پیرامون اینکه به دهقانان ولایات شمال کشور قرضه (پیش‌پرداخت)هایی برای آغاز سال ۱۹۵۴ جهت کشت پنبه به ارزش ۵۰ هزار تن پنبه داده شده است.

بروز ۳ جنوری سال ۱۹۵۶ پروژه انکشاف دهات ترتیب شد که یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین اقدامات حکومت محمدداوود بود. در این پروژه یک سلسله اقدامات جهت ارتقای سطح زندگی روستایان، بهبود و انکشاف اقتصاد روستاها، کشاورزی، معارف و صحت عامه در دهات و غیره در نظر گرفته شده بودند. آشنایی مردم با شیوه‌های نوین زندگی با استفاده از دست‌آوردهای علم و تخنیک، کمک مالی، استعمال وسایل و ابزار جدید از جملهٔ وظایف پروژه انکشاف دهات پنداشته می‌شدند. هم‌زمان مبارزه با فقر، نادانی و بیماری‌ها و بهبود شرایط زندگی روستاییان از وظایف اصلی حکومت اعلام شدند. در سال ۱۹۵۶ ریاست انکشاف دهات ایجاد شد. در سال‌های بعدی این اداره توسعه‌یافته و اقدامات گوناگونی

---

[۷۱] آرشیف وزارت خارجه روسیه:
АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٥. Оп. ٧٠. Пор. ١. П. ٨٨.

[۷۲] آرشیف وزارت خارجه روسیه:
АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٥. Оп. ٧٠. Д. ١. П. ٨٨

[۷۳] روزنامه انیس مورخ ١٥/١٢/١٩٥٤

برای بهبود سطح زندگی روستاهای کمری، بگرامی، ولایتی، بینی حصار، چهارآسیاب و وادی لوگر عملی شده وهمچنان برای انکشاف دەهای شیوه کی و پروان طرح‌هایی آماده شدند.

در آغاز کار، گروه کوچکی از کارمندان این اداره مشغول انتخاب منطقه‌یی در پروان برای پیشبرد آزمایشی «پروژه انکشاف دهات» شد. در نظر بود تا یک ناحیه‌ای که همراه با شرایط دیگر دارای حد اقل ۶۰ هزار باشنده باشد، انتخاب گردد. به ریاست انکشاف دهات بودجه ۱۵ملیون افغانی تخصیص داده شد. در ساختار اداره انکشاف دهات حدود ۴۰۰ نفر کار نموده و فعالیت‌هایش به همکاری مؤسسات و برخی سازمان‌های بین‌المللی اجرا می‌شد.[۷۴]

در چوکات این اداره در سال ۱۹۵۶ کورس‌های سواد آموزی بزرگسالان (اکابر) دایر شده و اقداماتی برای بهبود شرایط کار زنان پیشه‌ور عملی شد. همچنان در عرصه‌های معارف، صحت عامه و زمینداری پیشرفت‌هایی صورت گرفت.[۷۵]

عوامل اصلی حمایت از کشاورزی عبارت بودند از:[۷۶]

۱. موجودیت مناسبات نیمه فیوالی که برمبنای آن در حدود نیم دهقانان بی‌زمین که مجبور بودند آنرا از زمینداران بزرگ اجاره گیرند. و این در حالی بود که مدت اجاره زمین در بیشتر موارد میان ۱ تا ۲ سال را در بر می‌گرفت، باعث علاقمندی کشاورزان بخاطر بهبود زمین و بازدهی بیشتر آن نمی‌شد. اینها همه باعث کاهش حاصل‌دهی کشت می‌گردید که در همین سال‌ها بوضوح در کشور دیده می‌شد.

نبود مهارت‌های نوین کشاورزی و استفاده از ابزارهای ابتدایی باعث آن بود که زمینداران بزرگ نتوانند از زمین‌های‌شان (با تخنیک موجود زراعتی) بهره برداری درست کنند. بنابراین آن‌ها را با شرایط ۱/۲، ۱/۳، ۱/۴ و ۱/۵ حاصل مطابق به

---

[۷۴] آرشیف وزارت خارجه اتحاد شوروی:
АВП РФ. Ф. ۰۴۲. ۱۹۵۵. Оп. ۷۰. Д. ۱. П. ۸۸

[۷۵] همانجا- ۶۸

[۷۶] همانجا- ۶۹

کیفیت زمین اجاره می‌دادند. از سویی مناسبات بازار آزاد در زراعت بسیار به کندی نفوذ می‌کرد[۷۷] و این نفوذ از راه‌های زیر صورت می‌گرفت:

- الف - ایجاد شرکت‌های تهیه و فروش مواد خامِ محصولات کشاورزی و مالداری؛
- ب - اعطای قرضه‌ها به زمینداران بزرگ برای استفاده آنها در امور زمینداری؛
- پ - خرید وسایل تخنیکی کشاورزی (تراکتورها و ماشین‌های دیگر زراعتی)، ساختمان مؤسسات برای پروسس محصولات زراعتی.

۲. استفاده از شیوه‌های کهن بهره برداری از زمین.

در شرایط نبود تخنیک مدرن کشاورزی و حیوانات بذری همان طوری که پیشتر یادآوری شد، برمبنای شیوهٔ کهن فقط نیم زمین‌های آبی و للمی استفاده شده و نیمهٔ دیگر باصطلاح «بوره» یا دم‌گیری می‌کرد. همچنان به دلیل استفاده از اسپارهای کوچک و ناتوان ۱۰- ۱۲سانتیمتری بذر دانه‌ها عمیق نبود. آبیاری کشت‌ها بطور تصادفی و بدون در نظرداشت نورم و ضرورت به آب صورت می‌گرفت. بسیاری از مواد (مانند پنبه، جواری و لبلبو) به جای آنکه طور منظم و ردیف شده بذر شوند، بصورت پاشان و با دست کشت می‌شدند.[۷۸]

اینها همه باعث بی‌حاصلی و هرزگی زمین شده شرایط لازم را برای افزایش بهره‌دهی زمین و حاصل‌دهی بهتر مهیا نمی‌ساخت.

۳. استفاده بی‌رویه و بی‌برنامه کریدت‌های دولتی از طریق بانک انکشاف زراعتی که به جای افزایش بازدهی محصولات کشاورزی و مواد خام در بخش‌های سودآور دیگر مانند تجارت و غیره استفاده می‌شدند.

---

[۷۷] آرشیف وزارت خارجه روسیه:

АВП РФ. Ф. ۰۴۲. ۱۹۵۵. Оп. ۷۰. Д. ۱. П. ۸۸.

[۷۸] همان‌جا

АВП РФ. Ф. ۰۴۲. ۱۹۵۵. Оп. ۷۰. Д. ۱. П. ۸۸.

۴. بهای تصادفی و خودانگیخته محصولات کشاورزی و مواد خام باعث آن می‌شد که دهقانان دیگر علاقمند تولید محصولاتی مهم چون پنبه و لبلبو نباشند. زیرا قیمت گندم بیشتر از ین‌ها بود.

۵. نبود کادرهای ورزیده و فرهیخته در عرصهٔ کشاورزی.

البته تعیین وظایف مربوط به انکشاف کشاورزی وظیفه حکومت افغانستان و وزارت‌زراعت که مسوولیت ادارهٔ این عرصهٔ خطیر تولید اجتماعی در آن‌زمان را به عهده داشتند، بود.[۷۹]

بادرنظر داشت ضروریات کشور و امکانات رفع آنها برنامه تأمین خودی اهالی با گندم و غیره محصولات خوراکی و در عرصهٔ صنایع تهیهٔ مواد خام خودی هم‌زمان با گسترش تولیدات تخنیکی و کالاهای دیگر برای صادرات تصویب شد.

درستی و معقولیت این مسأله در تصامیم آتی بازتاب یافته بود: افزایش تولید غله از ۴۰ تا ٪۵۰ از طریق ازدیاد حاصلات گندم و گسترش کشت جواری طوری که تولید گندم سالانه به ۳ ملیون تن و جواری به ۵،۱ ملیون تن رسیده و باعث بهبود مالداری در کشور شوند.[۸۰]

افزایش بهره دهی گندم از راه‌های زیر ممکن بود:[۸۱]

- الف: کشت گندم بهاری را فقط پس از شخم پاییزی و کشت تیرماهی (خزانی) را در زمین‌های خوب آماده شده پس از جمع‌آوری حاصلات جواری، علف، حبوبات، کچالو، پنبه و غیره انجام داد؛
- ب: تعیین دقیق زمان‌های کشت در هر «حکومتی» بادرنظرداشت اینکه بذر گندم نه در مدت ۲ تا ۲ونیم ماه بلکه در درازنای ۱۰ تا ۱۵ روز صورت گیرد؛

---

[۷۹] همان‌جا
[۸۰] همان‌جا
[۸۱] همان‌جا

- پ: تشخیص اصول‌های مفید کشت برای هر منطقهٔ اقلیمی بذری و جاگزینی شیوه‌های‌های بهتر بذر غله؛
- ت: انتخاب انواع پرحاصل تخم‌های بذری و تولید منظم آن‌ها؛
- ث: افزایش کیفیت دانه‌های بذری؛
- ج: گزینش شیوه‌های مؤثر مبارزه با بیماری‌های نباتی و حشرات مزمن برای کشاورزی.

افزایش کشت بیشتر جواری به ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار هکتار باعث افزایش تولید غله در سطح کشور به اندازه ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تن (در صورت حاصل ۲۷۰۰ کیلو گرام از هکتار) می‌شد؛ از آن همچون دانه بذری و هم آذوقه استفاده کرد.

مگر افزایش بهره دهی جواری تا اندازه ۲۵۰۰ تا ۲۷۰۰ کیلو از هکتار از راه‌های زیر ممکن بود:[۸۲]

۱. کشت جواری بشکل ردیف‌وار با تعیین ساحهٔ مشخص تغذیهٔ نبات؛
۲. انجام کار خیشاوه و بذرهای بموقع در میان ردیف‌ها ۳ - ۴ بار در هر تابستان؛
۳. تخصیص زمین‌های بهتر برای کشت جواری؛
٤. استفادهٔ انواع بهتر تخم بذری جواری با انتخاب ساقه‌های بهتر آن؛
٥. گسترش ساحهٔ کشت جواری از راه استفادهٔ زمین‌های بکر و بایر با در نظرداشت بذر جو.

در رابطه به کشت محصولات صنعتی در نظر گرفته شده بود که تولید پنبه و لبلبو را به دوبرابر بوسیلهٔ عمدتاً ارتقای حاصل‌دهی و همچنان تاحدودی از راه گسترش ساحهٔ کشت آنها افزایش داد. برای اینکه تولید سالانه پنبه در سال تاحدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تن و لبلبو میان ۹۰ تا ۱۰۰ هزار تن افزایش می‌یافت، لازم بود:[۸۳]

---

[۸۲] همان‌جا
[۸۳] همان‌جا

АВП РФ. Ф. ۰٤۲. ۱۹٥٥. Оп. ۷۰. Д. ۱. П. ۸۸

- الف: آبیاری درست را به شیوه میان ردیفی در دورهٔ رشد گیاهان نامبرده و همچنان بطور گسترده در تیرماه (خزان) و زمستان انجام داد؛
- ب: انجام کارهای لازم و خیشاوه میان ردیفی با آبیاری آن‌ها؛
- پ: استفادهٔ از انواع پُرحاصل تخم‌های بذری؛
- ت: استفادهٔ گسترده از کودکیمیاوی.[۸٤]

در پهلوی گسترش کشت غلات و تولید محصولات زراعتی - صنعتی، بهبود و گسترش مالداری اعم از حیوانات بزرگ و کوچک اهلی نیز به مثابه وظیفهٔ مهم در عرصهٔ کشاورزی قید شده بود. البته ارتقای سطح مالداری وابسته به تأمین شالودهٔ تغذیه (علوفه)چارپایان، بهبود سیستم درمان وترنری و شرایط نگه‌داری حیوانات بود.

متأسفانه که این همه پندارها در عمل پیاده نشده و در روی کاغذ ماندند.

البته ارتقای سطح زراعت بدون آموزش ژرف همهٔ ویژه‌گی‌های آن و استفادهٔ عملی و گسترده از دست‌آوردهای علوم ناممکن است. برای این منظور لازم بود:

- الف: گسترش کار پژوهشی در امر مطالعه حیوانات و انواع نباتات؛
- ب: در افغانستان باید انستیتوت علمی - تحقیقاتی زراعت که همهٔ فعالیت‌های تجربی را در این عرصه نظارت کند، تأسیس کرد که مسؤلیت هم‌آهنگی امور را نیز عهده‌دار باشد.[۸۵]

این امر نیز وظیفهٔ غیر قابل دستیابی برای حکومت محمدداوود بود. برای اجرای این مأموریت نه امکانات مالی، نه شالوده‌های علمی - تخنیکی و نه کادرهای کارشناس موجود بودند.

برای انجام این وظایف که در راستای ارتقای فرهنگ کشاورزی صورت می‌گرفت

---

[۸٤] همان‌جا

[۸۵] همان‌جا

بهبود ریشه‌یی تمام عیار سیستمِ استفاده از زمین لازم بود.[۸۶]

باید گفت که این پرابلم‌ها در شرایط آنروزهٔ افغانستان بسیار بغرنج بوده؛ حل آنها مخارج نسبتاً بزرگی را می‌طلبید. به همین منظور باید یک‌سلسله اقدامات مانند اینها رویدست گرفته می‌شد:

- الف. تهیه ابزارهای ساده کشاورزی (قلبه، ماله، اسپار، داس وغیره)؛
- ب. وارد نمودن وسایل عادی زراعت از کشورهای دیگر؛
- پ. تهیه تراکتور و وسایل دیگر کشاورزی بوسیلهٔ شرکت‌ها، زمینداران و کشاورزان؛
- ت. تعیین دورهٔ استفاده از ابزارهای نوِ کشاورزی برای کشت انواع ویژهٔ محصولات زراعتی (مانند لبلبو، پنبه، جواری وغیره)؛
- ث. تبلیغ گستردهٔ دست‌آوردهای زراعتی و مساعد نمودن زمینه‌های تبادله تجارت میان پیش‌گامان عرصه کشاورزی.

چون برای رسیدن به این مرام‌ها تعداد کارشناسان عرصهٔ کشاورزی ناکافی بود، بنابراین معقول بود تا شبکه‌یی از کورس‌های کوتاه مدت (۴ - ۶ ماهه) را برای پرورش متخصصان پیشه‌های همگانی (تخنیکران زراعتی، مالداران، ویترنرها، تراکتورچیان و رانندگان وسایط دیگر)، بادرنظرداشت این نکته که کادرهای محلی ویژه‌گی‌های کشاورزی افغانستان را بهتر از متخصصان خارجی که از مناطق طبیعی و اقلیم‌های دیگر به آن جا برای زمان کوتاه می‌آیند، می‌دانند، را راه اندازی کرد.[۸۷]

رشد سریع زراعت افغانستان فقط در صورت برنامه‌ریزی درست آن در همه عرصه‌ها و توجه اساسی به آن در پلان پنجساله دوم انکشافی افغانستان باید بطور بنیادی مشخص می‌شدند. در این پلان برای هر ولایت وظایف معینی قید شده

---

[۸۶] همان‌جا ۷۹

[۸۷] همان‌جا

АВП РФ. Ф. ۰٤۲. ۱۹۵۵. Оп. ۷۰. Д. ۱. П. ۸۸

بود که همه در تطبیق آن مکلف می‌گردیدند.[۸۸]

البته دشواری‌های موجودِ سرراه پیشرفت زراعت افغانستان هویدا بودند و بنابر آن هنگام اجرای برنامه‌های مطروحه باید در شرایط محلی بخاطر صرفه جویی در نظر گرفته می‌شد. البته اقدامات برای حاصل‌دهی بیشتر گندم، جواری، لبلبو و پنبه که در بالا یاد شدند، مخارج بیشتر را نمی‌طلبیدند.

در سال‌های حکومت محمدداوودخان برخی اقدامات بخاطر صنعتی شدن کشور در نظر گرفته شد. چنانچه در ماه فبروری سال ۱۹۵۵ قراردادی با چکوسلواکیا برای ساختن فابریکه سمنت در جبل‌السراج امضا شد. مطابق این تفاهم‌نامه برای تمویل آن به افغانستان قرضه‌یی به اندازۀ ۵،۱ ملیون دالر از کریدت عمومی ۵ ملیون دالری که موعد پرداخت آن پس از ۸ سال پایان می‌یافت داده می‌شد.[۸۹]

در ماه جولای ۱۹۵۵ قراردادی میان «شرکت پخته» و شرکت اتریشی «یونیماکس» برای آغاز کارهای ساختمانی این شرکت آغاز شد.[۹۰]

کارشناسان آلمان غرب فابریکه نساجی گلبهار با حجم سالانۀ ۳۵ ملیون متر تکه را ساختند. در همان زمان فابریکه نساجی پلخمری سالانه ۱۲ ملیون متر پارچه تولید می‌کرد.

رشد اقتصادی در سال ۱۹۶۰ تولید بیشتر انرژی برق را می‌طلبید. در سال ۱۹۶۲ بند برق آبی پلخمری با توان ۹ هزار کیلووات انرژی که بصورت عموم برای مصارف سیلوی جدید، معدن زغال سنگ کرکر و همچنان برای شهرهای بغلان و قندز به کار می‌رفت، ساخته شد.

در پایان سال‌های ۵۰ به کمک متخصصان آلمان غرب بند برق سروبی باتوان ۲۲ هزار کیلووات ساخته شد. بنابه دستور صدراعظم داوود در ماه جنوری ۱۹۵۶

---

[۸۸] همان‌جا
[۸۹] روزنامه اصلاح مورخ ۱۶ فبروری ۱۹۵۵
[۹۰] روزنامه انیس مورخ۵ جولای ۱۹۵۵

وزیرمالیه عبدالملک همراه با رییس صنایع وزارت‌اقتصادملی سید احمدشاه معصومی از جریان ساختمان بندهای برق نامبرده وپسانتر خود شاه از آنها بازدید کردند.[۹۱]

در چوکات برنامهٔ صنعتی‌سازی همچنان بند بالای رودخانه کابل: برق نغلو کابل (با توان ۱۰۰ هزار کیلوات)، بند ماهیپر (با توان ۶۶ هزار کیلووات)، بند درونته (با توان ۱۱ هزار کیلووات) ساخته شدند. در شمال افغانستان بند خان‌آباد (با توان ۱۴۰۰ کیلووات)، بند بغلان (با توان ۳۰۰ کیلووات) ساخته شدند. در وادی هلمند و ارغنداب بندهای گرشک (با توان ۲۸۰۰کیلووات) و کجکی (باتوان ۳۳ هزار کیلووات) اعمار شدند.

در شهر مزارشریف بزرگ‌ترین فابریکهٔ برق حرارتی و تولید کودکیماوی (با توان ۴۸ هزار کیلو وات) و در شهرکابل نیروگاه برق حرارتی (باتوان ۱۰۰ هزار کیلووات) بفعالیت پرداختند. همچنان بند برق آبی چک وردک با توان (۴۰۰۰ کلیووات) به کار آغاز نمود.[۹۲]

در سال‌های ۵۰ در حومهٔ کابل (بگرامی) کارخانهٔ نساجی با ظرفیت ۱۲ ملیون متر تکه در سال و در شهر مزارشریف فابریکهٔ نساجی بلخ (همچنان با توان ۱۲ ملیون متر پارچه در سال) ساخته شدند. همچنان در شهرهای کابل و قندهار در حدود ۲۴ کارخانه کوچک تولید الیاف مصنوعی فعال بودند. برعلاوه تکه‌های پشمی در کارخانه‌های پشمینه‌بافی دولتی در قندهار (۱۴۰ هزار متر در سال) و پلچرخی حومهٔ کابل (تا ۱ ملیون متر در سال) که در آنجاها نخ قالین نیز تولید می‌شد، فعال بودند. از سال ۱۹۶۰ به بعد تولید محصولات کشباف (جاکت، جوراب و غیره) نیز گسترش یافت.

---

[۹۱] همان‌جا

АВП РФ. Ф. ۰٤۲. ۱۹۵۵. Оп. ۷۰. Д. ۱. П. ۸۸

[۹۲] همان‌جا

АВП РФ. Ф. ۰٤۲. ۱۹۵۵. Оп. ۷۰. Д. ۱. П. ۸۸

در فبروری سال ۱۹۵۷ نمایندۀ افغانستان در ملل‌متحد اساسنامه آژانس بین‌المللی استفادۀ صلح‌آمیز از انرژی اتمی را امضا کرد.[۹۳] هنوز در سال‌های ۵۰ میلادی نتایج پژوهش معدن شناسان فرانسوی نشان دادند که عناصر رادیو اکتیف منجمله اورانیوم در ولایت بدخشان موجود می‌باشند. بصورت عموم در ۳ ناحیه: در خان‌نشین (هلمند)، پنجشیر و واخان (بدخشان) موجودیت عناصر رادیو اکتیف تثبیت شدند. در آن‌زمان حکومت محمدداوود تصمیم گرفت در چوکات پلان پنجساله دوم انکشافی استقرار نخستین نیروگاه آزمایشی اتمی را نیز شامل سازد. برای ساختمان نیروگاه هسته‌یی معاهدۀ ویژه‌یی با اتحادشوروی نیز امضا شد. مخارج ساختمان و آموزش کارشناسان افغان در اتحادشوروی و افغانستان را حکومت افغانستان می‌خواست به عهده آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌یی ملل‌متحد واگذارد. در نظر بود که این پروژه در سال ۱۹۶۵ به کار آغازد. مگر به زودی پس از کناره گیری صدراعظم داوود این پروژه بکلی متوقف شده و از سرنوشت بعدی آن خبری نشد.[۹۴] در همین زمان کارهای گستردۀ جیولوژیکی برای تفحص نفت و گاز، آهن، مس، باریت، فلوریت زغال سنگ و دیگر عناصر انجام یافت. چنانچه گاز کشف شده برای فابریکه تولید برق حرارتی و کودکیمیاوی مزارشریف به کار می‌رفت.

در ماه جون ۱۹۵۵ وزارت‌معادن افغانستان قراردادی را با شرکت سویدنی «سوپسکای سویدن» پیرامون کارهای تفحصی در نزدیکی شهر سرپل (ولایت مزار شریف) بست.[۹۵]

در ماه جون ۱۹۵۵ مؤسسه تفحصات نفت در مناطق شمالی افغانستان بنیان‌گذاری شد. در ماه اگست همان سال سرپرست وزارت‌مالیه عبدالملک به

---

[۹۳] همان‌جا

[۹۴] سمیع الله پویا . پوتنسیال انرژیتیک افغانستان سایت فارسی رو، مقاله شماره:
Самеулла Пойя. Энергетический потенциал Афганистана. ۲۰۱۰.
http://www.afghanistan.ru/doc/۱۷۸۳٤.html

[۹۵] آرشیف وزارت خارجه اتحاد شوروی:
АВП РФ. Ф. ۰٤۲. ۱۹۵۵. Оп. ۷۰. Д. ۱. П. ۸۸.

حیث ریس شورای عالی این مؤسسه انتخاب شد.[۹۶]

در ماه دسامبر ۱۹۵۵ معدن‌شناس و نفت‌شناس افغانی عبدالصمد در ترکیب یک هیأت جهت آشنایی با تجارب مربوطه به کشورهای شرق دور رفته و همچنان به اتحادشوروی، انگلستان، فرانسه، سویدن، آلمان دموکراتیک و آلمان فدرال سفر کرد.[۹۷]

نظربه فیصلهٔ شورای وزیران وزارت‌معادن پروژهٔ استخراج بریل (بریلیوم) را در ناحیهٔ دره نور ولایت مشرقی افغانستان آغاز کرد.

در ماه فبروری سال ۱۹۵۶کمیسیون جیولوجی وزارت‌معادن و صنایع همراه با کارشناسان نمایندگی کمک‌های تخنیکی سازمان ملل‌متحد به نواحی غزنی و گرشک و همچنان ولایت قندهار رفت.[۹۸]

در سال ۱۹۶۰ استخراج ذغال سنگ از سه معدن «کرکر» (پلخمری)، «دره صوف»، «آش پشته» در نزدیکی دره شکاری آغاز شد. پسان‌ها معدن ذغال سنگ «سبزک» در شرق هرات نیز کشف و تثبیت شد.

همچنان در سال ۱۹۶۰ استخراج گاز از سه محل آماده شدهٔ خوجه گوگردک، یتیم تاق و جرقدوق (تا ۳ ملیون متر مکعب در سال) آغاز گردید. گاز استخراج شده پس از تصفیه بوسیلهٔ یک پایپ لاین به کارخانهٔ کودکیمیاوی و نیروگاه برق حرارتی و از طریق پایپ لاین دیگر گاز به حجم ۸،۱ - ۲ ملیارد مکعب در سال به اتحادشوروی - ترکمنستان و از بکستان صادر می‌شد.

در آن‌زمان در کشور شاهراه‌های اصلی موتررو که پایتخت را با هرات از طریق قندهارو با ولایات شمال کشور از راه کوه‌های هندوکش و کوتل سالنگ وصل

[۹۶] روزنامه اصلاح از تاریخ‌های: ۱۲/۰۷/۱۹۵۵ - ۱۸/۰۸/۱۹۵۵
[۹۷] روزنامه اصلاح مورخ: ۱۱/۱۲/۱۹۵۵
[۹۸] روزنامه انیس مورخ: ۱۹/۰۲/۱۹۵۶

می‌کرد، نیز به بهره‌برداری سپرده شده بودند. [۹۹]

وزارت‌فواید عامه اکمال کارهای ساختمانی شاهراه‌های: کابل - تورخم، کابل - چاریکار و همچنان بخش قزل قلعه (شیرخان بندر، مترجم)، دوشی و کلفت را به عهده گرفت.

قسمت‌های یادشده به نیروی کارگران افغان اعمار می‌شدند. چنانچه کار آزمایشی قیرریزی قسمت ۱۵ کیلومتری میان کابل - چاریکار آغاز شده و پسانتر بخش ۵،۲ کیلومتری این جاده قیرریزی شد.

همچنان کارهای تفحصی و سروی برای ساختمان برخی میدان‌های هوایی، کار پژوهشی اولیه جهت ساختمان کانال ننگرهار، بند سرده و پَلتُو آغاز شد. برعلاوه کار ترمیم بند سرخاب در ولایت لوگر که باعث نگه‌داری سطع معین آب در ذخیره گاهش می‌شد، صورت گرفت.

برای ساختمان پروژه‌های بزرگ وزارت‌فواید عامه با شرکت‌های خارجی مانند مؤسسه «هوختیف» آلمان و «اونیماک» اتریشی قراردادهایی بست.

سیاست بازرگانی خارجی افغانستان[۱۰۰] به تناسب کشورهای دیگر از محدودیت کمتری برخوردار بود. فقط توریدِ برخی انواع محصولات، آنهم بصورت عموم براساس اعتقادات دینی (مانند نوشابه‌های الکُلی و گوشت خوک) ممنوع بود. کالاهای باارزش برای اقتصادملی، تجهیزات صنعتی، موترهای باربری و محصولات نفتی از پرداخت مالیه آزاد بودند. شرایط وارد نمودن این کالاها برای مؤسسات دولتی و خصوصی هم‌سان بود. هم‌زمان شرکت‌های خصوصی در صدور و وارد نمودن کالاها از دایرهٔ انحصار فارغ بودند. مگر باگذشت زمان این وضع دگرگون شد.

تجارت خارجی مهم‌ترین عرصهٔ اقتصادملی افغانستان بود. سود به دست آمدهٔ

[۹۹] خبرنامه آژانس اطلاعاتی باختر به زبان انگلیسی، شماره ۴۷۱ مورخ ۸ جنوری ۱۹۵۸
[۱۰۰] نشریه سالانهء وزارت پلان افغانستان از سال ۱۹۵۸.

این سکتور در صنایع ملی سرمایه گذاری می‌شد. صدور اقلام کشاورزی مهم‌ترین بخش تجارت خارجی افغانستان را تشکیل می‌داد که در آن میوه‌ها و محصولات مالداری و همچنان پنبه از جایگاه مهمی برخوردار بودند.

در سال‌های پایانی حکوت محمدداوودخان افزایش واضح ورود مواد ساختمانی، ماشین‌ها و محصولات نفتی به نظر می‌رسید. در این زمان افغانستان بصورت عموم از نگاه رفع احتیاجات ارزاقی، به استثنای چای، شکر و مصالح خوراکی خودکفا بود. بیش‌ترینه کالاهای افغانی در سال‌های ۱۹۵۶/۱۹۵۵[۱۰۱] بترتیب به هند، اتحادشوروی و ایالات متحده صادر می‌شدند. در همان سال‌ها اتحادشوروی بزرگ‌ترین وارد کنندهٔ کالاها به افغانستان می‌شد که پس از آن هند در جای دوم و پاکستان در جای سوم قرار داشتند. در سال ۱۹۵۶/۱۹۵۵ اتحادشوروی در واردات به افغانستان جای نخست و در صادرات آن جا جایگاه دوم را احراز کرد، در حالی که در سال ۱۹۵۱/۱۹۵۰ اتحادشوروی جای سوم را در واردات و هم صادرات افغانستان داشت.[۱۰۲]

در جریان ۶ سال نخست کار حکومت محمدداوودخان صادرات کشور دوبرابر افزایش یافته (٪۱۰۵) و واردات دو نیم برابر افزونی را نشان می‌داد (٪۱۵۱). در درازنای چهار سال از شش سال، باستثنای ۱۹۵۳/۱۹۵۲ و ۱۹۵۶/۱۹۵۵بیلانس نهایی صادرات و واردات مثبت بود. علت بیلانس منفی سال ۱۹۵۳/۱۹۵۲ چالش‌های ترانزیتی از راه پاکستان، کاهش قیمت‌ها که وابسته به جنگ کوریا و بحران عمومی تجارت بین‌المللی بود. برعلاوه در سال ۱۹۵۳/۱۹۵۲ صادرات به مقایسه سال گذشته تا ٪۹،۳ کاهش یافت. در عین زمان صادرات به پاکستان به ٪۳۰ (از ۸،۵۱ ملیون افغانی تابه ۳۶ ملیون افغانی) کاهش یافت.

همچنان یکی از عوامل عمده کمبود (کسر) تجارتی سال ۱۹۵۶/۱۹۵۵ افزایش واردات ماشین آلات مطابق تصویب پلان پنجساله بود. در سال نامبرده واردات

[۱۰۱] مطابق گاه‌شمار (هجری شمسی) افغانستان که در اول نوروز مطابق ۲۱ مارچ آغاز می‌شود.
[۱۰۲] همانجا، نشریه سالانهء وزارت پلان افغانستان از سال ۱۹۵۸

به ٪۲۹ افزایش یافت در حالی که صادرات فقط تا ٪۱۰ گسترش یافته بود.[۱۰۳]

باوجود کمبود همگانی در سال ۱۹۵۵/ ۱۹۵۶ بیلانس تجارت با ایالات متحده امریکا، انگلستان، چکوسلواکیا، هالند، پولند وعربستان سعودی مثبت بود. کمبود اصلی در بازرگانی با اتحادشوروی و پاکستان به چشم می‌خورد. چنانچه در سال۱۹۵۵/ ۱۹۵۶ گردش کالا با اتحادشوروی فقط ٪۲۱ بود، در حالی که این امر با کشورهای غربی به ٪۷۹ می‌رسید.[۱۰۴]

در سال ۱۹۵۶/۱۹۵۵ صادرات افغانستان نسبت به سال گذشته در همه بخش‌ها به استثنای میوه‌های خشک و قالین افزایش یافت. افزایش صادرات اقلام دیگر به علت صعود قیمت‌ها و یا افزایش اندازه مجموعی کالاها (مانند پنبه که حجم صادراتش بیشتر شده بود)، صورت می‌گرفت. حجم صادرات میوه‌های خشک نظر به ارزش آن تا به ٪۲۱ کاهش داشت در حالی که صادرات آن ٪۹ کاهش را نشان می‌داد. البته این آفت به دلیل کاهش قابل ملاحظه بهای میوه‌های خشک بود.

همچنان در سال ۱۹۵۶/۱۹۵۵ صادرات به هند و جاپان نظر به سال گذشته کاهش یافت.[۱۰۵] هم‌زمان صادرات به اتحادشوروی به ٪۲۳ افزایش یافت. مگر پایین آمدن صاردات به هند از ارزش این کشور به مثابه وارد کنندۀ اصلی کالاهای افغانی نمی‌کاست. در همان سال صادرات به چکوسلواکیا و انگلستان همچنان رشد کرد (به ترتیب به ٪۲۵ و ٪۲۲) و به هالند و آلمان (به ترتیب به ٪۵۶ و ٪۴۶) پایین آمد.

در سال ۱۹۵۵/ ۱۹۵۶ مهم‌ترین اقلام وارداتی تکه‌های نخی (کتانی)، پارچه‌های ابریشم مصنوعی، شکر، چای و اجناس خرازی و پوشاک مردانه بودند. از آغاز

---

[۱۰۳] Гуревич Н.М. Внешняя торговля Афганистана. - М., ۱۹۸۱. С. ۹۹
گوریویچ ن.م. سیاست خارجی افغانستان، مسکو سال ۱۹۸۱. ص.
[۱۰۴] همانجا، گوریویچ ن.م. ...
[۱۰۵] همانجا، گوریویچ ن.م..ص. ۱۰۵.

۱۹۵۳/ ۱۹۵۴ تمایلی در جهت کاهش واردات تکه‌های نخی (کتانی) پدید آمد که دلیل آن افزایش تولید پارچه‌های نخی وطنی و گسترش تقاضا برای استفاده از پارچه‌های مصنوعی و افزایش مداوم واردات آنها بود. در سال ۱۹۵۶/۱۹۵۵ در مقایسه با سال پار به اندازه ٪۱۳ کمتر تکه نخی وارد شد، در حالی که ورود پارچه ابریشم مصنوعی ٪۱۱ افزایش یافته بود.

واردات شکر در همین زمان ۲ برابر افزایش را نشان داده و واردات پوشاک و اجناس خرازی نظر به ارزش عمومی آن ٪۷۸ صعود را نشان می‌داد. باید گفت که واردات از هند، پاکستان، جاپان و انگلستان[۱۰۶] کاهش یافت، گرچه این کشورها صادر کنندگان مهم کالا به افغانستان پنداشته می‌شدند. در سال ۱۹۵۵ -۱۹۵۶ واردات از اتحادشوروی به اندازه ٪۵۹ نظر به سال پارش افزایش یافت که باعث احراز جای نخست در واردات افغانستان شد. همچنان واردات از ایالات متحده، انگلستان، آلمان و چکوسلواکیا افزایش یافت. دو کشور اخیرالذکر به افغانستان بصورت عموم تجهیزات صنعتی را وارد می‌کردند. هم‌زمان واردات از جاپان و ایتالیا بترتیب به ۵۵ و ٪۳۷ کاهش یافتند.[۱۰۷]

اگر رشد بازرگانی خارجی را با آغاز برنامهٔ انکشافی کشور پیوند دهیم، پس درمی‌یابیم که اهمیت تجارت خارجی افغانستان که ارقام احصاییوی ثابت در ارزش و مقدار آن گواه آنند، نه تنها مشخصات اش را حفظ کرده بود، بلکه دگرگونی‌های بزرگ ساختاری را عرصهٔ صادرات و واردات نیز متقبل گردیده بود. با افزایش صادرات، مسألهٔ گسترش بازارهای فروش انواع محصولات کتانی، پارچه‌های مصنوعی و ابریشمی به دلیل افزایش بازدهی کارخانه‌های نساجی پلخمری، فابریکه‌های پشمینه بافی قندهار و کابل و آغاز بهره‌برداری کارخانهٔ نساجی گلبهار و فابریکه‌های تولید تکه‌های مصنوعی در کابل به میان آمد.[۱۰۸]

---

[۱۰۶] همانجا، گوریویچ ن.م. .. .ص. ۱۰۵.
[۱۰۷] نشریه سالانهء وزارت پلان افغانستان از سال ۱۹۵۸
[۱۰۸] همانجا. ۱۰۱۲

با استفادهٔ مؤثر ذخایر انرژی کشور، واردات مواد سوخت کاهش یافت، که در نتیجه بخشی از اسعار آزاد مانده و خرچ خرید ماشین‌ها و تجهیزات لازمی برای صنایع کشور شدند. در سال‌های پایانی کار حکومت محمدداوودخان کیفیت صادراتِ پوست منجمله قره‌قل به برکت برنامه دولتی حمایت از مالداری در کشور ارتقا یافت که بنوبهٔ خود باعث افزایش تقاضا برای این اقلام شد. هم‌زمان با رشد باغداری و انگورداری و بویژه استفاده از زمین‌های بکر و بایر در وادی هلمند تقاضا برای میوه‌های تازه و خشک در خارج از کشور افزایش یافت. برای بهبود انتقالات میوه‌های تازه از طریق ترانسپورت هوایی لزوم بسته بندی‌های بهتر آنها (منجمله در فابریکه قندهار) به میان آمد. در نتیجه اقدامات عملی شدهٔ نامبرده باعث درآمد اضافی اسعاری کشور شدند.

حکومت محمدداوود تولید پنبه را تشویق کرده و با اقدامات گسترده از کاهش صدور پنبه که یکی از اقلام اساسی صادراتی کشور بود، جلوگیری می‌کرد. در این سال‌ها تولید پشم افزایش یافته و این امر باعث گسترش قالین‌بافی شده و در نهایت صدرور هردو کالا افزایش یافتند.

بصورت عموم برنامه محمدداوودخان با مرام ایجاد دولت صنعتی پیشرفته با شرایط اِتاتیزم محاسبه شده بود. قابل یادآوریست که بیش‌ترینه مؤسسات صنعتی بزرگ ساخته شده در این دوره مربوط به سکتور دولتی بودند.

پلان پنجساله اول (سپتامبر ۱۹۵۶ - سپتامبر ۱۹۶۱) سرموقع آماده شده، به تصویب پارلمان رسیده و از طرف شاه توشیح گردید. گرچه این پلان در موقع اجرا اصلاحاتی را متقبل شد، مگر هم‌زمان به نوعی آزمایشگاه برای نهادینه شدن مشی انکشافی کشور وپرورش کادرها (کارشناسان) مبدل شده بود.[۱۰۹]

بدون‌شک نقش اساسی را در تسریع روند رشد کشورشخص صدراعظم محمدداوود داشت. او نماینده نسل نو سیاستمداران عملگرا (پراگماتیست) افغانِ

[۱۰۹] آرشیف وزارت خارجه فدارسیون روسیه
АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٥. Оп. ٧٠. Пор. ١. П. ٨٨

وابسته به اشرافیت درباری بود که به جای صدراعظمان که کاکاهای شاه (و منجمله کاکاهای خودش، مترجم) بوده و کشور را تقریباً یک ربع قرن اداره می‌کردند، به قدرت رسید. صدراعظم (داوود) چنانکه پیشتر آمد، مشی باصطلاح «اقتصاد رهبری شده»[۱۱۰] برای رشد سهل و سریع سرمایه داری در کشور بوسیلهٔ سهمگیری دولت در زندگی اقتصادی، بهرهٔ گسترده از کمک‌های خارجی و دادن امکانات مناسب برای سرمایه‌داران ملی منجمله متشبثان خرده و متوسط در راستای انکشاف اقتصادی و نیروهای مؤلده را برگزید.

تقریباً تمام دهه (۱۹۵۳ -۱۹۶۳) که ویژه‌گی آن پهنای انکشاف اقتصادی افغانستان است، با نام محمدداوود پیوند دارند. گرچه به قول مطبوعات افغانی در وضعیت اقتصادی و درون سیاسی کشور با اینهم تغییرات ژرفی محسوس نبودند.

بصورت عموم صفحات مطبوعات مرکزی و ولایتی از مواد اقتباس شده از رسانه‌های خارجی و عمدتاً امریکایی، آلمانی وترکی پر بودند. در مورد زندگی داخلی کشور در این‌زمان در مطبوعات افغانی بیشتر مسایل مربوط به اجرای برخی اقدامات حکومت محمدداوود در عرصه‌های کشاورزی، بازرگانی و ترانسپورت که به نظر افغان‌ها باعث رشد اقتصاد کشور و بالارفتن سطح زندگی مردم می‌شد، بازتاب می‌یافتند.

مگر سیاست محمدداوود برای برخی از اعضای هیأت حاکمه کشور همواره قابل درک نبود که این امر باعث اختلافات‌شان می‌شد. منجمله گروه تحت رهبری ظاهرشاه با برخی عرصه‌های سیاست محمدداوودخان با دید انتقادی می‌نگریست. این امر بویژه در گرفتن قرضه‌های بزرگ خارجی و عواقب ممکن سیاسی و مالی آن به میان می‌آمد. همچنان در عرصهٔ گسترش سکتور دولتی در اقتصاد کشور که باعث کندی آهنگ سرمایه گذاری در سکتور خصوصی و تاحدی تضعیف نقش

[۱۱۰] Коргун В.Г. История Афганистана XX век. - М. ۲۰۰٤, С. ۳۰٤.
کارگون و.گ. تاریخ افغانستان در قرن۲۰، مسکو ، سال۲۰۰۴. ، ص.۳۰۴

آن در اقتصاد مملکت می‌شد، تردیدهایی به میان آمد. مبارزۀ درونی هیأت حاکمه برای رشد بعدی کشور در سال ۱۹۶۳ باعث کناره گیری محمدداوود از حکومت شد.[۱۱۱]

٤. مشی اجتماعی - سیاسی محمدداوودخان

با رسیدن به قدرت محمدداوود توانست کوتاه زمانی روند اجتماعی را خاموش ساخته و در نتیجه باعث ثبات سیاسی در کشور شود.[۱۱۲] در افغانستان این‌زمان مرحلۀ سکوت نسبی در مبارزۀ علنی درونی سیاسی هویدا شد.

برای صدراعظم داوود در پهلوی دستیابی به اقتصاد نیرومند، ایجاد قوای مسلح و برخورد قاطع به چالش‌های پیوست به آن که در نهایت بالای اقتصاد کشور تأثیرگذار بودند، نیز از اولویت‌های مهم بشمار می‌رفت. تلاش‌های محمدداوودخان در عرصۀ نظامی که از نیمه دوم سال‌های ۵۰ آغاز شدند، در برگیرنده طیف گسترده‌یی از پرابلم‌ها بودند. سیاست بازسازی و مدرنیزه کردن داوود همۀ قطعات و خدمات اردوی افغانستان و عرصه‌های پهناور امور نظامی را در برمی‌گرفت.[۱۱۳]

او که سال‌های زیادی در عرصه نظامی و در مقام‌های رهبری آن مشغول کار بود، از محبوبیت بیش‌ترینه افسران بویژه بخش میانه و بالایی آن برخوردار بود. وی بطور منظم از قطعات نظامی دیدن کرده و با ترکیب افسران کشور شخصاً آشنا بود. آخرین رتبۀ نظامی او بریدجنرال بود. او با پیگیری افغان‌های جوان، کارا و از نگاه مسلکی آماده را بدون در نظرداشت موقف و منشاء اجتماعی شان در مرکز و

---

[۱۱۱] Гуревич Н.М. Афганистан. Некоторые особенности социально-экономического развития. ۱۹۱۹-۱۹۷۷- М. ۱۹۸۳, С. ۱۳

گوریویچ ن. م. افغانستان. برخی ویژه‌گی‌های رشد اجتماعی- اقتصادی از ۱۹۱۹-۱۹۷۷مسکو.، سال ۱۹۸۳ ، ص ۱۳-

[۱۱۲] История вооруженных сил Афганистана. / Отв. ред. Ю.В. Ганковский - М., ۱۹۸۵. С. ۱۱۰.

تاریخ قوای مسلح افغانستان. تحت نظر یو. و. گانکوفسکی- مسکو، سال ۱۹۸۵. ص.۱۱۰.

[۱۱۳] همان‌جا ص. ۱۱۵

ولایات به کار می‌گماشت. هم‌زمان محمدداوود بدون تردید نمایندگان ناکار و ناآمادهٔ اشرافیت را تنزیل مقام داده و یا بکلی سبکدوش می‌کرد که اینکارش باعث گسترش نارضایتی در میان آنها می‌شد.

چنانکه انتظار می‌رفت، آمدن چهره‌های نو شالودهٔ اجتماعی محمدداوود را در جامعه گسترش داده و تا حد زیادی باعث تسریع رشد اقتصادی کشور و بازسازی و مدرنیزه شدن نیروهای مسلح شد. محمدداوود با نازک‌بینی احساسات اجتماعی را درک نموده و مانند سیاستمدار روشن نگر و عمل‌گرا در برابر آنها کُنش نشان می‌داد. چنانچه در نامه‌های سال‌های ۱۹۶۲-۱۹۶۳ به آدرس شاه، او به‌خاندان شاهی از رشد رادیکالیزم در حلقه‌های جوانان و روشنفکران هوشدار داده و تأکید می‌کرد که «مردم خسته شده اند» و اینکه امتیازات نامحدود اشراف‌زادگان مانع رشد اجتماعی کشور می‌شود.

در رابطه به این محمدداوود به شاه پیشنهاد می‌کرد در کشور شیوهٔ ادارهٔ پارلمانی را مستقر نموده و بویژه صلاحیت‌های حکمرانان محلی، بزرگان قومی، خان‌های طوایف و رهبران روحانی را محدود کرده، حکومت را پاسخگوی پارلمان ساخته و وظایف شاه را فقط به کارهای تشریفاتی محدود کند.

مگر داوودخان به این پندارها فقط در آغاز سال‌های شصت دست یازیده بود. در حالی که صلاحیت ادارهٔ واقعی کشور را در نیمه سال‌های ۵۰ به دست آورده بود.

به تاریخ ۳۰ جون ۱۹۵۵ نشست نهمین دورهٔ مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) آغاز شد. در گشایش مجلس محمدظاهرشاه، صدراعظم محمدداوود و کاکای‌شان مارشال شاه‌ولی‌خان، اعضای حکومت، وکلای مجلس و چهره‌های رسمی دیگر حضور داشتند.[۱۱۴] در پایان این اجلاس خط مشی وی از سوی وکلا تصویب شد.[۱۱۵]

[۱۱۴] روزنامه انیس مورخ ۳۰ جون ۱۹۵۵
[۱۱۵] روزنامه اصلاح مورخ ۹ جولای ۱۹۵۵

در پایان اکتوبر سال ۱۹۵۵ شاه، نمایندگان پارلمان را به مناسبت تعطیلات نوبتی مجلس بحضورش پذیرفت.[۱۱۶] در ماه اکتوبر پارلمان کشور بیشتر مشغول بررسی یک سلسله پروژه‌های تقنینی پیرامون مسایل اقتصادی و حقوقی و همچنان توافقات مربوط به قرضه‌های دولت‌های خارجی بود.

ناگفته نباید گذاشت که شاه از مدت‌ها شاهد نفوذ روبه فزاینده و محبوبیت همگانی پسرکاکایش در جامعه بوده و بی‌جهت نبود که از جاه طلبی‌های روزافزونش هراس داشت. چنین ترسی را همچنان کاکای شاه، مارشال شاه‌ولی‌خان (و در ضمن کاکا اندر محمدداوود، مترجم) و پسرش عبدالولی داشتند.[۱۱۷] به گذارش شبکه‌های جاسوسی ایالات متحده امریکا برخی از اعضای‌خانواده سلطنتی اورا «سردار دیوانه» نامیده و می‌گفتند که «در ترس بسر برده و جرأت نمی‌کنند اورا مورد انتقاد قرار دهند».[۱۱۸] اینها همه باعث ایجاد یک اتحاد غیررسمی گروه شاه‌ولی‌خان، عبدالولی و گروه‌های میانه رو همراه با خود شاه و پسرش شهزداه احمدشاه ولیعهد برعلیه محمدداوودخان شد.

محمدداوودخان که شخص میهن‌دوست، قاطع، جدی و روشن پندار بود، از محبوبیت گسترده‌یی نه فقط در افغانستان، بلکه در عرصه بین‌المللی نیز برخوردار بود. او در گرماگرم جنگ سرد در رأس حکومت قرار گرفته و با استفاده از اوضاع تلاش‌های پر انرژی‌یی را برای جلب سرمایه‌های بین‌المللی به افغانستان برقراری همکاری با شرکت‌هایی خارجی و ساختمان زیرساخت‌های بی‌شمار و با ارزش و

---

[۱۱۶] روزنامه اصلاح مورخ ۳۱ اکتوبر ۱۹۵۵

[۱۱۷] - Adamec L. Historical dictionary of Afghanistan. ۲d edition. - London, ۱۹۹۷. C. ۱۲.-

عبدالولی در سال۱۹۲۴ بدنیا آمد. او فرزند مارشال شاه‌ولی‌خان و پسرکاکا و داماد ظاهرشاه بود. در فرانسه و انگلستان درس خوانده بود. همراه با شاه در ایتالیا از سال ۱۹۷۶ بحیث نماینده شاه بسر می‌برد. در سال ۱۹۹۵ به پاکستان آمده و با چهره‌های رسمی پاکستانی و همچنان نمایندگان اپوزیسیون دربارهء برگشت شاه به افغانستان صحبت کرد. او در سال ۲۰۰۲ همراه با ظاهرشاه به افغانستان آمد. (سردار ولی در سال ۲۰۰۸ م. مطابق ۱۳۸۷ خ. در کابل وفات کرد. مترجم)

[۱۱۸] Hayat Khan, Azmat. The Antecedents and Origin of Khalq and Parcham. - Peshawar. ۲۰۰۵. C. ۳۸.-

مؤسسات صنعتی بخرج داد.[۱۱۹]

مگر، با این همه تلاش‌ها در درازنای حکومت ده سالهٔ محمدداوودخان، در زندگی درون - سیاسی کشور کدام تغییر محسوسی رونما نشده و اوضاع کشور همانند گذشته ناپایدار بود. هم‌زمان هیچکس نمی‌توانست پیروزی‌های محمدداوود به حیث صدراعظم را در عرصه اقتصادی کشور نادیده بگیرد.

محمدحسن شرق مشاور نزدیک رییس حکومت با ارزیابی اوضاع کشور در آستانهٔ به قدرت رسیدن محمدداوود نوشته است:

«پیش از آنکه او حکومت را رهبری کند، اقتصاد کشور بکلی خراب بوده و حاکمیت دولتی ناپایدار بود. افغانستان بصورت کل ۱۱ کیلومتر جاده اسفالت (قیرریزی) شده و یک دانشگاه (پوهنتون) با چهار فاکولته داشت که در آن در حدود ۴۰۰ محصل بدون خوابگاه (لیلیه) درس می‌خواندند.»[۱۲۰]

به گفتهٔ مؤرخ افغانی امین‌الله دریځ در آغاز حکومت محمدداوود افغانستان چنان پس‌مانده بود که یک روزنامه ترکی زبان باکنایه چیستان تحقیر آمیزی را چنین مطرح نموده بود: «آن کدام کشور است که یک خدا، یک پادشاه، یک جادهٔ قیر ریزی شده، یک شفاخانه و یک سینما دارد؟ پاسخ: افغانستان.»[۱۲۱] مگر در پایان حاکمیت وی افغانستان بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر جادهٔ اسفالت شده داشته و ۱۰۰۰ کیلومتر دیگر در حال ساختمان داشت. در دانشگاه (پوهنتون) ۴۰۰۰ دانشجو در ۱۰ فاکولته تحصیل کرده و برای آنان خوابگاه‌های عصری ساخته شده بود. محمدداوود در زمان صدارتش ریفورم آزادی زنان را عملی نمود: در سال۱۹۵۹ او با فرمانی پوشش حتمی چادری را لغو کرد.

---

[۱۱۹] Hayat Khan, Azmat. The Antecedents and Origin of Khalq and Parcham. - Peshawar. ۲۰۰۵. C. ۹۷-۹۸.-

[۱۲۰] Танин З. Афганистан в XX веке. ۱۹۹۰-۱۹۹٦ - Тегеран, ۲۰۰٦. C. ۹۸.
م. ظاهر طنین، افغانستان در قرن بیست ۱۹۰۰-۱۹۹۶. تهران سال ۲۰۰۶ . ص. ۹۸

[۱۲۱] Даридз А. Афганистан в XX веке. - Пешавар. ۲۰۰۷. C. ۳۰۸.
دریځ ا. افغانستان در قرن بیست، پیشاور سال.۲۰۰۷. ص.۳۰۸ .

محمد عزیز نعیم برادر زادۀ محمدداوود با یادآوری از مادرش که بدون چادر در ملاعام در جشن ملی کشور حاضر شده بود می‌گوید: «جشن استقلال در سال ۱۹۵۹ بود، پدرم می‌خواست تا مادرم اورا در این مراسم همراهی کند. مادرم نخستین بار چادرش را نپوشید. زمانی که والدینم به ستیژِ استادیوم ظاهر شدند، همه حیرت زده بودند.[۱۲۲] البته مادرم نیز کمی ناآرام بنظر می‌رسید. در همان لحظه همه چهره‌های غیرعادی داشتند. این پدیده وزیران را در حالت نامناسبی قرار داده بود. در همان لمحه وزیرپیشین امورخارجه سلطان‌احمدخان شیرزوی[۱۲۳] آمده،

---

[۱۲۲] استادیوم کابل(غازی) یگانه جای برگذاری جشن‌های بزرگ بود.

[۱۲۳] Ежов. Г.П. Афганистан. Краткий биографический справочник. - М., ۲۰۰٤. С.Султан Ахмад Шерзой родился в ۱۸۹۱ г. в Кабуле. После окончания лицея «Хабибия» закончил юридический факультет университета в Стамбуле. Первый афганский дипломатический представитель в Турции (۱۹۲۲-۱۹۲۳). Первый заместитель министра иностранных дел (۱۹۲٦). Посол в Иране, Турции, Египте, СССР (۱۹۳۸). Председатель Лоя джирги (۱۹٦٤). Посол в СССР (۱۹۵۰). Министр иностранных дел (۱۹۵۲-۱۹۵۳. Сенатор, участник Лоя джирги ۱۹٦٤ г. Спикер парламента VI созыва. Председатель Сената. Умер в ۱۹۷۳ г.

ایژوف گ.پ. افغانستان: کتاب رهنمای کوچک بیوگرافیک. مسکو. ، سال۲۰۰۴

سلطان احمد شیرزوی در سال ۱۸۹۱ در کابل زاده شد. پس از اتمام لیسه حبیبیه فاکولته حقوق دانشگاه استانبول را بپایان برد. او نخستین نماینده دیپلماتیک افغان در ترکیه (سال‌های۱۹۲۲ - ۱۹۲۳) و معاون اول وزارت امور خارجه بود(۱۹۲۶). پسان‌ها سفیر افغانستان در ایران، ترکیه، مصر و اتحاد شوروی (۱۹۳۸) بود. او در سال ۱۹۶۴ ریاست لویه جرگه را بعهده داشت. وی در سال ۱۹۵۰ دوباره سفیر اتحاد شوروی شد. در میان سال‌های ۱۹۵۲-۱۹۵۳ وزیر امور خارجه بود. همچنان وی سناتور و اشتراک کنندهء لویه جرگه سال۱۹۶۴ و همچنان سخنگوی پارلمان افغانستان در دورهء ۷ شورا بود. وی مدتی رییس سنای افغانستان نیز بود. او در سال ۱۹۷۳ وفات کرد (از متن اصلی کتاب).

سید مهدی فرخ که در زمان امان‌الله خان سفیر و وزیر مختار ایران در کابل بوده و آثار تاریخی مهمی دربارهء افغانستان دارد، در مورد سلطان‌احمد خان و علاقمندی اش به پان ترکیزم (ترک گرایی) چنین می‌نویسد: «این شخص از ترک‌پرست‌های خیلی جدی است و نسبت به ایران فوق‌العاده بدبین (است) و خصومت می‌ورزد. از زمان مراجعت از انقره در پیشرفت سیاست ترک‌ها خیلی جد و جهد کرده است؛ حتی تشکیلات وزارتخانه ها را جد و جهد می‌نماید تا برطبق تشکیلات انقره معین نمایند. چنان که در وزارت خارجه قلم مخصوص تشکیل نموده، راجع به زبان فارسی منقد است و تبلیغات می‌کند که زبان افغانستان فارسی نیست اگر به زبان ترکی تکلم و تحریر

پیرامونش را نگریسته و مادرم را نشان داده، پرسید: «آیا این زن افغان است؟» من پاسخ مثبت و قاطع داده و اضافه کردم: «این مادرم است». او چنان هیجانی شده بود که از سرازیر شدن اشکش جلوگیری نتوانست. درست در روز دیگر وزیران دولت با همسران‌شان بدون چادر ظاهر شدند. سپس مردان دیگر با بانوان‌شان به سینمای پارک بدون حجاب «روی لچ» آمدند.[۱۲۴]

رفع حجاب (چادری) در شرایطی صورت گرفت که کشور تاحدی به آن آماده بوده و به همهٔ ولایات (بزرگ) کشور پخش شد. فقط در ولایت قندهار برعلیه این ریفورم تظاهرات فراگیر ملاهای محافظه‌کار مذهبی راه اندازی شد، مگر اقدام آنها بشدت از سوی حکومت سرکوب شد.[۱۲۵] به قول شفیقه سراج مبارز مشهور حقوق زنان «رفع حجاب باعث عکس‌العمل منفی در جامعه نشد. مردم راضی بوده و دگرگونی به میان آمده را با درستی و آرامش پذیرفتند. در آن‌زمان من در لیسه زنان (نسوان) کار می‌کردم و زمانی که ما بدون چادری به آن جا رفتیم مردم با آرامی به این پدیده برخورد نمودند».[۱۲۶]

گرچه اصلاحات دوره صدارت محمدداوود جهشی نیرومند در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی بودند، با آنهم در آن شرایط آوردن دگرگونی‌های بنیادی در سیستم کهنه و فرسودهٔ ادارات سیاسی کشور، دموکراتیزه کردن زندگی اجتماعی و رفع دشواری‌های زندگی اقشار زحمتکش، کاری فوق‌العاده بغرنج بود. چنانچه گفته آمد، او به لزوم ریفورم‌های سیاسی در پایان حکومتش پی برد، مگر در رابطه به

نماییم.»، جهت معلومات بیشتر دیده شود: سید مهدی فرخ، کرسی نشینان کابل، احوال دولتمردان افغنستان در روزگار امیر امان‌الله خان. به کوشش محمدآصف فکرت، مؤسسه پژوهشی و مطالعات فرهنگی، تهران تابستان ۱۳۷۰، ص. ص۱۳۰-۱۳۱ (از مترجم. خلیل وداد)

[۱۲۴] Танин З. Афганистан в XX веке. ۱۹۰۰-۱۹۹٦ ،- Тегеран, ۲۰۰٦. С. ۹۹.
م. ظاهر طنین، افغانستان در قرن بیست. تهران سال ،۲۰۰۶ ص۹۹.

[۱۲۵] Rasouli Yasin. Traditional Responds to Secularism in Afghanistan (۱۸۸۱-۲۰۰۱). - Tehran. ۲۰۰۷.

[۱۲۶] Танин З. Афганистан в XX веке. ۱۹۰۰-۱۹۹٦ ،- Тегеран, ۲۰۰٦. С. ۱۰۰.
م. ظاهر طنین، افغانستان در قرن بیست ۱۹۹۶-۱۹۰۰. تهران سال۲۰۰۶ ، ص.۱۰۰.

ابتکارات سیاسی اش او دیر کرده بود: شاه و پیرامونش برنامه‌های اصلاحات نظام سیاسی خودشان را پیشاپیش آماده کرده بودند.

با محدودشدن به اجرای وظایف اقتصادی، محمدداوود حمایت محافل لیبرال - بورژوازی کشور را که پایهٔ مهم حمایت اجتماعی او را از آغازش صدارتش می‌ساختند، از دست داد.

آن عده از نمایندگان جامعهٔ افغانی که هوادار مشی غرب‌گرایانه بودند، نیز از سیاست داخلی و خارجی وی ناراضی به نظر می‌رسیدند. آنها از حکومت محمدداوودخان بخاطر مداخلهٔ بی‌حد دولت در اقتصاد و خرابی مناسبات پاکستان - افغانستان که نتیجه اش محدودیت روابط بازرگانی - اقتصادی با کشورهای غربی بود، انتقاد جدی می‌نمودند.

در جمع اپوزیسیون محمدداوود حلقات بانفوذ روحانیت نیز شامل بودند. و علل این پدیده کم هم نبودند. باوجود اینکه او انسان دینداری بود، از روحانیون خوشش نه آمده و حتی آنها را مورد تضییقات خشن قرار می‌داد. چنانچه در سال ۱۹۵۹ پس از مظاهرات روحانیون قندهار برضد رفع حجاب عاملان بین‌ظمی‌ها اعدام شدند و رییس طایفهٔ پرنفوذ حضرت‌ها محمدابراهیم مجددی[۱۲۷] و برخی

---

[۱۲۷] Ежов. Г.П. Афганистан. Краткий биографический справочник. - М., ۲۰۰٤. С. ۱۵۹.

Мухаммад Ибрагим Моджаддеди известен также как Шер Пача. В ۱۹۵٦ заменил своего отца Фазль Омара в качестве главы клана Моджаддеди. Создатель и руководитель в период королевского режима религиозно-политической организации «Хаддам оль-Фуркан». Казнен в Кабуле по приказу Амина в январе ۱۹۷۹ вместе с
другими членами клана.

ایژوف گ.پ. افغانستان. کتاب خلص رهنمای بیوگرافیک. مسکو. سال ۲۰۰۴،

محمد ابراهیم مجددی مشهور به شیرپاچا در سال۱۹۵۶ جای پدرش فضل عمر را بحیث رییس خانوادهء مجددی به عهده گرفت. او بنیانگذار و رهبر سازمان مذهبی- سیاسی «خدام الفرقان» در زمان شاهی بود. وی بدستور حفیظ الله امین در جنوری ۱۹۷۹ یکجا با اعضای دیگر خانواده اش اعدام شد.

دیگر از آنها بزندان افگنده شده و بعضی رهبران سرسخت روحانی حق رفتن بخارج را از دست داده و شورای علما منحل شد.

هنگامی که ناممکن بودن اجرای وعده‌های داده شده در عرصه‌های اجتماعی توسط محمدداوود هویدا شد، در کشور دوباره محافل بنیادگرا به جنبش افتادند.[۱۲۸] با از دست دادن حمایت «چپ»، «راست» و همچنان پشتیبانی «بالایی‌ها» محمدداوود ناگذیر به تاریخ ۳ مارچ ۱۹۶۳ درخواست کناره‌گیری اش را به محمدظاهرشاه پیشکش نمود که پادشاه استعفایش را پس از یک هفته به تاریخ ۹ مارچ ۱۹۶۳ پذیرفت.

[۱۲۸] ۱۲۱ История вооруженных сил Афганистана. ۱۹٤۷-۱۹۷۷ / Отв. ред. Ганковский Ю.В. -М., ۱۹۸۵. С. ۱۱۰.
تاریخ قوای مسلح افغانستان. ۱۹۷۷-۱۹۴۷تحت نظر یو. و. گانکوفسکی- مسکو، سال ۱۹۸۵. ص. ۱۱۰.

فصل دوم
سیاست خارجی صدراعظم محمدداوود

۱. اوضاع بین‌المللی در زمان صدارت محمدداوودخان

پس از جنگ جهانی دوم ایالات متحده امریکا در عرصه جهانی دارای موقف مسلطی شد. از یکسو ایالات متحده خسارات ناچیزی را متقبل شده و از سوی دیگر در امریکا رشد سریع اقتصاد و صنایع آغاز شده و با تهیهٔ سلاح اتمی ایالات متحدهٔ امریکا به ابر کشور مبدل شد.

اتحادشوروی نیز پس از پیروزی بر آلمان فاشیستی، ساحهٔ نفوذش را به کشورهای بالکان و اروپای شرقی گسترش داد. در پاسخ به این، دولت‌های غربی در اپریل ۱۹۴۹ پیمان (بلوک) نظامی - سیاسی ناتو را سازماندهی کردند. این بلوک از سوی سازماندهندگان آن بمثابهٔ پیمان منطقوی برای «دفاع جمعی خودی» تفسیر شد. جالب است که وزیرخارجهٔ امریکا آ. دالِس به وضاحت پذیرفت که رهبران ایالات متحده و کشورهای اروپای غربی با ایجاد ناتو به خطری گویا از جانب اتحادشوروی باور نداشتند.[۱۲۹]

به تاریخ ۵ مارچ ۱۹۵۳ یوسِف استالین فوت کرد و محمدداوود در رأس هیات حکومتی افغانستان در مراسم تشییع و تدفین وی اشتراک کرد. با مرگ استالین و با به قدرت رسیدن رهبری نو در اتحادشوروی رژیم حاکم (شوروی) نرمتر از گذشته شد.

در سال ۱۹۵۴ دولت اتحادشوروی از ناتو تقاضا کرد تا آن کشور را به عضویت ناتو بپذیرد. البته که به این پیشنهاد اتحادشوروی پاسخ منفی داده شد. مگر مراد

---

[۱۲۹] - История внешней политики СССР ۱۹۸۰-۱۹۱۷. Т. ۲./ Под ред. А.А. Громыко, Б.Н. Понома- рева. - М., ۱۹۸۱. С. ۱٤۲.
تاریخ سیاست خارجی اتحادشوروی،۱۹۱۷-۱۹۸۰ زیر نظر آ. آ. گرومیکو، ب. ن. پاناماریوف. مسکو سال ۱۹۸۱، ص.۱۴۲.

از این تقاضا آن بود تا به جهان جهت گیری ضدشوروی این بلوک نشان داده شود.

به تاریخ ۵ می ۱۹۵۵ توافقات پاریس و هم‌زمان با آن معاهدهٔ بن به مثابه جزء متشکلهٔ آن مبنی برعضویت آلمان فدرال در ناتو نافذ شد.[۱۳۰] در این رابطه در شهر وارسا نشست نمایندگان اتحادشوروی، آلمان دموکراتیک، پولند، چکوسلواکیا، هنگری، رومانیا و بلغاریا دایر شد که در آن به تاریخ ۱۴ می ۱۹۵۵ معاهدهٔ دوستی، همکاری و کمک متقابل این دولت‌ها امضا شد که سپس بنام سازمان پیمان وارسا مسما شد.[۱۳۱]

مگر افغانستان در این‌زمان با بیش از ۴۰ کشور مناسبات دیپلوماتیک داشت. با بازتاب منافع مردم افغانستان که با گذشت زمان «به پایش می‌ایستاد» محمدداوودخان به حیث رییس حکومت آمادگی اش به گسترش روابط بین‌المللی با همه کشورها صرف نظر از ساختار اجتماعی - اقتصادی آنها منجمله استقرار مناسبات دیپلوماتیک با دولت‌های سوسیالیستی را با حفظ اصول عدم‌انسلاک ابراز می‌داشت.[۱۳۲] این اقدامات محمدداوودخان در عرصهٔ سیاست بین‌المللی لغو تمایل یکجانبهٔ حکومات گذشته به سمت دول غربی و نقطهٔ چرخشی بسوی همکاری با اتحادشوروی بود که افغانستان پسان‌ها ازین کشور کمک‌های بزرگ مالی - اقتصادی را به دست آورد.[۱۳۳]

حاکمیت محمدداوودخان در افغانستان با تغییر رهبری اتحادشوروی و هند همراه

---

[۱۳۰] تاریخ سیاست خارجی اتحادشوروی،۱۹۱۷-۱۹۸۰ زیر نظر آ. آ. گرومیکو، ب. ن. پاناماریوف. مسکو سال ۱۹۸۱، ص.۱۹۱،.

[۱۳۱] همانجا، ص. ۱۹۲

[۱۳۲] Теплинский Л.Б. История советско-афганских отношений(۱۹۱۹۱-۱۹۷۸). - М.,۱۹۹۸۸. С.۱۶۰.

تیپلینسکی ال. ب. تاریخ روابط افغانستان- شوروی (۱۹۱۹-۱۹۷۸) – مسکو. سال ۱۹۸۰، ص..۱۶۰

[۱۳۳] Гуревич Н.М. Внешняя торговля Афганистана. - М., ۱۹۸۱. С. ۹۰.

گوریویچ ن.م. تجارت خارجی افغانستان. مسکو سال ۱۹۸۱. ص۹۰.

بود. در سال ۱۹۵۱ در نتیجهٔ نخستین انتخابات سراسری هندوستان، کنگرس ملی هند (ای. ان. ثی.) برنده شد. رهبر این حزب جواهر لعل نهرو به حیث صدراعظم کشور برگزیده شد. هند از آغاز موجودیت مستقلانهٔ خویش در سیاست خارجی مشی ج. نهرو را که بر پنج اصل (پنچه شیلا) همزیستی مسالمت‌آمیز و همسویی با افغانستان و اتحادشوروی و ضدیت با پیمان‌های نظامی مانند سیاتو که در ماه سپتامبر ۱۹۵۴ در مانیلا باشتراک ایالات متحده امریکا، بریتانیا، فرانسه، زیلاند جدید، آسترالیا، تایلند، فلیپین، پاکستان و همچنان سنتو با شرکت بریتانیا، ترکیه، ایران و پاکستان، استوار بود، پیش می‌برد.[۱۳٤]

سیاست خارجی پاکستان در منطقه در مخالفت با منافع اتحاد شوروی، هند و افغانستان قرار داشت، چونکه از یکسو پاکستان عضویت بلوک نظامی - سیاسی سنتو و سیاتو را داشت و از سوی دیگر افغانستان و هند نسبت به آن کشور ادعاهای ارضی داشتند. موقف افغانستان و هند که مبنی براصول بی‌طرفی و عدم‌انسلاک و نه پیوستن به بلوک‌های نظامی، به نفع اتحادشوروی بود.

مناسبات اتحادشوروی - هند فقط پس از سفر ج. ل. نهرو در سال ۱۹۵۵ به اتحادشوروی فعال‌تر شدند. هند حمایت محسوس اتحادشوروی را در امر کشمیر در هنگام سفر ن. آ. بولگانین و ن. س. خروشچف حاصل کرد.[۱۳۵]

به تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۵۵ هنگام سفر به هند، صدر هیأت رییسه شورای عالی اتحادشوروی بولگانین و رییس حکومت شوروی ن. خروشچف از ایالت کشمیر هند بازدید کردند. هنگام پذیرایی صدراعظم کشمیر غ. محمدبخشی، ن. س. خروشچف دربارهٔ کشمیر بیانه داده و موقف دولت شوروی را پیرامون این مسأله

---

[۱۳٤] История внешней политики СССР ۱۹۱۷-۱۹۸۰. Т. ۲. / Под ред. А.А. Громыко, Б.Н. Пономарева. - М., ۱۹۸۱. С. ۱٤٦.
تاریخ سیاست خارجی اتحادشوروی، زیر نظر آ. آ. گرومیکو، ب. ن. پاناماریوف. مسکو سال ۱۹۸۱، ص. ۱۴۶.

[۱۳۵] Белокреницкий В.Я., Москаленко В.Н. История Пакистана. XX век. - М., ۲۰۰۸. С. ۱۲۱.
بیلو کورینسکی و. یا.، موسکالینکو و.ن. تاریخ پاکستان در قرن ۲۰. مسکو، سال ۲۰۰۸، ص. ۱۲۱.

بیان کرد. او از جمله گفت:

«جمهوری مستقل و آزاد هند - یک دولت جوان و رشدیابنده است. مسایل درونی هر دولت امری مربوط به مردم هر دولت است. مسأله کشمیر بمثابهٔ یکی از ایالات جمهوری هند توسط خود مردم کشمیر فیصله شده است. اگر ما در چهرهٔ جمهوری هند متحد خویش را در مبارزه بخاطر صلح، برای حل مسالمت‌آمیز مسایل مورد منازعه می‌بینیم، شوربختانه چنین چیزی را دربارهٔ پاکستان نمی‌توان گفت». [۱۳۶]

هنگامی که ن. س. خروشچف به مناسبات اتحادشوروی با پاکستان تماس گرفت، تالار با شنیدن صحبتش بشور آمد. او منجمله گفت: «پاکستان نیز دولت جوان است. مگر سیاست محافل حاکمهٔ این دولت باعث نگرانی ما است. واقعیت‌ها بیانگر آنند که سیاست آنان بر منافع اصلی مردم و دولت خویش استوار نبوده بلکه توسط محافل انحصاری کشورهای دیگر دیکته می‌شود. حکومت کنونی پاکستان علناً نزدیکی خودرا با محافل انحصاری امریکایی تبلیغ می‌کند». [۱۳۷]

مطبوعات افغانستان بیانه‌یی رهبر شوروی پیرامون جابجایی پایگاه‌های نظامی امریکایی در خاک پاکستان بر مبنای پیمان بغداد را بطور گسترده مورد تحلیل و تبصره قرار دادند. چنانچه این گفته‌های رهبر شوروی چنین اقتباس شده بودند:

«حکومت پاکستان یکی از نخستین اشتراک کنندگان و یکی از مبتکران پکت نام‌نهاد بغداد بود که برای اهداف صلح‌آمیز ایجاد نشده است. این دولت اجازه می‌دهد در خاکش در نزدیکی مرزهای اتحادشوروی پایگاه‌های امریکایی ایجاد شود. ما به‌صراحت می‌گوییم، ایجاد پایگاه‌های امریکایی در ساحهٔ پاکستان نمی‌تواند ما را

---

[۱۳۶] Н.А. Булганин, Н.С. Хрущев. Речи во время пребывания в Индии, Бирме и Афганистане. –М., ۱۹۵۵. С. ۱۰۶.
ن.آ. بولگانین، ن.س. خروشچف. بیانات هنگام سفر به هند، برما و افغانستان- مسکو، سال ۱۹۵۵. ص. ۱۰۶.

[۱۳۷] همانجا. ص. ۱۰۶...

نگران نسازد».[۱۳۸]

جراید رسمی افغانستان تأکید ویژه‌یی بالای نگرانی ن. س. خروشچف به امر پیوستن ایران به پیمان بغداد نموده و همبستگی حکومت افغانستان را با بیاناتش ابراز نمودند:

«ما بطور روشن می‌گوییم که هیچگاهی از اشتراک کنندگان پیمان بغداد، همانند هر گروه‌بندی دیگر ضد اتحادشوروی پشتیبانی نمی‌کنیم. برخوردی دیگر از جانب ما به معنی نابینایی سیاسی می‌باشد. برای همه هویدا است که پیمان بغداد برضد اتحادشوروی و دیگر کشورهای صلح‌دوست است. بنابراین تضعیف این اتحاد جنگ طلب و یکی از منابع ماجراجویی‌های ممکن وظیفهٔ ما می‌باشد».[۱۳۹]

در رابطه به عکس‌العمل منفی پاکستان به سفر رهبری شوروی به افغانستان، خروشچف تأکید کرد:

«افغانستان همسایهٔ نیک ما است که با آن ما مناسبات دیرینه داریم. ما می‌خواهیم این مناسبات را تحکیم بخشیده و گسترش دهیم و امیدوارم سفر ما به افغانستان در این راستا یاری رساند».[۱۴۰]

او پیرامون روابط اتحادشوروی و پاکستان خاطرنشان کرد: «ما بسیار می‌خواهیم تا چنین مناسبات دوستانه را با پاکستان نیز داشته باشیم، و این تقصیر ما نیست که تاکنون چنین روابطی ایجاد نشده اند. مگر ما با پیگیری برای بهبود این روابط بخاطر امر صلح تلاش خواهیم کرد».[۱۴۱]

مناسبات افغانستان و هند در آینده بارها از بوتهٔ آزمایش بدرآمدند. چنانچه در سال ۱۹۶۲ حکومت چین به تحریکات نظامی در مرز هند و تبت دست زد که در نتیجه هند بخشی از خاکش را از دست داد. در رابطه به این رویداد حکومت هند

[۱۳۸] همانجا. ص. ۱۰۶...
[۱۳۹] همانجا. ص. ۱۰۷...
[۱۴۰] همانجا. ص.
[۱۴۱] همانجا. ص. ۱۰۷...

از ایالات متحده تقاضای کمک نظامی نموده و حتی از دادن ساحه‌یی نه چندان بزرگ برای پایگاه نظامی‌شان ابراز آمادگی کرد. در همان سال در پاکستان «قول اردوی صلح» به فعالیت آغاز کرد».[۱۴۲] بااین همه رویدادها، هند به ادامهٔ سیاست باصطلاح «مشی نهرو» ادامه داد. و مناسبات میان افغانستان و هند برشالودهٔ همین سیاست ادامه می‌یافت.

۲. روابط افغانستان باکشورهای منطقه

در درازنای تاریخ مناسبات مردمان افغانستان و هند روابط نزدیک دوطرف همواره برجستگی داشته اند. افغانستان برای هند همچون همسایه پاکستان از ارزش بزرگی برخوردار بوده و است. چونکه مخالفت با پاکستان وجه مشترک آنان بشمار می‌رود. هند و افغانستان همیشه علاقمند جدی حفظ تمامیت ارضی خویش بودند. بنابراین زمامداران هند از موقف کابل پیرامون مسأله پشتونستان و «خط دیورند» پشتیبانی می‌کردند.

در این میان در درازنای سال‌های ۱۹۶۰ در نظم جهانی دوقطبی «درزهایی» به میان آمد. چنانچه ورود جنبش عدم‌انسلاک به عرصهٔ بین‌المللی از اهمیت زیادی برخوردار شد.

هند و افغانستان در جنبش عدم‌انسلاک شرکت فعال داشته و به این ترتیب به پاکستان همانند کشور وابسته به بلوک نظامی و تهدید کنندهٔ آنان فشار می‌آوردند. ستراتیژی هند بر شالودهٔ همکاری با افغانستان چیزی که پاکستان نمی‌خواست، استوار بود. هند تلاش می‌کرد تا افغانستان توانایی مقابله را با پاکستان که همه‌جانبه می‌کوشید افغانستان را تضعیف نماید، داشته باشد.

در چوکات کمک‌های هند به بازرگانان افغانی در مواقع دشواری که در عرصهٔ

[۱۴۲] Белокреницкий В.Я., Москаленко В.Н. История Пакистана. XX век. - М., ۲۰۰۸. С. ۱۸٦.
بیلو کورینسکی و. یا.، موسکالینکو و.ن. تاریخ پاکستان در قرن ۲۰. مسکو، سال۲۰۰۸ ، ص..۱۸۶

تجارتی و ترانزیتی میان افغانستان و پاکستان به میان می‌آمد، آن کشور تسهیلاتی نوی را فراهم می‌کرد.

همچنان هیأت شرکت هوانوردی «ایندین ایرلاینز کورپوریشن» برای بحث پیرامون مسایل مربوط به انتقال اموال صادراتی و وارداتی افغانی توسط هواپیماهای این شرکت به کابل آمد.[۱۴۳] در نتیجه همکاری در عرصه هوانوردی دوطرف بنیاد شرکت مشترک هوایی «دآریانا افغان هوایی شرکت» را گذاشتند که ۵۱ در صد آن مربوط حکومت افغانستان و ۴۹ در صد مربوط به شرکت مختلط امریکایی هندی «ایندآمر» بود.[۱۴۴] پس از یکسال این شرکت پروازهایش را میان کابل و دهلی آغاز کرد.[۱۴۵] برعلاوه برای گسترش همکاری‌های تخنیکی رییس ادراۀ هوانوردی ملکی هند گوپتا بکابل آمد.[۱۴۶]

در چوکات همکاری‌های تخنیکی در ماه فبروری سال ۱۹۵۶ هیأت صنایع افغانستان جهت آشنایی با تولیدات پیشه وری، مؤسسات نساجی و مکاتب تخنیکی هند به آن کشور سفر کرد. در جریان این سفر قرارداد کمک تخنیکی هند به افغانستان بخاطر انکشاف صنایع نساجی امضا شد. هیأت افغانی همچنان با انکشاف اجتماعات روستایی هند آشنا شد.[۱۴۷]

---

[۱۴۳] آرشیف وزارت خارجه اتحاد شوروی:
АВП РФ. Ф. ۰۴۲. Оп. ٦٦٦. Пор. ۱. П. ۸۸.

[۱۴۴] همانجا:... قابل یاداوریست که پسانها هواپیمایی آریانا با پان امریکن ایالات متحده شریک شده و سهم ۴۹ درصدی خودرا به آنشرکت واگذار کرد (مترجم). جهت معلومات بیشتر سایتهای زیر مربوط به بی بی سی فارسی و سایت وزارت ترانسپورت و هوانوردی ملکی دیده شوند:
- АВП РФ. Ф. ۰۴۲. Оп. ٦٦٦. Пор. ۱. П. ۸۸.
http://www.bbc.com/persian/afghanistan/story/۲۰۰۷/۱۲/۰۷۱۲۰۷_s-afghan-aviation.shtml
http://motca.gov.af/fa/page/۵۸۸٤/۵۹۰٤
(مترجم).

[۱۴۵] روزنامه انیس مورخ ۱۴ اکتوبر سال ۱۹۵۶ میلادی

[۱۴۶] روزنامه اصلاح مورخ ۵ سپتامبر ۱۹۵۶۷ میلادی

[۱۴۷] روزنامه اصلاح مورخ ۱۱ فبروری سال ۱۹۵۶ میلادی

همچنان همکاری‌های دو کشور در عرصه نظامی نیز گسترش می‌یافتند. در ماه اپریل ۱۹۵۶ هیات نظامی افغانستان از هند دیدن نمود که در جریان آن قرارداد همکاری در عرصهٔ آموزش کادرهای نظامی برای اردوی افغانستان نیز امضا شد.[۱۴۸]

در ماه فبروری سال ۱۹۵۷ هند نخستین نیروگاه اتمی اش را به بهره‌برداری سپرد. در مراسم گشایش آن معاون وزیرمعادن و صنایع افغانستان سید عبدالاحد اشتراک نموده بود.[۱۴۹]

همچنان همکاری‌های دوجانبه عرصهٔ فرهنگی منجملهٔ صنعت سینما و آموزش تاریخ باستان افغانستان که هردو کشور را سخت بهم پیوند می‌داد، نیز در بر می‌گرفت. دانشمندان هندی تاریخ باستانی رام هند را در کابل مورد پژوهش قرار داده و باستان‌شناسان و کارشناسان هندی با موزیم کابل همکاری نموده و کاوش‌هایی را در افغانستان انجام دادند.[۱۵۰]

در ماه فبروری ۱۹۵۶ محمدداوود با هیأت همراهانش از هند دیدار کرد. بر مبنای خبر روزنامهٔ حکومتی اصلاح، در جریان مذاکرات دوطرف به همسویی و همخوانی منافع‌شان پیرامون مسایل مهمی چون لزوم اتکا به اصول روابط همکاری و همزیستی میان همه مردمان بمثابهٔ شالودهٔ حفظ صلح جهانی تأکید ورزیدند. در جریان ملاقات محمدداوودخان با جواهرلعل نهرو طی بیانه‌یی منجمله خاطر نشان ساخت که در همهٔ گوشه و کنار آسیا و افریقا تغییراتی بوقوع می‌پیوندند و یکی از فاکتورهای صلح در زمان حاضر و گذشته بیداری ملیون‌ها نفر از مردمان آسیا و افریقا می‌باشد. همچنان رهبر هند گفت:[۱۵۱] «...کشورهای ما در رفع تشنج بین‌المللی موجود موقف بیطرفانه گرفته و در هیچ جنگ سردی و هیچ پیمان و بلوک نظامی اشتراک نمی‌ورزند. موقف‌های نامبرده مطابق منافع مشترک ما

[۱۴۸] روزنامه اصلاح مورخ۷ اپریل سال ۱۹۵۶ میلادی
[۱۴۹] روزنامه انیس مورخ ۷ فبروری سال ۱۹۵۷ میلادی
[۱۵۰] روزنامه اصلاح مورخ ۱۷ می سال ۱۹۵۶ میلادی
[۱۵۱] روزنامه اصلاح مورخ ۱۲ فبروری سال ۱۹۵۹ میلادی

می‌باشند که عامل نزدیکی دو کشور است».

محمدداوود متقابلاً صحبت کرده و موضع رسمی حکومت و مردم افغانستان را پیرامون حکومت و مردم هند بیان داشت. از جمله او گفت: «مردم افغانستان صمیمانه علاقمند نزدیکی روابط آینده با ملت کبیر هند می‌باشد. تاریخ گواه مبارزه مشترک ما است، زمانی که مردم افغانستان، هند و کشورهای دیگر این گوشهٔ دنیا برضد استعمار می‌رزمیدند. در روزهای دشوار هندوستان مردم افغانستان همیشه احساس دوستی نسبت به مردم هند داشتند. مردم هند بنوبه خود نسبت به مردم افغانستان در روزهای مبارزه بخاطر استقلال احساس همدردی می‌کردند».

در رابطه به پیمان‌های نظامی محمدداوود چنین گفت: «افغانستان همیشه سیاست بی‌طرفی و تبادلهٔ آزاد افکار را پیش می‌برد. این مشی اساس سیاست ما را تشکیل می‌دهد... پیشبرد مشی بی‌طرفی افغانستان و هند مطابقت نقاط نظر دو حکومت در مسایل بین‌المللی عامل نزدیکی افغاستان و هند است...»[۱۵۲]

مطبوعات افغانستان سفر محمدداوود به هند را طور گسترده بازتاب دادند. چنانچه روزنامه دولتی اصلاح در شماره مورخ ۱۲ فبروری ۱۹۵۹ خویش نوشت:

«سردار محمدداوود یک هفته است که در هند است. او به شهرهای دهلی، چندریگر، آگره و به ایالات پنجاب و بیهار رفته و از مؤسسات صنعتی دیدن نموده و با پلان‌های جدید انکشاف هند آشنا شد.»[۱۵۳]

مناسبات افغانستان با هند به همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی محدود نمی‌شد؛ دوطرف فعالانه اطلاعات استخباراتی‌شان را پیرامون پاکستان تبادله می‌کردند. برای این منظور هند امکانات پولی را در اختیار ادارهٔ استخبارات خارجی افغانستان برای کار در میان پشتون‌ها قرار می‌داد.

در دورهٔ صدارت محمدداوود گام‌های بسیاری مثبت در مناسبات میان افغانستان

[۱۵۲] روزنامه اصلاح مورخ ۱۲ فبروری سال ۱۹۵۹ میلادی
[۱۵۳] همانجا، روزنامه اصلاح مورخ ۱۲ فبروری سال ۱۹۵۹ میلادی

و ایران بوجود آمدند. این کشور بطور عنعنوی در شرق میانه نقش مهمی را بازی کرده و می‌توانست به حکومت افغانستان در راستای مدرنیزه ساختن اقتصاد کمک مالی نماید.

در سال‌های ۵۰ - ۶۰ اوضاع در ایران متشنج بود. رقابت میان امریکا و انگلیس بخاطر نفوذ در این کشور ادامه داشت. به تاریخ ۱۹ اگست ۱۹۵۳ در تهران با اشتراک سی. آی. ای. کودتای دولتی رخ داد. در نتیجه جنرال زاهدی نخست وزیر شد. پس از این کودتا ایران بشکل روشن از بی‌طرفی فاصله گرفته و سیاست اتحاد نظامی با ایالات متحده امریکا و داشتن روابط اقتصادی منحصر با دولت‌های غربی را در پیش گرفت. چنانچه مذاکرات با انگلستان و ایالات متحده پیرامون نفت آغاز شدند. در دسامبر ۱۹۵۳ روابط دیپلوماتیک قطع شده در خزان ۱۹۵۲ احیا شدند. کنسرسیوم‌های بین‌المللی نفت به استخراج گستردهٔ نفت آغاز کردند.

چنانچه پیشتر گفته شد، ایران در سال ۱۹۵۵ به پیمان بغداد شامل شد، در حالی که افغانستان به حفظ سیاست بی‌طرفی اش ادامه می‌داد. مگر بدون در نظرداشت تفاوت‌ها در شیوه‌های سیاست خارجی و دگرگونی‌ها در اوضاع درونی سیاسی در افغانستان و ایران، دو طرف تلاش می‌کردند مواضع مشترکی برای استقرار مناسبات همسایگی نیک در یابند.

در همین زمان مناسبات دو کشور همسایه فعال‌تر شد. در ماه جولای ۱۹۵۴ سفیر ایران در افغانستان محمود صلاحی با سرپرست وزارت‌اقتصاد ملی عبدالرووف ملاقات کرد که در جریان آن اساس احیای مناسبت اقتصادی گسیخته میان دو کشور گذاشته شد.[۱۵٤]

در ماه دسامبر همان سال به سفیر پیشین افغانستان در فرانسه جنرال محمدعمر اگریمان انتصاب به سفارت ایران داده شد.[۱۵۵]

[۱۵٤] همانجا، روزنامه اصلاح مورخ ۱۲ فبروری سال ۱۹۵۹ میلادی
[۱۵۵] ۱۹۵٤ انیس مورخ ۱۲ دسامبر سال

در این‌زمان مناسبات دو کشور بخاطر موضع ایران در رابطه به اسراییل کمی تیره بود. شاه ایران محمدرضا شاه پهلوی از جمله نخستین رهبران کشورهای اسلامی بود که تصمیم به برقراری روابط دیپلوماتیک با اسراییل را گرفت. افغانستان از موضع انتقادی روحانیت رادیکال ایران که شاه را «وسیلهٔ سیاست صیهونیست‌ها» می‌دانستند، حمایت می‌کرد.

افغانستان ایران را همچنان به وفاداری به سیاست بریتانیا و فرانسه پیرامون کانال سویز متهم می‌کرد. در این رابطه سفیر ایران محمود صلاحی کنفرانس مطبوعاتی دایر کرده و در جریان آن از حل عادلانه معضل کانال سویز به نفع مصر ابراز خرسندی کرد. او همچنان شایعات پخش شده در مطبوعات خارجی مبنی بر امکان برسمیت شناختن حکومت اسراییل را رد کرد.[۱۵۶]

مناسبات افغانستان و ایران تحت‌الشعاع نحوهٔ استفاده از آب رودخانه هلمند نیز قرار داشت. در ماه جون ۱۹۵۵ وزیرخارجه افغانستان محمدنعیم به تهران رفت تا با اعضای حکومت ایران روی حل معضلات به میان آمده پیرامون استفاده معقول از آب رودخانه هلمند گفتگو کند. مگر طوری که پسان‌ها معلوم شد، دوطرف به علت مواضع متقابل پیرامون این مسأله به کدام پیشرفتی در این راستا دست نیافتند.[۱۵۷] هم‌زمان ایران در سال ۱۹۵۵ بدون توضیح علت خط پرواز تهران - زاهدان - قندهار - کابل را بست.[۱۵۸]

مگر از سال ۱۹۵۶ مناسبات بشکل عادی برگشتند. چنانچه معاون وزیر امورخارجه محمدهاشم میوندوال به حیث نمایندهٔ پادشاه افغانستان و نصرالله بِهنام همانند نماینده شاه ایران معاهدهٔ درازمدت میان ایران و افغانستان را پیرامون کمیساری‌های مرزی امضا نمودند.[۱۵۹] در سال ۱۹۵۶ شرکت هواپیمایی آریانا پرواز

[۱۵۶] اصلاح شماره مورخ ۲ اگست ۱۹۵٤
[۱۵۷] انیس مورخ ۱۲ جون سال۱۹۵۵
[۱۵۸] انیس مورخ ۲۹ می سال۱۹۵۵
[۱۵۹] اصلاح شماره مورخ ۲۷ جون ۱۹۵۶

بین‌المللی میان کابل - تهران را آغاز کرد.[۱۶۰] و حتی به مثابه نشانهٔ نیک روابط دو کشور برادر شاه ایران شهزاده شاهپور عبدالرضا پهلوی به کابل آمد.[۱۶۱]

هم‌زمان عضویت ایران در سازمان سنتو واکنش منفی اتحادشوروی را به‌بار آورد. ایران همواره تلاش می‌کرد اثبات کند که عضویت اش در سنتو به هیچوجه علیه اتحادشوروی نمی‌باشد. از آنجایی که افغانستان نیز با بدبینی به عضویت همسایگانش به عضویت سنتو می‌دید، در این رابطه مواضع کابل و مسکو نزدیک بودند. در این میان مطبوعات افغانستان بطور گسترده به بازتاب و تحلیلِ آغاز مذاکرات میان ایران و اتحادشوروی پیرامون معاهدهٔ عدم تعرض پرداختند.[۱۶۲]

روزنامه اصلاح خبر کوتاهی را با عنوان «انتقادِ تاس» به نشر رساند که آژانس تلگرافی شوروی (تاس) رهبری ایران را به دلیل اینکه مذاکرات چند روز پیش آغاز شده در تهران میان هیات شوروی و حکومت ایران بی‌نتیجه ماند ،انتقاد می‌کند. تاس خبر داده بود که با وجود آنکه هردو طرف آمادگی‌شان را برای عقد معاهدهٔ عدم تعرض نشان داده بودند، حکومت ایران موافقه نکرد تا از بلوک‌های نظامی خارجی که برعلیه اتحادشوروی اند، بیرون شود. بر مبنای اطلاعات دیگر رییس جمهور امریکا د. آیزنهاور هنگام اقامت هیأت شوروی به شاهنشاه ایران پیامی فرستاد که در آن خواست تا او بدنیای غرب متکی بماند.

روزنامه انیس[۱۶۳] با اتکا به آژانس‌های خارجی خبر داد که حکومت شوروی به ایران پیشنهاد آتی را داده است: اگر حکومت ایران موافقات نظامی‌شان با کشورهای غربی را لغو کند، در آن‌صورت اتحادشوروی حاضر است با آن کشور معاهده عدم تعرض را برای پنجاه سال بسته و به ایران کمک گسترده اقتصادی را اعطا نماید.

پس از چند روز این آژانس‌ها بازهم خبر دادند که این مذاکرات متوقف شده اند.

---

[۱۶۰] انیس مورخ ۲۴ می سال ۱۹۵۶
[۱۶۱] انیس مورخ ۱۷ اگست ۱۹۵۷
[۱۶۲] اصلاح شماره مورخ ۱۴ فبروری سال ۱۹۵۹.
[۱۶۳] انیس مورخ. ۱۳/۲/۱۹۵۹

هم‌زمان خبر دیگری پخش شد که هیأت ترکی برای پیشبرد مذاکرات با حکومت ایران پیرامون کمک‌های نظامی و اقتصادی ایالات متحده امریکا وارد شده است.[۱۶۴]

در آغاز سال ۱۹۵۹ طرح پروژه‌یی میان ایران و ایلات متحده امریکا آماده شد که برمبنای آن در صورت تعرض کشور سومی بالای یکی از طرفین کمک متقابل دو سوی داده می‌شد. این سوال برای حکومت محمدداوودخان از اهمیت بزرگی برخوردار بود.

در ماه فبروی سال ۱۹۵۹ روزنامۀ اصلاح در بخش «خبرهای مهم ۲۴ ساعت» آگهی تحریک کننده‌یی را نشر کرد که طی آن آمده بود: بنابر اطلاع آژانس خبری «آسوشیتد پرس» از واشگتن آخرین موانع به میان آمده هنگام عقد معاهده میان ایران و ایالات متحده امریکا رفع شده اند. پیش‌بینی می‌شد که در همان ماه بستن رسمی این عهد نامه صورت بگیرد. بر اساس اطلاع همان آژانس، ایران به دریافت کمک امریکا در حالت تهدید کشورهای کمونیستی پافشاری می‌کرد. ایالات متحده خبر داد که این نوع معاهدات فقط پس از تصویب مجلس سنا نافذ می‌شود.[۱۶۵]

هم‌زمان آژانس نامبرده پیش‌بینی می‌کرد که حکومت ایالات متحده امریکا نمی‌تواند با همه خواسته‌های ایران موافقت کند.

در این زمان اوضاع ایران به نسبت رویارویی اپوزیسیون و رژیم شاه بغرنج شد. در سال ۱۹۶۳ شاه به یک برنامۀ گستردۀ اصلاحات بنیادی اقتصادی - اجتماعی که بنام «انقلاب سفید» شهره شد، دست زد. این برنامه شامل اصلاحات زمین (ارضی) که در جریان آن حکومت از درآمده‌های حاصله از فروش نفت قطعات زمین را از فیودالان خریده و به کشورزان مشغول به آن به بهای ٪ ۳۰ پایین‌تر از نرخ بازاز بفروش می‌رساند.

در حالی که ایالات متحده از موقف محمدداوودخان پیرامون پشتونستان حمایت

[۱۶۴] انیس مورخ. ۱۲/۱۲/۱۹۵۹
[۱۶۵] اصلاح شماره مورخ سال۱۴/۰۲/۱۹۵۹

نمی‌کرد، همسایهٔ غربی آن ایران با درخواست جانب افغانی ملاقات نمایندگان دو طرف (پاکستان و افغانستان) را سازماندهی کرد.[۱۶۶]

در ماه جولای ۱۹۶۲شاه ایران محمدرضا پهلوی با برداشتن گام‌های نخستین در راستای عادی شدن روابط افغانستان - پاکستان طی سفر رسمی از کابل دیدن کرد. ایران رسماً اعلام کرد که می‌تواند میانجی دوطرف باشد. هردو کشور این پیشنهاد را پذیرفتند. در سال ۱۹۶۳ در اسامبله عمومی ملل‌متحد وزیرخارجه ایران عباس آرام توانست وزیران خارجهٔ دوسوی را به میز مذاکره بنشاند.[۱۶۷]

تلاش‌های ایران در آغاز بنابر موقف سختگیرانهٔ دوطرف مؤفقانه نبودند. در آن زمان صدراعظم محمدداوودخان برای آنکه راه حل اوضاع به میان آمده و انکشاف روابط با کشورهای دیگر را پیدا کند، مصرانه در نامه‌هایش از ظاهرشاه می‌خواست تا به وی صلاحیت‌های بیشتر بدهد؛ مگر پادشاه از حالت اقتصادی کشور نگران بوده و بناءً به درخواست‌های صدراعظم پاسخ نداد.

در ماه مارچ ۱۹۶۳ ظاهرشاه استعفای رییس حکومت محمدداوودخان را بر اساس اینکه سیاست وی با پاکستان باعث بحران اقتصادی در کشور شده، خواست.[۱۶۸]

بجاست یادآوری نماییم که حتی در سال ۱۹۵۸ شاه ایران محمدرضا پهلوی به افغانستان و پاکستان طرح پروژهٔ سه جانبه باصطلاح «اتحاد آریایی» را پیشنهاد کرد.[۱۶۹] با این طرح شاه می‌پنداشت که چنین یک اتحادی برای کابل می‌تواند در حل معضلات پشتونستان کمک کند. برعلاوه افغانستان در این راستا می‌تواند کمک کشورهای سنتو را کمایی کند. همزمان، رییس جمهور ترکیه نیز هنگام سفر به کابل از ایجاد فدراسیون کشورهای مسلمان غیر عرب یاد کرد. هردوی این

---

[۱۶۶] وحید مژده. روابط سیاسی ایران و افغانستان در قرن بیستم. کابل سال ۲۰۱۰. ص. ۸۱.

[۱۶۷] همانجا وحید مژده. روابط سیاسی ایران و افغانستان در قرن بیستم. کابل سال ۲۰۱۰. ص. ۸۳

[۱۶۸] Fraser-Tytler W.K. Afghanistan. ۳d edition. - New York; - Toronto, ۱۹۶۷. C. ۳۲۶

[۱۶۹] محمد اکرام اندیشمند. ما و پاکستان . سال ۲۰۰۷، ص. ۱۳۹

پیشنهاد به ابتکار ایالات متحده امریکا برای جلب افغانستان به سیستم بلوک‌های نظامی طرح‌ریزی شده بودند، مگر همهٔ این تلاش‌ها ناکام شدند.

هم‌زمان در اوج گسترش تشنج میان افغانستان و پاکستان، حجم روابط اقتصادی و گردش کالاها با اتحادشوروی افزایش یافت. این امر باعث نگرانی ایالات متحده امریکا شد که از ورود افغانستان به ساحه نفوذ اتحادشوروی می‌هراسید.

پس از این ابتکار، تلاش برای عادی‌سازی مناسبات راولپندی (پایتخت آن‌زمان پاکستان) و کابل را دوباره شاه ایران محمدرضا پهلوی گرفت. مگر تلاش جدید نیز ناکام شد. چون هیچ یک از طرفین نمی‌خواست به سازش تن دهد. کابل پشتیبانی مسکو را در مسأله پشتونستان استفاده می‌کرد، مگر این حمایت نتایج واقعی را به‌بار نمی‌آورد. از سویی بیش‌ترینه سیاستمداران افغانی از وابستگی فزایندهٔ اقتصادی، و همچنان سیاسی افغانستان به اتحادشوروی نگران بودند.

اپوزیسیون روبه افزایش مذهبی در ایران بر ضد سیاست «انقلاب سفید» که تلاشی برای سمت‌دهی ایران به شیوه غربی انکشاف بود، قد علم کرد. این اپوزیسیون مذهبی توسط آیت‌الله خمینی رهبری می‌شد.

هم‌زمان در کشور دیگر همسایه افغانستان - چین نیز دگرگونی‌هایی در جریان بود. پس از پایان جنگ دوم جهانی ارتش مردمی - آزادی‌بخش چین زیر رهبری مائوتسه دون اردوی چان کای شیک را شکست داد. در نتیجه در سال ۱۹۴۹ جمهوری مردم چین ایجاد شد. رییس این دولت مائوتسه دون بود.

در سال ۱۹۵۵ میان حکومت جمهوری مردم چین و افغانستان موافقتی پیرامون برقراری مناسبات دیپلوماتیک برقرار شد. چنانچه صدراعظم مردم چین چو اِن لای و محمدنعیم به این مناسبت تلگرام‌های تبریکی‌شان را مبادله نموده و هم‌زمان سفارت‌های دو طرف در کشورهای‌شان گشایش یافت.[۱۷۰]

همچنان دوطرف برای برقراری مناسبات فرهنگی نیز تلاش‌های‌شان را آغاز کردند.

[۱۷۰] - АВП РФ. Ф. ۰٤۲. Оп. ٧а. Пор. ١. П. ٨٨ آرشیف وزارت خارجه اتحاد شوروی...

چنانچه برای آشنایی با مؤسسات آموزشی چین هیأت فرهنگی افغانی به آن کشور رفت. در ترکیب هیأت رییس تعلیمات ابتدایی وزارت‌معارف دکتر محمداکرم، معاون انجمن تاریخ دکتر عبدالرحیم و مدیر مطبوعات ولایت قطغن میراحمد انصاری عضویت داشتند.[۱۷۱]

در ماه جولای ۱۹۵۶ رییس حکومت افغانستان محمدداوود دعوت صدراعظم جمهوری مردم چین چوئن لای را پذیرفته و قرار گذاشت سال به چین سفر کند.[۱۷۲] در ماه نوامبر همان سال محمدداوود از همتای چینی اش دعوت کرد تا از افغانستان بازدید کند. چنانچه در ماه جنوری ۱۹۵۷ او از مهمانش پذیرایی کرد.[۱۷۳]

چوئن لای در هنگام سفرش مبلغ ۵۰۰ هزار افغانی را به جمیعت هلال احمر افغانی بخشید. و در ماه دسامبر ۱۹۵۷ محمدداوود سفر متقابلش را به چین انجام داده[۱۷٤] و هنگام سفرش در چین مبلغ ۲۰۰۰ دالر را به جمیعت هلال احمر آن کشور بخشید.[۱۷۵]

در سال ۱۹۵۹ بنابر تجاوز نیروهای چینی به تبت و فرار دالای لاما به هندوستان، مناسبات میان جمهوری مردم چین و هند به وخامت گرایید. در سال ۱۹۶۲ حکومت چین دوباره به عملیلت جنگی علیه هند در تبت دست زد، که از این زاویه نزدیکی مناسبات چین و پاکستان آغاز شده و این امر باعث نارضایتی مسکو، دهلی و هم کابل شد. همچنان مناسبات کابل و پیکن بخرابی گراییدند.

در سال ۱۹۵۴ جمال عبدالناصر در مصر به قدرت رسید. در سال ۱۹۵۶ او ملی شدن کانال سویز را اعلام کرد.[۱۷٦] اندیشه‌های محمدداوود و رهبر مصر ناصر در

---

[۱۷۱] انیس مورخ ۱۰ اکتوبر سال۱۹۵٦.
[۱۷۲] نیس مورخ ۱۴ جولای۱۹۵٦
[۱۷۳] انیس مورخ ۱۸ جنوری سال ۱۹۵۷
[۱۷٤] آرشیف وزارت خارجه اتحاد شوروی...
- АВП РФ. Ф. ۰٤۲. Оп. ٤٤. Пор. ۳. Инв. ۱۷۸, ۲۱۰. П. ۵۹
[۱۷۵]اصلاح مورخ ۹ نوامبر سال۱۹۵۷
[۱۷٦] اصلاح مورخ ۱۳ نوامبر سال۱۹۵٦

مسایل سیاست داخلی و خارجی بیشتر هم‌سو بودند. این امر باعث رشد سریع روابط همه‌جانبه میان افغانستان و مصر شد.

نظر به دستور رییس حکومت افغانستان، وزیرخارجه محمدنعیم‌خان به مصر سفر نموده و رییس جمهور پیشین آن کشور نقیب، صدراعظم جمال عبدالناصر، وزیرخارجه، اعضای شورای انقلابی و گردانندگان روزنامه‌ها ملاقات کرد. در قاهره محمدنعیم از برخی کارخانه‌های نظامی و مکتب چتربازان (پراشوتیست‌ها) بازدید کرد. در گفتگو با نماینده آژانس باختر محمدنعیم با گزافه گویی از پیشرفت مصر یاد کرد. نظر به اطلاع روزنامه انیس از تاریخ ۲۱ نوامبر سال ۱۹۵۴ در مصر از وزیر امورخارجه بگرمی پذیرایی شد.[۱۷۷]

مطبوعات مصری گویا از موضع افغانستان در معضل پشتونستان و دادن استقلال به آن حمایت کرد. در این رابطه روزنامه خبر داده بود که در آیندهٔ نزدیک صدراعظم مصر جمال عبدالناصر در راه سفر به جاکارتا از افغانستان دیدن می کند. برعلاوه روزنامه آرزومند بود که او از پشتونستان نیز بازدید کند.

در هنگام اقامت در مصر محمدنعیم‌خان پیرامون برخی مسایل سیاست خارجی کشور و از جمله روابط افغانستان و جهان عرب نیز توضیحاتی داد. چنانچه محمدنعیم‌خان در مصاحبه با مدیر مسوول روزنامه «الاخبار» به تاریخ ۲۲ اکتوبر خاطر نشان کرد که افغانستان در کنفرانس کشورهای مسلمان آسیا و افریقا در جاکارتا اشتراک می‌نماید. وزیر امورخارجه افغانستان بدون بیان نظراش پیرامون پیوستن افغانستان به بلوک «نیروی سوم» اشاره نمود که «اگر اتحاد "نیروی سوم" ساخته شود، در آن‌صورت باید این نیرو غیرمتعهد بوده و نباید به پیمان‌های شرقی و نه به غربی تمایل داشته و همچنان به هیچ یک از بلوک‌های نامبرده ارجحیت قایل شود. در اینصورت می‌شود نه به نفع دیگران، بلکه به نفع خویش و بخاطر آیندهٔ خویش خدمت کرد».[۱۷۸]

---

[۱۷۷] روزنامه انیس مورخ ۲۱ نوامبر سال۱۹۵٤

[۱۷۸] روزنامه انیس مورخ ۱۷ نوامبر سال۱۹۵٤.

در رابطه به مناسبات اعراب و اسراییل، محمدنعیم‌خان تأکید کرد که «سیاست افغانستان که با محبت به اعراب نگریسته و آنها را در همهٔ مسایل مربوط به کشورهای‌شان پشتیبانی می‌کند، با سیاست عرب‌ها و بویژه مصر در رابطه با اسراییل مطابقت دارد.»

در ماه اپریل سال ۱۹۵۵ وزیردولت و عضو شورای انقلابی مصر محمدانورالسادات به کابل آمد. در میدان هوایی از وی رییس دفتر مطبوعاتی وزارت‌خارجه، محمدهاشم میوندوال، والی کابل، یک مأمور وزارت‌خارجه، سفیران مصر، هند، فرستادهٔ عربستان سعودی و کاردار سفارت عراق پیشواز گرفتند. در همان روز محمدانورالسادات با محمدظاهرشاه و صدراعظم محمدداوود ملاقات کرد.[۱۷۹]

در ماه اکتوبر همان سال محمدهاشم میوندوال به قاهره رفت تا مسأله ایجاد نمایندگی مطبوعاتی افغانستان در کشورهای خاورمیانه را در قاهره بررسی کند.[۱۸۰]

بزرگ‌ترین اقدام تهاجمی لندن در رابطه به فیصله حکومت مصر در راستای ملی شدن کمپنی سراسری کانال سویز در زمان پس از جنگ در بهار سال ۱۹۵۶ صورت گرفت. پس از چند سال آ. ایدن در خاطراتش نوشت که آمادگی برای اقدام نظامی از سوی حکومت انگلیس دفعتاً پس از دریافت اطلاع مربوط به ملی شدن آن کمپنی صورت گرفت. «رؤسای ستاد ارتش دستور یافتند تا اگر شیوه‌های دیگر ممکن نباشند، پلان و گرافیک اجرای عملیات را که هدفش اشغال کانال وبرقراری امنیت آن بود، آماده نمایند.»[۱۸۱]

در هنگام بحران کانال سویز در اتحادیه کشورهای کامنولت انشعاب واضح بوجود آمد.[۱۸۲] در جلسه اسامبله عمومی ملل‌متحد مورخ ۲ نوامبر سال ۱۹۵۶ برعلیه

---

[۱۷۹] انیس مورخ ۷ اپریل سال۱۹۵۵

[۱۸۰] انیس مورخ ۶ اکتوبر سال ۱۹۵۵

[۱۸۱] - http://works.tarefer.ru/٥٤/١٠٠١٢٠٠/index.html

[۱۸۲] - http://works.tarefer.ru/٥٤/١٠٠١٢٠٠/index.html

فیصلهٔ نامهٔ ملل‌متحد برای قطع تجاوز انگلیس - فرانسه و اسراییل همراه با کشورهای مهاجم نامبرده فقط استرالیا و زیلاند جدید رأی دادند. بیش‌ترینه کشورهای کامنولت از بریتانیا حمایت نکرده، هند و سیلون موضع قاطع دفاع از مصر را گرفتند. جواهرلعل نهرو پسان‌ها می‌گفت: درست در رابطه با بحران کانال سویز نخستین بار موضوع امکان خروج هند از کامنولت به میان آمد. همچنان بیانهٔ وزیرخارجه کانادا ل. پریسون نیز بیان کرد که «کنال سویز نخستین بار کامنویلت انگلیس را در آستانهٔ انشعاب قرار داد».

در سال ۱۹۵۶ ظاهرشاه در مراسم استقلال کشور اعلام کرد که مردم و حکومت افغانستان از اقدامات مصر در جهت ملی شدن کانال سویز حمایت می‌کند. بدین مناسب اتحادیه کشورهای عرب از شاه افغانستان سپاسگذاری کرد.[۱۸۳] مسأله تجاوز بالای مصر در جلسه فوق‌العاده شورای وزیران زیر رهبری رییس آن محمدداوود بررسی شد. شورای وزیران درباره حدت اوضاع مصر خواستار توجه جدی ملل‌متحد و سرمنشی آن شد.[۱۸٤]

در همان روز حکومت محمدداوودخان سفیر مصر را در رابطه به اقدامات متجاوزانه انگلستان، فرانسه و اسراییل برضد مصر پذیرفت که سفیر مذکور به صدراعظم افغانستان درخواست رهبری مصر پیرامون اعطای کمک لازم به آن کشور را به وی رساند. محمدداوود به وی دربارهٔ موقف افغانستان که همانا پشتیبانی از مصر است، آگاهی داده[۱۸۵] و اعلام کرد که حکومت افغانستان کمک

---

http://dic.academic.ru/dic.nsf/ruwiki/۸۷. Добровольное межгосударственное объединение независимых государств, в которое входят Великобритания и почти все её бывшие доминионы, колонии и протектораты.

اتحادیه دواطلبانهء دول مستقلی که در گذشته مستعمره، نیمه مستعمره و یا تحت الحمایهء انگلستان بودند.

[۱۸۳] آرشیف وزارت خارجه روسیه:...

АВП РФ. ١٩٥٦. Ф. ٠٤٢. Оп. ٦٨в.Д. ٢. П. ٨٨.

[۱۸٤] همانجا

[۱۸۵] همانجا

به این کشور را یکی از وجایب اخلاقی و دینی خویش می‌پندارد.[۱۸۶] محمدداوود همچنان از طریق رادیوی کابل نیز پیرامون رویدادهای پسین مصر بیانیه‌یی ایراد کرد.[۱۸۷]

در این رابطه همچنان نماینده دایمی افغانستان در ملل‌متحد عبدالحمید عزیز از اسامبله عمومی ملل‌متحد تقاضا کرد، تصمیمی پیرامون آتش بس و خروج تمام واحدهای متجاوزان از خاک مصررا اتخاذ کند.[۱۸۸] پس از آن رییس جمهور مصر از مردم و حکومت افغانستان بخاطر همدردی و پشتیبانی صادقانه سپاسگذاری کرد.[۱۸۹]

به تاریخ ۲۵ دسامبر ۱۹۵۶ شاه و صدراعظم افغانستان پیامی عنوانی رییس جمهور جمال عبدالناصر در رابطه به خروج قطعات انگلیسی - فرانسوی از خاک مصر فرستاده و پاسخ وی را با سپاس گذاری دوباره دریافت کردند.[۱۹۰]

در همان روز رییس هلال احمر افغانی به سفیر مصر چکی به مبلغ ۲۰۰ هزار دالر را که از اعانهٔ مردم برای کمک به مصر جمع آوری شده بود، اهدا کرد.[۱۹۱]

در ماه می سال ۱۹۵۷ صدراعظم محمدداوود نظر به دعوت حکومت مصر با سفر حسن‌نیتی به قاهره رفت.[۱۹۲]

در ماه نوامبر ۱۹۵۷ صدراعظم افغانستان محمدداوود به جمال عبدالناصر به مناسبت انتخابش به حیث ریسس جمهور جمهوری متحدهٔ عربی (مصر و سوریه) پیام تبریکی فرستاد.[۱۹۳]

---

[۱۸۶] همانجا
[۱۸۷] همانجا
[۱۸۸] همانجا
[۱۸۹] همانجا
[۱۹۰] АВП РФ. ۱۹۵۷. Ф. ۰۴۲. Оп. ٦٩.Д. ۱. П. ۸۳
[۱۹۱] АВП РФ. ۱۹۵۷. Ф. ۰۴۲. Оп. ٦٩.Д. ۱. П. ۸۳
[۱۹۲] АВП РФ. ۱۹۵٦. Ф. ۰۴۲. Оп. ٦٨в. Д. ۲. П. ۸۸
[۱۹۳] همانجا...

در نیمه‌های دهه پنجاه با به قدرت رسیدن جمال عبدالناصر در مصر یک مثلث جالبی متشکل از سه رهبر: ناصر - نهرو - داوود به میان آمد. آنان اشتراک کنندگان فعال کنفرانس باندونگ کشورهای آسیا و افریقا در سال ۱۹۵۵ بوده با توافق هم سیاست خارجی‌شان را پیرامون مسایل منطقوی و جهانی هم‌آهنگ می‌کردند.

از ۱۸ - ۲۴ اپریل همان سال در باندونگ هیأت‌های افغانستان، مصر، هند و همچنان پاکستان، سیلون و برما حضور بهم رساندند.[۱۹۴] وزیرخارجه افغانستان محمدنعیم رهبری هیأت افغانی را که متشکل از (عبدالملک رحیمزی، محمدهاشم میوندوال، سفیر افغانستان در لندن دکتر نجیب‌الله، عبدال‌هادی داوی، عبدالرحمان پژواک، محمدغوث علیزی و سید قاسم رشتیا)[۱۹۵] بود به عهده داشت، در پاسخ به پرسش‌های خبرنگاران روزنامه‌های پایتخت پیرامون نتایج کنفرانس باندونگ گفت که این کنفرانس «رویداد تاریخی» برای کشورهای آسیا و افریقا بود. او همچنان اعلام کرد که با وجود تفاوت نظریات اشتراک کنندگان کنفرانس به نتیجه واحد رسیده و تصامیم را که پاسخگوی منافع جهان است، اتخاذ نمودند. او همچنان خاطرنشان کرد که هیأت افغانی بالای تحکیم روابط فرهنگی و اقتصادی میان کشورهای آسیا و افریقا وملل دیگر صلحدوست جهان تأکید ورزیده و از پیشنهادهای که در راستای تحکیم چنین مناسبات ارائه شدند، پشتیبانی کرد.[۱۹۶]

در ماه سپتامبر ۱۹۶۱ در شهر بلگراد نخستین کنفرانس جنبش عدم‌انسلاک گشایش یافت. این کنفرانس در بیش‌ترینه جهات ادامهٔ عنعنات بنیانگذاران کنفرانس کشورهای آسیا - افریقا در باندونگ بود. رهبران غیررسمی این جنبش هند و یوگوسلاویا شدند. در این جنبش بطور فعال افغانستان، مصر، اندونیزیا،

---

[۱۹۴] روزنامه اصلاح مورخ ۱۳ فبروری ۱۹۵۵ و انیس مورخ ۱۶ اپریل ۱۹۵۵

[۱۹۵] امین‌الله دریغ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور. ۲۰۰۷ م. ص.۳۶۸.

[۱۹۶] - АВП РФ. Ф. Посольства СССР в Афганистане, ۱۹۵٦. Оп. ٦٨. Пор ٢. П. ٨٨٠.

آرشیف وزارت خارجه روسیه. فوند سفارت شوروی در افغانستان، سال ۱۹۵۶ شماره: Оп. ٦٨. Пор ٢. П. ٨٨.

غنا (گانا)، برما و بسیار کشورهای دیگر نیزاشتراک داشتند.

مرام جنبش عدم‌انسلاک تلاش برای دوری از کشورهای شرق و غرب نه بلکه کناره‌گیری از رویارویی‌های متقابل آنان اعلام شد. کشورهای غیرمنسلک مکلف شدند، سیاست مستقلی را پیش برده و به اتحادیه‌های نظامی که این یا آن ابرقدرت شامل است، نه پیوسته، از ایجاد پایگاه نظامی در خاک خویش جلوگیری نموده، طرفدار همزیستی مسالمت‌آمیز بوده و از جنبش‌های آزادی‌بخش حمایت کنند.[۱۹۷] اصولی اساسی مندرج در اسناد نهایی کنفرانس باندونگ سال ۱۹۵۵ و جنبش عدم‌انسلاک عبارت بودند از:[۱۹۸]

۱. احترام متقابل به تمامیت ارضی و استقلال یکدیگر؛
۲. عدم تعرض؛
۳. عدم مداخله در امور داخلی؛
٤. مسوات و سود متقابل؛
٥. همزیستی مسالمت آمیز.

۲. مناسبات افغانستان با کشورهای غربی

در مرحلهٔ نخستین حکومت محمدداوود، افغانستان و آلمان غرب فعالانه بهم نزدیک شدند. در سال ۱۹۵۴ در لندن میان سفارت‌های دو کشور تبادله نامه‌ها پیرامون برقراری مناسبات دیپلوماتیک صورت گرفت. در ماه سپتامبر ۱۹۵۴ حکومت افغانستان اگریمان سفیر جمهوری فدرال آلمان هِرمان کیورینگ را صادر کرد.[۱۹۹] همچنان پس از نیم سال حکومت آلمان غرب اگریمان وزیر صحت‌عامه غلام‌فاروق را که به حیث سفیر افغانستان در بن تعیین شده بود، نیز صادر

[۱۹۷] http://www.diphis.ru/vozniknovenie_dvijeniya_neprisoedineniya-a۱۳۹٥.html

[۱۹۸] http://ru.wikipedia.org/wiki/-

[۱۹۹] روزنامه اصلاح مورخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۵۴

نمود.[۲۰۰]

به قول روزنامه انیس در ماه دسامبر سال ۱۹۵۴ سرپرست وزارت‌اقتصاد عبدالرووف هنگام سفر به آلمان غرب طی یک کنفرانس مطبوعاتی از گسترش همکاری‌های اقتصادی میان افغانستان و آلمان فدرال در عرصه‌های پلانگذاری و ساختمان مؤسسات صنعتی، راه‌ها، ساختارهای آبرسانی و غیره پروژه‌ها در ولایات شمال افغانستان سخن زد.[۲۰۱]

در ماه اکتوبر سال ۱۹۵۵ سرپرست وزارت‌مالیه عبدالملک و رییس ادارۀ تجارت وزارت‌اقتصاد ملی محمدسرور به آلمان غرب برای یک سفر کاری رفتند.[۲۰۲]

همچنان در اکتوبر ۱۹۵۵ وزارت‌فواید عامه افغانستان با شرکت آلمانی «کوکس» قراردادی را دربارۀ کاره‌های پژوهشی و آماده‌سازی طرح پروژه آبیاری امضا نمودند.[۲۰۳] در همان سال برمبنای قرارداد عقد شده با کمپنی «کوکس»، نخستین گروه انجینیران آلمان غربی برای طرح پروژه ساختمان میدان هوایی به کابل آمدند.[۲۰٤]

برعلاوه وزارت‌فواید عامه قرارداد دیگری را با شرکت آلمانی زیمنس دربارۀ ساختمان عمارت نو مهمان‌خانه کابل و ساختمان جدید با تجهیزات نو تیلفون‌خانه مرکزی عقد نمود.[۲۰۵] همچنان با شرکت نامبردۀ زیمنس قرارداد ساختمان خط تیلفون میان کابل - مزارشریف[۲۰٦] و تمدید خط تیلفون - تلگراف میان کابل - قندهار - سپین بولدک بسته شد.[۲۰۷]

---

[۲۰۰] انیس مورخ ۹ فبروری سال ۱۹۵۵
[۲۰۱] روزنامه انیس مورخ ۲۰ دسامبر سال ۱۹۵٤
[۲۰۲] روزنامه اصلاح مورخ ۲۴ اکتوبر سال ۱۹۵۵
[۲۰۳] روزنامه انیس مورخ ۳۰ اکتوبر سال ۱۹۵۵
[۲۰٤] روزنامه اصلاح مورخ ۳۱ اکتوبر سال ۱۹۵۵
[۲۰۵] روزنامه اصلا مورخ ۲۷ فبروری سال۱۹۵۵
[۲۰٦] روزنامه انیس مورخ ۲۶ اکتوبر سال۱۹۵۵
[۲۰۷] روزنامه اصلاح ۱۵ فبروری سال ۱۹۵۶

در سال ۱۹۵۷ هیأت اقتصادی آلمان فدرال به کابل آمد.[۲۰۸] به منظور گسترش همکاری‌های تخنیکی، اقتصادی و بازرگانی در ماه می همان سال نیروگاه برق سروبی که به همکاری شرکت زیمنس ساخته شده و برق کابل را تأمین می‌کرد، به بهره‌برداری سپرده شد. در مراسم گشایش این نیروگاه رییس شرکت پیتر فون زیمنس شخصاً اشتراک کرده بود.[۲۰۹]

در همان سال شاروالی (شهرداری) کابل قراردادی را با شرکت نامبرده برای تأمین تجهیزات برق و دستگاه‌های سینمایی،[۲۱۰] تنویر شهر و همچنان تهیهٔ دستگاه‌های رادیویی موج کوتاه بست.[۲۱۱] علاوه بر این میان شاروالی کابل و شرکت آلمانی دیگر موسوم به «هاینمان» نیز قراردادی پیرامون ساختمان مرکزگرمی آبی مسجد جامع پل‌خشتی امضا شد.[۲۱۲]

در سال ۱۹۵۷ میان افغانستان و آلمان فدرال معاهدهٔ تأمین وسایل سیستم کانالیزاسیون کابل و همچنان میان شرکت کوکس و وزارت‌فواید عامه قراردادی پیرامون ساختمان و بازسازی پوهنتون (دانشگاه) کابل عقد شد.[۲۱۳]

همچنان آلمان غرب به افغانستان در آموزش قطعات و واحدهای وزارت‌داخله کمک فعال می‌رساند. در سال ۱۹۵۷ بنابه دعوت قوماندانی عمومی ژاندارم و پولیس مشاور آلمانی در امور ژاندارم آلبرت ویزیل به کابل آمد.[۲۱۴]

به کمک آلمان غرب در کابل مکتب میخانیکی ساخته شد که مدیر آن کارشناس

---

[۲۰۸] انیس مورخ ۸ می سال ۱۹۵۷

[۲۰۹] آرشیف وزارت خارجه روسیه:..

- АВП РФ. . Ф. ۰٤۲. Оп. ٦۹.Д. ۱. П

[۲۱۰] همانجا

[۲۱۱] همانجا

[۲۱۲] همانجا

[۲۱۳] همانجا

[۲۱٤] آرشیف وزارت خارجه روسیه:..

. ۱۹۵۷. Ф. ۰٤۲. Оп. ٦۹.Д. ۱. П. ۸۳

آلمانی هِرمان دیتریخ بود. پسان‌ها کاردار سفارت آلمان فدرال از مکتب میخانیکی بازدید کرده و به رییس تعلیمات تخنیکی و وزیرمعارف محمدحیدر مواد آموزشی بصریِ تخنیکی را با تجهیزات لابراتواری بخشید.[۲۱۵]

طوری که از نمونه‌های بالا برمی‌آید، محمدداوود علاقمندی اش را به آلمان‌ها پنهان نکرده و در زمان صدارتش بطور همه‌جانبه می‌کوشید تا این مناسبات را گسترده ترساخته و تحکیم بخشد.

مناسبات افغانستان با کشور بزرگ دیگر غربی - فرانسه بنابر سیاست سرکوبگرانهٔ حکومت آن کشور در الجزایر و مراکش (مغرب) به دلیل آنکه حکومت افغانستان از تلاش‌های مردم مسلمان این کشور برای استقلال پشتیبانی می‌کرد، تیره بود.

در ماه سپتامبر ۱۹۵۵ وزارت‌خارجه افغانستان به سفیرانش در فرانسه، انگلستان و ایالات متحده امریکا دستور داد که به حکومات این کشورها نگرانی حکومت افغانستان به علت رویدادهای شمال افریقا را بیان نمایند.[۲۱۶]

در سال ۱۹۵۶ صدراعظم هند ج. لعل نهرو پیشنهادی را مبنی بر حل صلح آمیز مسأله الجزایر طرح کرد که هدف آن پشتیبانی از دولت‌های شمال افریقا برای استقلال‌شان بود. افغانستان ازین ابتکار حمایت کلی اش را اعلام کرد.

مگر صرفنظر از موضع جدی حکومت محمدداوودخان در برابر سیاست استعماری فرانسه در مراکش و الجزایر و پشتیبانی کابل از موضع مصر در مسأله کانال سویز، افغانستان می‌کوشید با فرانسه مناسباتش را گسترده سازد. به تاریخ ۶ جنوری سال ۱۹۵۹ نخستین قرارداد بازرگانی و همکاری تخنیکی میان افغانستان و فرانسه عقد شد. این قرار داد را از سوی افغانستان وزیرتجارت شیرزاد و از طرف فرانسه سفیر فرانسه در کابل کریستیان بِل امضا نمودند.[۲۱۷]

---

[۲۱۵] همانجا

[۲۱۶] روزنامه اصلاح مورخ ۸ سپتامبر ۱۹۵۵

[۲۱۷] یادداشت مترجم: قابل یاد آوریست که در دورهء صدارت سردار محمد داوود مناسبات افغانستان با کشورهای دیگر اروپایی نیز آغاز شده و یا تحکیم یافتند.

تا این‌زمان افغانستان در درازنای سالیان زیاد بصورت عنعنوی مناسبات گرم با فرانسه داشت، بویژه در عرصه‌های تخنیکی، فرهنگی و علمی. آموزگاران، طبیبان و باستانشناسان فرانسوی در افغانستان کار کرده و به افغان‌ها در بخش‌های گوناگون کمک می‌کردند. بسیاری از دانشجویان افغانی و منجمله شخص ظاهرشاه و صدراعظم محمدداوود همان سانی که پیشتر یادآوری شد در فرانسه آموزش دیده بودند.[۲۱۸] آنها از نزدیک با فرهنگ و رسوم فرانسه آشنایی داشتند که در امر داشتن مناسبات دوستانه میان دو کشور مؤثر بود.

در هنگام صدارت محمدداوود مسأله انکشاف مناسبات متقابلاً مفید میان افغانستان و فرانسه و عقد قراردادی برای همکاری‌های بازرگانی و تخنیکی به میان آمد.[۲۱۹] عقد قرارداد یاد شده به تاریخ ۶ جنوری سال ۱۹۵۹ گام مهمی در راستای

چنانچه در پایان سال ۱۹۵۴ سفیر افغانستان در انگلستان نجیب الله (توروایانا) از همتای هالندی اش در لندن وزیر پیشین امور خارجه آقای د. ا. ستیکر درخواست نمود ببیند، آیا دولت هالند آماده است روابط متقابل دیپلماتیک با افغانستان را ایجاد کند. نجیب‌الله در مذاکرات سال ۱۹۵۰ با لامپینگ سهیم بوده بناً پیشبردِ طرحهای قبلاً ارایه شده را پیشنهاد می‌کرد. او در نظر داشت همزمان بحیث سفیر غیر مقیم در دِنهاگ (لاهه) ایفای وظیفه کند.
در ماه جولای ۱۹۵۵ جلسهء نهایی دیپارتمنت جنرال سکرتری (وزارت امور خارجه) تصمیم نهایی را گرفته و فیصله نمود که به دهلی جدید مأموریت نمایندگی غیر مقیم در کابل نیز واگذار شود. بدلایل سیاسی گزینه اینکه سفارت کراچی نمایندگی هالند را کند، رد شده و طرح تهران بعلل عملی و بویژه فقدان راه مناسب مواصلاتی غیر معقول پنداشته شد. بناً گزینهء دهلی بمثابهء بازیگر بزرگ سیاسی در این عرصه با درنظرداشت اینکه افغانها خود دهلی نو را ترجیح میدادند مطرح شد.
بالآخره هلیب (سفیر هالند در دهلی)، در سال ۱۹۵۶ بکار آغاز کرده و در ماه اکتوبر همانسال به کابل رفت تا اعتماد نامه اش را بحیث سفیر غیر مقیم تقدیم حکومت افغانستان کند. این کار در واقع آغاز عملی روابط سیاسی و قونسلی افغانستان و هالند بود.
پسان‌ها جانشین هیلب یونکر خ. بیلایرتس فان بلوکلاند در ماه اپریل ۱۹۶۱ در کابل پس از ۱۱ روز انتظار قادر شد، اعتمادنامه اش را بحیث سفیر (غیرمقیم) به شاه افغانستان تقدیم کند. دیده شود: فراز و فرودِ تاریخی، مناسباتِ دوجانبهء افغانستان- هالند، اثر آ. ث. فان دِر زوان، ترجمهء خلیل وداد سایت کابل ناته:

http://www.kabulnath.de/Sal-e-Nohum/Shoumare_۲۰۱/Dr.Khalil%Wadad.html

[۲۱۸] امین‌الله دریغ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور ۲۰۰۷ م. ص. ۳۰۴
[۲۱۹] روزنامه اصلاح، مورخ ۸ جنوری ۱۹۵۹م.

تحکیم روابط میان دو کشور بود. با بستن این قرارداد، افغانستان امکان آنرا به دست آورد تا نه تنها کمک‌های تخنیکی را به دست آورد، بلکه می‌توانست به فرانسه، مواد خام مانند پشم، پنبه، قره‌قل، پوست‌های حیوانات دیگر، میوه‌های خشک، نباتات دارویی و دانه‌های روغنی که فرانسه به آنها ضرورت داشت؛ صادر کرده و از آن جا فرآورده‌های صنعتی فرانسوی مانند تجهیزات و وسایل ساختمان بند و انهار، ابزار برقی، سامان‌ها و ماشین‌ها برای پیشبرد کارهای عام‌المنفعه، وسایل تخنیکی برای کشف و استخراج نفت، تجهیزات و وسایل لازمی برای امور کشاورزی، مخابرات، هوانوردی، وسایل لازمی برای کشف معادن، تجهیزات برای صنایع نساجی، موترها، ظروف‌چینی، رابر، مواد کیمیاوی و خوراکی را وارد نماید.[۲۲۰]

در زمانی که نرخ فرانک، پول رایج فرانسوی کاهش یافته بود، این قرار داد عامل مؤثری در افزایش خریداری کالاهای فرانسوی شد که افغانستان هم به این فراورده‌ها و هم فروش کالاهای افغانی سخت ضرورت داشت.

در آنروزها در بسیاری از کشورهای جهان از رهبر کاریزماتیک فرانسه جنرال دوگل به نیکی یاد می‌کردند. زمانی که او به قدرت رسید حکومت محمدداوودخان امیدوار بود که مسأله الجزایر حل و فصل خواهد شد. در آن‌وقت مردم الجزایر برضد تسلط فرانسه مبارزه می‌کرد. زمانی که جنرال دوگل پست نو اش را احراز کرد، مبارزه در الجزایر حادتر از گذشته شد.[۲۲۱] حکومت محمدداوود همانند کشورهای بی‌شمار اسلامی نگران آن بود که رهبر نو فرانسه کدام مشی را پیشرو خواهد گرفت. گرچه رهبری فرانسه در آن‌زمان به فعالیتش برضد جنبش آزادی‌بخش الجزایر ادامه داد، مگر محمدداوود امیدوار بود که حکومت فرانسه به اقدامات عاقلانه‌یی برای حل این معضل دست یازد. در نتیجه این مسأله مطابق خواست مردم الجزایر حل و فصل شده و آندولت استقلالش را به دست آورد. [۲۲۲]

[۲۲۰] همانجا: روزنامه اصلاح، مورخ ۸جنوری ۱۹۵۹م.
[۲۲۱] روزنامه اصلاح مورخ ۱۳ جنوری سال ۱۹۵۹ م.
[۲۲۲] خبرنامهء مطبوعاتی افغانستان مورخ ۱۳ جنوری سال ۱۹۵۹شماره ۹

٤. روابط افغانستان با ابرقدرت‌ها

حتی در پایان سال‌های ۴۰ در کابل از تلاش‌های متجاوزانهٔ مسکو می‌هراسیدند. در این‌باره عبدالمجید زابلی وزیراقتصاد هنگام سفر سال ۱۹۴۸ اش که تلاش داشت قرضه‌یی باندازهٔ ۱۱۸ ملیون دالر را به دست آورد، یادآوری کرده بود. وزیرنامبرده همچنان تقاضای کمک نظامی را برای امنیت داخلی در صورت شورش ممکن قبایل کرده بود. مگر واشنگتن به یک تهدید توانمند دیگر یعنی تهدید شوروی علاقمند بود. و این موضوع را عبدالمجید زابلی بخوبی درک می‌کرد، چنانچه او گفته بود که افغانستان می‌تواند در یک جنگ احتمالی علیه شوراها نقش مثبتی را بازی کند: «افغانستانِ خوب تسلیح شده و مورد حمایت ایالات متحده امریکا می‌تواند، از پیشروی شوروی‌ها بسوی هندوکش جلوگیری کند و این امر سهمی به پیروزی نیروهای مسلح غرب است... البته، زمانی که جنگ آغاز شود، افغانستان می‌تواند، شکست بخورد و اشغال شود. مگر روس‌ها توان آنرا نخواهند داشت تا این کشور را مطیع خود سازند. افغانستان می‌تواند و توانایی آنرا دارد تا یک جنگ پارتیزانی (چریکی) را در درازمدت به پیش ببرد».[۲۲۳]

مگر ادارهٔ ترومن علاقه‌یی به برداشت‌های احساساتی و امکانات توانمند افغانستان که توسط وزیر افغان بیان شدند، نشان نداد. برای ایالات متحده امریکا معضلات هند و پاکستان اولویت داشته و افغانستان در آن‌زمان برای‌شان کدام ارزش ویژه و یا استراتیژیکی را نداشت.

ادارهٔ واشنگتن به افغانستان توصیه کرد، در صورت جنگ با اتحادشوروی موقف بی‌طرفی اش را حفظ کند. هم‌زمان امریکا نمی‌خواست با افغانستان بسیار نزدیک شود، چون می‌هراسیدند هر نوع فعالیت غرب در این کشور شاهی باعث تحریک اقدامات شوروی‌ها برای استقرار کنترول‌شان شود، چون از نگاه جیوپولیتیکی اتحادشوروی بمراتب نزدیکتر به افغانستان بود.

[۲۲۳] امین‌الله دریغ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور ۲۰۰۷ م. ص. ۳۳۸

در سال های ۵۰ سفارت ایالات متحده در کابل شرایطی را به حکومت افغانستان پیشنهاد کرد که در صورت قبول آنها این کشور اسلحه امریکایی را به دست می‌آورد: جلوگیری از نفوذ اتحاد شوروی؛ برقراری مناسبات دوستانه با امریکا؛ تأمین امنیت داخلی در کشور و جستجوی راه‌های حل معضلهٔ رویارویی افغانستان - پاکستان.[۲۲۴]

گرچه ایالات متحده و افغانستان پیش از پیدایش پاکستان روابط‌شان را برقرار کرده بودند، پس از ایجاد آن کشور ایالات متحده امریکا علاقمند انکشاف فعال همکاری با افغانستان بویژه در عرصهٔ نظامی نبود. پاکستان برای ایالات متحده امریکا به نزدیک‌ترین متحد در منطقه تبدیل شد، بنابر آن امریکا به این کشور کمک‌های فزاینده‌یی از جمله در امر تقابل فزایندهٔ آن با افغانستان روی مسأله «خط دیورند» و پشتونستان ارائه می‌کرد.

در سال ۱۹۴۹ در زمانی که بحران سیاسی میان افغانستان و پاکستان پیرامون معضله پشتونستان بوجود آمد، کابل نگران توان نظامی اش بود. در گام نخست محمدنعیم‌خان بوسیلهٔ سفیرش در واشنگتن از ایالات متحده خواستار کمک شد. همچنان محمدداوودخان که در آن‌زمان در کابینه شاه‌محمودخان وزیردفاع بود، از ایالات متحده امریکا تقاضای خرید اسلحه را کرد.

پیش از این در سال ۱۹۴۷ زمانی که صدراعظم شاه‌محمودخان سفر کاری به ایالات متحده داشته، از امریکا خواستار کمک نظامی شده بود، واشنگتن علاقمند دادن کمک نشده و برای ارائه آن یک‌سلسله شرایط سخت را پیشکش نمود: صد در صد پیش پرداخت خریداری اسلحه، انتقال آنها با امکانات خودی تا افغانستان و دادن ضمانت از سوی ملل‌متحد که اسلحه نامبرده فقط به اهداف دفاعی به کار خواهد رفت.[۲۲۵]

خودداری ایالات متحده از دادن اسلحه به افغانستان نشان داد که باوجود

[۲۲۴] امین‌الله دریغ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور. ۲۰۰۷ م. ص. ۳۰۱.-
[۲۲۵] محمد اکرام اندیشمند، ما و پاکستان سال ۲۰۰۷ص۲۶۲

آرزومندی افغانستان آن کشور علاقمند گسترش همکاری نظامی نیست. بدون همکاری ایالات متحده افغانستان نمی‌توانست، ترانزیت اسلحه امریکایی از طریق بندر کراچی و یا انتقال آن از راه ایران را ممکن سازد. هویدا بود که امریکایی‌ها بخاطر همسویی روابط‌شان با پاکستان نمی‌خواستند به افغانستان کمک کنند.

در سال ۱۹۵۰ ایالات متحده با گسیل نمایندهٔشان به کابل نقش میانجی در رویارویی افغانستان و پاکستان را به عهده گرفت. برعلاوه، اهداف استراتیژیک واشنگتن فراتر از معضل پشتونستان بود. با تشویق کابل به اینکه به تقاضای پاکستان پاسخ مثبت دهد، امریکا حتی در آن‌زمان می‌خواست افغانستان را به بلوک نظامی ساخته و پرداختهٔ خودش که قرار بود، ساحهٔیی «از باسفور تا کشمیر» شامل ترکیه، ایران، افغانستان و پاکستان را در بر گیرد، بکشاند. مگر کابل به امر پیوستن به برنامه‌های استراتیژیک غرب در منطقه آمادگی نشان نداد، چون امیدوار پشتیبانی ایالات متحده از داعیهٔ پشتونستان نبود.[۲۲۶]

در سال ۱۹۵۳ صدراعظم محمدداوودخان از خطر همکاری یکجانبه ایالات متحده و پاکستان که بی‌ثباتی و برتری نظامی پاکستان نسبت به افغانستان را دربر داشت، گفته و از امریکا خواست با افغانستان نیز همکاری نماید. مگر امریکایی‌ها بازهم از پذیرش این درخواست به بهانهٔ مسأله ناحل پشتونستان خودداری کردند.

در ماه دسامبر ۱۹۵۴ معاون رییس جمهور امریکا ریچارد نیکسن از کابل بازدید کرد.[۲۲۷] در جریان مذاکرات طرفین مسأله کمک اقتصادی به افغانستان را بحث نمودند. با تماس به معضله افغانستان - پاکستان، نیکسن پیشنهاد کرد، بهتر است، افغانستان با خودداری از خواست‌هایش پیرامون پشتونستان به رفع تشنج میان دو کشور کمک کند. این موضع نیکسن برای محمدداوود غیر قابل پذیرش

[۲۲۶] کارگون و. گ. تاریخ افغانستان در قرن بیست. م. سال ۲۰۰۴. ص. ۳۰۱.
Коргун В.Г. История Афганистана XX век. - М., ۲۰۰٤. С. ۳۰۱.

[۲۲۷] روزنامه انیس مورخ ۱۴ دسامبر سال ۱۹۵۴ م

بوده و اورا وداشت به زودی برای جلب کمک به اتحادشوروی مراجعه کند. نیکسن در مصاحبه با آمر آژانس باختر سید قاسم رشتیا در برابر سوالش که منافع ایالات متحده در افغانستان چیست، پاسخ داد: «افغانستان خیلی از ما دور است. برای ما دشوار است در این کشور منافع داشته باشیم».[۲۲۸]

«شما از افغانستان بازدید کردید و می‌دانید که این کشور آزادی‌خواه است که توانسته از استعمار جهانی استقلالش را به دست آورد. پندار شما دربارۀ این کشور چیست؟».

«این برایم رومانتیک است، مگر ما از تلاش افغانستان برای استقلال پشتیبانی می‌کنیم».

در پاسخ به آخرین پرسش مبنی بر اینکه آیا ایالات متحده امریکا حاضر است در این کشور سرمایه گذاری کند، نیکسن گفت:«ما نمی‌توانیم در کشوری سرمایه گذاری کنیم که قوانین اش را نمی‌دانیم. تا زمانی که ضمانت‌های لازم را نداشته باشیم، نمی‌توانیم سرمایه گذاری کنیم».

این موضوع را پسان‌ها کارمند برجستۀ ادارۀ دولتی ایالات متحده امریکا و کارمند پیشین سفارت امریکا در کابل لیون پولادا نیز تأیید کرد. [۲۲۹]

در سال‌های ۶۰ در اسناد محرم وزارت‌خارجه امریکا که پسان‌ها علنی شدند، دیپلمات امریکایی در افغانستان اگنوس وان وارد[۲۳۰] به حکومتش توصیه می‌کرد در امر برقراری مناسبات عادی میان افغانستان و پاکستان همکاری کرده و همچنان در عرصۀ نظامی به افغانستان کمک کند. چونکه به نظرش کمک نظامی به افغانستان به حل رویارویی با پاکستان کمک می‌کند. مگر رهبری واشنگتن مشوره‌هایش را نادیده گرفت.

[۲۲۸] ظاهر طنین. افغانستان در قرن بیستم. (۱۹۰۰-۱۹۹۶)، تهران سال ۲۰۰۴م. ص. ۱۰۵.
[۲۲۹] Poullada, Leon B. Afghanistan and the United States: the Crucial Years // The Middle East Journal- . Spring ۱۹۸۱ Vol. ۳۵, №۲. C. ۱۸٤.
[۲۳۰] Agnus van Ward

در آن‌سال‌ها افغانستان بارها برای جلب کمک نظامی به ایالات متحده مراجعه کرد، مگر شرط امریکا برای این کمک چشم‌پوشی افغانستان از داعیه پشتونستان بود. با اینهم مذاکرات با ایالات متحده در سطوح گوناگون پیشبرده می‌شدند. مگر شرایط اعطای کمک نظامی همچنان برای افغانستان غیر قابل پذیرش بودند.[۲۳۱]

ایالات متحده با دقت مراقب روابط کابل و کراچی (پایتخت آن‌زمان پاکستان. مترجم) پیرامون پشتونستان بود. به این منظور در کابل چهره‌های رسمی و غیررسمی ایالات متحده حضور یافتند. چنانچه وان اِنگِرت عضو انجمن دوستان شرق میانه و فرستادهٔ پیشین ایالات متحده امریکا در افغانستان به کابل آمد.[۲۳۲] همچنان به تاریخ ۲۴ جون ۱۹۵۴ نیکولس ج. تیتچر کارمند ادارهٔ دولتی ایالات متحده برای بررسی حجم کمک‌های ممکن امریکا از کابل دیدن کرد.[۲۳۳]

در ماه جولای ۱۹۵۴ مقاله‌یی در روزنامهٔ انیس نشر شد که در آن خبر داده شده بود نویسندهٔ امریکایی دوناد ویلبر که سه سال پیش از آن به این کشور آمده و کتابی و یک سلسله مقالات دربارهٔ افغانستان نوشته است، دوباره آمده است.[۲۳٤] این‌بار وی گویا برای پژوهش تاریخ و اتنوگرافی پشتونستان آمده بود.

پس از یک ماه ادارهٔ عملیات خارجی ایالات متحده شش نفر کارشناسش را برای کمک تخنیکی و اجرای پروژه وادی هلمند گسیل کرد.[۲۳۵]

به تاریخ ۲۵ اکتوبر ۱۹۵۴ ویلیام سپین عضو سازمان خاورمیانه (فوندِ فورد) وابسته به دانشگاه کولمبیا و اتنوگراف که مسأله پشتونستان را تحقیق می‌کرد، به کابل آمد. [۲۳٦]

---

[۲۳۱] امین‌الله دریغ. افغانستان در قرن بیستم. پیشاور ۲۰۰۷.ص. ۳۳۸.

[۲۳۲] آرشیف وزارت خارجه اتحاد شوروی:..

АВП РФ. Ф. ۰٤۲. ۱۹٥٤. Оп. ٦٦б.Д. ۱. П. ۸۳.

[۲۳۳] همان‌جا...

[۲۳٤] همان‌جا...

[۲۳٥] خبرنامه سفارت امریکا در کابل ۲٤ جولای سال ۱۹۵۴

[۲۳٦] همان‌جا

در ماه اکتوبر سال ۱۹۵۴ بازهم افغانستان از ایالات متحده تقاضای کمک تسلیحاتی کرده و به این منظور محمدداوود برادرش محمدنعیم‌خان را از کابل فرستاد، تا وی با وزیرخارجه ایالات متحده جورج فوستر دالِس درین باره مذاکره کند. پس از دوماه بالآخره امریکایی‌ها به جانب افغانی و همچنان سفیر پاکستان در واشنگتن از نتیجهٔ گفتگوها چنین خبر دادند: «پس از بررسی همه جانبه دربارهٔ کمک نظامی ایالات متحده به افغانستان تصمیم گرفته خواهد شد». ولی دالِس روی خودداری افغانستان از داعیه پشتونستان پافشاری می‌کرد. افغانستان از سوی خود نارضایتی جدی اش را بخاطر افشای مواد مذاکرات پیرامون تحویل اسلحه اعلام کرد.

در ماه نوامبر سال ۱۹۵۴ نماینده ادارهٔ شهرداری‌های امریکا روبرت کلیفورد[۲۳۷] به کابل آمد. همچنان نمایندگان ویژهٔ رییس جمهور و وزیرخارجه امریکا مانند جیسینت، ماکگی و ریچارد برای مذاکرات و مشوره با رهبران افغانستان به کابل آمدند، تا آنها را معتقد سازند، مسأله پشتونستان را از اجندای‌شان بردارند. چون پاکستان یگانه دهلیز رساندن انواع گوناگون کالاها از ایالات متحده امریکا بود.

ریچاردز جیمز[۲۳۸] با مقامات رسمی افغانستان پیرامون دکترین آیزنهاور مذاکراتی را پیرامون کمک مستقیم به افغانستان در صورت «تهدید کمونیستی» پیش می‌برد.

برای بحث روی این دکترین محمدداوود جلسه شورای وزیران را دایر کرد.[۲۳۹] در نتیجه فیصله شد افغانستان در صورتی پیشنهاد ایالات متحده را می‌پذیرد که از آن واژهٔ «تهدید کمونیستی» برداشته شود، چون افغانستان را نه اتحادشوروی و نه چین تهدید می‌کنند. پس از آن امریکایی‌ها با درک نزاکت مسأله از پیشبرد بیشتر مذاکرات خودداری کردند. [۲۴۰]

---

[۲۳۷] امین‌الله دریغ. افغانستان در قرن بیستم. پیشاور ۲۰۰۷.ص. ۳۳۹

[۲۳۸] انیس مورخ ۲ نوامبر سال ۱۹۵۴ م.

[۲۳۹] Richards James

[۲۴۰] امین‌الله دریغ. افغانستان در قرن بیستم. پیشاور ۲۰۰۷.ص. ۳۴۵

مرام نمایندگان نامبرده امریکایی آن بود که افغانستان را تطمیع نمایند تا دکترین آیزنهاور را با اصول همکاری‌های اقتصادی آن بپذیرد.

محمدداوود سیاست بی‌طرفی را حفظ کرده و تلاش می‌کرد مناسبات عادی را با ایالات متحده برقرار کند. او می‌پنداشت که با پیشبرد سیاست عدم‌انسلاک می‌توان به همکاری اقتصادی هردو ابرقدرت امیدوار بود. محمدداوود همانند سلف اش شاه‌محمود برای پیشبرد مؤفقانه سیاست اقتصادی و بویژه مدرنیزه کردن اردو می‌خواست از امریکا کمک بگیرد، مگر به قول برادرزاده اش عزیز نعیم، ایالات متحده درخواست‌هایش را برای دفاع از منافع ملی افغانستان نپذیرفته و به آن کشور پیشنهاد کرد تا بعضویت پیمان بغداد درآید.[۲۴۱] واشنگتن با درک بیهودگی تلاش‌هایش بویژه پس از تدویر لویه‌جرگه سال ۱۹۵۵ که به دوام بی‌طرفی افغانستان تأکید کرد، بتدریج از فشارش بالای این کشور کاست؛ مگر تلاش‌هایش را برای کشاندن افغانستان به ساحهٔ نفوذش ادامه داد.[۲۴۲]

در سال ۱۹۵۵ میان دو کشور یک اختلاف نظر دیگر نیز پدید آمد؛ افغانستان مخالف جدی برسمیت شناختن اسراییل بود. پیرامون این مسأله مبارزهٔ شدید سیاسی در گرفت. در ماه جنوری حکومت افغانستان به حکومات انگلستان و امریکا بخاطر دادن اعتماد نامه سفیران‌شان جهت کار در اسراییل احتجاج کرد.[۲۴۳] سپس فعال سیاسی امریکایی‌خانم او. لورد به کابل آمد و با وزیر امورخارجه و اعضای دیگر حکومت ملاقات کرد. او. لورد با آنها مسایل مربوط به روابط امریکا و افغانستان را بحث کرده و به قول برخی منابع در گفتگوها با محمدنعیم‌خان این‌خانم موضع ایالات متحده را نسبت به اسراییل توضیح داد.[۲۴۴] همچنان یک

---

[۲۴۱] ظاهر طنین. افغانستان در قرن بیستم. (۱۹۰۰-۱۹۹۶)، تهران سال ۲۰۰۴م. ص. ۱۰۴.

[۲۴۲] Арунова М.Р. Афганская политика США в ١٩٤٥١٩٩٩ гг. - М., ٢٠٠٠. С. V.
ارونوف م. ر. سیاست امریکا در قبال افغانستان (۱۹۴۵.۱۹۹۹) مسکو ص۷ ۲۰۰۰

[۲۴۳] روزنامه اصلاح مورخ ۱۳ جنوری سال ۱۹۵۵م

[۲۴۴] روزنامه انیس، مورخ ۱۱ جنوری سال ۱۹۵۵م

گروه از اعضای کنگره امریکا به کابل آمده و با صدراعظم ملاقات کردند.[۲۴۵] وکلای امریکایی سپس برای مذاکرات بعدی راهی دهلی شدند.[۲۴۶]

در ماه نوامبر سال ۱۹۵۵ سفیر ایالات متحده در کابل انگوس اوورد با محمدظاهر شاه ملاقات کرده و مواضع امریکا را پیرامون پشتونستان و اسراییل توضیح داد.[۲۴۷]

به قول یک کارمند سفارت امریکا در افغانستان که نخواسته نامش افشأ شود، اگنوس اوورد «داوود را نفرین کرده، اورا آدم محیل، نامطمئن و بی‌پروا می‌پنداشت»، و «دفتر سی. آی. ای. در کابل که بالای اوورد تأثیر بزرگی داشت، همراه با همکاران پاکستانی اش و مخالفان‌خانوادۀ شاهی دست به توطئه می‌زد تا رژیم داوود را «بی‌ثبات» سازند.

به قول پروفیسور ل. پولادا «این چنین اقداماتِ آمریت دفتر سی. آی. ای. بازی‌گوشی ناشی از دایم‌الخمری و کراکتر کاوبایی نبوده»[۲۴۸] بلکه کلاً مطابق مشی رسمی ادارۀ امریکا در رابطه به افغانستان بود.

در سال ۱۹۵۶ زمانی که آ. اوورد در ملاقات تودیعی پیش از برگشت به وطنش با لحن آمرانه به محمدداوود توصیه کرد از کمک‌های تخنیکی - اقتصادی و نظامی شوروی خودداری نماید، داوود به هم‌صحبتش با تعقل و منطق از خودداری امریکا برای دادن چنین کمک‌ها یادآوری کرده و باقاطعیت توصیه‌های خودخواهانۀ آنرا همچون «هیستری امریکایی» رد کرد.

محمدداوود از واقعیت دلایل اقدامات ایالات متحده نسبت به افغانستان بخوبی آگاه بود. مگر هم‌زمان او نمی‌توانست به تحقیر و ذلت به آدرسش از هر جانبی که می‌بود، تن دهد و کسی را که چنین کاری می‌کرد با عمل همانند پاسخ می‌داد. مگر

---

[۲۴۵] آرشیف وزارت خارجه روسیه...
АВП РФ. Ф. ۰۴۲. ۱۹۵۴. Оп. ۶۶б. Д. ۱. П. ۸۳

[۲۴۶] روزنامه انیس مورخ ۱۳نوامبر سال ۱۹۵۵م.

[۲۴۷] روزنامه انیس مورخ ۲۶ نوامبر سال ۱۹۵۵ م

[۲۴۸] Poullada, Leon B. Afghanistan and the United States: the Crucial Years // The Middle East Journal. - Spring ۱۹۸۱. Vol. ۳۵, №۲. C.۱۸۴.

برخورد امریکا نسبت به معضل پشتونستان برای افغانستان همچنان مهم‌ترین مشکل بود. زمانی که تمام تلاش‌های امریکا برای کشاندن افغانستان به بلوک‌های نظامی ناکام مانده و پاکستان عضو سیاتو و پیمان بغداد شد، ایالات متحده از پاکستان در امر ایجاد « واحد (یونت) پاکستان غربی» حمایت کرد.[۲۴۹]

به تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۵۵ واشنگتن دوباره آمادگی خویش را برای میانجیگیری در رویارویی پاکستان و افغانستان نشان داد. به تاریخ ۶ مارچ ۱۹۵۶ سازمان نظامی سنتو که پاکستان عضو اش بود، اعلام کرد خط دیورند را همچون مرز رسمی دو کشور برسمیت می‌شناسد.[۲۵۰]

در این‌زمان پاکستان دوباره مرزش با افغانستان را بست. این امر باعث ترانزیت کالاهای افغانستان از طریق خاک اتحادشوروی شد. حکومت شوروی به این کار موافقت کرد. افغانستان با ایالات متحده امریکا معاهده‌یی داشت برای کمک‌های اقتصادی. مگر این کمک را نمی‌شد از طریق خاک اتحادشوروی انتقال داد، بنابر آن امریکا برای انتقال ترانزیت کالاهایش از خاک ایران دست به کار شد.

ایالات متحده با ادامهٔ وعدهٔ کمک به افغانستان از این کشور تقاضا می‌کرد تا از ادعا اش در مقابل پاکستان از داعیه پشتونستان بگذرد.

به تاریخ ۹ فبروری ۱۹۵۷ دیپلمات بانفوذ امریکایی چیستر بوولز که در گذشته سفیر امریکا در هند بود، تلاش نمود تا در مسأله ترانزیت کالاهای امریکایی و هندی از خاک پاکستان به افغانستان میانجی‌گری کند. به این منظور او به کابل آمد. بدنبال وی مسوول ادارهٔ همکاری‌های بین‌المللی هالستر نیز بکابل آمد.[۲۵۱] همچنان نمایندهٔ ویژهٔ رییس جمهور امریکا ریچاردز به کابل آمده، با شاه و صدراعظم ملاقات کرده و از آن جا به پیشاور رفت.[۲۵۲] در اعلامیه مشترک نشرشده در کابل

[۲۴۹] غبار . میرغلام محمد افغانستان در مسیر تاریخ. کابل، ۱۹۶۷، ص. ۳۲۸

[۲۵۰] Коргун В.Г. История Афганистана XX век. - М., ۲۰۰٤. С. ۳۲۰

[۲۵۱] روزنامه انیس مورخ ۱۸ فبروری سال ۱۹۵۷ م.-

[۲۵۲] روزنامه انیس از ۳۱ مارچ ۱۹۵۷ و ۳ اپریل ۱۹۵۷ م.

از طرف ایالات متحده اعلام شده بود که آنکشور از «استقلال افغانستان حمایت می‌کند».

در مقابلِ سفر ریچاردز پادشاه افغانستان از کاکایش شاه‌محمودخان صدارعظم پیشین خواست تا به امریکا سفر کرده و با شخص رییس جمهور آیزنهاور ملاقات کند. و در ماه فبروری سال ۱۹۵۸ صدراعظم محمدداوود دعوتنامۀ د. آیزنهاور را برای بازدید از واشنگتن به دست آورد.

به تاریخ ۲۴ جون ۱۹۵۸ محمدداوود به امریکا سفر کرد.[۲۵۳] او با رییس جمهور د. آیزنهاور و وزیرخارجه آ. دالِس و رییس بانک صادارات و واردات امریکا س. اووگ گفتگو کرده، در کنگره امریکا و سنای آن بیاینه داده و با دالِس قرارداد همکاری‌های فرهنگی را امضا کرد.[۲۵٤]

در ماه اکتوبر سال ۱۹۶۱ در اوج تشنج نوبتی مناسبات افغانستان و پاکستان رییس جمهور امریکا جان کنیدی کمک میانجی‌گرانه اش را پیشکش نمود.[۲۵۵] پیشنهاد وی پذیرفته شده و به تاریخ ۲ نوامبر نماینده ادارۀ ایالات متحده لیوینگستون میرچانت[۲۵٦] از پایتخت‌های هردو کشور بازدید کرد. مگر عادی‌سازی روابط دو کشور عملی نشد. حکومت افغانستان برای این منظور بازنمودن مرزها را همچون پیش شرط طرح کرد. مگر حکومت پاکستان به این امر تن نداد.

قابل یاددهانی است که باوجود علاقمندی به عادی‌سازی روابط افغانستان و پاکستان، امریکا این‌بار نیز از موضع پاکستان دفاع کرده و افغانستان را ترغیب می‌کرد تا از داعیه اش پیرامون خط دیورند بگذرد.

---

[۲۵۳] روزنامه اصلاح مورخ ۲۵ فبروری سال ۱۹۵۸ م.

[۲۵٤] Ghaus, Abdul Samad. The Fall of Afghanistan. Pergamon-Brasseey's Defense Publishers. - Virginia, USA. ۱۹۸۸. C. ۸۷

[۲۵۵] Adamec L.W. Historical dictionary of Afghanistan. ۲d edition. - Lanham, London, ۱۹۷۰ C. ۳٦۰

[۲۵٦] Livingston Merchant

در سال ۱۹۶۲ وزیرخارجه افغانستان محمدنعیم‌خان از واشنگتن دیدار کرد. در ملاقات با رییس جمهور جان کنیدی او تقاضای گشودن راه ترانزیت از ایران را کرد. مگر امریکایی‌ها به این درخواست وقعی نگذاشتند. با اینهم در سال ۱۹۶۲ معاهده‌یی دربارهٔ انتقال ترانزیت کالاها از خاک ایران به افغانستان میان حکومات افغانستان و ایران امضا شد.[۲۵۷]

با نتیجه گیری از اینها، می‌توان گفت پشتیبانی یک‌جانبه ایالات متحده امریکا از پاکستان در قضیهٔ پشتونستان باعث شد تا بحران دو کشور همسایه بغرنج‌تر شود. جالب است که پاکستان از این معضله توانست به نفعش بهره‌برداری کند و مؤفقانه روابطش را با ایالات متحده امریکا گسترش دهد. در حالی که افغانستان که نقش مدافع خلق پشتونستان را داشت، قربانی سیاست ناسنجیدهٔ خود شد.

ایالات متحده از سوی خود نیز نمی‌خواست به افغانستان نزدیک باشند، چون هراس داشت که هرنوع فعالیت غرب در افغانستان می‌تواند با اقدامات متقابل شوروی بخاطر کنترول این کشور مواجه شود، زیرا اتحاد شوروی از نگاه جیوپولیتیک به مراتب نزدیکتر به افغانستان بود.

خودداری کابل از پذیرش «دکترین آیزن‌هاور» شانس افغانستان را برای به دست آوردن کمک ناچیز اقتصادی و نظامی از امریکا در آن‌زمان کمتر ساخت. بهر حال، پسان‌ها، بادرنظرداشت کمک‌های نظامی شوروی به افغانستان، روابط پهناور آن با اتحادشوروی و باهراس از اینکه مواضع بی‌آنهم ضعیف خویش را در آنکشور از دست می‌دهد، واشنگتن به همکاری با کابل بویژه در عرصه‌های معارف، کشاورزی، معادن و صنایع تن داد.

مهم‌ترین پروژه همکاری با واشنگتن در تمام دوران صدارت محمدداوودخان قرارداد ساختمان سیستم آبیاری وادی هلمند بود که پیشتر در سال۱۹۴۶ با شرکت امریکایی «موریسن کنودسن» امضا شده بود.

---

[۲۵۷] کارگون و.گ. تاریخ افغانستان. قرن ۲۰ . مسکو ۲۰۰۴ صفحه ۳۲۱
Коргун В.Г. История Афганистана. XX век. - М., ۲۰۰٤. С. ۳۲۱

در سال ۱۹۵۴ مجلس سنا و پادشاه افغانستان توافق‌نامه را با بانک امریکایی صادرات و واردات پیرامون دادن قرضهٔ ۵.۱۸ ملیون دالر برای ادامهٔ ساختمان جاده‌ها و سیستم آبیاری در وادی رودخانه‌های هلمند و ارغنداب تأیید کردند.[۲۵۸] در ماه نوامبر همان سال بخاطر بازتاب جریان کار سیستم آبیاری یک گروه ژورنالیستان و مستند سازان امریکایی در رأس لویل توماس به قندهار آمد، که در آن جا با سیستم آبیاری آشنا شده و از آن فیلمبرداری کردند. پیرامون سفر این گروه به افغانستان روزنامهٔ انیس نوشت که افغان‌ها به امریکاییان علاقمندی داشته و می‌خواهند که در کتاب‌ها و فیلم‌های‌شان تغییرات به میان آمده در افغانستان در ۳۵ سال گذشته، بازتاب یابند.[۲۵۹]

در ماه دسامبر سال ۱۹۵۵ در سه شمارهٔ خبرنامه مطبوعاتی سفارت ایالات متحده در کابل گذارشی پیرامون حجم کمک‌های اقتصادی امریکا به افغانستان در سه سال گذشته پخش شد. در این گذارش چنین ارقام آمده بودند: ادارهٔ عملیات خارجی ایالات متحده برای کمک تخنیکی به این کشور ۹،۶ملیون دالر و به وزارت‌زراعت افغانستان کمکی بلغ بر ۱،۱۲۳هزار دالر اعطا کرده است.[۲۶۰]

در ماه فبروری سال ۱۹۵۶ میان ریاست پروژه آبیاری هلمند و ادارهٔ کمک‌های بین‌المللی امریکا به ادامهٔ قراردادهای گذشته، موافقتنامهٔ تفصیلی‌یی برای کمک تخنیکی در ساختمان کانال‌ها، بهبود آبیاری، انکشاف زراعت، صحت عامه، بهداشت و پرورش کادرهای پیداگوژی، عقد شد.[۲۶۱]

مگر استفاده از آب رودخانهٔ هلمند همچنان در روابط با کشور همسایهٔ ایران نقطهٔ اختلاف نظر پنداشته می‌شد. ایالات متحده امریکا در حل اختلاف نظر پیرامون استفاده از آب‌های هلمند به میانجی‌گری پرداخت، چونکه خود در آن به

---

[۲۵۸] اصلاح، مورخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۵۴م.

[۲۵۹] روزنامه انیس مورخ ۳ نوامبر سال ۱۹۵۴م.

[۲۶۰] بولتن مطبوعاتی سفارت ایالات متحده امریکا در کابل. دسامبر سال ۱۹۵۵ م.
Пресс-бюллетень посольства США в Афганистане. Декабрь ۱۹۵۵ г.

[۲۶۱] همانجا. بولتن مطبوعاتی سفارت ایالات متحده امریکا در کابل. دسامبر سال ۱۹۵۵م.

علت پروژه امریکایی ساختمان کانال هلمند ذینفع بود.

امریکا را موقف ایران مبنی بر اینکه اجرای این پروژه به حق آن کشور در استفاده از آب رودخانه هلمند ضرر می‌رساند، نگران ساخته بود. به تاریخ ۱۳ مارچ سال ۱۹۵۶ برای اشتراک در مذاکرات پیرامون این مسأله هیأت افغانستان به واشنگتن رفت که در ترکیب آن این افراد شامل بودند: سفیر افغانستان در واشنگتن محمدکبیر لودین (رییس هیأت)، عبدالمجید زابلی، مدیر شعبهٔ اول سیاسی وزارت‌خارجه فضل‌احمد شیرزاد، سرپرست مدیریت سوم سیاسی وزارت‌خارجه عبدالحکیم طبیبی (مشاور در امور حقوقی) و میر محمدرضا (مشاور مسایل تخنیکی).[۲۶۲]

در ماه جون سال ۱۹۵۶ در کابل میان ریاست پروژه وادی هلمند و نمایندگی همکاری‌های بین‌المللی امریکا یک توافق‌نامه اضافی برای کمک ۵۰۰ هزار دالری برای افغانستان جهت پیشبرد امور مراقبت و کنترول ساختارهای آبیاری، خرید تجهیزات و پرورش انجنیران آبرسانی بسته شد.[۲۶۳] برای آشنایی با این پروژه گروه بزرگی از کارشناسان امریکایی وارد افغانستان شده و برداشت‌های‌شان را با رییس پروژه آبیاری هلمند در میان گذاشتند.[۲۶۴]

در ماه جون سال ۱۹۵۷ میان اداره کمک‌های بین‌المللی امریکا و حکومت افغانستان قرارداد همکاری پیرامون اعطای کمک ۵،۷۵ ملیون دالری بدولت شاهی افغانستان برای پیشبرد پروژهٔ آبیاری هلمند امضا شد.[۲۶۵] در همان سال کارشناسان بزرگ آبیاری مانند د.ب. فوروز و دکتر بریگس مدیر کالج کشاورزی دانشگاه وایومینگ ایالات متحده جهت آشنایی با حجم کارهای انجام شده ایالات متحده و سرمایه گذاری‌ها برای آبیاری هلمند و پرورش کادرها برای این پروژه در خود

---

[۲۶۲] روزنامه اصلاح مورخ ۱۳ مارچ سال ۱۹۵٦

[۲۶۳] آرشیف وزارت خارجه روسیه:

АВП РФ. ۱۹٦٥. Ф. ۰,٤۲. Оп. ٦۸в. Д. ۲. П. ۸۸

[۲۶٤] همانجا...

[۲۶٥] اصلاح ۱ جولای سال ۱۹۵۷ م.

افغانستان به آن کشور آمدند.[۲۶۶] واشنگتن برای آمادگی کادرها در افغانستان مبلغ اضافی ۲،۸ ملیون دالر را تخصیص داد.[۲۶۷]

برای تأمین انرژی برق پروژه هلمند برای ساختمان نیروگاه برق دیزلی باتوان ۱۰۰۰ کیلووات قراردادی میان دو کشور بسته شد.[۲۶۸] بدنبال این بخاطر تحقق پروژه آبیاری هلمند و ارغنداب میان وزیرمالیه عبدالملک و آمر ادارۀ همکاری‌های بین‌المللی ایالات متحده سپایدر موافقتنامۀ اضافی‌یی برای اعطای قرضه‌یی برای این پروژه به افغانستان عقد شد.[۲۶۹]

باوجود کارهای مداوم برای این پروژۀ حیاتی برای افغانستان، محمدداوودخان باربار برخی جوانب کمک امریکایی‌ها برای آبیاری وادی هلمند از جمله به درازا کشیدن آن و غیر مؤثریت سیستم آبیاری وادی هلمند که ساختمان آنرا کمپنی امریکایی پیش می‌برد، منفی ارزیابی می‌کرد. به قول محمدداوودخان این پروژه به «نماد شرمندگی امریکا» در افغانستان تبدیل شد.[۲۷۰] البته علت چنین حرف‌های تند صدراعظم به آدرس ایالات متحده در وجود خود امریکایی‌ها نهفته بود.

بر اساس برآوردهای نخستین انجام شده در سال ۱۹۴۶ اجرای این پروژه توسط شرکت امریکایی «موریسن کنودسن (Morrison-Knudsen)» باید به افغانستان بالغ به ۱۷ ملیون دالر تمام می‌شد، که از حساب ذخایر پوست قره‌قل افغانی به ارزش ۲۰ ملیون دالر تمویل می‌شد. این ذخایر افغانستان در دوسال نخستین آن خرچ شده و بحکومت محمدداوود یک پروژۀ ناتکمیل به ارث رسید.[۲۷۱] برای انجام این پروژه قرضه‌یی اضافی به ارزش۲۱ ملیون دالر از بانک صادرات و واردات امریکا گرفته شد.

---

[۲۶۶] روزنامه انیس مورخ ۲۳ جولای سال ۱۹۵۷م.
[۲۶۷] همانجا
[۲۶۸] روزنامه انیس مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۵۷م.
[۲۶۹] روزنامه اصلاح مورخ ۳ جولای سال ۱۹۵۸م.
[۲۷۰] Poullada, Leon B. Afghanistan and the United States: the Crucial Years // The Middle East Journal. - Spring ۱۹۸۱. Vol. ۳۵, №۲. C. ۱۸٤.
[۲۷۱] غبارم. غ.م. افغانستان در مسیر تاریخ، کابل سال۱۹۶۷، ص.

ایالات متحده تا حدودی در تحویلی غله نیز به افغانستان کمک می‌کرد. در ماه اکتوبر سال ۱۹۵۶ سفیر افغانستان در واشنگتن محمدکبیر لودین و آمر ادارهٔ کمک‌های بین‌المللی امریکا هالستر قراردادی را برای خرید ۴۰ هزار تن گندم امضا کردند.[۲۷۲] در خبرنامه سفارت امریکا در کابل خبری نشر شده بود مبنی بر اینکه بنابه درخواست حکومت افغانستان ایالات متحده امریکا به افغانستان ۵۰ هزار تن اضافه‌تر گندم را تحویل می‌دهد، تا کمکی به رفع کمبود غله به علت خشکسالی در این کشور باشد. در بولتن خبری آمده بود که این مقدار غله به افغانستان طور اعانه داده شده می‌شود، مگر پول به دست آمده از درک فروش آن بحساب خاصی برای استفاده در تمویل پروژه‌های ساختمانی به کار خواهد رفت. در خبرنامه همچنان تذکر رفته بود که ایالات متحده برای سومین بار به درخواست افغانستان جهت رفع مشکلات ناشی از کمبود غله به علت خشکسالی‌های اخیر پاسخ مثبت داد. در سال ۱۹۵۸ همانند ۱۹۵۶ بازهم به افغانستان ۴۰ هزار تن گندم تحویل داده شد.[۲۷۳]

ادارهٔ کمک‌های بین‌المللی امریکا در سال‌های ۵۰ میلادی به ایران جهت انکشاف روستاهایش کمک می‌کرد. ایالات متحده همچنان به کارشناسان افغان مشوره‌هایی را در جهت بهبود امور روستاها بویژه برنامه انکشاف دهات می‌داد. به این منظور در ماه نوامبر ۱۹۵۶ امریکایی‌ها رییس انکشاف دهات افغانستان نورالحق را به تهران برای آشنایی با شیوهٔ کار ادارهٔ کمک‌های بین‌المللی امریکا در ایران دعوت کردند.[۲۷٤] پسان‌ها این موسسه به افغانستان ۱۱۶ هزار دالر را جهت پرورش کارشناسان اندازه گیری زمین تخصیص داد.[۲۷۵]

صنایع معدنی نیز یکی از بخش‌های همکاری با افغانستان بود. حتی از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۵ وزارت‌معادن و صنایع افغانستان از طریق اداره عملیات بین‌المللی خارجی

---

[۲۷۲] اصلاح ۷ اکتوبر سال ۱۹۶۵م.-
[۲۷۳] بولتن مطبوعاتی سفارت ایالات متحده امریکا در کابل. سال ۱۹۵۸م.-
[۲۷٤] روزنامه انیس مورخ ۲۹ نوامبر سال ۱۹۵۶م.
[۲۷۵] روزنامه انیس مورخ ۳ جولای سال ۱۹۵۷م.

ایالات متحده امریکا کمکی باندازۀ ۲۷۰ هزار دالر را به دست آورد.[۲۷۶] و در سال ۱۹۵۶ از طریق همین ادارۀ عملیات بین‌المللی خارجی ایالات متحده امریکا مبلغی به ارزش ۲،۵ ملیون دالررا کمک شد.[۲۷۷]

در ماه اپریل سال ۱۹۵۸ نظر به درخواست وزارت‌معادن و صنایع کارشناسان امور قانونگذاری معادن و همکاری‌های بین‌المللی امریکا هر یک میلر و سِرکول به کابل آمدند. آنها در عرصه ترتیب قوانین امور معادن و سروی نفت،[۲۷۸] همکاری نموده و در ماه جولای همان سال میان معاون وزارت‌معادن و صنایع و رییس ادارۀ همکاری‌های بین‌المللی ایالات متحده سپایدر قراردادی پیرامون دادن قرضۀ ۲۰۰ هزار دالری امریکا برای انجام امور عکاسی هوایی خاک افغانستان امضا شد.[۲۷۹]

امریکا همچنان به افغانستان در انکشاف هوانوردی ملکی کمک می‌کرد. به این منظور به دولت شاهی افغانستان قرضۀ قابل ملاحظه‌یی اعطا شد. در ماه جون سال ۱۹۵۶ در کابل قرارداد همکاری میان حکومت‌های افغانستان و ایالات متحده امضا شده که بر شالودۀ آن ادارۀ همکاری‌های بین‌المللی امریکا به افغانستان ۱۴،۵ ملیون دالر کمک کرد، که از جمله ۵ ملیون دالر این مبلغ بشکل قرضۀ درازمدت و بقیه همانند کمک اقتصادی برای رشد هوانوردی ملکی تخصیص داده شده بود.[۲۸۰] در اجلاس خزانی ولسی جرگه و سنا این موافقت‌نامه تصویب شد و در ماه نوامبر سال ۱۹۵۶ افغانستان مبلغ وعده داده شده را به دست آورده و هم‌زمان هیأت نماینده گی شرکت امریکایی «پان امریکن» برای مذاکره با شرکت هوانوردی آریانا به کابل آمد.[۲۸۱]

نمایندگی همکاری‌های بین‌المللی ایالات متحده در ماه جون ۱۹۵۷ به شرکت آریانا

---

[۲۷۶] بولتن‌م.طبوعاتی سفارت ایالات‌م.تحده امریکا در کابل. از تاریخ ۱۴ دسامبر سال ۱۹۵۵م.
[۲۷۷] روزنامه اصلاح مورخ ۱۹ نوامبر سال ۱۹۵۶م.
[۲۷۸] روزنامه اصلاح مورخ ۱۰ اپریل سال ۱۹۵۸م.
[۲۷۹] روزنامه انیس مورخ اول جولای سال ۱۹۵۸م.
[۲۸۰] АВП РФ. ۱۹۵٦. Ф. ۰٤۲. Оп. ٦۸в. Пор. ۲. П. ۸۸ آرشیف وزارت خارجه روسیه:...
[۲۸۱] همانجا....

۳،۲ ملیون دالر را برای خرید هواپیماهای نو تحویل داد.[۲۸۲] برای بررسی چگونگی کمک‌های تخنیکی در عرصهٔ هوانوردی ملکی آمر بخش همکاری‌های بین‌المللی ایالات متحده چارلز کِرروود نیز بکابل رفت.[۲۸۳] او نیز قراردادی را با وزارت‌فواید عامه پیرامون همکاری مبلغ ۳۰۰ هزار دالری کمک تخنیکی امضا نمود.[۲۸٤] پس از سه ماه طرفین بازهم قراردادی را برای رشد ترانسپورت هوایی افغانستان از جمله ساختمان میدان هوایی بین‌المللی در قندهار، بستند. جهت امضای این موافقت‌نامه رییس هوانوردی ملکی عبدالکریم حکیم به واشنگتن رفت.[۲۸۵] همچنان طرفین موافقت‌نامه‌یی را برای کمک اضافی ۳ ملیون دالری برای اجرای این پروژه امضا نمودند.[۲۸٦] کار ساختمان میدان هوایی را همان شرکت «موریسن - کنودسون» پیش می‌برد.[۲۸۷] برعلاوه در این زمان میان ریاست ترانسپورت افغانستان و ادارهٔ همکاری‌های بین‌المللی امریکا یک قرارداد دیگر دربارهٔ ساختمان دو ترمیمگاه موتر در شهرهای کابل و قندهار امضا شد.[۲۸۸]

همچنان امریکا به افغانستان در ساختمان جاده‌ها کمک می‌کرد. چنانچه در ماه جولای سال ۱۹۵۸ میان وزیرفواید عامه محمدکبیر لودین و آمر اداره همکاری‌های بین‌المللی ایالات متحده سپایدر در کابل قرارداد ساختمان جادهٔ کابل - قندهار - سپین بولدک - قندهار به امضا رسید. مصارف ساختمان این جاده به ارزش ۱۸ ملیون و ۹۹۳ هزار دالر از حساب ادارهٔ همکاری‌های بین‌المللی ایالات متحده تمویل می‌شد. [۲۸۹]

---

[۲۸۲] روزنامه انیس، مورخ ۱۰ جون سال ۱۹۵۷م.

[۲۸۳] خبرنامهء آژانس اطلاعاتی باختر مورخ ۱۷ جون ۱۹۵۷م. -

[۲۸٤] آرشیف وزارت خارجه روسیه:.

АВП РФ. ۱۹۵۷. Ф. ۰٤۲. Оп. ٦۹. Пор. ۱. П. ۸۳.

[۲۸۵] همان‌جا

[۲۸٦] همان‌جا

[۲۸۷] همان‌جا

[۲۸۸] همان‌جا

[۲۸۹] روزنامه انیس مورخ ۲ جولای سال ۱۹۵۸م.

حکومت محمدداوودخان از ایالات متحده خواست که در آمادگی کادرهای ملی به افغانستان همکاری کند. در سال ۱۹۵۴ بنابه دعوت وزارت‌معارف پرفیسوران دانشگاه کولمبیا میلدرت فایرچایلد، کنیت اوین و ویلارد یاکوبسون به افغانستان آمده و به حیث مشاوران در وزارت‌معارف به کار پرداختند.[۲۹۰] برای هم‌آهنگ‌سازی فعالیت‌های دانشمندان امریکایی در کابل عضو انجمن دوستان خاورامیانه امریکا و سفیر پیشین ایالات متحده در افغانستان نیز بکابل آمد.[۲۹۱]

قابل یاددهانی است که در آن‌زمان افغانستان کشور دلاویزی بوده و از حساب توریزم عواید چشمگیری داشت. در سال ۱۹۵۴ رییس دفتر امریکایی جهانگردی لوس آنجلس هایفل نیز به افغانستان آمد، تا این کشور را به جمع ممالک شامل سفرهای جهانی جلب کند.[۲۹۲] همچنان آمر بخش توریزم اداره همکاری‌های بین‌المللی کووارگ هم بکابل رفت.[۲۹۳]

ایالات متحده کارمندان وزارت‌معارف را جهت تبادل تجارب در عرصهٔ فرهنگ، آموزش و رسانه‌ها نیز به امریکا دعوت می‌نمود. از جمله در سال ۱۹۵۵ رییس تعلیمات متوسطه وزارت‌معارف محمداکرم به امریکا برای آشنایی با سیستم آموزش آن جا رفت.[۲۹٤] برای آشنایی با کار کتابخانه‌های امریکا بنا به دعوت «ایشیا فوندیشن» ایالات متحده مدیر مسوول مجلهٔ افغانستان محمدنبی کهزاد از آن جا دیدار کرد.[۲۹۵]

ایالات متحده کتاب‌های تخنیکی را نیز در اختیار موسسات تعلیمی افغانستان قرار می‌داد. برشالودهٔ آگاهی خبرنامهٔ امریکایی در سال ۱۹۵۵ بخش اطلاعاتی سفارت

---

[۲۹۰] بولتن مطبوعاتی سفارت ایالات متحده امریکا در کابل. از تاریخ ۱۹ می سال ۱۹۵۴م.-
[۲۹۱] روزنامه اصلاح مورخ ۴ دسامبر سال ۱۹۵۴م
[۲۹۲] روزنامه انیس مورخ ۴ دسامبر سال ۱۹۵۴م.
[۲۹۳] خبرنامهء آژانس اطلاعاتی باختر مورخ ۲۰ مارچ سال ۱۹۵۸.م.
[۲۹٤] روزنامه انیس مورخ ۱۶ جنوری سال ۱۹۵۵م.
[۲۹۵] روزنامه اصلاح مورخ ۱۸ جنوری سال ۱۹۵۵م.

امریکا در کابل به لیسهٔ تخنیک ثانوی حدود ۲۰۰ جلد کتاب گوناگون را بخشید.[۲۹۶]

تبادله تجارب در عرصهٔ تعلیمات کشاورزی نیز صورت می‌گرفت. در سال ۱۹۵۵ مدیر مکتب زراعت وابسته به دانشگاه وایومینگ ایالات متحده هیلتون بریگس بکابل آمد تا هم‌مسلکان افغانی را با شیوهٔ تدریس دانشگاه مذکور آشنا نموده و همچنان آنان را با پیشبرد کارهای پژوهشی - علمی در عرصهٔ زمینداری کمک نماید.[۲۹۷]

همچنان از پوهنتون کابل نیز برخی دانشگاه‌های امریکا سرپرستی می‌کردند. چنانچه در سال ۱۹۵۵ گروهی از دانشجویان دانشگاه کمبریج برای پیشبرد کارهای علمی و پژوهشی بکابل آمدند.[۲۹۸] در سال ۱۹۵۷ کارشناس حقوق جنایی دکتور بارت، کارشناس حقوق اداری دکتور میتاشن و متخصص حقوق مدنی دکتور وینسِنت برای تدریس در پوهنتون کابل به افغانستان آمدند.[۲۹۹] همچنان دکتور هارینگ فرستادهٔ ادارهٔ همکاری‌های بین‌المللی ایالات متحده جهت آشنایی با فاکولتهٔ طب و دادن مشوره به آن جا برای تهیهٔ برنامه‌های درسی بکابل آمد.[۳۰۰]

برعلاوه میان وزارت‌فواید عامه و معارف از یکسو و ادارهٔ همکاری‌های بین‌المللی امریکا از سوی دیگر موافقت‌نامه‌یی جهت اعطای کمک برای بهبود و ارتقای ظرفیت‌های فاکولته طب کابل به ارزش ۶،۱ ملیون دالر عقد شد.[۳۰۱] همچنان چهار پروفیسور که کارشناسان رشته‌های علوم طبیعی، ادبیات تجارت و جغرافیای اقتصادی بودند، نیز برای کار به پوهنتون (دانشگاه) کابل آمدند.[۳۰۲]

---

[۲۹۶] بولتن اطلاعاتی امریکا مورخ ۲۵ می سال ۱۹۵۵م.
[۲۹۷] بولتن اطلاعاتی امریکا مورخ ۱۶ جون سال ۱۹۵۵م.
[۲۹۸] اصلاح مورخ ۲۳ جولای سال ۱۹۵۵م.-
[۲۹۹] انیس مورخ ۲۵ می سال ۱۹۵۷م.-
[۳۰۰] انیس مورخ ۱۷ جون سال ۱۹۵۷م.
[۳۰۱] اصلاح مورخ ۲۷ جون سال ۱۹۵۷م
[۳۰۲] اصلاح مورخ ۱۸مارچ سال ۱۹۵۸م.

امریکایی‌ها به افغانستان در عرصهٔ رادیو نیز همکاری می‌کردند. چنانچه مدیر برنامه‌های رادیویی ایالت میریلند ایالات متحده جوزف بیگنر برای کمک به کارمندان رادیوی کابل در بخش نشرات رادیویی مدت یک ماه در کابل بود.[۳۰۳] بر شالودهٔ توافق میان دفتر خدمات اطلاعاتی و سفارت آن کشور در کابل فیلم‌ساز امریکایی وانزِل به آن جا رفت تا در تهیهٔ فیلم سریال مستند کمک نماید.[۳۰٤] دفتر خدمات اطلاعاتی ایالات متحده امریکا به کتابخانه ریاست مطبوعات افغانستان ۱۰۰ جلد کتاب را با محتوای گوناگون علمی و اجتماعی بخشید.[۳۰۵]

همین‌سان بخاطرتبادل تجارب در عرصه‌های علوم و آموزش نمایشگاه‌ها سازماندهی می‌شدند، چنانچه سفارت امریکا در کابل نمایشگاه «استفادهٔ انرژی اتومی برای اهداف صلح آمیز» را تدویر کرد.[۳۰٦]

باید گفت که آمدن هر شهروند امریکایی صرف نظر از پیشه و مقامش مورد توجه رسانه‌های افغانی بود. طور نمونه سفر نویسندهٔ مشهور امریکایی میچِنِر در سال ۱۹۵۵ که جهت جمع‌آوری مواد پیرامون افغانستان برای کتابش به آن جا رفته بود، از نظر باز نماند،[۳۰۷] یا آمدن خبرنگار مجلهٔ «لایف» دیوید دوگلاس دونکان بکابل،[۳۰۸] یا بازدید مؤرخ و زندگینامه نویس هارولد لِمبو که برای جمع‌آوری مواد برای کتابش پیرامون بابر بنیانگذار سلسلهٔ مغل‌های اعظم از پایتخت افغانستان

---

[۳۰۳] آرشیف وزارت خارجه روسیه:
АВП РФ. ۱۹۵۷. Ф. ۰٤۲. Оп. ٦۹. Д. ۱. П. ۸۳.

[۳۰٤] همان‌جا:
АВП РФ. ۱۹۵۷. Ф. ۰٤۲. Оп. ٦۹. Д. ۱. П. ۸۳.

[۳۰۵] همان‌جا
АВП РФ. ۱۹۵۷. Ф. ۰٤۲. Оп. ٦۹. Д. ۱. П. ۸۳.

[۳۰٦] همان‌جا
АВП РФ. ۱۹۵۷. Ф. ۰٤۲. Оп. ٦۹. Д. ۱. П. ۸۳.

[۳۰۷] آرشیف وزارت خارجه روسیه:...
АВП РФ. ۱۹۵۷. Ф. ۰٤۲. Оп. ٦۹. Д. ۱. П. ۸٦

[۳۰۸] همان‌جا

بازدید کرد،[۳۰۹] یا سفر خبر نگار روزنامه امریکایی «میلووکی جورنال» جان ریدین بکابل جهت آشنایی با افغانستان،[۳۱۰] و همچنان سفر خبرنگار روزنامه امریکایی «بالتیمور سان» فیلیپ پاتِر همه بازتاب گسترده یافتند.[۳۱۱]

همچنان خبر بخشش فیلم مستند رنگه پیرامون افغانستان از سوی مدیر کتابخانه سفارت ایالات متحده در کابل بالاندز[۳۱۲] و دادن کاپی شش حلقه فیلم سینمایی امریکایی به ریاست مطبوعات افغانستان از توجه رسانه‌های افغانی بدور نماندند.[۳۱۳]

باید گفت که تا سال ۱۹۵۶ کمک امریکا به افغانستان بصورت عموم بشکل کمک تخنیکی ارائه می‌شد.[۳۱٤] دلیل آن این بودکه افغانستان در این زمان از ایالات متحده کمک پولی از حساب برنامه‌های «تعاونی» برای انکشاف اقتصادی اش دریافت نمی‌کرد، به پندار اقتصاددان امریکایی پ. فرانک: «گرچه بی‌طرفی در دوران جنگ سرد رسماً مانعی برای دریافت کمک خارجی اعلام نشده بود...مگر افغانستان از ایالات متحده برای امنیت نظامی اش به دلایل سیاسی کمکی دریافت نکرد».[۳۱۵]

«از آنجایی که نفوذ شوروی در خاورمیانه و هند در حال گسترش بود، ایالات متحده باید طوری عمل می‌کرد تا مشی سیاسی افغانستان را از راستای منافع شوروی بدور سازد».[۳۱٦] «کمک» امریکا به افغانستان به منظور گسترش نفوذ

---

[۳۰۹] بولتن اطلاعاتی امریکا مورخ ۱۸ دسامبر سال ۱۹۵۵م.

[۳۱۰] آرشیف وزارت خارجه روسیه:...

. ۱۹۵۷. Ф. ۰٤۲. Оп. ٦۹. Пор. ۱. П. ۸۳

[۳۱۱] همان‌جا

. ۱۹۵۷. Ф. ۰٤۲. Оп. ٦۹. Пор. ۱. П. ۸۳

[۳۱۲] آرشیف وزارت خارجه روسیه:...

АВП РФ. ۱۹۵٦. Ф. ۰٤۲. Оп. ٦۸в. Пор. ۲. П. ۸۸

[۳۱۳] آرشیف وزارت خارجه روسیه:..

- АВП РФ. ۱۹۵۷. Ф. ۰٤۲. Оп. ٦۹. Пор. ۱. П. ۸۳.

[۳۱٤] خبرنامه سفرات امریکا در کابل: مورخ ۴ اگست سال ۱۹۵۹م.

[۳۱۵] Frank P. Afghanistan between East and West. - Washington, ۱۹٦۰. P. ٤٤.

[۳۱٦] همان‌جا...ص. ۱۴

ایالات متحده در افغانستان و تضعیف روابط اقتصادی اتحادشوروی با افغانستان بود. مگر امیدواری‌ها برای دریافت کمک اقتصادی ایالات متحده امریکا تحقق نیافته و محمدداوود بیشتر به همکاری شوروی‌ها متمایل شد.[۳۱۷] بویژه پس از کنگره ۲۰ حزب کمونیست اتحادشوروی که در آن دو جهت نو در عرصه بین‌المللی مشخص شدند:

۱. درک گزینه‌های بیشتر اعمار سوسیالیزم (با تأیید اصل «انترناسیونالیزم پرولتری»، یعنی کمک به احزاب کمونیست و کشورهای سوسیالیستی)؛
۲. اهمیت مشی همزیستی مسالمت‌آمیز دولت‌ها با ساختارهای متفاوت اجتماعی.

با بستن نخستین قرارداد همکاری درازمدت تخنیکی - اقتصادی اتحادشوروی با افغانستان آن کشور همکاری منظم را جهت رشد اقتصاد افغانستان آغاز کرد.[۳۱۸] در سال ۱۹۵۵ اتحاد نظامی - سیاسی کشورهای جدید سوسیالیستی - یعنی سازمان پیمان وارسا بشکل قطعی تشکل یافت. در آن‌زمان رهبری شوروی از افغانستان و هند همچون بنیانگذاران جنبش عدم‌انسلاک حمایتش را اعلام کرد.

در سال ۱۹۵۵ قرارداد انتقالات ترانزیت افغانستان - شوروی امضا شد که برای افغانستان امکان استفاده از خاک اتحادشوروی جهت گذر کالاهایش به کشورهای سومی را مساعد می‌ساخت.[۳۱۹] در سال‌های ۱۹۵۷ - ۱۹۶۳ در شهر مسکو مذاکراتی پیرامون همکاری با رهبران بیش از ۲۰ کشور رو به رشد دایر شد. به این منظور با ۲۰ کشور قراردادهای مربوطه عقد شد. به بسیاری از کشورها (مانند

---

[۳۱۷] گوریویچ. تجارت خارجی افغانستان در عصر نوین. مسکو. سال ۱۹۸۱. ص. ۹۰.
- Гуревич Н.М. Внешняя торговля Афганистана в новейшее время.- М., ۱۹۸۱. С. ۹۰.

[۳۱۸] نیکیتنکو ای. گ. افغانستان از جنگ در سالهای ۸۰ تا پیشبینی جنگهای جدید.م. سال ۲۰۰۴م.
Никитиенко Е.Г. Афганистан: от войны ۸۰-х до прогноза новых войн. - М., ۲۰۰٤. С. ٤.

[۳۱۹] همان‌جا....-

افغانستان، جمهوری متحد عربی و هند) کمک‌های بزرگ مادی پیشکش می‌شد، تا رشد در راستای سوسیالیزم سمت دهند. البته محمدداوود در این امر مرام‌های خودش - مبنی بر به دست آوردن هرچه بیشتر کمک از اتحادشوروی در همه عرصه‌ها از تسلیح و تجهیز ارتش تا پرورش کادرهای نظامی و ملکی در رشته‌های گوناگون در اتحادشوروی، را دنبال می‌کرد.

در سال ۱۹۵۶ توافق‌نامه همکاری‌های نظامی بسته شد که بر شالودهٔ آن به افغانستان کریدتی بالغ به ۳۲ ملیون دالر با شرایط مناسب جهت خرید تسلیحات و تخنیک حربی داده شده، در ساختمان مؤسسات نظامی کمک شده، و در آمادگی کادرهای ملی در محلات و مؤسسات تحصیلات عالیِ وزارت‌دفاع اتحادشوروی همکاری می‌شد.[۳۲۰]

درست در همین سال‌ها، دورهٔ همکاری‌های مثمر نظامی - تحنیکی دو کشور آغاز شد. از سال ۱۹۵۶ به بعد ارتش افغانستان با سلاح و تخنیک حربی شوروی مجهز شده و در واحدها و قطعات اردوی افغانستان کارشناسان و مشاوران شوروی به کار پرداختند. همچنان به کمک اتحادشوروی تعداد بسیاری از کارشناسان افغان منجمله نظامیان تعلیم یافتند.[۳۲۱]

چنانچه در تسلیحات اردوی افغانستان زرهپوش «ب. تِ. ار. ۴۰» و «بِ. تِ. ار. ۱۵۲»، تانکِ تِ-۳۴، ت-۵۴، تِ-۱۵۴، تِ-۵۵، جنگنده‌های سو-۷، میگ-۱۷، میگ - ۱۹، هواپیماهای شکاری تعلیمی میگ - ۱۵، طیارات بمباردمان ال-۲۸، چرخبال‌های جنگی و ترانسپورتی می-۴ و می-۱۸ و طیارات ترانسپورتی ایل-

[۳۲۰] نیکیتنکو ای. گ. افغانستان از جنگ در سالهای ۸۰ تا پیشبینی جنگهای جدید.م. سال ۲۰۰۴م. ص. ۴ –
Никитиенко Е.Г.Афганистан:от войны ۸۰-х до прогноза новых войн. - М., ۲۰۰٤. С.٤

[۳۲۱] Ляховский А.А. Трагедия и доблесть Афгана / А.А. Ляховский.- ۲-е изд., перераб. и
доп.- Ярославль, ۲۰۰٤. С.۳٦.-

۱۴، هواپیمای آموزشی یاک-۱۸، طیاره‌های ترانسپورتی یاک - ۱۸ و دیسانتی آن-۲، شامل شدند. باید گفت که بخشی از این تخنیک حربی و تسلیحات در خود ارتش شوروی مورد استفاده قرار گرفته و بخشی دیگر از ذخایر آن تهیه شده بودند.

از سال ۱۹۵۶ تا سال ۱۹۷۷ مبلغ کل کمک نظامی شوروی به افغانستان به ۶۰۰ ملیون دالر بالغ شد.[۳۲۲]

درست در همین سال‌ها به کمک تخنیکی - اقتصادی اتحادشوروی شالودهٔ زیرساخت‌های اقتصادی کشور گذاشته شد. محمدداوود مرام‌های بلند پروازانه‌یی داشت: او به همکاری اتحادشوروی باید جهش اقتصاد را ممکن ساخته واردوی رزمنده و منظم کشور را برای دستیابی به هدف مهم - تأمین استقلال و تمامیت ارضی افغانستان که ضامن مهمی در معضلهٔ پشتونستان با پاکستان باشد، می‌ساخت. صدراعظم می‌خواست از رقابت آن‌زمان دو ابرقدرت که هرکدا م می‌خواستند، افغانستان را بسوی خویش بکشانند، استفاده نماید. او می پنداشت که با پیشبرد سیاست بی‌طرفی مثبت، افغانستان می‌تواند، از هردو جانب کمک لازم را به دست آورد.

با این دلیل حکومت افغانستان از اتحادشوروی درخواست کرد، به آن کشور در عرصه‌های تخنیکی و اقتصادی و از جمله ساختمان مؤسسات گوناگون همکاری کند. از جملهٔ این موسسات که توسط حکومت افغانستان پیشنهاد اعمار آنها شده بود، از فابریکه فلز (میتالوژی) و ذخیره گاه انتقال نفت، برخی مؤسات آبیاری و غیره می‌توان نام برد. برشالودهٔ این تقاضا موافقت‌نامه همکاری‌های اقتصادی دو کشور تدوین شد.

مطبوعات افغانستان توجه گسترده‌یی به مسایل کمک اقتصادی و تخنیکی اتحادشوروی که براساس توافقات ۲۷جنوری و ۵ اکتوبر سال ۱۹۵۴ به افغانستان صورت می‌گرفتند، مبذول داشتند. این توافقات ساختمان دو سیلو با آسیاب و

[۳۲۲] کاشانی ناصر مستوری، افغانستان. دیپلوماسی دوچرخه. تهران سال ۱۹۹۲ ص. ۴۲.

کارخانهٔ نان‌پزی مربوطه را به ارزش ۳ ملیون دالر و قیرریزی خیابان‌های کابل را به مبلغ ۲،۱ ملیون دالر ممکن می‌ساخت.

جریان ساختمان سیلو، کارخانه نان‌پزی و ذخیره گاه نفت مورد توجه جامعه افغانی و محافل حاکمه بود. از جمله از محل ساختمان کارخانهٔ نان‌پزی بارها شخص شاه، صدراعظم و سرپرست وزارت‌مالیه بازدید کردند. ساختمان سیلو برای افغانستان ارزش بزرگی داشت: با اکمال ساختمان سیلو امکان ذخیرهٔ گندم که واردات آن افزایش یافته بود، میسر می‌شد.

برای انجام کارهای ساختمانی و اسفالت جاده‌های کابل گروه بزرگی از کارشناسان از اتحادشوروی آمدند. به این منظور در وزارت‌مالیه مراسم عقد موافقت‌نامه مربوط به تحویلدهی قیر، ماشین‌های راه‌سازی و ساختمانی، وسایل لابراتواری و وسایط موتردار به ارزش ۱،۲ ملیون دالر جهت قیرریزی جاده‌های کابل و حومه آن برگزار شد.

در ماه اکتوبر سال ۱۹۵۴ نخستین بخش تجهیزات و ماشین‌های راه‌سازی و ساختمانی به شهر مزارشریف مواصلت کرد. با ارزش‌دهی سود قرارداد نامبرده روزنامه اصلاح به تاریخ ۲۶ اکتوبر همان سال در سرمقاله اش نوشت که «عقد این قرارداد برای افغانستان از نقطه نظر اقتصادی ومالی اقدام خیلی مفیدی می‌باشد».

در ماه دسامبر همان سال به کمک کارشناسان شوروی در نزدیکی شهر کابل در سیاه‌سنگ فابریکهٔ تولید قیر ساخته شد.[۳۲۳]

در سال ۱۹۵۴ساختمان ذخیره گاه مرکزی نفت آغاز شد. اتحادشوروی برای ساختمان این ذخیره گاه‌ها در کابل، هرات و مزارشریف به افغانستان ۴۵۰ هزار دالر

[۳۲۳] آرشیف دولتی روسیه، بخش تاریخ معاصر...
РГАНИ. Ф. ٥. Оп. ٢٨ р. ٥\٢٧. Д. ٢٥١.

پرداخت.[۳۲٤]

در ماه دسامبر سال ۱۹۵۴ در وزارت اقتصاد ملی افغانستان مراسم عقد یک پروتوکل مهم دیگر پیرامون مبادله کالا میان اتحادشوروی و افغانستان برای سال چهارم قرارداد، برگزار شد.[۳۲۵] برای پیشبرد مذاکرات برای عقد قرارداد ترانزیت میان اتحادشوروی و افغانستان هیأت افغانستان که در ترکیب آن رییس دافغانستان بانک حبیب‌الله رییس شعبهٔ تجارت وزارت‌اقتصاد ملی عبدالله یفتلی و سفیر افغانستان در اتحادشوروی غلام یحیی طرزی شامل بودند، به مسکو رفت. در ماه جولای همان سال این قرارداد امضا شد.[۳۲٦]

برعلاوه مناسبات دو کشور در عرصهٔ فرهنگی نیز گسترش می‌یافت. در ماه دسامبر سال هیأت فرهنگیان شوروی به کابل آمد. در میدان هوایی کابل از این هیأت رییس پوهنتون (دانشگاه) کابل محمدانس و روسای برخی فاکولته‌ها و نمایندگان مطبوعات استقبال کردند.[۳۲۷]

همکاری‌های دو کشور در عرصه بهداشت نیز گسترش می‌یافت. از ۷ تا ۲۵ اکتوبر ۱۹۵۴ در کابل یازدهمین کنفرانس افغان - شوروی برای قرنطین و حفاظت نباتات

---

[۳۲٤] همان‌جا...

[۳۲۵] همان‌جا...

[۳۲٦] روزنامه اصلاح مورخ ۲جولای سال ۱۹۵۵م.

[۳۲۷] قابل یاددهانی است که مناسبات فرهنگی و تبادلهء گروه‌های هنری میان افغانستان و جمهوریت‌های آسیای میانه بویژه با تاجیکستان دراین دوره نیز صورت میگرفت. چنانچه در سال ۱۹۵۹ حکومت افغانستان میهمان‌دار هیات فرهنگی- هنری تاجیکستان در رأس نویسنده و شاعر نامور تاجیک عبدالسلام دهاتی در مراسم جشن چهل سالگی استرداد استقلال افغانستان بود. او سپس خاطراتش را ازین سفر در کتابی بنام «پیام‌های دوستی» نوشت که در سال ۱۹۵۹ در شهر استالین آباد (دوشنبه امروز) نشر شد. یادواره‌های این نویسنده را نگارنده بازنویسی و اصلاح نموده و در سایت‌های گونه گون افغانی نشر نموده ام. جهت معلومات بیشتر سایت کابل ناته دیده شود:

http://www.kabulnath.de/Salae_Haftom/Shoumare_۱۵۵/Dr.Khalil%۲۰wadad/Dr.K.Wadad.html

دایر شد که با امضای پروتوکل‌های مربوطه پایان یافت. مطبوعات افغانستان منظماً اخبار این کنفرانس را بازتاب می‌دادند.

در سال ۱۹۵۵ سیلوی پلخمری یکی از نخستین پروژه‌های همکاری تخنیکی - اقتصادی افغان - شوروی ساخته شد.[۳۲۸] هم‌زمان در کابل قرارداد همکاری در عرصهٔ تبادلهٔ پست میان افغانستان و اتحادشوروی امضا شد.[۳۲۹]

مرحلهٔ نوین مناسبات دو کشور با سفر دوستانهٔ ۱۵ دسامبر سال ۱۹۵۵ رییس شورای عالی ن. آ. بولگانین و رییس شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی ن. س. خروشچف آغاز شد.[۳۳۰] این سفر واقعاً یک رویداد برجسته در مناسبات میان دو دولت بود.

در میدان هوایی کابل هیأت را بشکل تشریفاتی صدراعظم محمدداوود، اعضای حکومت، سران نمایندگی‌های کوردیپلوماتیک، سفیر اتحادشوروی در افغانستان محمددِگتیار پیشواز گرفتند. همچنان در فرودگاه کابل م.ا. بولگانین نطق کوتاهی را چنین ایراد کرد: «با رسیدن به خاک افغانستانِ دوست، من و دوستم نیکیتا سرگیویچ خروشچف خوشحالیم تا پیام‌ها و تمنیات نیک ما به مردم افغانستان که با آنها مردم شوروی از گذشته‌ها پیوندهای محکم همسایه گی دارند، را برسانیم.... مردمان شوروی به احترام و علاقمندی ژرف با مردم دلیر و زحمتکش افغانستان نگریسته و به تلاش پیگیرشان برای صلح و حفظ استقلال‌شان ارزش بالایی قایل اند. اتحادشوروی و افغانستان همهٔ شرایط لازمه برای رشد مناسبات دوستانه بر شالودهٔ برابری و احترام متقابل به منافع یکدیگر را دارند».[۳۳۱]

در تمام راه میدان هوایی تا کاخِ ارگ دانشجویان، شاگردان مکاتب، کارمندان دولت

---

[۳۲۸] اصلاح مورخ ۲۱جولای سال ۱۹۵۵م.

[۳۲۹] اصلاح مورخ ۲۱جولای سال ۱۹۵۵م.

[۳۳۰] Adamec L.W. Afghanistan's Foreign Affairs to the Mid-Twentieth Century. - Arisona, ۱۹۷٤. P. ۲٦٦-

[۳۳۱] - Н.А. Булганин, Н.С. Хрущев. Речи во время пребывания в Индии, Бирме и Афганистане. - М., ۱۹۵۵. С. ۱۸۳.-

و نمایندگان اقشار دیگر اجتماعی کابل با گل‌ها و شعارهای خوش آمدید به رهبران شوروی صف بسته بودند.[۳۳۲]

اقامت مهمانان شوروی در پایتخت افغانستان از نگاه ملاقات‌های گوناگون و اقدامات دیگر از دیگر هیأت‌ها بکلی متفاوت بود. مهمانان بالای مقبره محمدنادرشاه پدر ظاهرشاه اکلیل گل گذاشته،[۳۳۳] از موزیم کابل دیدن نموده و با صدراعظم محمدداوود دیدار کردند. از جزئیات ملاقات‌ها خبر داده نمی‌شد. ن. آ. بولگانین و ن. س. خروشچف بحضور ظاهرشاه پذیرفته شدند. همچنان به افتخار مهمانان عالیقدر پذیرایی گرمی سازماندهی شده بود.[۳۳٤]

در محفل ناهار رسمی که بافتخار هیأت شوروی ترتیب شده بود، صدراعظم محمدداوود و ن. آ. بولگانین صحبت‌های متقابل نمودند. مهمان شوروی معاهدۀ ۲۸ فبروری سال ۱۹۲۱ و معادۀ بی‌طرفی و عدم تعرض مورخ ۲۴ جون سال ۱۹۳۱ را در امر تحکیم مناسبات دوستانه میان دو کشور باارزش خوانده و تأکید کرد که رشد مناسبات بازرگانی میان اتحادشوروی و افغانستان زمینۀ عقد موافقتنامۀ تبادلۀ کالاها و انجام پرداخت‌ها را در سال ۱۹۵۰ مساعد ساخت.

او اعلام کرد که «اتحادشوروی در مناسباتش با افغانستان بر شالودۀ اصول احترام به تمامیت ارضی و استقلال، خودداری از تجاوز، عدم مداخله در امور داخلی، برابری و بهره متقابل، همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری اقتصادی عمل می‌کند. ما امیدواریم که تماس‌های شخصی، برقرارشده میان ما و رهبران افغانستان، باعث انکشاف بعدی و تحکیم مناسبات شوروی - افغانستان خواهند شد.

ما با همدردی به سیاست افغانستان به حل معضل پشتونستان می‌نگریم. اتحادشوروی طرفدار حل عادلانه این مشکل که بدون در نظرداشت منافع حیاتی مردمان باشندۀ پشتونستان ممکن نیست، می‌باشد. ما می‌پنداریم که سیاست

---

[۳۳۲] از مواد مصاحبه مولف با سلیمان لایق

[۳۳۳] روزنامه اصلاح مورخ ۱۷ دسامبر سال ۱۹۵۵م.

[۳۳٤] همان‌جا...

بی‌طرفی و عدم اشتراک در به بهترین صورتی ضامن تأمین امنیت مردمان، حفظ استقلال ملی‌شان بوده و در راستای تحکیم صلح کمک می‌کند».[۳۳۵]

ن. آ. بولگانین و ن. س. خروشچف هنگام سفرشان از فاکولته طب دانشگاه کابل و مکتب حربی نیز بازدید نمودند.[۳۳۶]

ن. آ. بولگانین هنگام بیانیه در ضیافت دایر شده بافتخار هیأت شوروی در کلوپ افسران اعلام کرد که «به نشانهٔ دوستی فزاینده و استحکام یابنده میان خلق‌های اتحادشوروی و افغانستان» صلاحیت دارد به حکومت افغانستان ۱۵ عراده بس برای شهر کابل و تجهیزات برای شفاخانه نظامی ۱۰۹ بستر را ببخشد.[۳۳۷]

مهمانان شوروی در جشن ورزشی در استادیوم غازی اشتراک کردند. ن. س. خروشچف در برابر حضار بیانیهٔ گرمی ایراد کرد. او یادآوری کرد که «میان اتحادشوروی و افغانستان صرفنظر از سیستم‌های متفاوت دولتی و سیاسی مناسبات دوستانه‌یی وجود دارد که موفقانه رشد می‌یابد».[۳۳۸]

هیات شوروی از سوی خود ضیافتی را در اقامتگاهش در کابل ترتیب داد. در این ضیافت اعضای حکومت افغانستان در رأس صدراعظم محمدداوود، مأموران عالیرتبه دولتی و رؤسای سفارت‌ها و نمایندگی‌های دیپلوماتیک مقیم کابل اشتراک ورزیده بودند. در محفل ن. آ. بولگانین بیانیه‌یی ایراد کرده و سفر هیأت شوروی به افغانستان را چنین ارزیابی کرد: «ما با رضایت کامل می‌توان یم خاطرنشان سازیم که حکومت شاهی افغانستان و اتحادشوروی نقاط نظر مشترک بسیاری چه در رابطه به اوضاع بین‌المللی و چه پیرامون راه‌های حل معضلات بغرنج بین‌المللی، دارند.

---

[۳۳۵] - Н.А. Булганин, Н.С. Хрущев. Речи во время пребывания в Индии, Бирме и Афганистане. - М., ۱۹۵۵ г. С. ۱۸۵-۱۸۶.-

[۳۳۶] روزنامه انیس مورخ ۱۸ دسامبر سال ۱۹۵۵م.

[۳۳۷] همان‌جا...

[۳۳۸] اصلاح مورخ ۱۹ دسامبر سال ۱۹۵۵م.

ما وفاداری خویش به پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز که باید شالودهٔ خلل ناپذیر روابط میان دو کشور ما را بسازند، را اعلام نمودیم.

با اتکا به روحیهٔ صلح‌دوستی و بخاطر تحکیم مناسبات همسایگی نیک میان کشورهای ما، امروز ما همچنان پروتوکلی را پیرامون تمدید معاهده بی‌طرفی و عدم تعرض متقابل را امضا نمودیم. این سند فوق‌العاده‌یی است که برشالودهٔ آن اکنون ۲۵ سال مناسبات همسایگی نیک میان کشورهای ما بنا یافته اند.

اینها بودند، نتایج سفر ما به افغانستان. مگر نتیجه مهم اینست که ما یکدیگر را بیش‌تر و نزدیک‌تر شناختیم و ما پیرامون مسایل بی‌شماری تفاهم کامل و اتحاد نظر داشته و دارای برنامهٔ واضح همکاری می‌باشیم. همهٔ اینها ما را به رشد مناسبات همسایگی نیک و تحکیم دوستی میان خلق‌های اتحادشوروی و افغانستان کمک می‌نمایند».[۳۳۹]

در پایان سفر، وزیر امورخارجه محمدنعیم کنفرانس مطبوعاتی دایر کرد. در پاسخ به پرسشی پیرامون مذاکرات با رهبران شوروی، او خاطرنشان کرد که گفته‌های ن. آ. بولگانین پیرامون پشتونستان با اهداف سیاست افغانستان مطابقت دارد.[۳۴۰]

باید گفت که زمامداران پاکستانی سخنان ن. س. خوشچف و ن. آ. بولگانین پیرامون پشتونستان را همچون پشتیبانی از اندیشهٔ پیوستن پشتون‌های افغانستان به پاکستان تعبیر کرده بودند. چنانچه وزیر امورخارجه پاکستان منظور قادر اعلام کرده بود: «ممکن است و منطقی گفتهٔ مبنی بر اینکه پشتون‌های ساکن در خاک پاکستان و افغانستان که ریشه‌های مشترک داشته و در واقع یک ملت بوده و می‌خواهند زیر یک پرچم زندگی کنند. این می‌تواند در فش افغانستان و یا در فش

[۳۳۹] Н.А. Булганин, Н.С. Хрущев. Речи во время пребывания в Индии, Бирме и Афганистане. - М., ۱۹۵۵г. С. ۱۹۲-۱۹۶

م.آ. بولگانین، ن.س. خروشچف. سخنرانیها در سفرهای هند، برما و افغانستان...

[۳۴۰] روزنامه انیس مورخ ۱۹ دسامبر سال ۱۹۵۵م.

پاکستان باشد. برای اینکه به ارادهٔشان پی برد، باید از آنها پرسید. از آنجایی که چنین سوالی از پشتون‌های پاکستان قبلاً پرسیده شده و آنها تصمیم به ماندن در پاکستان را گرفتند، پس اکنون باید به پشتون‌های ساکن در خاک افغانستان این پرسش را مطرح کرد و احتمال بزرگ وجود دارد که آنها بخواهند به پاکستان ملحق شوند».[۳۴۱]

با ارزیابی نتایج سفر هیأت شوروی باید گفت که در نتیجه تبادل نظر میان طرفین تفاهمات زیر به دست آمده بود:[۳۴۲]

- حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و حکومت شاهی افغانستان تصمیم گرفتند که روابط دوستانهٔ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را میان دو کشور که هردو دولت به آن علاقمند اند، را گسترش دهند.

- حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و حکومت شاهی افغانستان معتقد اند که خلق‌ها و ملت‌هایی که هنوز از داشتن آزادی و استقلال ملی محروم اند، حق دارند که برمبنای منشور ملل‌متحد سرنوشت خویش را بدون فشار از خارج تعیین کنند.

- حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و حکومت شاهی افغانستان اعلام می‌دارند که به پنج اصل - احترام متقابل به تمامیت ارضی، عدم تعرض، عدم مداخله در امور درونی یکدیگرکه برشالودهٔ های دلایل اقتصادی، سیاسی صورت بگیرد و بر اصول برابری، بهره متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز استوار باشد، وفادار اند. این اصول که با تقاهم نظر کلی اشتراک کنندگان کنفرانس کشورهای آسیا و افریقا در باندونگ پذیرفته شده اند، بنیان تأمین صلح و تفاهم متقابل میان مردمان جهان را ساخته و با مرام‌ها و اصول سازمان ملل‌متحد مطابقت دارد.

---

[۳۴۱] Pathans. The people of Pakistan. – Karachi ۱۹٦۲. P۱۱۹

[۳۴۲] آرشیف وزارت خارجه روسیه، اسناد سفارت اتحادشوروی در کابل:..

-АВП РФ. Ф. Посольства СССР в Афганистане. Оп. ٦۲а. Д. ۲. П. ۸٦.

- حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و حکومت شاهی افغانستان می‌پندارند که اوضاع کنونی و تشنجات در مناطق شرق دور خطری برای امنیت و آرامش جهانی است. آنان معتقد اند که همهٔ مسایل بغرنج در شرق دور باید برای امر صلح حل گردند. مسایل مربوط به چین، باید بادرنظرداشت حقوق مردم چین حل شده ومنجمله جمهوری خلق چین باید جایگاهش را در سازمان ملل متحد، بگیرد.[۳۴۳]

همچنان آنها یک اعلامیه مشترک پیرامون همکاری‌های اقتصادی را به تصویب رساندند. حکومات دو کشور همچنان از گسترش روزافزون مناسبات بازرگانی و اقتصادی ابراز رضایت کردند. همچنان موافقنامه افغان - شوروی دربارهٔ مسایل ترانزیتی امضا شد که برای رشد روابط بازرگانی خارجی افغانستان و تحکیم عدم وابستگی اقتصادی آن به پاکستان از اهمیت بسیاری برخوردار بود. این موافقت‌نامه به سرمایهٔ تجاری افغانستان امکانات گسترده‌یی را برای ره‌یابی به بازارهای خارجی مهیا می‌ساخت.[۳۴۴]

هم‌زمان رهبران هردو کشور به یک نتیجه واحد مبنی بر لزوم رشد بیشتر روابط‌شان بخاطر منافع متقابلاً مفید کشورهای‌شان رسیدند.

به این منظور حکومت‌های اتحادشوروی و افغانستان اهمیت انجام کارهای آمادگی نمایندگان باصلاحیت‌شان بخاطر بررسی شیوه‌های متقابلاً مفید همکاری‌های اقتصادی و تخنیکی را در راستای عقد موافقت‌نامه‌های مربوطه درک می‌نمودند.

تفاهم شد که نمایندگان باصلاحیت نامبرده در جمله مسایل مربوطه همکاری‌های کشاورزی، ساختمان نیروگاه‌های برق آبی، سیستم‌های آبیاری، ترمیم‌گاه‌های موتر در افغانستان و همچنان بازسازی فرودگاه کابل را برررسی نمایند.

---

[۳۴۳] АВП РФ. Ф. Посольства СССР в Афганистане. Оп. ٦٢а. Д. ٢. П. ٨٦. آرشیف وزارت خارجه روسیه، اسناد سفارت اتحادشوروی در کابل.--

[۳۴۴] همان‌جا...

حکومت اتحادشوروی آمادگی اصولی اش را در امر کمک تخنیکی و مالی به شکل کریدت برای تحقق برنامه‌های مطروحه در راستای رشد کشور شاهی افغانستان ابراز داشت.

حجم کریدت، پیشکش شده توسط اتحادشوروی به این منظور که طویل‌المدت بود، بالغ بر ۱۰۰ ملیون دالر می‌شد. شرایط اعطای این قرضه در مذاکرات بعدی طرفین معین شدند.[۳۴۵]

این کریدت برای ۳۰ سال با در نظرداشت ۲٪ پرداخت سالانه، پس از ۸ سال بعد از استفاده از بخش معین کریدت مطابق سهمیه سالانه، در درازنای ۲۲ سال با صدور کالاهای افغانی به اتحادشوروی باید تسویه می‌شد.

پس از سفر رهبران شوروی به افغانستان جو مناسبات دو کشور طور چشمگیر گرم‌تر شده و بیدرنگ تحقق مسوولیت‌های قبول شدهٔ اتحادشوروی آغاز شد. در آغاز سال ۱۹۵۶ مراسم بخشش هواپیمای «ایل ۱۴» که به شاه افغانستان از جانب ن. آ. بولگانین و ن. س. خروشچف هنگام سفر ماه دسامبر سال ۱۹۵۵شان به کابل وعده داده شده بود، برگزار شد. سپس مراسم بخشیدن ۱۵ عراده بس و تجهیزات برای شفاخانه ۱۰۰ بستر نظامی صورت گرفت.[۳۴۶]

در سال ۱۹۵۶ در افغانستان از ۳۵مین سالگرد عقد معاهده دوستی میان اتحادشوروی و افغانستان تجلیل بعمل آمد. در این رابطه روزنامه‌های رسمی سرمقاله‌هایی پیرامون محفل بزرگداشت دایر شده در مسکو را به نشر رساندند. همچنان سفارت اتحادشوروی در کابل نمایشگاه عکسی پیرامون دوستی اتحادشوروی و افغانستان با محفل وسیعی را دایر کرد.[۳۴۷]

در ماه مارچ سال ۱۹۵۶ موافقت‌نامه اعطای کمک تخنیکی برای رشد اقتصادی

[۳۴۵] روزنامه انیس، مورخ ۱۹ دسامبر سال ۱۹۵۵م.
[۳۴۶] روزنامه اصلاح، مورخ ۲۸ فبروری سال ۱۹۵۶م.-
[۳۴۷] روزنامه های اصلاح و انیس، مورخ ۲۶ – ۲۸ فبروری سال ۱۹۵۶م.

افغانستان امضا شد.[۳۴۸] همچنان ساختمان ۱۶ پروژه گوناگون در چوکات پلان پنج‌ساله در نظر گرفته شده بود. در آن‌جمله ساختمان نیروگاه‌های نغلو و پلخمری، کارخانه ترمیم موتر «جنگلک»، فابریکهٔ تولید کودکیمیاوی در مزار شریف، سه بند در سیستم آبیاری جلال آباد، میدان‌های هوایی در کابل و بگرام، شاهراه موتررو از طریق کوه هندوکش (از راه کوتل سالنگ - مترجم)، بندر رودخانه‌یی قزل قلعه (شیرخان بندر قندز - مترجم) و غیره شامل بودند.[۳۴۹]

هم‌زمان هیأت شوروی در رأس رییس ادارهٔ هواپیمایی ملکی اتحادشوروی جهت مذاکرات برای عقد موافقت‌نامه پیرامون ارتباطات هوایی دو کشور به کابل آمد. موافقت‌نامه امضا شده و در ماه جون ۱۹۵۶ ولسی جرگه افغانستان آنرا تصویب کرد.[۳۵۰]

در ماه می ۱۹۵۶ کابل مهمان‌دار هیات کارمندان پزشکی در رأس آمر دیپارتمنت جراحی عمومی انستیتوت شماره دوم طبی مسکو پروفیسور زایتسِف و عضو هیات رهبری اکادمی علوم طبی پروفیسور سپیرانسکی، آمر دیپارتمنت بیماری‌های چشم انستیتوت طب شهر کویبیشف پروفیسور ایریشوفسکی و آمر دیپارتمنت امراض نسایی و ولادی انستیتوت شماره اول طب مسکو پروفیسور بودیاژنی بود که جهت آشنایی با مؤسسات طبی کابل و خواندن لکچرها به آن جا رفتند. در مقابل هیأت پزشکان افغان نیز به شهرهای اتحادشوروی رفته و با سیستم بهداشت اتحادشوروی آشنا شد.[۳۵۱]

در همان سال هیأت کشاورزی اتحادشوروی نیز به افغانستان رفته و با شیوه پرورش گوسفند قره‌قل و کشت پنبه آشنا شد.[۳۵۲]

به ادامهٔ موافقت‌نامه‌های عقد شده در اول مارچ ۱۹۵۶، قراردادی برای کمک

---

[۳۴۸] روزنامه اصلاح مورخ ۲۶فبروری سال ۱۹۵۶م.
[۳۴۹] روزنامه اصلاح مورخ ۱۹ جون سال ۱۹۵۶م.
[۳۵۰] روزنامه اصلاح مورخ ۱۹ جون سال ۱۹۵۶م.
[۳۵۱] همان‌جا....
[۳۵۲] انیس مورخ ۳۰ سپتامبر سال ۱۹۵۶م.

تخنیکی به افغانستان در امر مراقبت و خدمات جاده پلخمری - کابل، ساختمان فابریکه کودکیمیاوی مزارشریف و لابراتورهای فزیک و کیمیا از حساب قرضهٔ اتحاد شوروی در وزارت‌معادن و صنایع عقد شد.[۳۵۳]

در عرصهٔ سیاست خارجی مشی بی‌طرفی افغانستان اهمیت بسیاری داشت. در ماه جون سال ۱۹۵۶ ولسی جرگه پروتوکل معاهده بی‌طرفی و عدم تعرض متقابل از ۱۸ دسامبر سال ۱۹۵۵ را که توسط وزیران خارجه افغانستان محمدنعیم و ا. ا. گرومیکو امضا شده بود، برای ده سال دیگر تمدید کرد.[۳۵٤] در این پروتوکل خاطر نشان شده بود که معاهده سال ۱۹۳۱ «پاسخگوی منافع حیاتی جانبین» بوده و در راستای «استحکام و گسترش روابط دوستانه و همسایگی نیک موجود میان مردمان اتحادشوروی و افغانستان» مفید است.[۳۵۵]

از سوی خویش افغانستان نیز از سیاست همسایگی نیک با اتحادشوروی استقبال می‌کرد. گام مهم در دوره‌های بعدی سفر رسمی صدراعظم محمدداوود به مسکو در ماه اکتوبر سال ۱۹۵۷ بود.[۳۵٦] از وی در پایتخت اتحادشوروی بگرمی استقبال شد. در تالار گلونی‌زال اتحادشوروی میتنگی به افتخار دوستی اتحادشوروی و افغانستان دایر شد، که در آن صدر هیأت رییسه شورای عالی اتحادشوروی ک. وروشیلوف و صدراعظم محمدداوود بیانه‌های متقابلی را ایراد نمودند.[۳۵۷]

---

[۳۵۳] روزنامه انیس مورخ ۱۹ جون سال ۱۹۵۶م.

[۳۵٤] آرشیف وزارت خارجه روسیه: ...

АВП РФ. ۱۹۵٦. Ф. ۰٤۲. Оп. ٦۸в. Пор. ۲. П. ۸۸.

[۳۵۵] Независимый Афганистан. Сборник статей. / Отв. ред. Р.Т. Ахрамович. - М., ۱۹۵۸. С. ۳۱.

افغانستان مستقل. مجموعه مقالات. تحت نظر ر. ت. اخراموویچ...م. سال ۱۹۵۸م.

[۳۵٦] .آرشیف وزارت خارجه روسیه: ...

АВП РФ. ۱۹۵٦. Ф. ۰٤۲. Оп. ٦۸в.Д. ۲. П. ۸۸.

[۳۵۷] همان‌جا:

АВП РФ. ۱۹۵٦. Ф. ۰٤۲. Оп. ٦۸в.Д. ۲. П. ۸۸.

در ماه فبروری سال ۱۹۵۷ رادیوی مسکو نشراتش را بزبان پشتو آغاز کرد.[۳۵۸] باین مناسبت روزنامه انیس متن‌های بیانات وزیرفرهنگ اتحادشوروی ن. میخایلوف و کاردار سفارت افغانستان در مسکو عبدالقیوم را پیرامون گسترش روابط فرهنگی میان افغانستان و اتحادشوروی به نشر رساند.[۳۵۹]

بخاطر تأمین ارتباطات با کمیته دولتی رادیوی اتحادشوروی هیأت افغانی در رأس گل پاچا الفت رییس «پشتو تولنه» به مسکو سفر کرد.[۳۶۰] همچنان در چوکات توافق‌نامه همکاری‌های فرهنگی سفیر اتحادشوروی در کابل م. و. دِگتیار کاپی ۱۵ حلقه فیلم شوروی دربارۀ افغانستان را به رییس مطبوعات افغانستان سید قاسم رشتیا بخشید.[۳۶۱]

در این‌زمان در افغانستان به‌دقت مراقب رویدادهای سیاسی، احتماعی - اقتصادی و فرهنگی در کشور همسایه بودند. چنانچه در ماه نوامبر ۱۹۵۷ از ۴۰ مین سالگرد انقلاب اکتوبر تجلیل بعمل آمد. در سفارت شوروی در افغانستان باین مناسبت محفل بزرگی برگذار شده بود که دربارۀ آن جراید انیس و اصلاح خبرداده بودند. در اجلاس افتخاری شورای عالی اتحادشوروی به مناسبت ۴۰ مین سالگرد انقلاب در مسکو ن. س. خروشچف بیانۀ مبسوطی ایراد کرد که در پنج شماره روزنامه‌های اصلاح و انیس بنشر رسید. در جشن نامبرده در مسکو در ترکیب هیأت افغانی س. ق. رشتیا و محمدقاسم وجد اشتراک داشتند که مقالۀ مربوطۀ آن بنام «سیزده روز در مسکو» در یکی از شماره‌های انیس نشر شد.[۳۶۲]

در همان سال اتحادشوروی نخستین قمر مصنوعی را بفضا پرتاب کرد. روزنامه‌های انیس و اصلاح در چندین شماره خویش خبر مربوط به گشایش

---

[۳۵۸] آرشیف وزارت خارجه روسیه:..
АВП РФ. ۱۹۵۷. Ф. ۰۴۲. Оп. ٦٩.Д. ١. П.٨٣.
[۳۵۹] روزنامه انیس مورخ ۱۱ فبروری سال ۱۹۵۷م.
[۳٦۰] روزنامه اصلاح مورخ ۱۸ می سال ۱۹۵۷م.
[۳٦۱] روزنامه انیس مورخ ۳۰ می سال ۱۹۵۷م.
[۳٦۲] روزنامه های انیس و اصلاح از تاریخهای ۷۱ و ۱۹ نوامبر سال ۱۹۵۷م.

نمایشگاه عکس «زندگی مردم شوروی» را که در لیسه حبیبیه گشایش یافته و درباره همین رویداد بود، بازتاب دادند.[۳۶۳] به افتخار پیروزی‌های شوروی در امر تسخیر کیهان انجمن دانشمندان پوهنتون (دانشگاه) کابل تلگرام تبریکیه‌یی عنوانی اکادمی علوم اتحادشوروی فرستاد.[۳۶۴]

هم‌زمان میان دو کشور روابط تخنیکی - اقتصادی گسترش می‌یافت. برشالوده قرارداد اصلی پیرامون کمک تخنیکی شوروی میان وزارت‌مخابرات افغانستان و شرکت «وستوک اینتورگ»، توافق بعمل آمد تا مواد و سامانه‌های لازم برای خط تلگراف کابل - مزارشریف و کابل - قندهار تهیه شود،[۳۶۵] همچنان پسانتر وزارت‌مخابرات افغانستان از وستوک اینتورگ تجهیزات تیلفونی را به ارزش۴۲۶۶۳۳ دالر به دست آورد.[۳۶۶] برعلاوه مطابق اطلاعیه آژانس باختر از جولای ۱۹۵۷ برشالودهٔ تفاهم نامهٔ ۳۰ جولای ۱۹۵۷ میان وزارت‌معادن و صنایع افغانستان و شرکت تِخنو اکسپورت اتحادشوروی نیز قراردادی برای جستجوی نفت در نواحی شمالی افغانستان عقد شد[۳۶۷] و برای این منظور پروفیسور شوروی توایف به حیث مشاور امور تفحص نفت در شمال افغانستان به کابل آمد. به این منظور قرارداد مربوط به عکس‌برداری هوایی ترتیب شده و نقشه تخنیکی برای مناطق باقیماندهٔ شمال افغانستان تهیه شد.[۳۶۸]

یک رویداد با ارزش در مناسبات دو کشور در سال ۱۹۵۷ دعوت ظاهرشاه از صدر هیأت رییسه شورای عالی اتحادشوروی ک. ای. وروشیلوف برای بازدید از افغانستان بود،[۳۶۹] که در ماه اکتوبر سال ۱۹۵۸ با یک سفر حسن نیت به این

---

[۳۶۳] روزنامه اصلاح و انیس مورخ ۶ نوامبر سال ۱۹۵۷م.
[۳۶۴] روزنامه انیس مورخ ۱۱ نوامبر سال ۱۹۵۷م.
[۳۶۵] روزنامه انیس مورخ ۲۷ فبروری سال ۱۹۵۷م.
[۳۶۶] خبرنامه آژانس اطلاعاتی باخترمورخ ۲۷ جولای سال ۱۹۵۷م.
- Информационный бюллетень агентства «Бахтар» от ۲۷,۰۷. ۱۹۵۷.
[۳۶۷] روزنامه اصلاح مورخ ۸ جنوری سال ۱۹۵۸م
[۳۶۸] خبرنامه آژانس اطلاعاتی باخترمورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۵۸م.
[۳۶۹] روزنامه انیس مورخ ۲۹ می سال ۱۹۵۷م.-

کشور رفت.[۳۷۰] او در هنگام اقامت در کابل به دانشگاه کابل ۱۵۰۰ جلد کتاب علمی - تخنیکی را بخشید. شوربختانه که جزئیات این سفر بطور گسترده توسط رسانه‌ها بازتاب نیافتند. مگر در جریان سفر تصمیم گرفته شد معاون صدراعظم افغانستان به زودی به مسکو سفر کند.

در ماه دسامبر ۱۹۵۸ وزیر امورخارجه افغانستان محمدنعیم با سفری کاری به مسکو رفت. در میدان هوایی معاون رییس شورای وزیران اتحادشوروی آ. ن. کاسیگین، وزیرخارجه اتحادشوروی آ. آ. گرومیکو و غیره شخصیت‌های برجسته حکومت شوروی از وی پیشواز گرفتند.[۳۷۱]

مطبوعات افغانستان سفر محمدنعیم را بطور گسترده بازتاب دادند. روزنامه‌های انیس، اصلاح و هیواد[۳۷۲] ابراز امیدواری می‌کردند که چنین تماس‌ها و تبادلۀ نظر پیرامون خاور میانه گویای علاقمندی جانبین در امر تحکیم امنیت این منطقه و کل جهان و اعتماد ژرف و متقابل طرفین می‌باشد.

وزیرخارجه هنگام برگشت به وطن با روزنامه‌نگار آلمانی فون شتوک‌هاوزِن مصاحبه نمود که محتوای آن چنین بود:

«پرسش: والاحضرت، در بیانیۀ منتشرۀ چندی پیش دربارۀ مذاکرات تدویر یافته در مسکو آمده است که اتحادشوروی نه تنها کمک‌هایش را به افغانستان ادامه می‌دهد، بلکه آنها را گسترش خواهد داد. ماهیت این جمله در چه نهفته است، آیا شما می‌توانید در ین مورد توضیحات دهید؟

پاسخ: بخشی از پلان انکشافی کشور که از حساب کریدت ۱۳۳۴ (۱۹۵۵م.) اجرا می‌شود، توسط دولت دوست و همسایه ما اتحادشوروی با شرایط خیلی مناسب در اختیار ما قرار داده می‌شود. طوری که شما در اعلامیه می‌بینید، در نتیجه

---

[۳۷۰] آرشیف وزارت خارجه روسیه، بخش سفارت اتحادشوروی در کابل:..
АВП РФ. ۱۹۵۸. Ф. Посольства СССР в Афганистане. Оп. ۷۰. П. ۸۸.

[۳۷۱] روزنامه انیس مورخ۱ جنوری سال ۱۹۵۹.م.

[۳۷۲] انیس، اصلاح و هیواد مورخ ۱۶ تا ۱۸ دسامبر سال ۱۹۵۸م.

مذاکراتم در مسکو پروگرام فوق‌الذکرِ کمک ادامه داده شده و توسعه خواهد یافت. گسترش این برنامه باید در آینده توسط هردو طرف تأیید شود، مگر بصورت عموم این امر مربوط به پروژه‌های مواصلاتی خواهد شد.

پرسش: آیا مذاکرات چندی پیش دایر شده در سیاست خارجی افغانستان، از جمله روی معضل پشتونستان مؤثر خواهند بود؟

پاسخ: مفهوم اعلامیه نامبرده هویدا است. در آن تاکید شده که، وزیرخارجه افغانستان بازهم سیاست بی‌طرفی و صلحجویانه را تأیید کرد. در مورد معضله پشتونستان سیاست ما بدون تغییر باقی می‌ماند. ما همواره می‌شنویم که اشخاص مسوول یک کشور می‌گویند که پشتون‌ها و وطن‌شان پشتونستان جزء جدایی ناپذیر مملکت‌شان استند. مگر باید فراموش نکرد که این مسأله و مسایل همانند آن با طرح اظهار نظرهای یکجانبه نمی‌تواند، حل گردد. افغانستان همیشه طرفدار آن بوده که مسأله پشتونستان با توافق خود پشتون‌ها و با در نظرداشت حق خود ارادیت‌شان حل و فصل گردد. این راه که درست‌ترین شیوه است باعث تقویت صلح در منطقه ما می‌شود».[۳۷۳]

یک واقعیت جالب: هنگام سفر محمدنعیم‌خان در مسکو شهزاده محمدنادر در آن جا مشغول درمان بود. البته تا آغاز سال‌های ۵۰ اعضای‌خانواده شاهی طور عنعنوی به آلمان می‌رفتند، ولی از پایان سال‌های ۵۰ آنها به دکتران شوروی اعتماد می‌کردند.

در آغاز سال‌های ۶۰ دوستی و همکاری دو کشور برجسته‌تر شدند. روزنامه‌های افغانی از آن به‌بعد مقالاتی دربارهٔ دست‌آوردهای مردم شوروی، پیرامون نخستین قمر مصنوعی همانند دست‌آوردی بی‌نظیر، عملی و مهم دانش بشری می‌نوشتند. به قول روزنامه‌های افغانستان با پرتاب راکت فضایی بسوی مهتاب به تاریخ ۲ جنوری سال ۱۹۵۹ که به مدار زمین رسید، اتحادشوروی به پیروزی‌یی دست یازید

[۳۷۳] روزنامه اصلاح، مورخ ۲۴ جنوری سال ۱۹۵۹م.

که در تاریخ علوم در جهان سابقه نداشت. رسانه‌های افغانستان خبر می‌دادند که در سال ۱۹۵۷ اتحادشوروی راکت قاره پیمای بالستیکی را که قادر بود سر گلوله اتمی را تا خاک ایالات متحده انتقال دهد، مؤفقانه آزمایش کرد. به این ترتیب دوری ایالات متحده از صحنهٔ عملیات جنگی اروپا دیگر ضامن امنیت آن کشور نبود. روزنامه‌های افغانی تأکید می‌کردند که به کمک این نوع راکت‌ها نخستین قمر مصنوعی زمین پرتاب شده است.[۳۷٤]

مهم‌ترین لحظه در مناسبات افغانستان - اتحادشوروی بنیان‌گذاری انجمن دوستی و روابط فرهنگی افغانستان - شوروی به تاریخ ۲۸ اکتوبر سال ۱۹۵۹ بود.[۳۷۵] رییس این انجمن رییس انستیتوت اتنوگرافی اکادمی علوم اتحادشوروی پروفیسور س. پ. تولساوف بود. در ترکیب رهبری انجمن دوستی شوروی - افغانستان که چهره‌های نامور اجتماعی و دولتی شوروی شامل آن بودند که با اتوریتهٔ لازم ارزش این سازمان اجتماعی را بالا برده و در بسیاری موارد با همکاران افغانی‌شان روابط مستقیم و کاری برقرار می‌کردند.[۳۷٦]

کار بخش‌های انجمن دوستی که در پروژه‌های بزرگ افغان - شوروی تطبیق می‌شد، خیلی مؤثر بود. پروژه کامپلکس آبیاری جلال‌آباد و فارم‌های زراعتی حومهٔ جلال‌آباد نمونه‌هایی ازین جمله بودند. به برکت راه اندازی این پروژه که در آن بیشتر از ۱۱ هزار نفر کار می‌کردند، مشکلات تأمین انرژی و آب آشامیدنی شهر جلال‌آباد به کمک بهره‌برداری نیروگاه آبی نغلو (با توان ۶۷ هزار کیلو وات)[۳۷۷] و

---

[۳۷٤] آرشیف وزارت خارجه روسیه، بخش سفارت شوروی در افغانستان:..
АВП РФ. Ф. Посольства СССР в Афганистане. Оп. ٦٢а. Пор. ٢. П. ٨٦.

[۳۷۵] - Adamec L. Historical dictionary of Afghanistan. ٢d edition. - London, ١٩٩٧. C. ٣٥٧. -

[۳۷٦] اودییف، گ. سایت افغانستان رو. ...
Г. Авдеев. www.afghanistan.ru/doc/٦٥١٤.html

[۳۷۷] گوریویچ، سیاست خارجی افغانستان، مسکو، ۱۹۸۱. ص. ۱۶۱.. قابل یادآوریست که توان کلی بند برق نغلو ۱۰۰ میگاوات بود (مترجم).
Гуревич Н.М. Внешняя торговля Афганистана. - М. ١٩٨١ С. ١٦١.

سروبی (با توان ۲۲ هزار کیلو وات)[۳۷۸] رفع شده، تولیدات فارم‌های کشاورزی «غازی آباد» و «هده» بیشتر از تقاضای بازار داخلی بوده و حتی صادر می‌شد.

انجمن دوستی افغانستان - شوروی که در سال ۱۹۶۰ بنیان گذاشته شد، نخستین رییس این انجمن وزیرعدلیه افغانستان محمداصغر بود. ایجاد این انجمن محصول بهبود روابط افغانستان - شوروی پس از سفر رهبران دو کشور ن. س. خروشچف و محمدظاهرشاه به کشورهای یکدیگر بود.[۳۷۹]

مناسبات دو کشور در عرصه فرهنگی نیز رشد می‌نمودند. نخستین بار در سال ۱۹۶۱ نامه‌های ماکسیم گورکی دربارهٔ ادبیات بزبان پشتو چاپ شد که شاعر مشهور افغان گل پاچا الفت آنرا همچون «نمونه تقریظ، نقد ادبی و رهنمای نیکو برای نویسندگان» ارزیابی کرد. برعلاوه شخصیت گورکی خود برای افغان‌ها جالب بوده و آنها وی را محترم می‌شمردند. نویسندگان نامور افغان چون سید قاسم رشتیا، ظاهر افق، ص. رشتین.، س. شپون، ن. تره‌کی و غیره مقالاتی را پیرامون کارنامه‌های این نویسندهٔ روس نوشته بودند.[۳۸۰]

با ارزیابی مناسبات افغانستان - شوروی در سال‌های صدارت محمدداوودخان، بجاست گفته شود که حتی در سال ۱۹۵۵ در زمان تدویر لویه‌جرگه هنگام پذیرش اصول اساسی سیاست خارجی داوودخان از جمله اصل همکاری همه‌جانبه افغانستان و اتحادشوروی تصویب شد. به برکت کمک‌های سخاوتمندانه تخنیکی و اقتصادی اتحادشوروی محمدداوود توانست در دورهٔ صدارتش از سال ۱۹۵۳

---

[۳۷۸] تپلینسکی ل. ب. تاریخ مناسبات افغانستان- شوروی ۱۹۱۹-۱۹۷۸. مسکو سال ۱۹۸۸. ص. ۶۷.

Теплинский Л.Б. История советско-афганских отношений ۱۹۱۹-۱۹۷۸. - M., ۱۹۸۸. C. ٦٧-

[۳۷۹] اودییف. روسیه و افغانستان. بخش یکم، مسکو. ص. ۱۰-۱۱

Авдеев. Россия - Афганистан. Ч. ۱., - M., C.۱۰-۱۱.

[۳۸۰] گراسیموا آ. س. روسیه و افغانستان مسکو. ص. ۹۴ ۹٤.

- Герасимова А.С. Россия – Афганистан.- M., C.

تا ۱۹۶۳ ثبات نسبی سیاسی را در کشور تأمین کند.

سیاستی که شالودهٔ آن همکاری با اتحادشوروی بود، به پندار رییس حکومت (افغانستان) نزدیکی افغانستان با اتحادشوروی باعث نگرانی ایالات متحده و غرب شده و در نهایت محمدداوود تصمیم داشت در موقف واشنگتن نسبت به حمایت از پاکستان تغییر به میان آید. مگر انکشاف بعدی حوادث نشان دادند که ایالات متحده نه تنها سیاست دفاع اش از پاکستان را پیرامون پشتونستان دگرگون نه کرد بلکه تقویه حمایت نظامی آنرا تحکیم هم بخشید.

تا امروزه روز کارشناسان، سیاست‌شناسان و تاریخ‌نگاران در مورد اینکه آیا سیاست عدم‌انسلاک افغانستان و نه پیوستن به پیمان‌های نظامی، رویارویی با پاکستان روی معضله پشتونستان و همکاری نظامی با اتحادشوروی، به نفع افغانستان بوده یانه، اختلاف نظر دارند. برخی دلایل که افغانستان نمی‌توانست به پیمان‌های نظامی بپیوندد، ناشی از معاهده بی‌طرفی و عدم تعرض عقد شده در جون ۱۹۳۱ بودند. چنانچه مطابق فصل ۴ و ۵ این معاهده، افغانستان مکلف بود از پیوستن به بلوک‌های نظامی ضد اتحادشوروی خودداری کند. در مورد موقف ایالات متحده امریکا، نیکیتا سرگیویچ خروشچف در خاطراتش می‌نویسد:

«امریکا تظاهر می‌کرد که به افغانستان کمک اقتصادی می‌کند، مگر در واقعیت آنها منافع خویش را دنبال می‌کردند. هنگام سفرم به افغانستان به ما هویدا شد که امریکایی‌ها مرام واضحی مبنی بر ایجاد پایگاه نظامی در افغانستان دارند. امکاناتی را که ما دادیم، به هدر نرفتند. ما دوستی و اعتماد افغان‌ها را کمایی کردیم و آنها بدام امریکاییان نه افتادند. پول‌های خرچ شده در افغانستان - در مقایسه با مصارف دفاع احتمالی ما از پایگاه امریکایی قطره‌هایی در بحر اند. شما می‌توانید آن مصارفی را که اجباراً ما برای تحکیم مرزهای ما با افغانستان متقبل می‌شدیم، تصور کنید».[۳۸۱]

افسانه ایجاد پایگاه‌ها توسط نظامیان امریکایی در خاک افغانستان که در پندار

[۳۸۱] - АВП РФ. Ф. ۰۷۱,۱۹٦٥. Оп. ٦Va.Д. ۲. П. ۸٦.

رهبران شوروی جاگرفته بود، تا زمانی نامعلوم رشد نموده، ماندگار شده و از جمله یکی از دلایل دخول قوای اتحادشوروی در دسامبر سال ۱۹۷۹ به افغانستان شد.

در این میان اتحادشوروی با حمایت از سیاست پشتونستان افغانستان، آن کشور را به ساحهٔ نفوذ خویش کشاند که بتدریج وابستگی آن کشور در عرصه‌های گوناگون از جمله اجتماعی - اقتصادی و نظامی - سیاسی بیشتر شد. صباح‌الدین کشکی مؤرخ مشهور در مورد مناسبات شوروی - افغانستان چنین گفته است:

«واضح بود، چرا شوروی‌ها از سردارمحمدداوود و سیاستش در قبال پشتونستان حمایت می‌کردند. شوری‌ها می‌دانستند که این امر باعث فاصله افغانستان از غرب و در نهایت وابستگی بیشتر به اتحادشوروی می‌شود».[۳۸۲]

با آغاز کمک‌های شوروی، ایالات متحده با تأخیر آشکار به همکاری اقتصادی به افغانستان آغازید، مگر پهنای این کمک‌ها محدود بود. چنانچه از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۸ اتحادشوروی به اقتصاد و ضروریات ارتش افغانستان ۵،۲ ملیارد دالر کمک کرد، در حالی که کمک ایالات متحده ۹،۵۳۲ ملیون دالر بود.[۳۸۳]

مناسبات کابل و مسکو با گذشت هرروز بطور آشکارا گسترش یافته و باعث نزدیکی هرچه بیشتر دو کشور می‌شد. دکتر غنی احمدزی درست می‌پندارد که یکی از دلایل همکاری دو کشور آن بود که اتحادشوروی نمی‌خواست در مرزهایش پایگاه‌های نظامی خارجی را ببیند و افغانستان به گسترش کمک‌های اقتصادی نیاز داشت.[۳۸٤]

محمدداوود می‌خواست با ایالات متحده نزدیک شود، مگر زمانی که برای امریکا انتخاب میان افغانستان و پاکستان به میان آمد، گزینه کشور اخیرالذکر جای نخست را گرفت. در آن‌زمان اتحادشوروی به افغانستان علاقمندی فزاینده پیدا کرد. برای محمدداوود سیاست پاکستان از یکسو خطر جنگی پنداشته می‌شد و او

---

[۳۸۲] ظاهر طنین. افغانستان در قرن ۲۰ ، چاپ تهران. ۲۰۰۴ ص. ۱۰۶

[۳۸۳] Bradsher Henry S. Afghanistan and the Soviet Union. - USA, Duke University Press, ۱۹۸۳, C.۱۸. -

[۳۸٤]

می‌خواست به اسلحه شوروی دسترسی داشته و از سوی دیگر اصلاحات اقتصادی را که به تمویل آنها سخت ضرورت داشت، پیش ببرد. در این شرایط صدراعظم افغانستان مجبور بود برای جلب کمک به اتحادشوروی و کشورهای اروپای شرقی مراجعه کند چون آنها کمک‌های‌شان را به هیچ‌نوع شرط و امتیاز از جانب افغانستان وابسته نمی‌ساختند. شرایط دشوار سیاسی افغانستان را مجبور ساختند تا به ساحل شوروی نزدیک شده ولی به آن لنگر نه اندازد.

در چرخش داوود به سوی اردوگاه سوسیالیستی، برخوردهای سخت، دور نااندیشانه، غیرمحتاطانه و بیشتر خشن و توهین آمیز دیپلماسی امریکایی با افغانستان آن‌روزه و شخص محمدداوود نقش عمده را داشتند.[۳۸۵]

باوجود تلاش مخالفان محمدداوود در درون کشور و خارج از آن که به وی تاپه «سردار سرخ» را و یا حتی بیشتر از آن رهبر سیاسی که بدون قید و شرط به اتحادشوروی وابسته بوده و به «شوروی‌ها تمام عرصه‌های زندگی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی افغان‌ها را داده است»، زدند، در واقعیت او به مثابه میهن‌دوست حقیقی مشی پیگیرانه، خلل ناپذیر و بکلی مستقلانه را که پاسخگوی منافع ملی کشور در عرصه سیاست داخلی و خارجی بود، پیشبرده و هیچگاهی شخص هوادار شوروی و بویژه که «سرخ» نبود.

صدراعظم داوود با برقراری مناسبات نیکو با اتحادشوروی پیش از هرچیز می‌خواست توانمندی (پوتنسیال) نظامی - سیاسی همسایهٔ نیرومند شمال را به حل معضلهٔ پشتون‌ها جلب کند. چنانچه محمدداوود در جریان مذاکرات رسمی و غیررسمی مخفی و گفتگوهایش بارها به جانب شوروی کمک مشورتی‌شان را پیرامون راه اندازی و پیشبرد جنگ پارتیزانی در مناطق قبایل پشتون در خاک پاکستان را مطرح می‌کرد. او در این موارد نیتش را مبنی بر مجبور ساختن پاکستان به پذیرش شرایط کابل پیرامون قضیه پشتونستان، پنهان نمی‌کرد.[۳۸۶]

---

[۳۸۵] http://afg-hist.ucoz.ru/publ/۸-۱-۰-۱۲ -

[۳۸۶] همان‌جا:

جانب شوروی در همهٔ مراحل طرح این مسأله همواره از دادن کمک بطور قاطع خودداری می‌کرد. چنانچه در جریان سفر ماه اکتوبر سال ۱۹۶۱ هیأت عالیرتبهٔ شوروی به کابل در رأس مارشال و. د. سوکولوفسکی به محمدداوود مستقیماً خاطرنشان شد که تأکید وی برای حل نظامی معضله پشتونستان نتیجه‌یی به‌بار نه آورده و تلاش‌هایش برای در دادن جنگ پارتیزانی در خاک پاکستان که عضو پیمان سیاتو است، باعث کشاندن پای اتحادشوروی به جنگ پهناور در منطقه که می‌تواند به جنگ سوم جهانی به انجامد، شود.[۳۸۷] همچنان به درخواست محمدداوود برای تدریس شیوه‌ها و اشکال جنگ پارتیزانی برشالودهٔ تجارب جنگ کبیر مهینی شوروی با درنظر داشت مشخصات جغرافیایی منطقه به افسران افغان توسط آموزگاران شوروی پاسخ قاطع رد داده شد.

با یادآوری موارد نامبرده، بی‌پایگی پندارنویسندهٔ امریکایی ج. کولینز پیرامون اهداف سفر مارشال سوکلوفسکی به کابل که تحت تأثیر فضای «جنگ سرد» ابراز شده، هویدا می‌شود. برشالودهٔ پروندهٔ جاسوس امریکایی دگروال او. پنکوفسکی، کولینز می‌نویسد که هنگام سفر سوکولوفسکی گویا مسأله «امکانات گسیل قطعات شوروی به افغانستان در زمان معین برای اشتراک در عملیات مشترک برعلیه پاکستان» نیز با رهبری افغانستان مطرح شده بود.[۳۸۸] مگر ما به هیچ سند آرشیفی که گواه طرح این مسأله از سوی محمدداوود و یا مارشال و. د. سوکلوفسکی باشد، برنخوردیم.

آنچه به برخورد اتحادشوروی با قضیه پشتونستان مربوط است، باید گفت که در اوایل رهبری شوروی موقف بیطرفانه داشت، مگر پسان‌ها این امر دگرگون شد. چنانچه این امر در گذارش ن. آ. بولگانین در اجلاس هیأت رییسه شورای عالی اتحادشوروی بازتاب یافت. او طی این گذارش گفت که باشندگان پشتونستان

- http://afg-hist.ucoz.ru/publ/۸-۱-۰-۱۲

[۳۸۷] http://www.afghanistan.ru/doc۱۱۲۲۳.html

[۳۸۸]۵ - Collins J.J. The Soviet Invasion of Afghanistan. A Study in the Use of Force in Soviet Foreign Policy. - Toronto, ۱۹۸٦. P. ۲۳. -

قبایل مستقل افغان اند. وی تأکید می‌کرد: «این منطقه توسط امپراتوری بریتانیا در سال ۱۸۹۳ غصب شده و در سال ۱۹۴۷ برخلاف منافع قبایل باشندۀ پشتونستان به ترکیب پاکستان شامل گردیده است. ما از خواست عادلانه افغانستان پیرامون اینکه به باشندگان منطقۀ سرحدی پشتونستان حق آزادانه انتخاب و خودارادیت داده شود، پشتیبانی می‌کنیم.»[۳۸۹]

ن. س. خروشچف رییس شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی موضع شوروی را پیرامون معضل پشتونستان فرمولبندی چنین کرده بود:« ما درخواست افغانستان در مورد دادن حق بیان آزاد ارادۀ خلق پشتون پیرامون انتخاب همه‌پرسی آزاد که از آنان پرسان شود، آیا وی می‌خواهند در مرزهای دولت پاکستان باق بماند و یا می‌خواهند دولت نو و مستقل خویش را تشکیل داده و یا به افغانستان بپیوندند، درست می‌پنداریم.» [۳۹۰]

و به این ترتیب در دورۀ زمانی ۱۹۵۳ - ۱۹۶۳ صدراعظم افغانستان محمدداوودخان توانست تا حد معینی موضع افغانستان را در عرصۀ بین‌المللی تحکیم بخشد.

افغانستان در این زمان به عضو فعال جنبش عدم‌انسلاک که در برابر بلوک‌های نظامی - سیاسی سنتو و سیاتو ایجاد شده بود، مبدل شد.

افغانستان در سال‌های ۱۹۵۰ - ۱۹۶۰ روابط دیپلوماتیک را با بیش از ۴۰ کشور برقرار نموده بود. آنچه مربوط به ابرقدرت‌ها می‌شود، باید گفت که در دورۀ زمانی یادشده این مناسبات همگون نبودند. از نگاه سیاسی و ایدیولوژیکی کابل به هیچ یک از اینها وابستگی نداشت، گرچه محمدداوودخان تلاش می‌نمود هم از واشنگتن و هم از مسکو کمک به دست آورد. مگر ایالات متحده کمک به افغانستان را به

---

[۳۸۹] ۲۲۵ ن.آ. بولگانین، ن. س. خروشچف. بیانیات هنگام سفر به هند، برما و افغانستان. مسکو. ۱۹۵۵، ص. ۲۲۵ -
Н.А. Булганин, Н.С.Хрущев. Речи во время пребывания в Индии, Бирме и Афганистане. - М., ۱۹۵۵. С.۲۲۵

[۳۹۰] همان‌جا...-

قبول پیش شرط‌های معینش مبنی بر شمولیت در بلوک‌های نظامی سنتو و سیاتو و خودداری از داعیهٔ پشتونستان مشروط می‌ساخت. داوودخان نه تنها خواستار کمک‌های مادی و نظامی - تخنیکی از ایالات متحده و اتحادشوروی بود، بلکه پشتیبانی آنان را در امر سیاستش پیرامون پشتونستان نیز می‌خواست که فقط از سوی اتحادشوروی محسوس بود.

فصل سوم
سیاست محمدداوودخان پیرامون پشتونستان

۱. ریشه‌های تاریخی معضل پشتونستان

موضع محمدداوودخان در قبال روابط با پاکستان قبلاً از زمان جنگ دوم جهانی شکل گرفته بود. خاورشناس روسی ی. ن. تیخونوف در پژوهش اش «جنگ افغانی استالین. نبرد برای آسیای میانه» می‌نویسد که در سال ۱۹۴۱ حکومت انگلیس آمادۀ بدترین نوع انکشاف حوادث در وزیرستان که بیشتر ناشی از توانمندی فعالان سیاسی گروه هوادار آلمان در حکومت افغانستان بود، شد.

طوری که پیشتر یادآوری شد، این گروه را سردار داوودخان و وزیراقتصاد ملی عبدالمجید زابلی آن‌وقت رهبری می‌کردند. اخیرالذکر علناً به هاشم‌خان که در آن‌زمان صدراعظم افغانستان بود، از لزوم «اتحاد قبایل افغان که در دوسوی مرز هند - افغانستان زندگی می‌کردند» می‌گفت، چنانچه با این مرام او در سال ۱۹۴۱ به آلمان نیز سفر کرد.[۳۹۱] مگر صدراعظم نمی‌توانست نظرات اطرفیانش را در نظر نگیرد. بنابراین وی با استفاده از زمان مناسب می‌خواست، اگر همه اش ممکن نباشد، حداقل بخشی از سرزمین‌های پشتون‌نشین ساحل راست رودخانه سند (اباسین)، به افغانستان بپیوندند.

زمانی که وزیرخارجه افغانستان (علی) محمدخان[۳۹۲] این درخواست را به نمایندۀ بریتانیا فریزر - تتلر داد، او دفعتاً با ناراحتی به وی گفت که «وزیر امور خارجه به

---

[۳۹۱] تیخونوف ی. ن. جنگ افغانی استالین. نبرد برای آسیای میانه. مسکو. ۲۰۰۸م. ص. ۳۱۸.
- Тихонов Ю.Н. Афганская война Сталина. Битва за Центральную Азию.
- М., ۲۰۰۸.С.۳۱۸

[۳۹۲] در متن اصلی روسی محمد خان آمده. امکان دارد که منظور از علی محمد خان که دراینزمان وزیر خارجه افغانستان بود، باشد.، دیده شود: و میر محمد صدیق فرهنگ، جلد دوم ، ص. – ۶۴۴- ۶۴۶- (مترجم) -

http://fekrat.kateban.com/print/۱۹٦٤

تبلیغات خصمانه گوش می‌دهد».[۳۹۳] همچنان ی. تیخونوف می‌نویسد که انگلیس‌ها ناگذیر بودند، با افغان‌ها مذاکرات را آغاز کنند؛ چون به حفظ روابط خوب با افغانستان ضرورت داشتند.

مذاکرات در کابل صورت پذیرفته و بکلی محرم بودند. مگر سفیر ایتالیا پ. کاوارونی و کاردار سفارت جاپان در کابل ایواساکی می‌گفتند که از جریان گفتگوها باخبر اند، چون خود افغان‌ها ادعاهای ارضی‌شان را نسبت به هند برتانوی پنهان نکرده و شاید هم درز اطلاعاتی را سازماندهی می‌کردند. چنانچه به تاریخ ۱۹ فبروری ۱۹۴۱ پ. کاوارونی در گفتگو با سفیر شوروی ک. میخایلوف خبرداد که انگلیس‌ها پس از جنگ بندر گوادر در خلیج عمان در نزدیکی مرز بلوچستان و ایران را در اختیار افغانستان قرار می‌دهد. گویا انگلیس‌ها وعده داه بودند که خط آهن را از قندهار تا بندر نامبرده از راه چمن اعمار کنند.

مؤلف همچنان می‌افزاید: ورود افغانستان به جنگ علیه بریتانیا ممکن خواهد بود، اگر لشکرهای نازی به قفقاز و ولگا حمله نموده بودند، موفق گردند، به معنی شمولیت در جنگ علیه اتحادشوروی نیز خواهد بود.[۳۹٤]

زمانی که قوای آلمان در سال ۱۹۴۲ به تهاجم بالای استالینگراد و قفقاز پرداختند، در حکومت افغانستان گروه هوادار آلمان زیر رهبری داوودخان نیرومندتر شد. سفیر شوروی ک. میخایلوف در یکی از گذارشاتش به مسکو نوشته بود که داوودخان «سخت طرفدار گسترش خاک افغانستان، در گام نخست از حساب الحاق ساحهٔ قبایل پتان (پشتون‌ها را در هندوستان چنین می‌نامیدند، س. پویا) به افغانستان، است.» این «جوانان» برای رسیدن به مرام‌شان حاضر بودند افغانستان را به جنگ علیه انگلستان بکشانند.[۳۹۵]

---

[۳۹۳] تیخونوف ی. ن. جنگ افغانی استالین. نبرد برای آسیای میانه. مسکو. ۲۰۰۸م. ص. ۳۱۸- Тихонов Ю.Н. Афганская война Сталина. Битва за Центральную Азию. - М., ۲۰۰۸.С.۳۱۸. –

[۳۹٤] همان‌جا ص. ۳۹۸-

[۳۹۵] همان‌جا

داوودخان و افراد پیرامونش آمادۀ شورش مسلحانه در مرز افغانستان - هند شدند. آلمان رساندن اسلحه و مهمات را به شورشیان به عهده گرفت.[۳۹۶] قرار بود محمدهاشم‌خان و دیگر افراد هوادار انگلیس را از صحنه برداشته و حکومت جدید را که با آلمانی‌ها در راستای تحرک بسوی هند کمک نماید، به قدرت رساند. داوودخان به این امر به یک شرط موافقه کرد که به او ضمانت داده شود که‌خاندان حاکم در رأس قدرت افغانستان بماند.[۳۹۷]

مگر آلمان و ایتالیا به داوودخان ضمانت به قدرت ماندن دودمان یحیی خیل را ندادند که رهبر توطئه گران (داوود، مترجم) نیز به آن تعلق داشت. در برنامه‌های این دو دولت برگرداندن امان‌الله‌خان به تخت سلطنت مطرح بود، شخص که در برلین و روم فکر می‌کردند، برای‌شان آسانتر بود تا شورش ضدانگلیسی قبایل را در مرز افغانستان - هند سازماندهی کند. زمامداران آلمان و ایتالیا درست می‌دانستند که پس از تصرف قفقاز توسط وِرماخت (ارتش آلمان نازی، مترجم)، هیچ چیزی مانع تهاجم واحدهای اردوی آلمان و متحدان آن به افغانستان و رسیدن به مرزهای هندوستان نمی‌شود. بنابراین قبول هرنوع تعهد برای بقای سلسله یحیی خیل به قدرت به معنی بستن دست‌های‌شان بود. چنانچه سفیر آلمان گ. پیلگر و نمایندۀ ایتالیا پ. کوارونی از رهبران‌شان دستور یافتند، هرنوع درخواست توطئه گران را رد کنند.[۳۹۸] روابط پنهانی داوودخان و نمایندگی‌های دیپلوماتیک آلمان و ایتالیا را در خزان سال ۱۹۴۲ گسستند.

با درک مناسبات سیاستمداران پرنفوذ افغان با آلمان و ایتالیا، بریتانیا علناً حکومت هاشم‌خان را زیر فشار قرار داد. چنانچه به قول میرغلام محمدغبار انگلیس‌ها در این راستا چنان پیش رفتند تاحدی که روزی در سینمای وزارت‌دفاع افغانستان به افسران افغان فیلمی از پیروزی‌های ارتش فاشیستی در جنگ را نشان دادند، در روز بعدی آتشۀ نظامی سفارت انگلیس در کابل به وزارت‌دفاع رفته و بدون اجازه و در

[۳۹۶] همان‌جا
[۳۹۷] همان‌جا
[۳۹۸] همان‌جا ص. ۴۰۱

زدن به دفتر وزیردفاع شاه‌محمودخان که در آن جلسه‌یی باشتراک رییس ارکان قوای مسلح و افسران بلند رتبهٔ دیگر جریان داشت، داخل شد. آتشه نظامی با صراحت به وزیردفاع گفت: «شما سیاست بی‌طرفی تان را اعلام کردید، مگر در عمل فیلم‌های تبلیغاتی دشمنان بریتانیا را نشان می‌دهید.» با بیان این کلمات او از دفتر وزیرخارج شد. وزیردفاع افغانستان سکوت نموده و هیچ چیزی نگفت. مگر فردای آن روز سینما را بستند.

پس از این ادارهٔ ضبط احوالات افغانستان شبکهٔ خبرچینانش را در افغانستان گسترده ساخت تا اطلاعاتی از روحیه و برخورد مردم جمع‌آوری کند.[۳۹۹]

پس از جنگ دوم جهانی، زمانی که دیگر هند برتانوی وجود نداشت، به تاریخ۳جون ۱۹۴۷ نیم‌قاره هندوستان به دو دولت هند و پاکستان تقسیم شد،[۴۰۰] که در ترکیب اخیرالذکر سرزمین‌های پشتون‌های شرقی نیز شامل شدند. از آن‌زمان خط دیورند سرحد واقعی میان پاکستان و افغانستان بوده و مناسبات دو کشور در دهه نخست موجودیت پاکستان با بغرنجی در سطح منطقه و بین‌المللی انکشاف می‌یافت.

از ۶ تا ۱۷ جولای ۱۹۴۷ در پشتونستان ریفراندمی پیرامون تعلق به وابستگی دولتی پشتون‌ها در هند برتانوی پیشین راه اندازی شد. مگر باوجود موقف غفارخان در پرسش‌نامه رأی پرسی همگانی ماده‌یی بنام دولت پشتونستان نه آمده بود. سؤال فقط در مورد پیوستن به هند و یا پاکستان مطرح شده بود. رهبر پشتون‌ها عبدالغفارخان تقاضا می‌کرد که به پشتون‌ها حق ایجاد دولت خودی پشتونستان داده شود. کابل کمپاین تبلیغاتی‌یی را در پشتیبانی از درخواست زعیم پشتون‌ها براه انداخت. مگر نایب السلطنته هند لارد ماونبیتِن که جدول پرسش‌نامه را می‌ساخت این درخواست را رد کرد. و در آن‌حالت رهبر پشتون‌ها از قبایلش خواست ریفراندم را بایکوت کنند.

---

[۳۹۹] میر غلام‌محمد غبار، افغانستان درمسیر تاریخ . کابل سال ۱۹۶۷م. ص. ۲۰۴

[۴۰۰] همان‌جا ص. ۲۲۷

رهبر ملی مشهور پشتون‌ها عبدالولی‌خان (فرزند عبدالغفارخان) پیرامون این موضوع نوشته است: «در ولایات دیگر انگلیس‌ها نظر شوراهای ایالتی را می‌پرسیدند، مگر از ما نپرسیدند، فقط گفتند که دربارهٔ نظر مردم برای پیوستن مردم به هند یا با پاکستان ریفراندم راه اندازی می‌شود. حزب ما مخالف این گونه طرح مسأله بود.

سپس ما در هنگام نظرخواهی همگانی پیشنهاد پرسش سوم را کردیم: آیا پشتون‌ها می‌خواهند دولت خود را داشته باشند؟ مگر انگلیس‌ها با پیشنهاد ما موافقت نکردند. در آن‌حالت ما رأی پرسی همگانی را تحریم کردیم، و آنها بادشواری و نقض صریح توانستند ٪۵۱ رأی را برای الحاق پشتونستان به پاکستان به دست آورده و ما را به زندان بیافگندند.»[۴۰۱]

باین گونه به تاریخ ۱۵ اگست ۱۹۴۷ ولایت صوبه سرحد با اکثریت نفوس پشتون بخشی از پاکستان شد.[۴۰۲]

افغانستان در دورهٔ صدارت محمدداوودخان دوباره به مسأله پشتونستان پرداخت. پندارها، مرام‌ها و سیاست محمدداوود پیرامون «معضل پشتونستان» که منافع کمتر از نیم نفوس افغانستان را هم بازتاب نمی‌کرد، باعث تیره‌گی مناسبات افغانستان با پاکستان که با آن کشور افغانستان روابط تنگاتنگ ملی و مذهبی داشت، شد. [۴۰۳]

به نظر دکتر غنی احمدزی دلیل اصلی علاقمندی ژرف محمدداوود به پشتونستان تلاشش برای اعادهٔ عدالت که در زمان پدرکلانش سلطان محمدخان نقض شده بود، محسوب می‌شد.[۴۰۴]

---

[۴۰۱] ظاهر طنین. افغانستان در قرن بیست. ...ص. ۱۰۱.

[۴۰۲] Caroe O. The Pathans. - Delhi, ۱۹۷٦. P. ٤۳۰.

[۴۰۳] - Fraser-Tytler W.K. Afghanistan. ۳d edition. - New York, ۱۹٦۷. P. ۳۲۰. -

[۴۰۴] Ibid. C. ۱۰۳.

نماینده افغانستان در سازمان ملل‌متحد یگانه کسی بود که به تاریخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۴۷ خلاف پذیرش عضویت پاکستان به این سازمان رأی داد.[٤٠٥] چون حکومت افغانستان می‌پنداشت که ایالت شمال‌غربی صوبه سرحد خلاف نورم‌های حقوق بین‌المللی به تشکیل پاکستان شامل شده است. مگر با اینهم سفارت افغانستان در همان سال در کراچی بازشد: یعنی اینکه کابل به نفع پاکستان عقب نشینی کرد.[٤٠٦]

در مرحلهٔ نخست روابط افغانستان - پاکستان بنیان‌گذار پاکستان محمدعلی جناح از روابط نیک همسایگی با افغانستان می‌گفت، مگر هم‌زمان از موقف آن دربارهٔ پشتونستان راضی نبود. حکومت افغانستان بنوبه خود می‌پنداشت که باشندگان ایالت شمال‌غربی صوبه سرحد باید حق داشته باشند یا به ترکیب افغانستان در آیند و یا حق تشکیل دولت مستقل را دارا باشند.[٤٠٧]

در مسأله مرزهای دولتی پاکستان به اصل تغییر ناپذیر حقوق بین‌المللی دولت وارث استدلال می‌کرد. کرسی نشینان کراچی (پایتخت آن‌زمان پاکستان، مترجم) به معاهدات بی‌شمار عقد شده میان ادارهٔ هند برتانوی و زمامداران افغان (در گذشته) اشاره می‌کردند. بویژه معاهدهٔ عقد شده در پاییز سال ۱۸۹۳ میان امیر عبدالرحمان‌خان و نماینده زمامداران برتانوی محمددیورند در این راستا نقش تعیین کننده داشت.

بنابر این موافقت‌نامه استعمارگران برتانیایی بخشی از خاک‌های افغانستان را که در آن بیشتر قبایل پشتون زیست داشتند، به هند برتانوی ملحق نموده و کنترول سیاسی بالای قسمت بزرگ قوم پشتون را به دست آوردند.

---

[٤٠٥] Adamec L.W. Afghanistan's Foreign Affairs to the Mid-Twentieth Century. - Arisona, ١٩٧٤. P. ٢٦٤. -

[٤٠٦] میر غلام محمد غبار، افغانستان درمسیر تاریخ . کابل سال ۱۹۶۷م. ص. ۳۳۹-

[٤٠٧] پانیچکین. یو. ن. ایجاد پاکستان و معضله افغانستان. مسکو. سال ۲۰۰۵. ص. ۱۷۷.
Паничкин Ю.Н. Образование Пакистана и пуштунский вопрос. - М., ٢٠٠٥. С. ١٧٧. –

افغانستان عهدنامه فوق را فقط در سال ۱۹۱۹، زیر فشار اوضاع (به علت خطر جنگ جدید با انگلستان) برسمیت شناخت. مگر در سال ۱۹۴۹ کابل موافقت‌نامه‌های پیشین افغانستان - بریتانیا را باطل شمرده و اعلام کرد که خط دیورند را همچون مرز پاکستان - افغانستان برسمیت نمی‌شناسد.

ماهیت راستین سیاست محمدداوود در برقراری کنترول بالای سرزمین‌های پشتون‌نشین فرای «خط دیورند» بود. به پندار محمدداوود در تشکیل پشتونستان باید ساحات ایالت مرزی شمالغرب (صوبه سرحد) «قبایل آزاد پشتون»، و ایجنسی قبایل پشتون‌ها («آزاد پشتونستان») شامل می‌بودند. این مرام با تماس‌ها با ادارهٔ پیشین بریتانیا حاصل نشد، مگر پس از ایجاد پاکستان حکومت محمدداوودخان از اندیشه‌هایش دست برنداشت، چون به بی‌ثباتی و ترکیب چند قومی دولت نوین امیدوار بود.

۲. رویارویی‌های افغانستان - پاکستان (۱۹۵۵-۱۹۵۱) پیرامون معضل پشتونستان

به اینگونه در درازنای صدارت محمدداوود موضوع اصلی توجه و نگرانی وی مسأله پشتونستان بود. حل این معضل به سود قبایل شرق پشتون برایش امری چون شرافت، غرور ملی و وجیبهٔ وطنپرستانه پنداشته می‌شد. با این مسأله در نهایت امر اعتبار بزرگ سیاسی وی در هردوسوی مرز افغانستان - پاکستان گره خورده بودند. داوودخان و حکومتش رسماً از جنبش آزادی‌بخش ملی پشتون‌های برون مرزی با اتکا به فورمول عدم شناخت پشتونستان به مثابهٔ بخشی از پاکستان، بدون اینکه این پشتون‌ها خود در این امر علاقمندی داشته باشند، پشتیبانی می‌کردند. همینگونه با تأکید باید نوشت که موضوع آزادی کامل پشتونستان بشکل علنی و رسمی نه از سوی محمدداوود و نه از سوی دیگر زمامداران دولتی افغان مطرح می‌شد.

نخستین بار مناسبات افغانستان - پاکستان بخاطر بمباردمان نواحی مسکون مرزی

در دوسوی «خط دیورند» به تاریخ ۱۲ جون سال ۱۹۴۹ به وخامت گرایید.[۴۰۸] در چنین موقع پاکستان مانع ورود کالاها و مواد سوخت به افغانستان شده و حتی با جنگ کشور همسایه را تهدید کرد. در پاسخ در کابل لویه‌جرگه دایر شد که با اتفاق نظر از پشتونستان دفاع کرد و از حکومت افغانستان خواست، گام‌های لازم را در این راستا بردارد.

در ماه اگست سال ۱۹۴۹ در ناحیهٔ تیره باغ پاکستان جرگه قبیلهٔ افریدی و برخی اقوام دیگر محلی دایر شد، که در آن ساختار نو ملی - اداری بنام پشتونستان به میان آمد. همچنان اسامبله ملی پشتونستان بنیان هِشته شده و پرچم پشتونستان نیز پذیرفته شد. [۴۰۹]

به علت تحریم‌های وضع شده بالای کالاهای صادراتی افغانستان از خاک پاکستان، افغانستان از ایالات متحده امریکا جهت رفع مشکل کمک خواست، مگر چون به درخواستش دست نیازید به اتحاد جماهیر شوروی برای کمک مراجعه کرد. و پس از آنکه اتحادشوروی به انتقال ترانزیت کالاهای افغانستان موافقه کرد، پاکستان این توقیف را رفع کرد.

در ماه جون سال ۱۹۵۱ زمانی که پاکستان نیروهایش را در مرز افغانستان از سوی بلوچستان متمرکز کرد، بازهم معضل پشتونستان شالودهٔ رویارویی پاکستان و افغانستان شد.[۴۱۰] سیاست کراچی پیرامون پشتون‌ها باعث مقاومت روبه رشد شده و جنبش پشونستان برای آزادی گسترده‌تر می‌شد. علت این امر بازداشت

---

[۴۰۸] محمد اکرام اندیشمند. ما و پاکستان، ۲۰۰۷. کابل. ص۹۰

[۴۰۹] عبدالصمد غوث؛ سقوط افغانستان، چاپ ویرجینیا، نشر پرگامون- براسیس دیفینس ... سال ۱۹۸۸ص۷۱.

- Ghaus, Abdul Samad. The Fall of Afghanistan. Pergamon-Brasseey's Defense Publishers. - Virginia, ۱۹۸۸. P. ۷۱.

[۴۱۰] بیلوکورینتسکی و. یا، موسکالنکو و. ن. و و. ن. شائومیان. آسیای جنوبی در سیاست جهانی . مسکو سال ۲۰۰۳. ص. ۸۴

Белокреницкий В.Я., Москаленко В.Н., Шаумян. Южная Азия в мировой политике. - М., ۲۰۰۳. С. ۸٤.

برخی روزنامه‌نگاران و اختلافات درونی حزب حاکم مسلم لیگ بود. توقیف دوبارهٔ عبدالغفارخان رهبر ملی پشتون‌ها، باعث خشم حتی آن پشتون‌هایی که در نخست هوادار آن حزب نبودند، شد. آنها نیز به مبارزه بخاطر استقلال ملی‌شان پیوستند.

داوودخان در نخستین گفتگوهایش در کراچی هنوز از استقلال پشتونستان و پیوستن آن به افغانستان نگفته و فقط از حل این معضله یادآوری می‌کرد. چنانچه داوودخان پس از مذاکرات با جانب پاکستان و برگشت به میهن خاطر نشان کرد که معضله پشتونستان رویارویی مرزی میان دو کشور نه، بلکه موضوع حق خودارادیت مردم پشتونستان است.[٤١١]

در ماه اکتوبر سال ۱۹۵۳ محمدداوودخان در مصاحبه با تحلیلگر امریکایی جیمز سپین[٤١٢] پندارش را نسبت به پشتونستان بیان کرد. به گفتهٔ این تحلیلگر او در این مصاحبه اش بسیار خونسرد بوده و به پاکستان پیشنهاد کرد در مورد پشتونستان یک ریفراندوم را راه اندازی کند. در این مصاحبه صدراعظم تلاش می‌کرد علاقمندی امریکایی‌ها را جلب کند، چون او سخت از همکاری نظامی ایالات متحده با کشورهای همسایه ایران و پاکستان در هراس بود. وی از عدم همکاری نظامی امریکا با افغانستان گلایه می‌کرد. تحلیلگر امریکایی می‌گفت که محمدداوودخان نمی‌دانست، چرا امریکا به افغانستان ارزشی قایل نیست. صدارعظم افغانستان می‌گفت که امریکایی‌ها سیاست شان در قبال افغانستان را پیش از اینکه افغانستان اولویت‌هایش را در سیاست خارجی با ابر قدرت‌ها برگزیند، باید معین کنند. او می‌گفت که رفع اختلافات پیرامون پشتونستان به سیاست صادقانه پاکستان در این مسأله وابسته است. صدراعظم داوود هم در این مصاحبه و هم در گفتگوها با جانب پاکستانی موقف متعادل را در مورد پشتونستان مراعات می‌کرد.

و ایالات متحده بالآخره موقفش را در قبال افغانستان و پاکستان مشخص ساخت. به تاریخ ۱۹ می سال ۱۹۵۴ امریکا با پاکستان موافقت‌نامه کمک نظامی را عقد

[٤١١] امین‌الله دریغ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور. ۲۰۰۷.
[٤١٢] James Spain

نمود. این امر باعث نگرانی جامعه و زمامداران افغان شد که آنرا به مثابه خطر به صلح و امنیت منطقوی تلقی می‌کردند.[۴۱۳]

تا این‌زمان امریکایی‌ها موضع‌شان را پیرامون پشتونستان هویدا نمی‌ساختند، مگر اکنون امریکا در این قضیه آشکارا جانب متحد سیاتوی خویش پاکستان را برگزیده و از ایجاد ایالت یگانهٔ «(یونت) پاکستان غربی» حمایتش را اعلام نمود. پس از عقد پیمان ترکیه - پاکستان که زیر سرپرستی امریکا صورت گرفت، فشار بالای افغانستان بیشتر شد تا آن کشور را برای پیوستن به این پیمان و خودداری از سیاست بی‌طرفی وادارند.[۴۱۴]

چنین موقف ایالات متحده نمی‌توانست باعث نگرانی افغانستان نشود. مگر محمدداوودخان در بیاناتش در محافل رسمی و غیررسمی کشور مانند گذشته به موقف آشتی‌ناپذیرش دوام داد. همچنان کارمندان بلند رتبهٔ افغانستان هنگام تماس پیرامون روابط پاکستان - افغانستان نیز از بیان پندارشان دربارهٔ پشتونستان خودداری نمی‌کردند. چنانچه در ماه جون سال ۱۹۵۴ دیپلمات نامور و سیاستمدار مشهور و سفیر افغانستان در قاهره صلاح‌الدین سلجوقی اعلام کرد که دلیل تشنج روابط افغانستان و پاکستان معضل پشتونستان است. تا زمانی که این مشکل به نفع افغان‌ها رفع نشود، مناسبات افغانستان و پاکستان بهبود نمی‌یابد.[۴۱۵]

در ماه جولای همان سال جرگه پشتونستان دایر شد. وزارت دربار به افتخار شرکت کنندگان جرگه پشونستان ضیافتی را در پغمان ترتیب داد. در این محفل محمدظاهرشاه، صدراعظم محمدداوود و نمایندگان نامور پشتونستان، نمایندهٔ

---

[۴۱۳] تاریخ افغانستان از دوران باستان تا امروز/ تحت نظر ی. و. گانکوفسکی. مسک ۱۹۸۲. ص. ۲۷۱...

- История Афганистана с древнейших времен до наших дней / Под ред. Ю.В. Ганковского. - М., ۱۹۸۲. С. ۲۷۱

[۴۱۴] همان‌جا.

[۴۱۵] روزنامه اصلاح از تاریخ ۲۴ جون ۱۹۵۴

ویژه حکومت پشتونستان، مبارز افسانوی ضد استعمار برتانوی فقیرِ ایپی که بدین مناسبت از محمدظاهرشاه، حکومت و مردم افغانستان برای پشتیبانی معنوی در راستای مبارزه‌شان برای استقلال سپاسگذاری کرد، اشتراک داشتند.[٤١٦] صدراعظم پیشین افغانستان شاه‌محمودخان که محمدداوود اورا به دلیل عدم قاطعیتش در قبال پشتونستان همواره انتقاد می‌کرد، نیز ضیافتی به افتخار اشتراک کنندگان جرگهٔ پشتونستان در کابل ترتیب داده بود. او برای آنان پیروزی در امر استقلال‌شان را آرزو نمود.[٤١٧]

باید خاطر نشان گردد که جنبش پشتونستان در رأس فقیرِ ایپی که مبارزه اش را در کوهستان‌های منطقهٔ عشایر پیش می‌برد، بیشتر یک جریان قبیله‌یی بود تا ملی. هنوز ملت واحد پشتون وجود نداشت، و نه همهٔ قبایل و سران آنها از پندار مبنی بر ایجاد دولت واحد پشتون، آنهم بدون شالودهٔ دینی دفاع می‌کردند. کوه‌نشیان ایجاد حکومت اسلامی پاکستان را چیزی دیگر بغیر از حکومت بیگانهٔ انگلیس می‌پنداشتند. برای پشتون‌ها مبارزه بر ضد حکومت همکیش دشوار بود، چون شعار جهاد دیگر جذبه نداشت. گرچه فقیرِ ایپی قادر شد در ماه جنوری ۱۹۵۰ تمام نیروهای پاکستانی را از منطقه قبایل بیرون کند، با آنهم مجبور شد، واقعیت الحاق وزیرستان را به تشکیل پاکستان بپذیرد.

و حتی تا زمان مرگ این چهرهٔ افسانوی ادارهٔ پاکستان نتوانست کنترولش را بر ساحه‌یی که زیر ادارهٔ وی بود، برقرار کند.[٤١٨] فقیر ایپی و همرزمانش توانستند نه تنها مستقل باشند («ساحهٔ قبایل آزاد» صوبه سرحد از نگاه حقوقی هنوز هم جزء پاکستان نیست)، بلکه او توانست به حیث یک رهبر اتحاد قبایل عرض اندام کند.

---

[٤١٦] روزنامه هیواد، مورخ ۶ جولای سال ۱۹۵۴

[٤١٧] روزنامه انیس مورخ ۷ جولای سال ۱۹۵۴م.

[٤١٨] رایکوف آ. و. تعیین کنندگان سرنوشت فقیرِ ایپی – مبارز آزادی وزیرستان. نشریه شرق. ۱۹۵۵. شماره ۳ ص ۸۳-۹۲. ۹۲

- Райков А.В. Вершители судеб. Факир из Ипи - борец за свободу Вазиристана. Восток ۱۹۹۵, №۳. С. ۸۳-

همکارانش نیز در قبایل خویش از نفوذ گسترده برخوردار بودند، مگر اینها سران عشایر بودند تا شخصیت‌های ملی.

جنبش پشتونستان در کوهستان‌ها را پژوهشگر سویدنی ای. یانسون «تجارت کهن سیاسی اسپ‌ها»[۴۱۹] می‌نامد. این جنبش بیشتر در خارج از ساحه قبایل پشتون پاکستان در افغانستان حمایت می‌گردید و همچنان هند و اتحادشوروی بنوبهٔ خود آنرا در این راستا پشتیبانی می‌کردند.

در ماه اگست سال ۱۹۵۴ ظاهرشاه به مناسب ۳۶ مین سالگرد استقلال بیانیه‌یی ایراد کرد. او در ضمن خاطرنشان ساخت: «ما علاقمندیم تا مناسبات نیکی با کشورهای دوست بویژه با ممالک همسایه داشته باشیم. متأسفانه مناسبات ما با حکومت پاکستان تاکنون متشنج است، چونکه حقوق قانونی پشتون‌ها مراعات نمی‌شود. ما علاقمند حل عادلانه این قضیه و برقراری مناسبات دوستانه میان خلق‌های دو کشور هستیم». همچنان صدراعظم داوود و رییس ولسی جرگه عبدالرشید با نطق‌های‌شان گفته‌های شاه را تایید نمودند.[۴۲۰]

قابل یادآوری است که تا این‌زمان در چنین موارد شاه هیچگاهی از معضل پشتونستان یاد نمی‌کرد، چونکه پاکستان آنرا مداخلهٔ آشکار در امور داخلی اش تلقی می‌کرد. از سوی بزرگ‌داشت نهمین سالگرد بنیان‌گذاری سازمان ملل متحد در اکتوبر ۱۹۵۴ در افغانستان همچون ریختن هیزم بالای آتش بازتاب یافت. به این مناسبت صدراعظم محمدداوود بیانیهٔ رادیویی ایراد کرد. از جمله او گفت: «ما علاقمند دفاع از آزادی، استقلال، حقوق و اصول دولت‌ها بوده و دقیقاً از تلاش‌های خلق‌های دیگر در این راستا حمایت می‌کنیم. در حال حاضر آرزوی قلبی ما اینست که سازمان ملل‌متحد این مرام را عملی نموده و به اقدامات متجاوزانه برعلیه خلق‌های مظلوم و محکوم دست یازد». البته هویدا بود که هدف

[۴۱۹] یانسون ای. هند، پاکستان یا پختونستان- نشر اوپسالا، ۱۹۸۱.
Jansson E. India, Pakistan or Pakhtunistan. - Uppsala, ۱۹۸۱.

[۴۲۰] خبرنامه آژانس اطلاعاتی باختر مورخ ۲۴ اگست سال ۱۹۴۵م.-

داوودخان معضل پشتونستان بود.[۴۲۱]

محمدداوود حتی در زمان صدارت سلفش شاه‌محمودخان آرزوی آزادی پشتونستان را در سر پرورانده و حتی مداخلهٔ نظامی را به منظور حل این معضل مردود نمی‌دانست. معضل پشتونستان شالودهٔ نکوهش وی از صدراعظم پیشین و دلیل به قدرت رسیدن وی بود. موقف محمدداوود پیرامون پشتونستان در یادوآری‌های یک افسر گمنام چنین بازتاب یافته است: «در یک روز نیکو من و همصنفی ام، هردو در لباس نظامی در خیابان قدم می‌زدیم. ناگهان به ما یک موتر نزدیک شده و توقف کرد. راننده شیشه اش را پایین کرد. ما بسوی موتر رفتیم و متوجه شدیم که محمدداوودخان در پشت فرمان موتر نشسته است. ما در سیت عقبی نشستیم، و او با سکوت به حرکت افتاده و پس از لحظه‌یی از ما پرسید: «فارغ التحصیل استید؟» ما پاسخ دادیم: «بلی». او باز پرسید: «وظیفهٔ یک افسر افغان چیست؟» رفیقم بی‌درنگ پاسخ داد: «دفاع از وطن». سردار گفت: «شما درست درس نخوانده اید. حالا بدانید! اردو همراه با دفاع از وطن باید پشتونستان اشغال شده را نیز آزاد کند، در آن‌صورت اردو وظیفه اش را بصورت مکمل انجام می‌دهد». ما هردو بگونهٔ نظامی پاسخ دادیم: بلی، امرتان اجرا می‌شود!»[۴۲۲]

در سال ۱۹۵۴ در افغانستان فراخوان‌هایی برای پشتیبانی از جنبش پشتون‌های ایالت شمالغرب پاکستان که شالودهٔ آنرا همگونی قومی در دوسوی مرز افغانستان - پاکستان تشکیل می‌داد، پخش شدند. همچنان پندارِ مبنی بر اتحاد ملی همه پشتون‌ها پیشکش شد.[۴۲۳]

در متن پژوهشی کنونی لازم است بدانیم، چرا در میان‌خانوادهٔ شاهی فقط داوود

---

[۴۲۱] روزنامه انیس مورخ ۲۵ جوزا سال ۱۹۵۴.م.

[۴۲۲] امین‌الله دریغ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور. ۲۰۰۷. ص. ۳۵۳

[۴۲۳] تاریخ افغانستان از زمان باستان تا امروز./ تحت نظر یو. و. گانکوفسکی. مسکو. ۱۹۸۲ ص. ۲۷۳.

- История Афганистана с древнейших времен до наших дней./ Под ред. Ю.В. Ганковского. - М., ۱۹۸۲. С. ۲۷۳

به پشتون‌ها و مسأله پشتونستان دلچسپی داشت. این مسأله چنانکه یاددآوری شد، برای وی موضوع شرف ملی و وجیبهٔ وطنپرستانه پنداشته می‌شد. با این امر در نهایت نفوذ گستردهٔ سیاسی او در دو سوی مرز افغانستان - پاکستان پیوند خورده بود. برخی کارشناسان می‌پندارند که احساس ناسیونالیستی و میهن‌دوستانهٔ وی برخاسته از برخورد دلیرانه و مردانه او برای احیای تمامیت ارضی کشور بود.

مگر پندار دیگری درین باره نیز وجود دارد که او فوق‌العاده شخص جاه‌طلب بود، تا مدافع منافع ملی کشور. بهر حال، اینکه چه مرامی و چه سودی را داوود در رابطه با پشتونستان دنبال می‌کرد، مهم نبوده، بلکه باارزش این بود که اینها تا کدام حدی با منافع ملی افغانستان مطابقت داشتند. همهٔ دولتمردان افغانستان بشمول سرداد محمدداوودخان در سیاست‌شان پیرامون پشتونستان خواستار استقلال آن بودند، تا الحاق آن به افغانستان که با منافع ملی افغانستان هم‌خوانی داشت.

مگر سیاست پشتونستان خود محمدداوودخان و کرسی نشینان دیگر همچون وی نه تنها امکان دستیابی پشتون‌های خارج مرز به استقلال را مساعد می‌ساخت، بلکه استقلال و آزادی خود افغانستان را به خطر مواجه ساخته بود. برعلاوه این سیاست به دلیل قطع بازرگانی ترانزیت از خاک پاکستان خسارات معینی را به اقتصاد کشور وارد کرد.

محمدداوود و حکومتش همواره از جنبش ملی - آزادی‌بخش پشتون‌های خارج پشتیبانی می‌کردند. محمدداوودخان برای دستیابی به این مرام حتی استفاده از زور را بخاطر حل معضل پشتونستان رد نمی‌کرد. در سال ۱۹۵۴ حکومت محمدداوودخان معاهدهٔ سال ۱۹۲۱ افغانستان - انگلستان را که در آن خط دیورند نیز برسمیت شناخته شده بود، ملغا اعلام کرد.[٤٢٤]

تشنج مربوط به مسأله پشتونستان پس از تصمیم حکومت پاکستان مبنی بر ایجاد ایالت واحد (یونت) پاکستان غربی که در آن همهٔ واحدهای موجود اداری در این منطقه منجمله نواحی پشتون‌ها مدغم شده و (دولت افغانستان) آنرا حق تلفی

٤٢٤

استقلالیت‌شان می‌پنداشت، بالا گرفت.[۴۲۵] مطابق این پروژه چهار ایالت پاکستان (پنجاب، سند، بلوچستان و ولایت مرزی شمالغرب) بنام «ولایت غربی پاکستان» مدغم شدند، تا بیلانسی باشد در برابر «ولایت پاکستان شرقی» (بنگله دیش). این تقسیم بندی آزادی معین پشتون‌های آنسوی مرز دیورند را نیز از میان برد. در ماه اپریل سال ۱۹۵۵ این پیشنهاد از سوی پارلمان پاکستان تصویب شد.

مگر افغانستان منتظر فیصله نهایی نمانده و به تاریخ ۳۰ مارچ همان سال در کابل جلسهٔ فوق‌العاده شورای وزیران در رابطه به اعلامیه گورنرجنرال پاکستان پیرامون الحاق خاک پشتونستان در یونت پاکستان غربی دایر شد.[۴۲۶] در این رابطه حکومت افغانستان احتجاج رسمی اش را اعلام کرد.[۴۲۷] ایدهٔ سازماندهی «تشکیل واحد»[۴۲۸] را حکومت افغانستان به مثابهٔ پس گردنی محکم تلقی کرد.[۴۲۹] پس از این محمدداوود با احساساتی که ویژه اش بود، پیرامون این مسأله بیانیه‌یی ایراد کرد. وی از نام حکومت افغانستان با نکوهش و نفرین اعمال حکومت پاکستان را تقبیح را نموده و بازهم حمایتش را از خلق پشتونستان ابراز کرد.

وی در بیانه خویش گفت: «هموطنان عزیز! من به حیث شخص مسوول وجیبهٔ خویش می‌دانم شما را از رویدادهایی که در زندگی امروز و فردای کشور سرنوشت ساز اند آگاه سازم. من شما را در روشنی قرار می‌دهم، در بیانیه‌یی که دیروز در کراچی پخش شد، آمده است که پاکستان برخلاف اصول و قوانین بین‌المللی، بدون در نظرداشت حقوق خلق پشتونستان برای تعیین سرنوشت‌شان و خلاف تقاضاهای حکومت افغانستان در این مورد تصمیم به الحاق خاک‌های پشتون

---

[۴۲۵] کارگون و. گ. تاریخ افغانستان در قرن بیستم. مسکو، سال ۲۰۰۴م. ص. ۳۰۷- روزنامه انیس مورخ ۳۰ مارچ سال ۱۹۵۵م.
Коргун В.Г. История Афганистана. XX век. - М.,۲۰۰٤. С. ۳۰۷

[۴۲۶] روزنامه انیس مورخ ۳۰ مارچ سال ۱۹۵۵م

[۴۲۷] کارگون و. گ. تاریخ افغانستان در قرن بیستم. مسکو، سال ۲۰۰۴م. ص. ۳۰۷-
Коргун В.Г. История Афганистана. XX век. - М., ۲۰۰٤. С. ۳۰۷.

[۴۲۸] در متن اصلی روسی به انگلیسی آمده:
“One unit”.

[۴۲۹] Fraser-Tutler W.K. Afghanistan. ۳d edition. - New York, ۱۹٦۷. P. ۳۲۱.

نشین به ایالات شمالغرب گرفت. چنین اقدامات باعث نابودی رسوم خودی خلق چند ملیونی برادر پشتون می‌شود. مسوولیت عواقب سنگین این اعمال که به تخریب صلح و امنیت منطقه خواهند شد، فقط بدوش حکومت پاکستان می‌باشد. می‌خواهم بازهم واضح و روشن به زمامداران پاکستان و به همهٔ جهانیان بگویم که مردم و حکومت افغانستان هیچگاهی سرزمین‌های پشتون نشین را جزء خاک پاکستان نمی‌شمارند».

محمدداوود در بیانهٔ اش گفت که حکومت افغانستان تصمیم گرفته از عواقب ناگوار ناشی از این فیصله حکومت پاکستان را باخبر ساخته و در این رابطه احتجاجش را اعلام بدارد. حکومت افغانستان به کاردار سفارتش در کراچی محمدرفیق دستور داد، اگر اقداماتش نتیجه مثبت را به‌بار نه‌آورند، به وطن برگردد.[۴۳۰]

روزنامه انیس در سرمقاله اش پیرامون بیانیهٔ صدراعظم نوشت: «۷ ملیون پشتون حق بلامنازع برای ایجاد پشتونستان دارند، و هیچ حکومت و هیچکس نمی‌تواند با زور بالای‌شان حکومتش را تحمیل کند. کمک به پشتون‌ها در راستای احقاق خواسته‌های دیرین و حقه‌شان وظیفهٔ مقدس هر افغان می‌باشد».[۴۳۱]

عادلانه خواهد بود اگر بگوییم که باتفاوت از موقف زمامداران کابل در قبال پشتون‌های پاکستان، موضع افغانستان در رابطه با بلوچ‌های ساکن در آن‌سوی مرز دیورند، بیانگر بی‌ثباتی و ناپیگیری آن کشور بود. افغانستان پیرامون اقدامات پاکستان در برابر بلوچ‌ها عکس‌العمل چندانی نه نموده و باوجود درخواست‌های مکرر رهبران بلوچستان از حکومت محمدداوودخان برای کمک به آنان «در راستای احقاق خواسته‌های دیرین و حقه شان» یاری نمی‌کرد. از آغاز معضل با پاکستان افغانستان همواره از حقوق خلق پشتون برای حق خودارادیت‌شان دفاع کرده و به اینگونه عملاً مسأله حقوق مردم بلوچ را نادیده می‌گرفت، مگر با گذشت

[۴۳۰] روزنامه اصلاح مورخ ۳۰ مارچ سال ۱۹۵۵م.
[۴۳۱] روزنامه انیس مورخ ۳۱مارچ سال ۱۹۵۵م

زمان شعارها دگرگون شده و موضوع حقوق هردو خلق برای تعیین سرنوشت‌شان به میان آمد.

گفته‌های محمدداوودخان و تبلیغات حکومتی باعث تظاهرات گستردهٔ ضد پاکستان در چند شهر از جمله کابل، قندهار و جلال آباد شد. بروز ۳۰ مارچ ۱۹۵۵ در شهر کابل تودهٔ احتجاج گران به درون سفارت پاکستان ریخته و پرچم پاکستان را پاره کرد. همچنان قونسلگری‌های پاکستان در قندهار و جلال آباد مورد حمله قرار گرفتند. در این تظاهرات محصلان و استادان دانشگاه کابل، شاگردان و آموزگاران لیسه‌ها و مکاتب کابل سهیم بودند که سپس به آنها باشندگان شهر نیز پیوستند. گروه بزرگ مردم در برابر سفارت‌های پاکستان و امریکا دست به تظاهرات زدند. در جریان برخوردها ۲ پولیس، ۳۵ تظاهرکننده زخمی شده و ۲۰ تن بازداشت شدند. همچنان در شهرهای دیگر افغانستان نیز مظاهراتی به راه افتادند.[۴۳۲]

پولیس در کابل به روی مظاهره‌چیان آتش گشود که در نتیجه ده‌ها تن زخمی شدند. اوضاع در مرز میان این دو کشور نیز بشدت وخیم شد. همچنان وضع «منطقه آزاد قبایل» نیز به تشنج گرایید. دو طرف یکدیگر را به تحریک قبایل و نقض سرحدات محکوم می‌کردند.[۴۳۳]

در نهایت ریاست ضبط احوالات و وزارت‌داخله فرمانی را صادر کرد که طی آن هرنوع تظاهر ممنوع شده و تلاش کنندگان برای شرکت در مظاهرات به حبس محکوم می‌شدند. باوجود این ممنوعیت در بسیاری از شهرهای افغانستان اقدامات احتجاجی علیه اقدامات حکومت پاکستان ادامه داشت.[۴۳۴]

در ماه اپریل همان سال تظاهراتی برای محکومیت اقدامات ضد پاکستانی افغان‌ها در کراچی و برخی شهرهای دیگر پاکستان و بویژه در پیشاور شهری با اکثریت

[۴۳۲] روزنامه اصلاح مورخ ۳۱ مارچ ۱۹۵۵
[۴۳۳] روزنامه انیس مورخ ۳۰ مارچ سال ۱۹۵۵م.-
[۴۳۴] انیس مورخ ۳۱ مارچ ۱۹۵۵م.-

باشندگان پشتون براه افتاد که در طی آن به نمایندگی تجارتی افغانستان حمله شد. پس از این وزیرخارجه محمدنعیم کاردار سفارت پاکستان را احضار کرده و احتجاج شدیدش را نسبت به این رویداد بیان کرد.[۴۳۵]

به نقل از روزنامه انیس مورخ ۴ اپریل نمایندگان شاروالی (شهرداری) کابل به صدراعظم محمدداوود نامه‌یی فرستاده و طی آن نگرانی عمیق باشندگان کابل را نسبت به حمله به قونسلگری افغانستان و نمایندگی تجارتی آن در پیشاور پاکستان ابراز داشته خاطر نشان نمودند که حمله کنندگان اجیران حکومت پاکستان می‌باشند.[۴۳۶]

روزنامه انیس به تاریخ ۶ اپریل در سرمقاله اش نوشت که اجنت‌های مزدور پاکستان قونسلگری و نمایندگی تجارتی افغانستان را در پشاور تخریب کرده و حکومت پاکستان جلو علاقمندان رفتن به افغانستان را گرفته است.[۴۳۷]

بروز ۶ اپریل آژانس اطلاعاتی باختر خبر داد که نمایندگان مجلس پشتونستان شمالی اعلامیه‌یی را نشر کرده و در آن احتجاج خودرا مبنی بر الحاق پشتونستان در ساختار یونت (واحد) پاکستانِ غربی اعلام نموده اند.[۴۳۸]

در روزنامه‌های پاکستان اعلامیهٔ صدراعظم پاکستان محمدعلی پخش شد که گویا کاردار سفارت افغانستان محمدرفیق در جریان ملاقات به وی گفته بود، اگر زمامداران پاکستان بخواهند، می‌توانند پرچم سفارت افغانستان در کراچی را، پایین کنند. در این رابطه به تاریخ ۱۰ اپریل ۱۹۵۵ آژانس باختر خبر داد که سفارت افغانستان در کراچی با رد این خبر از ایجاد شرایط غیر قابل تحمل کار قونسلگری و نمایندگی تجارتی افغانستان در پشاور توسط پاکستان گلایه کرد.[۴۳۹]

---

[۴۳۵] روزنامه اصلاح مورخ ۴ اپریل ۱۹۵۵م.
[۴۳۶] روزنامه انیس ۴ اپریل ۱۹۵۵م.
[۴۳۷] روزنامه انیس مورخ ۶ اپریل ۱۹۵۵م.
[۴۳۸] خبرنامه آژانس اطلاعاتی باختر مورخ ۶ اپریل سال ۱۹۵۵م
[۴۳۹] روزنامه انیس مورخ ۱۰ اپریل سال ۱۹۵۵م.

به تاریخ ۱۸ اپریل ۱۹۵۵ وزارت‌خارجه افغانستان از طریق سفیر پاکستان در کابل درخواست توضیحات در این‌باره و موانع ایجاد شده در برابر اتباع افغانستان در پاکستان که علاقمند بازگشت به وطن اند، شد.[٤٤٠]

در همان روز نظر به خبر روزنامه اصلاح، سفیر هند در کابل بگوات دایال به قندهار رفت. درست پیش از این رویدادها در آن جا قونسلگری هند گشایش یافته بود که با اعتراض شدید حکومت پاکستان مواجه گردیده بود.[٤٤١]

بروز ۲۹ اپریل افغانستان اعلام کرد که در رابطه به تخریب سفارت و قونسلی‌های پاکستان حاضر به معذرت خواهی از آن کشور است، در صورتی که جانب پاکستانی نیز از عین عمل را انجام دهد. مگر پاکستان توهین به بیرقش و حملات بالای سفارت و قونسلگری‌های خویش را غیر قابل پذیرش دانسته و آنرا تهاجم به کشورش تلقی می‌کرد.

گرچه حکومت افغانستان در رابطه به حادثۀ رخداده تأسفش را ابراز کرد، مگر بازهم در پشاور احتجاج‌ها ادامه یافتند: به قونسلگری افغانستان سنگ‌ها پرتاب شد، و همچنان بالای نمایندگی تجارتی آن نیز حمله شد.

به تاریخ اول می سال ۱۹۵۵ صدراعظم پاکستان محمدعلی بیانیۀ رادیویی داده و طی آن اعلام کرد که افغانستان در امور داخلی پاکستان مداخله می‌کند و بنابراین پاکستان مناسبات دیپلوماتیک خود را با این کشور قطع می‌نماید. صدراعظم نامبرده همچنان از بستن قونسلگری‌ها و نمایندگی‌هایش در افغانستان و آغاز انتقال‌خانواده‌های کارمندان سفارت و قونسلگری‌های آن کشور گفته و به حملۀ تبلیغاتی علیه دولت افغانستان پرداخت.

در پاسخ به این بیانیه به تاریخ ۴ می صدراعظم افغانستان محمدداوود اعلام کرد که افغانستان هیچگاهی در امور داخلی پاکستان مداخله نکرده مگر همیشه از

---

[٤٤٠] همان‌جا: آرشیف وزارت خارجه فدراسیون روسیه:...
АВП РФ. ١٩٥٥. Ф. ٠٤٢. Оп٤٤. Пор. ٣. Инв. ١٧٨, ٢١٠. П. ٥٩

[٤٤١] АВП РФ. ١٩٥٥. Ф. ٠٤٢. Оп. ٤٤. Пор. ٣. Инв. ١٧٨, ٢١٠. П. ٥٩.

خواسته‌های برحق مردم پشتونستان برای حق‌شان بخاطر استقلال دفاع کرده است. او خاطرنشان کرد که حکومت افغانستان مجبور است کاردار سفارتش را از کراچی خارج کند، چون حکومت پاکستان در قبال افغانستان سیاست خصمانه را پیش می‌برد.[۴۴۲]

در این زمان بحران مناسبات دو کشور به اوجش رسید. در ماه می سال ۱۹۵۵ حکومت پاکستان مناسبات سیاسی و بازرگانی با افغانستان را قطع نموده، همچنان همهٔ قونسلگری‌ها و نمایندگی‌های تجارتی افغانستان بسته شده و ورود ترانزیت کالاهای افغانستان از خاک پاکستان ممنوع شد. کاهش سریع گردش تجارت خارجی بگونهٔ فاحش در اقتصاد افغانستان بازتاب یافت.[۴۴۳]

در شرایط روبه افزایش تشنج در روابط با پاکستان حکومت افغانستان به تاریخ ۴ می نفر بری (بسیج) عمومی را اعلام کرد.[۴۴۴] بروز ۵ می اعلامیه حکومت افغانستان نشر شد که در آن آمده بود که به دلیل آنکه حکومت پاکستان برمبنای اطلاعات رسمی و غیررسمی دست به اقداماتی در راستای تهدید تمامیت ارضی و استقلال افغانستان می‌زند، حکومت افغانستان برای پیشگیری از آنها فرمان سفربری (بسیج) مجلوبان از هشت سن را صادر کرد.[۴۴۵] محمدداوودخان دستور داد قوای مسلح احضارات در جه یک داشته و به حالت آماده‌باش کامل درآیند.

به تاریخ ۷ می نماینده وزارت‌خارجه افغانستان به خبرنگار آژانس باختر گفت که اعلامیه نماینده وزارت‌خارجه پاکستان دربارهٔ آنکه حکومت افغانستان نامه احتجاجیه‌یی را به حکومت پاکستان، بخاطر حملهٔ قبایل پشتون به خاک

---

[۴۴۲] روزنامه اصلاح مورخ ۴می سال ۱۹۵۵م.

[۴۴۳] کارگون و. گ. افغانستان در قرن بیست. مسکو سال ۲۰۰۴، ص. ۳۰۸

Коргун В.Г. История Афганистана. XX век. - М., ۲۰۰٤. С. ۳۰۸

[۴۴۴] تاریخ افغانستان از زمان باستان تا امروز./ تحت نظر یو. و. گانکوفسکی. مسکو. ۱۹۸۲.ص. ۲۷۳.

- История Афганистана с древнейших времен до наших дней./ Под ред. Ю.В. Ганковского. - М., ۱۹۸۲. С. ۲۷۳. –

[۴۴۵] روزنامه انیس مورخ ۵ می سال ۱۹۵۵م.-

افغانستان داده است، بی‌بنیاد خواند و خاطر نشان کرد که در مرز با افغانستان قبایل رزمندۀ پشتون که با افغانستان رابطه نیک دارند، زندگی می‌کنند.[٤٤٦]

هم‌زمان افغانستان تأکید می‌ورزید که حمله را قطعاً پشتون‌ها نه بلکه اجیران پاکستان انجام داده اند و پاکستان می‌خواهد عکس آنرا تثبیت کند.

در واقعیت امر افغانستان در حالت جنگ با پاکستان قرار داشت. رهبران حکومت کابل از کشورهای مصر، عربستان سعودی، ایران و ترکیه، بخاطر کمک در بحران پیش آمده ،خواستار همکاری شدند. بروز ۱۳ می عربستان سعودی آمادگی اش را برای میانجی‌گری میان دو کشور اعلام نموده و توانست نقش بارزی را در پروسۀ مذاکرات ایفا کند. به تاریخ ۱۴ می نمایندۀ ویژه شاه عربستان و کاکایش میر مساعد بن عبدالرحمن به همراهی مشاور شاه جمال حسین و مأموران مسوول وزارت دربار عبدالعزیز عبدالی و عبداله صالح الفضل به کابل آمدند.

نماینده سعودی با شاه، صدراعظم و وزیرخارجه افغانستان پیرامون بهبود معضل افغانستان - پاکستان مذاکره کرد.[٤٤٧] در همان روز وزارت‌امور خارجه افغانستان اعلامیه‌یی را پخش کرد مبنی بر اینکه به علت بسته شدن نمایندگی‌های تجارتی افغانستان در پاکستان، محمداکبر پروانی قونسل و میر غلام فاروق نماینده تجارتی در کویته به قندهار برگشتند.[٤٤٨]

هم‌زمان زمامداران کابل از اقدامات میانجی‌گرانه برخی کشورهای شرق میانه برای حل وفصل معضل افغانستان - پاکستان حمایت می‌کردند. مگر پاکستان از پروسۀ حل و فصل جلوگیری نموده از افغانستان تقاضای قطع پشتیبانی از جنبش پشتونستان را می‌نمود.[٤٤٩]

---

[٤٤٦] روزنامه اصلاح مورخ۷ می سال ۱۹۵۵م.
[٤٤٧] روزنامه انیس مورخ ۱۴ می سال ۱۹۵۵م.
[٤٤٨] همان‌جا: روزنامه انیس مورخ ۱۴ می سال ۱۹۵۵م.
[٤٤٩] تاریخ افغانستان از زمان باستان تا امروز./ تحت نظر یو. و. گانکوفسکی. مسکو. ۱۹۸۲.ص. ۲۷۳.

به تاریخ ۱۶ می سردار محمدنعیم وزیر امورخارجه در پاسخ به پرسش خبرنگار آژانس باختر اعلام کرد که مذاکرات با نمایندگان شاه‌سعودی بخاطر میانجی‌گری پیشنهادشدهٔ آن پادشاه در راستای حل و فصل معضل موجود میان افغانستان و پاکستان آغاز شده اند.[۴۵۰]

در همان روز میر مساعد کنفرانس مطبوعاتی با نمایندگان رسانه‌ها دایر کرده و اعلام کرد که از نام شاه عربستان سعودی با رهبران افغانستان پیرامون معضل افغانستان - پاکستان گفتگو کرد. او ابراز امیدواری کرد که مذاکرات در کراچی پایتخت پاکستان نیز موفقانه پایان یابند.[۴۵۱] مگر باوجود تلاش‌های دولت‌های دوست برای حل و فصل معضل نامبرده، حاکمان پاکستان به «مجازات» افغانستان ادامه داده و از بازکردن مرزهای افغانستان - پاکستان خودداری کردند. در این رابطه کاردار سفارت افغانستان در کراچی محمدرفیق به وزارت‌خارجه پاکستان نامهٔ اعتراضیه‌یی فرستاد.[۴۵۲] در همان روز نمایندهٔ ویژه شاه سعودی میرمساعد برای بحث روی جزئیات گفتگوها از کراچی به کابل آمد.[۴۵۳]

به تاریخ ۲۲ می به قول آژانس باختر به علت موانع ایجاد شده از سوی مأموران پاکستانی تمام فعالیت‌های بازگانی افغانستان در خاک پاکستان متوقف شدند.[۴۵۴]

اوضاع با بیانیهٔ روحانی پرنفوذ افغانستان آخوندزاده تگاب (فخرالمشایخ) بیشتر بغرنج شد که در وعظ عید فطر پس از ماه رمضان گفته بود که خودداری پاکستان از دادن آزادی برای پشتونستان خطر جدی برای خود پاکستان است.[۴۵۵]

- История Афганистана с древнейших времен до наших дней./ Под ред. Ю.В. Ганковского. - М., ۱۹۸۲. С. ۲۷۳. –

[۴۵۰] روزنامه انیس مورخ ۱۶ می سال ۱۹۵۵م.

[۴۵۱] همان‌جا: روزنامه انیس مورخ ۱۶ می سال ۱۹۵۵م.

[۴۵۲] روزنامه انیس مورخ ۲۱می سال ۱۹۵۵م.

[۴۵۳] همان‌جا: - روزنامه انیس مورخ ۲۱ می سال ۱۹۵۵م.

[۴۵۴] آرشیف وزارت خارجه روسیه: ...

АВП РФ. ۱۹۵۵. Ф. ۰۴۲. Оп. ٦Va. Д. ۲. П. ۸٦.

[۴۵۵] همان‌جا:...

به تاریخ ۳۰ می میانجی سعودی به مذاکراتش با حکومات افغانستان و پاکستان پیرامون حل و فصل معضل نامبرده ادامه داد. به زودی پس از این، او در برابر نمایندگان مطبوعات در کابل اعلام کرد که میان هردو حکومت اصولا توافقی برای بهبود مناسبات‌شان حاصل شده است.[٤٥٦] اما وزارت‌اقتصاد ملی اعلامیه‌یی را به نشر رساند که در آن آمده بود، حکومت پاکستان ترانزیت کالاهای افغانی را از خاکش بکلی قطع نموده است.[٤٥٧]

به تاریخ ۱۱ جون حکومت افغانستان به تشکیل یک کمیسیون که متشکل از نمایندگان پنج کشور مسلمان - هریک عربستان سعودی، مصر، عراق، ایران و ترکیه بود، موافقت کرد تا حادثۀ اهانت به پرچم افغانستان در پشاور را بررسی کند.[٤٥٨]

اظهارات آخوندزاده تگاب که در گردهمایی روحانیون در مسجد جامع کابل پیرامون معضل افغانستان - پاکستان به دلیل اهانت به پرچم افغانستان گفته بود، «هر کس در کشور باید دلیرانه از مشی حکومش دفاع کند»[٤٥٩] در واقع هیزم بیشتر به آتش نزاع بود. مگر نماینده عربستان سعودی امیدش را از دست نداده و به تاریخ ۱۴ جون وزیردولت مصر محمدانورالسادات نیز به او پیوست.[٤٦٠] به تاریخ ۲۰ جون هردو میانجی‌ها با محمدظاهرشاه و صدراعظم محمدداوود در کابل دیدار کرده و پس از آن به کراچی رفتند.[٤٦١]

АВП РФ. ١٩٥٥. Ф. ٠٤٢. Оп. ٦٧а. Д. ٢. П. ٨٦

[٤٥٦] همان‌جا:...

АВП РФ. ١٩٥٥. Ф. ٠٤٢. Оп. ٦٧а. Д. ٢. П. ٨٦

[٤٥٧] همان‌جا:...

АВП РФ. ١٩٥٥. Ф. ٠٤٢. Оп. ٦٧а. Д. ٢. П. ٨٦

[٤٥٨] روزنامه انیس مورخ ۱۱ جون سال ۱۹۵۵م.

[٤٥٩] همان‌جا،

[٤٦٠]آرشیف وزارت خارجه روسیه پوشه: ٥٩

- АВП РФ. ١٩٥٥. Ф. ٠٤٢. Оп. ٦٧а. Д. ٢. П. ٥٩.

[٤٦١] همان‌جا، پوشه

مگر به تاریخ ۳۰ جون اعلامیهٔ وزارت‌خارجه افغانستان بنشر رسید که در آن از ناکامی تلاش‌های میانجیان برای حل و فصل معضل افغانستان - پاکستان تذکر رفته بود.[٤٦٢]

هم‌زمان وزیر امورخارجه افغانستان محمدنعیم در راه بازگشت از سان فرانسیسکو در استانبول با رییس جمهور ترکیه ملاقات کرد.[٤٦٣] رادیو انقره تبصره‌یی را پیرامون مذاکرات وزیرخارجه محمدنعیم‌خان با صدارعظم ترکیه مِندِرِس نشر نمود که در آن آمده بود که هنگام گفتگوها که از ۱۱ تا ۱۳ جولای ادامه داشت، در یک فضای پر از اعتماد مسایل مربوط به روابط دو کشور و همچنان اختلافات افغانستان - پاکستان مورد مباحثه قرار گرفتند. بخاطر بهبود روابط افغانستان - پاکستان مندرس میانجی‌گری خودش را پیشنهاد کرد.[٤٦٤]

در واقعیت مذاکرات میانجی‌ها بازهم به بن بست مواجه شدند. به تاریخ ۱۶ جولای روزنامه انیس اطلاعیه کوتاهی را، مبنی بر اینکه در این روزها سفیر پاکستان در کابل به حضور پادشاه پذیرفته شده است، نشر کرد.[٤٦٥] گرچه دربارهٔ جزئیات ملاقات اطلاعی داده نشده نبود، مگر بروز ۲۸ جولای وزارت‌دفاع ملی افغانستان از رفع سفربری سربازان احتیاط که به اساس فرمان بسیج عمومی مورخ ۴ می سال ۱۹۵۵ بسیج شده بودند، اطلاع داد.[٤٦٦] در این‌باره صدراعظم محمدداوود بیانیه‌یی برای مردم ایراد نمود و طی آن از ایشان بخاطر آمادگی جهت دفاع از میهن سپاسگذاری کرد. مگر او به مناسبات افغانستان - پاکستان بکلی تماس نگرفت.[٤٦٧]

به تاریخ ۱۳ اگست وزیر امورخارجه محمدنعیم با آژانس باختر پیرامون مناسبات افغانستان - پاکستان مصاحبه‌یی انجام داده و طی آن به تغییر ناپذیری سیاست

[٤٦٢] همان‌جا، پوشه
[٤٦٣] همان‌جا، پوشه
[٤٦٤] روزنامه انیس مورخ ۱۷ جولای سال ۱۹۵۵م.-
[٤٦٥] رونامه انیس مورخ ۱۶ جولای ۱۹۵۵م.
[٤٦٦] روزنامه اصلاح مورخ ۲۸ جولای سال ۱۹۵۵م.
[٤٦٧] همان‌جا: روزنامه اصلاح مورخ ۲۸ جولای سال ۱۹۵۵م.

حکومت افغانستان در قبال پشتونستان تأکید کرد.[٤٦٨]

هم‌زمان تلاش‌ها برای دیالوگ میان دو کشور همسایه ادامه یافت. نخستین ملاقات هیات‌های دو کشور با میانجی‌گری عربستان سعودی در کراچی تویر یافت. گرچه مذاکرات بسیار به دشواری پیش رفته و طرفین شرایط غیر قابل پذیرش را پیشکش می‌نمودند، مگر در نهایت همین گفتگوها به عادی شدن روابط دو کشور انجامیدند. به تاریخ ۱۴ سپتامبر در کابل مراسم برافراشتن پرچم پاکستان در ساختمان سفارت پاکستان برگزار شد که در آن سفیر پاکستان، شاه و وزیرخارجه افغانستان محمدنعیم بیانیه‌های متقابل داده و از رویدادهای بوقوع پیوسته با پرچم‌های دو کشور ابراز تأسف کردند.[٤٦٩]

به تاریخ ۱۵ سپتامبر در شهر جلال آباد مراسم برافراشتن بیرق پاکستان در ساختمان قونسلگری[٤٧٠] و به تاریخ ۱۸ سپتامبر قونسل افغانستان در پشاور غلام حسن صافی از کابل به پشاور رفت تا در مراسم برافراشتن پرچم افغانستان بالای ساختمان قونسلگری اشتراک کرده و به وظیفه اش بیآغازد.[٤٧١]

پیرامون رفع اختلافات دربارۀ حادثۀ مربوط به پرچم‌های دو کشور وزیرخارجه محمدنعیم با خبرنگار آژانس باختر مصاحبه‌یی انجام داد که طی آن از جمله خاطرنشان کرد که معضل پشتونستان کماکان نکتۀ اختلاف سیاسی میان افغانستان و پاکستان است.[٤٧٢]

مگر باوجود اعلام عادی شدن روابط دو کشور، جامعه افغانی از سیاست حکومت در رابطه به پشتونستان حمایت می‌کرد. چنانچه به تاریخ ۸ سپتامبر همان سال روز پشتونستان در کابل برگذار شد[٤٧٣] و به این مناسبت نمایندگان ولسی جرگه

[٤٦٨] خبرنامه آژانس باختر مورخ ۱۳ اگست ۱۹۵۵ م
[٤٦٩] روزنامه اصلاح مورخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۵۵م.
[٤٧٠] روزنامه اصلاح مورخ ۱۵ سپتامبر سال ۱۹۵۵م.
[٤٧١] روزنامه اصلاح مورخ ۱۸ سپتامبر سال ۱۹۵۵م.
[٤٧٢] خبرنامه آژانس باختر مورخ ۱۷ سپتامبر سال ۱۹۵۵م.-
[٤٧٣] روزنامه اصلاح مورخ ۸ سپتامبر سال ۱۹۵۵م.

تلگرام‌های تبریکیه‌یی را بنام رهبران پشتونستان جنوبی و مرکزی و رؤسای شورای محلی پشتونستان شمالی گسیل نمودند.[٤٧٤] همان روز وزیر امورخارجه افغانستان محمدنعیم با تبصره پیرامون بازداشت رهبر پشتون‌هاخان عبدالغفارخان، ضمن مصاحبه با خبرنگار آژانس باختر اعلام کرد که مبارزهٔ ملی هیچ مردمی با زندانی شدن رهبرش متوقف نمی‌شود. وی بازهم خاطرنشان ساخت که موقف حکومت افغانستان در مسأله پشتونستان همانند گذشته است.[٤٧٥]

در نهایت از برخورد میان پاکستان و افغانستان جلوگیری شد، چون هیچ‌یک از طرفین به این امر علاقمند نبود. شوربختانه که تلاش‌های حکومت افغانستان برضد ایجاد واحد (یونت) پاکستان غربی بی‌نتیجه ماند. پرسش اصلی این بود که کدام سو از این بحران سود برد؟ آیا افغانستان به مرادش پیرامون پشتونستان دست یازید؟

پاسخ‌ها به پرسش‌ها را مؤرخ نامور افغانستان میر محمدصدیق فرهنگ در کتابش «افغانستان در پنج قرن اخیر» می‌دهد. او نوشته است:« یگانه نتیجهٔ سیاسی که از این کار به دست آمد، این بود که افکار عامه در کشورهای مختلف خصوصاً کشورهای جهان اسلام موضوع اصلی اختلاف بین افغانستان و پاکستان به یک موضوع فرعی و تشریفاتی منحرف گردیده و پاکستان از آن حد اکثر بهره‌برداری را کرد».[٤٧٦]

به نظر ما نمی‌شود با پندار پژوهشگر شوروی ای. اس. نوخویچ در کتابش «سیاست خارجی افغانستان» که می‌پندارد، «پاکستان در سال ۱۹۵۵ به محاصرهٔ اقتصادی افغانستان پرداخته و حادثهٔ کوچک (پاره کردن بیرق دولتی در سفارت پاکستان) در کابل را بهانه قرار داد»،[٤٧٧] موافق بود، چونکه از نگاه دیپلماسی

[٤٧٤] روزنامه اصلاح مورخ ۱۲ سپتامبر سال ۱۹۵۵م.
[٤٧٥] خبرنامه آژانس اطلاعاتی باختر مورخ ۱۹ سپتامبر سال ۱۹۵۵م.
[٤٧٦] فرهنگ میر محمد صدیق. افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد ۲، چاپ قم، ۱۹۹۶م. ص.۶۹۴
[٤٧٧] نوخویچ، ای. اس. سیاست خارجی افغانستانم. چاپ ۱۹۸۶ ۱۹۸٦
Нухович Э.С. Внешняя политика Афганистана. - М.

اینگونه رویداد را نمی‌توان «حادثۀ کوچک» پنداشت. پاکستان ازین رویداد مربوط به پرچم بهره‌برداری کرده، مسأله پشتونستان به موضوع فرعی تبدیل شده و پشتیبانی دیپلوماتیک اکثریت جامعه جهانی را کمایی کرد که نمی‌توانست در روابط افغانستان - پاکستان بی‌تأثیر باشد.

۳. لویه‌جرگه سال ۱۹۵۵م.

گرچه در سال ۱۹۵۵ محاصره اقتصادی عملاً رفع شد؛ مگر روابط افغانستان و پاکستان همچنان متشنج بودند. ناکامی سیاست سردار محمدداوودخان در نخستین برخورد با پاکستان، او را واداشت تا به ابتکار جدیدی بر ضد ایجاد ایالت واحد (یونت) پاکستان غربی» دست یازد.

با فروکش نمودن دورِ نخست رویارویی با پاکستان، در ماه نوامبر همان سال محمدداوود تصامیم نو گرفت و به تاکتیک‌های جدید در راستای حل مسأله پشتونستان متوسل شد. این مشی بر مبنای همکاری مسالمت‌آمیز با پاکستان نه بلکه با رویارویی با آن استوار بود. گام نخست - باید به هر شیوه‌یی در جهت تفهیم کراچی و مجبور نمودن آن از خودداری در راستای ایجاد واحد (یونت) پاکستان غربی دست یازید. چنانچه او به تاریخ ۱۱ اکتوبر سال ۱۹۵۵ از همتایان پاکستانی اش خواست روی معضل پشتونستان به مذاکره بپردازند. او به صدراعظم پاکستان چودهری محمدعلی‌خان پیشنهاد کرد برای حل و فصل اختلافات میان دو کشور ملاقاتی را سازماندهی کند. در این رابطه صدراعظم پاکستان از محمدداوودخان دعوت کرد تا به کراچی سفر کند.[۴۷۸] داوود دعوت را پذیرفت ولی بمثابۀ پیش شرط به پاکستان پیشنهاد کرد تا از ایجاد ایالت واحد (یونت) پاکستان غربی که شالودۀ اختلاف دو کشور بود، خودداری کند. مگر پاکستان شرط ارائه شده را رد کرد.

به تاریخ ۱۶ اکتوبر نماینده رسمی وزارت‌خارجه افغانستان به نمایندگان مطبوعات اعلام کرد که حکومت افغانستان از طریق کاردار سفارتش در کراچی بازهم به

[۴۷۸] روزنامه اصلاح مورخ ۱۳اکتوبر سال ۱۹۵۵م

حکومت پاکستان به دلیل الحاق پشتونستان به ایالت واحد (یونت) پاکستان غربی احتجاج نموده و به کاردار مذکور دستور داده شده تا از کراچی بکابل برگردد.[۴۷۹] روزنامه اصلاح خبر رسمی را مبنی بر اینکه به دلیل الحاق پشتونستان به ولایت واحد (یونت) پاکستان غربی صدراعظم افغانستان از سفر به کراچی برای حل و فصل معضل ناحل پشتونستان خودداری می‌کند، نشر کرد.[۴۸۰]

پاکستان به نوبه خود دوباره ترانزیت کالاهای افغانی را از خاکش توقف داده و اعلام کرد که افغانستان واحدهایش را در مرز پاکستان متمرکز کرده است. به تاریخ ۲۶ اکتوبر نماینده وزارت‌خارجه افغانستان این اتهام را رد کرد.[۴۸۱]

بروز ۶ نوامبر روزنامه انیس فرمان پادشاه مبنی بر دعوت لویه جرگه[۴۸۲] به تاریخ ۱۳ نوامبر سال ۱۹۵۵ جهت بررسی سیاست بعدی حکومت در مسأله پشتونستان را نشر کرد. [۴۸۳] مگر این جرگه پسانتر از تاریخ ۲۰ تا ۲۵ نوامبر دایر شد که در آن ۳۷۱ نماینده از سراسر کشور اشتراک داشتند.[۴۸۴] گرچه لویه‌جرگه زیر ریاست محمدظاهرشاه گشایش یافت، مگر او به زودی پس از افتتاح مجلس آنرا ترک گفته و پس از آن ریاست جرگه را محمدگل‌خان مومند والی ولایت ننگرهار (مشرقی) به عهده گرفت.

به این ترتیب لویه‌جرگه برای تعیین مشی بعدی حکومت در قبال معضل

---

[۴۷۹] اصلاح مورخ ۱۶ اکتوبر سال ۱۹۵۵م.-

[۴۸۰] همان‌جا: اصلاح مورخ ۱۶ اکتوبر سال ۱۹۵۵م.-

[۴۸۱] روزنامه اصلاح مورخ ۲۶ اکتوبر سال ۱۹۵۵م.

[۴۸۲] Александров А., Ахрамович Р. Государственный строй Афганистана. M., ۱۹۵٦. C. ۲۳.

الکساندروف آ. و آخراموویچ ر. ساختار دولتی افغانستان. مسکو سال ۱۹۵۶م. ص. ۲۳

لویه جرگه نشست عمومی نمایندگان سراسر افغانستان است که بطور غیرنوبتی توسط شاه دعوت شده و در آن حالات فوق العاده بررسی میشود. البته مسایل مورد بحث لویه جرگه از سوی ارگان عالی اجراییوی مشخص میشد. در جمله وظایف لویه جرگه مسایل مبرم داخلی و سیاست خارجی دولت شامل میشوند که عموماً خصلت توصوی دارند (مولف).

[۴۸۳] محمد اکرام اندیشمند . ما و پاکستان. کابل - سال ۲۰۰۷ ص. ۲۳۲

[۴۸۴] محمد اکرام اندیشمند . ما و پاکستان. کابل - سال ۲۰۰۷ ص.

پشتونستان دعوت شده و در آن محمدداوودخان بیانیه ایراد کرده و موضع حکومت را پیشکش نمود.

از جمله او گفت که حکومت افغانستان در این راستا تمام تلاش‌های صلحجویانه اش را برای حل این مسأله به کار گرفت. مگر پاکستان نه تنها با افغانستان همکاری نکرد، بلکه با ایجاد ایالت (واحد)غربی و الحاق ۴ ساحۀ پشتون نشین به آن این پروسه را در نظر نگرفت. به اینگونه حکومت پاکستان نیاتش را برای نابودی هویت ملی و حق خودارادیت پشتون‌ها هویدا ساخت. او در بیانیه اش از تقویه نظامی پاکستان گفته و آنرا خطری برای افغانستان پنداشت. وی اعلام کرد که با کمک نظامی و اقتصادی برخی ابرقدرت‌ها به پاکستان این کشور توازن نیروها را در منطقه برهم زده و با استفاده از این کمک‌ها حقوق پشتون‌ها را برای داشتن سرزمین خویش نقض می‌کند. او اضافه کرد، وجیبه اش میداند، مردم خویش را از خطرهایی که از پاکستان ناشی می‌شود، باخبر سازد. او در این رابطه دو مسأله را به اجندا مطرح کرد:[۴۸۵]

۱. آیا حکومت افغانستان از حقوق حقه و قانونی پشتون‌ها دفاع کند یانه؟
۲. آیا حکومت به اقدامات لازمی را برای دفاع کشور که در نتیجۀ کمک دیگران به پاکستان توازن نظامی در منطقه بهم خورده است، انجام بدهد؟

مسایل نامبرده در روزهای بعدی کار لویه‌جرگه به شور و مباحثه گرفته شدند. لویه جرگه در نشست پایانی خویش سیاست حکومت را در قضیه پشتونستان تایید کرده و توصیه کرد به مردم پشتون در تعیین سرنوشت حقه‌شان کمک شده و همچنان خرید اسلحه در هر زمان و از هرجایی برای تقویت توانمندی کشور را انجام دهد. جرگه همچنان اعلام کرد که هیچگاهی پشتونستان را جزء خاک پاکستان نمی‌شناسد.

[۴۸۵] محمد اکرام اندیشمند . ما و پاکستان. کابل - سال ۲۰۰۷ ص. ۲۳۳

در جرگه هیچ اختلافی در برابر سیاست حکومت افغانستان در قبال پاکستان و پشتونستان هویدا نشد. هیچکسی از صدراعظم نپرسید که «حقوق دیرین و قانونی» خلق پشتون چه معنی دارد و حکومت افغانستان در این راستا به کدام موازین و قوانین بین‌المللی متکی است و در نهایت با کدام نیروها و امکانات حکومت از حقوق پشتون‌ها دفاع خواهد کرد. هیچکسی جرأت نکرد بپرسد، میان «حقوق دیرین و قانونی» پشتون‌های خارج مرز و منافع ملی مردم افغانستان چه پیوندی وجود دارد. این موضوع در بیانیه‌های محمدظاهرشاه و در گذارش سردار محمدداوود بازتاب نیافته بود.[۴۸۶]

این لویه‌جرگه همانند گذشته‌ها از جانب زمامداران تدویر یافته بود. ترکیب آن نه از سوی مردم، بلکه از جانب حاکمان معین شده بود. لویه‌جرگه همانند میراث جامعه سنتی افغانی وسیلهٔ مطیع‌سازی در دست زمامداران بود. در حالی که جرگه‌های تدویر شده در محلات در اجتماعات سنتی - قبیلوی در حل منازعات و اختلافات کمک می‌کردند، لویه جرگهٔ تدویر شده از جانب حکومت مرکزی از ارزش مهمی برای توجیه سیاست حکومت در قبال پشتونستان برخوردار بود.[۴۸۷]

در تاریخ کشور سابقه نداشت که در لویه‌جرگه ابتکارات حکومت تایید نشود. وکلای لویه‌جرگه که گویا از جانب مردم محلی انتخاب شده و سردار محمدداوودخان آنها را «وکلای محترم مردم» خطاب کرد، هنگام بحث روی سیاست حکومت پیرامون پشتونستان باید در مورد نحوهٔ پیشبرد سیاست خارجی از صدراعظم پرسش‌هایی را مطرح می‌کردند. مگر تدویر کنندگان لویه‌جرگه خود از نام نمایندگان برخورد آنان را نسبت به سیاست خارجی حکومت توضیح می‌دادند، چون بگمان اغلب باهمه چیز از پیش موافقه شده بود.[۴۸۸]

محمدداوود دوباره روی موقف آشتی ناپذیر و عدم تمایلش به برخورد صلحجویانه

[۴۸۶] همان‌جا ص.۲۳۴
[۴۸۷] همان‌جا ص.۲۳۴
[۴۸۸] ص. ۲۳۴ همنجا

و سنجیده اش در قضیه پشتونستان تأکید کرد. او به واقعیتی ناتوانی رزمی و کمبود تسلیحاتی کشور پی برده بود، و می‌دانست که توان مقابله با پاکستان را و یارای رسیدن به مرامش بخاطر پشتونستان را ندارد. به این دلیل او به تدویر لویه‌جرگه دست یازید.[۴۸۹]

۲۵ نوامبر سال ۱۹۵۵ لویه‌جرگه تصامیم زیر را گرفت:[۴۹۰]

۱. مطابق درخواست مردم پشتون ما از حق خود ارادیت‌شان حمایت می‌کنیم، چونکه پشتون‌ها برادران خونی ما اند. این وجیبه مردم و دولت افغانستان است. در این رابطه لویه‌جرگه به حکومت افغانستان پیشنهاد می‌کند، مطابق به تقاضای مردم پشتونستان از حق‌شان برای خودارادیت دفاع کنند.
۲. به دلیل سیاست حکومت فعلی پاکستان و بویژه به علت عدم توازن نیروها که در نتیجهٔ تمرکز قوای بزرگ پاکستانی و دادن کمک‌های پهناور برخی ابرقدرت‌ها صورت می‌گیرد، امنیت ملی و استقلال افغانستان با خطر جدی مواجه شده است؛ با درنظرداشت وضع وخیم به میان آمده در منطقه ما مسوولیت دولت افغانستان می‌دانیم، بهر قیمتی که شود باید از آزادی و استقلال ملی مردم افغانستان حمایت کند. لویه‌جرگه به دولت سفارش می‌کند تا با هر وسیلهٔ ممکن و مناسب دفاع کشور را ممکن سازد.
۳. لویه‌جرگه همانند ارگان عالی نمایندگی مردم افغانستان اعلام می‌دارد که خاک پشتونستان نباید جزء پاکستان باشد، زیرا این امر با ارادهٔ مردم پشتونستان تفاوت دارد. ما در این رابطه فیصلهٔ شماره ۷۲۳ مورخ ۳ اگست سال ۱۹۵۵ (۲۳ میزان سال ۱۳۳۴ خ.) شورای ملی را درست پنداشته و تأیید می‌کنیم.

[۴۸۹] محمد اکرام اندیشمند . ما و پاکستان اندیشمند . ما و پاکستان. کابل سال ۲۰۰۷ ص. ۲۳۳.
[۴۹۰] امین‌الله دریغ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور سال ۲۰۰۷،ص. ۳۶۲

به این ترتیب، حکومت محمدداوودخان پشتیبانی کلی وکلای لویه جرگه در مسأله پشتونستان و تجهیز قوای مسلح کشور از طرق ممکن را به دست آورد.[۴۹۱]

فیصله‌های لویه‌جرگه که با اراده و آرزوی محمدداوودخان مطابقت داشتند، دستش را در راستای پیشبرد سیاست پشتونستان آزاد گذاشتند. این تصامیم همچنان راه را برای همکاری نظامی با اتحادشوروی باز کردند.[۴۹۲] مگر ایجاد ارتش توانمند به کمک اتحادشوروی در آینده نیز نتوانست عامل مهم حل معضل پشتونستان آنگونه که محمدداوودخان می‌پنداشت، شود.

با اینهم تلاش‌های وی برای ایجاد اردو بیهوده هم نبودند: در سال ۱۹۷۳ این ارتش بود که اورا به قدرت رساند و همین اردو بهمان گونه تنها حکومت اورا برانداخت، بلکه سر به نیستش نیز کرد.

۴. سفرهای متقابل سران افغانستان و پاکستان (۱۹۵۵ -۱۹۶۰)

درست پس از پایان کار لویه‌جرگه گورنر جنرال پاکستان از طریق رادیو کراچی اعلام کرد که دیدار رهبران پاکستان و افغانستان برای حل وفصل مسایل موجود ضروریست. به تاریخ ۲۸ نوامبر وزیرخارجه افغانستان محمدنعیم در مصاحبه با آژانس باختر در این رابطه خبر داد که حکومت افغانستان هنوز اطلاعیه رسمی را به دست نه آورده، ولی حاضر است مذاکرات را برای رفع اختلافات آغاز کند.[۴۹۳]

به تاریخ ۵ دسامبر دهمین اجلاس اسامبله عمومی ملل‌متحد برگزار شد که در آن حکیمی عضو هیأت افغانستان هنگام بحث روی مناسبات بازرگانی کشورهای عضو سازمان ملل متحد از موانع ایجاد شده توسط حکومت پاکستان در برابر کالاهای صادراتی و وارداتی افغانستان از خاک پاکستان گلایه کرده خواستار رفع مشکلات موجود شد.[۴۹۴]

---

[۴۹۱] همان‌جا

[۴۹۲] امین‌الله دریغ. افغانستان در قرن بیستم. پشاور سال ۲۰۰۷ص. ۳۶۲-

[۴۹۳] روزنامه اصلاح مورخ ۲۸ نوامبر سال ۱۹۵۵م.-

[۴۹۴] روزنامه اصلاح مورخ ۵ دسامبر سال ۱۹۵۵م.

نخست وزیرپاکستان بنوبهٔ خود افغانستان را متهم کرد که اجنت‌هایش را برای تخریبکاری و حمله به پاکستان می‌فرستد و هواپیماهای افغانی چندین بار به حریم هوایی پاکستان تجاوز نموده اند. مگر آژانس باختر این ادعاها را رد کرد.[۴۹۵]

باوجود افرایش بی‌اعتمادی میان افغانستان و پاکستان پس از لویه‌جرگه، مذاکرات میان دو کشور ادامه داشتند. مطبوعات افغانستان در سال‌های ۱۹۵۶ - ۱۹۵۷ سفرهای متقابل رهبران دو کشور، گفتگوها برای احیای ترانزیت کالاهای افغانی از خاک پاکستان وعقد موافقتنامهٔ همکاری هوایی را بازتاب دادند. مگر چالش‌های مورد اختلاف دو کشور در نشرات بحث نمی‌شدند.

هم‌زمان با این اوضاع سیاسی همچنان پاکستان متشنج بود. تلاش جنبش ایجاد حزب سراسری دموکرات پاکستان با بازداشت رهبران آن در جون ۱۹۵۶ (منجمله رهبران مخالف با ایجاد ایالت یونت پاکستان شامل عبدالغفارخان) ناکام ساخته شد. مطبوعات افغانستان بگونه گسترده این اقدام را با نشر سرمقاله ها، عکس‌ها و زندگینامه‌های رهبران بازتاب می‌دادند.[۴۹۶]

وزیرخارجه افغانستان محمدنعیم در مصاحبه با خبرنگار آژانس باختر[۴۹۷] هنگام تماس روی بازداشت رهبر پشتونستان ابراز اطمینان کرد که...«خواست قانونی مردم پشتونستان برای آزادی‌شان با چنین اقداماتی نمی‌تواند، خفه شود». حکومت پاکستان در اثر فشار اجتماعی مجبور شد عبدالفغارخان و دیگر فعالان جبهه را آزاد سازد.

به تاریخ ۷جون روزنامه انیس[۴۹۸] خبری را مطابق اعلامیه رادیو کراچی نشر کرد که برشالودهٔ آن رییس جمهور پاکستان اسکندر میرزا بنا به دعوت شاه افغانستان به کابل بروز ۱۸ جون ۱۹۵۶ به حیث مهمان رییس دولت سفر می‌کند. مگر او با

[۴۹۵] روزنامه انیس مورخ ۱۱ دسامبر سال ۱۹۵۵م
[۴۹۶] روزنامه های انیس و اصلاح مورخ ۱۷ می سال ۱۹۵۶م.
[۴۹۷] خبرنامه آژانس اطلاعاتی باختر مورخ ۲۵ می سال ۱۹۵۶م.
[۴۹۸] روزنامه انیس مورخ ۷می سال ۱۹۵۶م

تأخیر به تاریخ ۷ اگست ۱۹۵۶ به پایتخت افغانستان آمده و چند روزی آن جا بود.[۴۹۹]

در جریان این سفر اعلامیه مشترک سران دو دولت انتشار یافت که در آن آمده بود طرفین تصمیم مشترک گرفته بودند از طریق مذاکرات دوستانه تمام اختلافات میان‌شان را حل و فصل کنند. در این اعلامیه خاطرنشان شده بود که شاه دعوت اسکندر میرزا برای سفر به پاکستان را پذیرفته است. دربارهٔ اینکه اسکندر میرزا با صدراعظم افغانستان هم دیدار کرده بود، چیزی تذکر نرفته بود.[۵۰۰]

بروز اول سپتامبر بطور عنعنوی روز پشتونستان تجلیل می‌شد. در مرکز شهر در میدان پشتونستان تظاهرات کثیرالعده‌یی برگذار شد که در آن شعارهایی بدفاع از خلق پشتونستان و حق‌شان برای خودارادیت طنین افگند.[۵۰۱]

به زودی صدراعظم پاکستان سهروردی به صدراعظم افغانستان محمدداوود دعوتنامه‌یی برای بازدید از کراچی فرستاد.[۵۰۲] محمدداوود دعوت را پذیرفت و به تاریخ ۲۴ نوامبر به پاکستان رفته[۵۰۳] و با رییس جمهور پاکستان اسکندر میرزا و صدراعظم سهروردی مذاکره کرد.[۵۰۴] در پایان گفتگوها آنها اعلامیه مشترکی را نشر نموده و از دستیابی به توافقات ابراز خرسندی نمودند. همچنان خبرنامه مشترک افغانستان - پاکستان پیرامون سفر محمدداوود در پاکستان پخش شد.[۵۰۵]

پس از صدراعظم داوود، وزیرصحت عامه افغانستان عبدالظاهر نیز از پاکستان دیدن کرد. رییس جمهور اسکندر میرزا هنگام اقامت وزیر در پاکستان تجهیزات

---

[۴۹۹] انیس مورخ ۷ اگست سال ۱۹۵۶م.
[۵۰۰] روزنامه اصلاح مورخ ۱۲ اگست سال ۱۹۵۶م.
[۵۰۱] آرشیف وزارت خارجه روسیه ... پوشه ۸۸ .
АВП РФ. ١٩٥٦. Ф. ٠٤٢. Оп. ٦٨в. Д. ٢. П
[۵۰۲] روزنامه انیس مورخ ۸ نوامبر سال ۱۹۵۶م.
[۵۰۳] آرشیف وزارت خارجه روسیه ... پوشه ۸۸
АВП РФ. ١٩٥٦. Ф. ٠٤٢. Оп. ٦٨в. Д. ٢. П..
[۵۰۴] انیس مورخ ۲۶ نوامبر سال ۱۹۵۶م.-
[۵۰۵] روزنامه انیس مورخ ۲ دسامبر سال ۱۹۵۶م

شفاخانه را بوی بخشش داد.[۵۰۶]

در ماه فبروری ۱۹۵۷ شخص محمدظاهرشاه رسماً به پاکستان سفر کرده و با رهبران آن کشور پیرامون عادی شدن روابط دو کشور گفتگو کرد. دوطرف آمادگی کامل‌شان را برای تشریک مساعی در راستای دستیابی به این مرام نشان دادند. ظاهرشاه از نتایج این ملاقات‌ها رضایت کلی داشت.

پس از این، سلسله دیدارهای متقابل نمایندگان پاکستان و افغانستان آغاز شد. از جمله رسانه‌های افغانی سفر شاعرنامور، دانشمند، سیاستمدار، رییس اداره «پشتو تولنه» گل پاچا الفت را که به تاریخ ۲۴ مارچ سال ۱۹۵۷، صورت گرفت[۵۰۷] و همچنان بازدید رسمی محمدنعیم‌خان وزیرخارجه افغانستان را در ماه اپریل سال ۱۹۵۷ بگونه گسترده بازتاب دادند.

به تاریخ ۸ جون ۱۹۵۷ سهروردی صدراعظم پاکستان از کابل دیدن نموده و با همتایش صدراعظم محمدداوود ملاقات کرده و از جانب پادشاه افغانستان پذیرفته شد.[۵۰۸] در نتیجه گفتگوها یک اعلامیه مشترک تصویب شد. در ماه جون ۱۹۵۷ پس از سفر نخست‌وزیر پاکستان کار سفیران دو کشور در کابل و کراچی دوباره آغاز شد.[۵۰۹]

به این ترتیب روابط دو کشور انکشاف می‌یافتند. در ماه جون ۱۹۵۷ هیأت پاکستانی برای مذاکرات بخاطر آغاز ترانسپورت هوایی میان پایتخت‌های دو کشور به کابل آمد،[۵۱۰] مگر پروازهای منظم میان کراچی و کابل فقط پس از چهار سال عملی شد.

به تاریخ ۲۱ اگست ۱۹۵۷ سفیر جدید پاکستان در کابل که پشتون بود اعتبارنامه

---

[۵۰۶] آرشیف وزارت خارجه روسیه ... پوشه ۸۸ – АВП РФ. ۱۹۵٦. Ф. ۰٤۲. Оп. ٦۸в. Д. ۲.

[۵۰۷] روزنامه انیس مورخ ۲۴ مارچ سال ۱۹۵۷م.-

[۵۰۸] روزنامه انیس مورخ ۹ می سال ۱۹۵۷م

[۵۰۹] خبرنامه آژانس باختر مورخ ۱۱ می سال ۱۹۵۷م.

[۵۱۰] روزنامه انیس مورخ ۱۳ می سال ۱۹۵۷م.-

اش را به شاه افغانستان پیشکش کرده[۵۱۱] و به تاریخ ۱۱ سپتامبر همان سال اگریمان حکومت پاکستان برای پذیرش محمدهاشم میوندوال به حیث سفیر نو افغانستان در کراچی صادر شد.

در پایان سال ۱۹۵۷ در پاکستان بحران جدی سیاسی به میان آمده و به این ارتباط رییس جمهور پاکستان اسکندر میرزا به شاه افغانستان پیامی مبنی بر تأخیر سفرش به پاکستان را فرستاد.[۵۱۲]

به زودی در شهر لاهور پاکستان کنفرانس علمی بین‌المللی کشورهای اسلامی دایر شد که جهت اشتراک به آن هیأت دانشمندان افغانستان به آن جا سفر کرد. رییس هیأت عبدالحکیم ضیایی با بیانیه‌یی از دست‌آوردهای افغانستان در عرصه‌های فرهنگ، آموزش و پرورش گفت.[۵۱۳]

باوجود حالت بحرانی پاکستان روابط دو کشور همسایه تحکیم می‌یافتند. چنانچه در آغاز سال ۱۹۵۸ میان کراچی و کابل ارتباط رادیوتیلفونی برقرار شد.[۵۱۴] هم‌زمان گروهی از دکتران افغان برای مجادله با کولرا (وبا) و چیچک به پاکستان شرقی رفتند.

به دلیل لغو سفر ماه جنوری سال ۱۹۵۸ شاه افغانستان به پاکستان رییس جمهور آن کشور اسکندر میرزا در اول فبروری ۱۹۵۸ دوباره به پادشاه افغانستان دعوتش را فرستاد.[۵۱۵] و در ماه فبروری سال ۱۹۵۸ محمدظاهرشاه بار دوم در یک دهه به کراچی رفت.[۵۱۶]

در ماه مارچ سال ۱۹۵۸ شاه به رییس جمهور پاکستان اسکندر میرزا پیام تلگرام

---

[۵۱۱] خبرنامه آژانس باختر مورخ ۲۲ اگست سال ۱۹۵۷م.-
[۵۱۲] روزنامه اصلاح مورخ ۱۲ دسامبر سال ۱۹۵۷م.
[۵۱۳] خبرنامه آژانس اطلاعاتی باختر مورخ ۵ جنوری سال ۱۹۵۸م.-
[۵۱۴] روزنامه اصلاح مورخ ۲۶ جنوری سال ۱۹۵۸م.-
[۵۱۵] روزنامه اصلاح مورخ ۵ جنوری سال ۱۹۵۸م
[۵۱۶] روزنامه اصلاح مورخ ۸ فبروری سال ۱۹۵۸م.

تبریکیه‌یی به مناسبت ایجاد جمهوری اسلامی پاکستان فرستاد.[۵۱۷]

در ماه می ۱۹۵۸ رودیدادی تراژیک در پاکستان بوقوع پیوسته و یکی از رهبران پشتون‌ها دکتور خان‌صاحب بقتل رسیده و صدراعظم داوود و وزیرخارجه محمدنعیم پیام همدردی‌شان را به رهبر پشتونستان و برادر مقتول‌خان عبدالغفارخان و فرزند ارشدش عبدالله‌خان فرستادند.[۵۱۸]

گرچه مرگ خان‌صاحب می‌توانست بازهم به سردی نوبتی مناسبات دو کشور بیانجامد، مگر افغانستان که به علت بندشدن مرزهایش دچار بحران بود بیشتر به عادی شدن روابطش با پاکستان علاقمند بود. پاکستان از این امر استقبال کرده و به زودی هیات پاکستانی در رأس وزیرمالیه سید امجدعلی برای گفتگو روی مسایل ترانزیتی به کابل آمد.[۵۱۹] در نتیجهٔ این مذاکرات رسماً (ظاهراً) همه موانع موجود در برابر ترانزیت کالاهای افغانی از خاک پاکستان برداشته شد. به تاریخ ۱۷ جون ۱۹۵۸ ترانزیت زمینی محموله‌های بازرگانی دوباره آغاز شد.[۵۲۰]

در ماه اگست سال ۱۹۵۸ نخست وزیرپاکستان فیروزخان نون طی یک کنفرانس مطبوعاتی در لاهور از یک طرح هیجان برانگیز مبنی بر ایجاد فدراسیون پاکستان، ایران و افغانستان گفت. ایران با علاقمندی بسیار به این پیشنهاد می‌دید. مگر پندار افغانستان این بود که این یک مانور سیاسی پاکستان است که می‌خواهد توجه همگانی را از رویارویی میان دو کشور دور سازد. در این امر شالودهٔ نگرانی افغانستان از دست دادن ناگزیر استقلال کشور و از میان رفتن داعیهٔ پشتونستان در برابر پاکستان بود.

در این میان سفرهای متقابل هیأت‌های افغانستان و پاکستان ادامه داشت. چنانچه هیأت نمایندگی افغانستان که در ترکیب آن رییس امور تجارتی

[۵۱۷] روزنامه اصلاح مورخ ۲۶ مارچ سال ۱۹۵۸م.
[۵۱۸] روزنامه انیس مورخ ۱۰ می سال ۱۹۵۸م.-
[۵۱۹] روزنامه اصلاح مورخ ۲۴ می سال ۱۹۵۸م.
[۵۲۰] روزنامه اصلاح مورخ ۱۷سال ۱۹۵۸م.

وزارت‌تجارت یونسی، رییس پشتنی تجارتی بانک جنت غروال، معاون شرکت «نساجی» محمد. ا. ضایی، رییس اداره ترانسپورت ولی احمد، معاون بخش گمرک وزارت‌مالیه سلطان عزیز ذکریا شامل بودند.[۵۲۱]

هیأت افغانی روی عقد قرارداد ترانزیتی افغانستان - پاکستان مذاکره می‌کرد. جانب پاکستان از شرایط امتیازی برای کالاهای افغان خبر داد که از محصول وارداتی مانند گذشته آزاد می‌شدند. همچنان امور و اسناد گمرکی، تجارتی ترانسپورت راه آهن بخاطر انتقال کالاهای نامبرده در خاک پاکستان آسانتر شد. ادارهٔ بندر کراچی جاهای ویژه‌یی را برای کالاهای افغانی تخصیص داد. عوایدی که قبلاً از حساب انتقال کالاهای افغانی حاصل اداره بندر کراچی می‌شدند، ٪۱۵عایدعمومی را تشکیل می‌دادند، در حالی که در ۱۰ روز نخست پس از قرارداد این ارقام به ٪ ۴۰ و در روزهای بعدی ٪ ۶۰ عاید کل بندر را تشکیل می‌ساختند. همچنان ساحهٔ ترانزیت نامبرده می‌توانست برای کالاهای صادراتی افغانی نیز استفاده شود. همچنان برای حفاظت کالاهای افغانی ساختمان‌های لازمی در پشاور تخصیص یافته بود.

همچنان برای ساختمان شاخهٔ راه آهن چمن - سپین بولدک نیز توافق شد. راه‌های آهن پاکستان برای کالاهای افغانی امتیازات و تسهیلاتی را آماده می‌کردند. هر شکایتی در رابطه به در اختیار قرار دادن واگون‌های قطار برای کالاهای افغانی با درک و همکاری مکمل پاسخ داده می‌شد. همچنان برای انتقال کالاهای افغانی توسط قطار مسافربری و یا از راه هوایی نیز امتیازاتی به جانب افغانی داه می‌شد.[۵۲۲]

پایان موفقانه مذاکرات پیرامون انتقال ترانزیت کالاهای افغانی از طریق پاکستان در خبرنامه سفارت پاکستان در کابل نیز بازتاب یافته بود.

مگر در این میان اوضاع پاکستان دوباره به خرابی گرایید. رییس جمهور پاکستان اسکندر میرزا حالت اضطرار را در کشور اعلام کرده، قانون اساسی سال ۱۹۵۶ را

[۵۲۱] روزنامه اصلاح مورخ ۳ نوامبر سال ۱۹۵۸م.
[۵۲۲] خبرنامه سفارت پاکستان، شماره ۳، مورخ ۱ جنوری سال۱۹۵۹م.

بحالت تعلیق در آورده و جنرال محمدایوب‌خان را رییس حکومت مؤقت در دورهٔ حالت اضطراری تعیین کرد. به تاریخ ۷ اکتوبر سال ۱۹۵۸ جنرال ایوب‌خان که ملیتش پشتون بود، به حیث رییس حکومت تعیین شد.[۵۲۳] زیر فشار هیأت جنرال‌ها اسکندر میرزا اعلام کرد که از مقامش کناره گیری کرده و زمام دولت را به جنرال ایوب‌خان می‌دهد، که در نتیجه وی رییس جمهور پاکستان شد. پست صدارت از میان رفته و حکومتی بشکل ریاستی بوجود آمد که اعضای آن توسط رییس دولت انتصاب می‌شدند.

گرچه در دوره ایوب‌خان پشتون‌ها نقش واضح‌تری در اداره دولت بازی می‌کردند مگر این امر به احیای ایالت صوبه سرحد پاکستان تأثیری نداشت. همچنان تغییر حاکمیت در پاکستان به بهبود روابط میان دو کشور نه انجامید. گرچه رییس جمهور جدید پاکستان پشتون بود، مگر با تفاوت از داوودخان می‌خواست نه به حیث یک ناسیونالیست ،بلکه بمثابهٔ یک دولت‌مدارعمل کند و بنابراین به فشار وارد نمودن بالای پشتون‌های پاکستان ادامه داد.

ایوب‌خان که از نگاه خوی و کردار و طرز اداره دولت دیکتاتور بود، فعالیت همه احزاب سیاسی در کشورش را ممنوع اعلام کرد. در نواحی پشتون نشین باوجود ممنوعیت نفوذ حزب مردم پاکستان ارتقا یافت. در ماه فبروری سال ۱۹۵۸ تعداد اعضای حزب نامبرده در این مناطق به ۲۰۰ هزار نفر رسید.[۵۲۴] برنامه حزب زمینهٔ حمایت گستردهٔ باشندگان پشتون را مهیا می‌ساخت.

از سویی قشر مالکان بزرگ زمین موسوم به جاگیرها و زمینداران پنجاب و سند دیگر نفوذ قاطع در سیاست دولت نداشت. متشبثان بازرگانی - صنعتی و

---

[۵۲۳] M.Asghar Khan. Generals in Politics. Pakistan-۱۹۸۲.-۱۹۵۸ - Delhi, ۱۹۸۳. p. ٦.

[۵۲۴] پلیشوف او. و. فرهنگ اسلامی سیاسی جامعه. تناقضات سنن محافظه کارانه . مجله آسیا و افریقای امروز شماه ۲ سال ۲۰۰۳م. –
Плешов О.В. Ислам и политическая культура общества. Парадоксы консервативной традиции. // Азия и Африка сегодня. №۲. ۲۰۰۳.

زمین‌داران متوسط که با تجارت و تشبث خصوصی پیوند داشتند و بویژه از پنجاب و ولایت صوبه سرحد پاکستان بودند، نقش عمده را به دست آوردند.

در ماه جنوری سال ۱۹۶۰ نعیم‌خان به کراچی سفر کرد تا با موقف رهبری جدید پاکستان در مورد پشتونستان آشنا شود. مگر در آن جا محمدنعیم‌خان با بی‌میلی مواجه شد. رهبری جدید موضع شدیدتری را نسبت به گذشته در قبال پشتونستان گرفت. سفر محمدنعیم بی‌نتیجه بود. برعلاوه ایوب‌خان همانند یک نظامی می‌خواست توانمندی قوت‌های مسلح خود را نشان دهد که تلاشی بود برای تفهیم افغانستان که هر تلاشی در راستای ایدهٔ پشتونستان می‌تواند برای افغانستان عواقب بدی داشته باشد.[۵۲۵]

در جریان مذاکرات حرفی دربارهٔ پشتونستان به میان نه آمد و به قول خاورشناس - مورخ و دیپلمات امریکایی لیون پولادا جنرال نعیم‌خان را توهین و تهدید کرد. پولادا می‌نویسید: «به قول نعیم‌خان، ایوب‌خان نمی‌خواست بطور جدی صحبت کند و می‌خواست فقط یادداشت دست داشته اش را بخواند. و بخاطری که محمدنعیم را تحقیر کند با افتخار بزبان پشتو گپ می‌زد. چون می‌دانست که نعیم‌خان این زبان را نمی‌دانست و بنابراین وی خودرا راحت احساس نمی‌کرد. با استفاده از برخی منابع، او شکایات و اسناد محرمی را بخواندن گرفت که گواه توانمندی پاکستان در جهت نابودی افغانستان بود... نعیم ناگذیر شد که ملاقاتش را ناگهانی قطع کند».[۵۲۶]

این موضوع را دیپلمات برجسته افغانستان و مؤلف کتاب «زوال افغانستان» عبدالصمد غوث نیز تأیید می‌کند. او می‌نویسد که «جنرال ایوب‌خان که خودش از نگاه قومی پشتون بود، به جای آنکه بحرف نعیم‌خان گوش دهد، وی را با قوت نظامی اردوی پاکستان و اینکه کابل را در چند ساعت تسخیر کند، تهدید کرد. سردار

[۵۲۵] محمد اکرام اندیشمند، ماو پاکستان کابل ۲۰۰۷ ص. ۲۴۲.

[۵۲۶] Poullda B.P. Reform and Rebellion in Afghanistan. - Cornell University Press, ۱۹۷۳. -

نعیم دانست که پیشبرد گفتگوهای بیشتر بیهوده اند و بنابراین بسرعت بکابل برگشت».[۵۲۷]

در ماه جنوری سال ۱۹۶۰ هنگام سفر نعیم‌خان به پاکستان با منظور قادر وزیرخارجه آن کشور مسأله پیوستن پشتون‌های افغانستان به پاکستان مطرح شد. وزیرخارجه پاکستان به زیرکی و بگونه ناگهانی «پیشنهادی»[۵۲۸] را ارائه کرد: «خلق پشتون در هردوسوی خط دیورند باید مشخص سازند که در ترکیب کدام دولت - پاکستان یا افغانستان می‌خواهند شامل شوند. از آنجایی که پشتون‌های ساکن پاکستان در طی ریفراندمی کشورشان را انتخاب کرده اند، باید نظرخواهی مشابهی در افغانستان نیز راه اندازی شود. اگر انتخاب‌شان بسود پاکستان باشد، بهتر، در غیر اینحالت مذاکرات و بررسی مفصل ضرور است». نعیم‌خان گفت که او برای گفتگوهایی از این قبیل نه آمده است.

پسانتر به تاریخ ۷ مارچ قادر علناً پیشنهادش را تکرار کرد: «چونکه ۲/۳ پشتون‌ها در پاکستان زندگی می‌کنند و فقط ۳/۱ آن در افغانستان پس عاقلانه است که اقلیت به اکثریت بپیوندد».

در آن‌زمان در مطبوعات افغانستان مقالاتی از جمله درباره تاریخ پیدایش پاکستان و الحاق نادرست مناطق پشتون‌ها در ترکیب آن به نشر رسیدند. چنین بود سرمقاله‌های جراید افغانی: «زمانی که انگلیس‌ها می‌خواستند هند را ترک گویند، آنها دو قلمرو را بوجود آوردند. در آن‌زمان هویدا بود که خلق هند می‌خواهد انگلیس‌ها را بیرون رانده و حکومت خود را مطابق میل خویش به میان آورد. انگلیس‌ها با طرح ایجاد هند و پاکستان ریفراندمی را سازماندهی کردند. مگر مردم پشتون طرح خورا پیشکش کرد که بر شالوده آن برای ایجاد پشتونستان نیز باید نظرخواهی می‌شد. رهبران مسلم لیگ و هواداران‌شان به این پیشنهاد ارزشی قایل نشدند. بخاطر فریب توده‌ها به مشترکات اسلامی و غیره پیوندهای مردم اتکا شد.

[۵۲۷] محمد اکرام اندیشمند. ما و افغانستان ص. ۲۴۲.
[۵۲۸] همان‌جا

آنها آن‌وقت می‌گفتند که کسی که خودرا مسلمان می‌پندارد، باید رایش را به مسلم لیگ بدهد. پس از راه اندازی باصطلاح ریفراندم که بدعوت عبدالغفارخان از سوی هموطنانش بایکوت شده بود، رهبران پشتون‌ها فعالیت گسترده خویش را ادامه داده و بخاطر ایجاد پشتونستان تلاش می‌کردند».

با بررسی مناسبات پاکستان و افغانستان در سال‌های نخستین پس از زوال هند برتانوی می‌توان نتیجه گیری کرد که آنها بسیار متشنج بودند، بویژه در سال ۱۹۵۵ که ایالت واحد (یونت) پاکستان غربی ایجاد شد. به پندار برخی مورخانِ خاورشناس علت بحران میان دو کشور تلاش محمدداوودخان برای رسیدن به بحیره عرب بود. مگر در جریان کار روی رسالهٔ علمی حاضر ما به سندی دال به این گفته برنخوردیم. فکر می‌کنیم که «معضل پشتونستان» محصول سیاست جاه‌طلبانه محمدداوود و برشالودهٔ خواسته‌های ناسیونالیستی وی استوار بود.

۵. گسست روابط افغانستان و پاکستان (۱۹۶۱ -۱۹۶۳)

مرحله نو رویارویی‌ها در آغاز سال‌های ۶۰ بوجود آمد، زمانی که هردو دولت برخوردهای مسلحانه میان دو قبیله پشتون را حمایت کردند. در چنین حالت تشنج به اوج رسید. حکومت پاکستان نیروهایش را در نزدیکی خط دیورند جابجا کرد. پاکستان افغانستان را متهم می‌کرد که در ماه می سال ۱۹۶۱ نظامیان افغان ملبس به پوشاک شخصی، مرز را عبور کردند، تا خان جندول از قبایل مرزی افغان را که با شارخان در باجور پاکستان می‌جنگید، کمک کنند. گرچه جانب افغانی اتهامات به آدرسش را رد می‌کرد، مگر برخورد میان دوقبیله رخ داده به معنی مرحلهٔ جدید رویارویی میان دو کشور بود.[۵۲۹]

در ماه جون همان سال محمدداوودخان بمباردمان مناطق قبایل پشتون و بازداشت رهبران آنها را محکوم کرد.

وضع با یک حادثه دیگر به وخامت بیشتر گرایید: هواپیمای جاسوسی امریکایی

[۵۲۹] وحید مژده. مناسبات سیاسی ایران و افغانستان. کابل سال ۲۰۱۰. ص. ۸۰.-

لوک هید یو - ۲ که از پایگاه نظامی ایالات متحده در پشاور پرواز کرده بود، در خاک افغانستان سقوط کرد،*[این طیاره از فضای افغانستان عبور و در خاک اتحاد شوروی سقوط داده شده بود]* که در نتیجه حکومت افغانستان به حکومت‌های ایالات متحده و پاکستان احتجاج کرد.

در اوج جنگ تبلیغاتی میان دو کشور بروز ۸جون ۱۹۶۱ محمدظاهرشاه تقاضای استقلال پشتونستان را کرد.

در ماه اگست سال ۱۹۶۱ در پاسخ به اعلامیه ظاهرشاه، حکومت ایوب‌خان قنسلگری‌هایش را در جلال آباد و قندهار بست و همهٔ توافقات گذشته با افغانستان پیرامون کالاهای بازرگانی از خاک خویش را ملغی اعلام کرد.[۵۳۰] در ماه سپتامبر ۱۹۶۱ محمدداوود برعلاوه بستن دفاتر قونسلی افغانستان، گسست روابط دیپلوماتیک با پاکستان را نیز اعلام نمود. در پاسخ جانب پاکستانی نیز با قطع روابط دیپلوماتیک با افغانستان مرزهای میان دو کشور را بست.

این امر باعث برهم خوردن مهاجرت عنعنوی کوچی‌های افغانستان شد که در خزان از مرزها گذار کرده برای گذراندن زمستان به پاکستان و در بهار به افغانستان می‌آمدند. در نتیجه در نواحی مرزی در حدود ۳۰۰ هزار کوچی با رمه‌ها و حیوانات‌شان گیر مانده بودند. در خواست پاکستانی‌ها که ورود کوچی‌ها را بداشتن پاسپورت سفر، سرتفیکات صحی و ویزه پاکستان مشروط کرده بودند، توهین واضحی بشمار می‌رفت. بنابراین کابل بسرعت برای جابجایی توده‌های کوچی در نواحی گرم جنوب و جنوب‌شرق کشور دست به کار شد. در نتیجه کوچی‌ها از هردو کشور آزرده شدند.[۵۳۱]

در ماه اکتوبر همان سال در ناحیه مرزی میان کنر و باجور دوباره برخوردهای

---

[۵۳۰] کارگون و. گ. تاریخ افغانستان. قرن بیستم. مسکو. سال ۲۰۰۴م. ص. ۳۲۰.-
Коргун В.Г. История Афганистана. XX век. - М., ۲۰۰٤. С. ۳۲۰.

[۵۳۱] کارگون و. گ. تاریخ افغانستان. قرن بیستم. مسکو. سال ۲۰۰۴م. ص. ۳۲۱-
Коргун В.Г. История Афганистана. XX век. - М., ۲۰۰٤. С. ۳۲۱.

مسلحانه روی دادند که قربانی هم گرفتند. به قول مورخ نامور افغانستان صدیق فرهنگ، افراد بظاهر ملکی اما مسلح افغانستان که به عنوان شرکت در جرگه قومی از سرحد گذشته و به باجور رفته بودند، مورد حمله قبایلیان طرفدار پاکستان قرار گرفت ، با دادن تلفاتی که تعدادشان پنجصد نفر تخمین شده است، به افغانستان بازگشتند. قبایلیان پاکستانی به تعقیب آنان به خاک افغانستان داخل شده و تا کنار رودخانه کنر در نزدیکی اسمار پیش آمدند.

دولت افغانستان از فعالیت‌های پاکستان نگران بوده و بنابر آن نایب‌الحکومه مشرقی غلام فاروق‌خان عثمان را با عجله و شتاب به عنوان مسؤول حادثه از وظیفه برطرف ساخته،[۵۳۲] به جایش معاون رییس ارکان حرب افغانستان خان‌محمدخان را به آن ولایت فرستاد.[۵۳۳] «وی موفق شد که با وارد نمودن فشار

[۵۳۲] یژوف گ.پ. افغانستان رهنمای کوچک بیوگرافیکی. مسکو سال ۲۰۰۴م. ص. ۲۱۶.
غلام فاروق عثمان فرزند سردار محمدعثمان خان از طایفه محمدزایی بود. در سال ۱۹۲۶ کارمند شفر بود. سپس دستیار اداره «موتر» بود. خواهرش زن میاجان مجددی بود که بدستور امان‌الله خان با پدرش حضرت صاحب شوربازار در سپتامبر ۱۹۲۸ زندانی شده بود. در ماه اکتوبر سال ۱۹۲۸ از زندان رها شد. او سپس افغانستان را ترک گفته و با سردار محمدهاشم خان در ماه مارچ سال ۱۹۲۹ دوباره برگشت. وی در میان قبایل مومند بکار تبلیغاتی به نفع هاشم خان مشغول بود. در ماه دسامبر ۱۹۲۹ معین وزارت داخله شد. در ماه دسمبر سال ۱۹۳۰ والی مشرقی شد. در جنوری ۱۹۳۲ با دختر غلام‌محمد ازداوج کرد. همسر نخستش که دختر سردار محمدعزیز و برادرزاده محمد هاشم خان بود، پیشتر وفات کرده و پسری بنام اسماعیل از خویش بجا مانده بود. او بتاریخ ۱ دسامبر ۱۹۳۲ والی قندهار شد. سپس والی هرات شده و پس از آن (۱۹۳۸) دوباره والی قندهار و بعدا والی کابل شد. سپس دستیار وزیر داخله بود (۱۹۳۹). در سال ۱۹۴۶ وزیر داخله شد. در سال ۱۹۵۸ والی مشرقی بود. او تلاش‌های بیهوده یی را برای تشکیل یک حزب سیاسی نیز انجام داد.
Ежов. Г.П. Афганистан. Краткий биографический справочник.- М., ٢٠٠٤. С. ٣٢١.

[۵۳۳] یژوف گ.پ. افغانستان رهنمای کوچک بیوگرافیکی. مسکو سال ۲۰۰۴م. ص. ۳۲۱.
Ежов. Г.П. Афганистан. Краткий биографический справочник.- М., ٢٠٠٤. С. ٣٢١.
خان محمد خان پشتون به قبیله مومند ولایت مشرقی تعلق داشت. در سال ۱۹۲۴ در جمله نخستین دانشجویان برای تحصیل به اکادمی نظامی ترکیه رفت. در زمان محمد ظاهرشاه به جنرالی رسیده ومعاون لوی درستیز (ریاست ستاد کل ارتش) شد. در سال ۱۹۶۳ سفیر یکی از کشورهای عربی بود. در ماه دسامبر ۱۹۷۳ بجرم شرکت در «توطئه میوندوال» اعدام شد.

همه جانبه، اما بدون خونریزی مزید، پاکستانی‌ها را از خاک افغانستان خارج سازد و دفع‌الوقت به بحران پایان دهد.

حکومت پاکستان نمایندگان رسانه‌های بین‌المللی را در منطقه‌یی که زدوخورد رخ داده بود، برده و اسلحه‌یی را که افغانان بجا گذاشته بودند، با افراد اردوی افغانستان که گفته می‌شد قبایلیان اسیر کرده اند، به ایشان ارائه کرد. مقامات پاکستانی مدعی بودند که تنها یک نفر از سران قبایل به نام پاچاگل[۵۳۴] معادل ۱۷۰ ملیون افغانی اسلحه، مهمات و سایر اشیا مثل ساعت و رادیو و امثال آن را از جانب افغانستان در بین مردم سرحد به مقصد تحریک علیه پاکستان توزیع کرده است.»[۵۳۵]

برخی سیاستمداران در افغانستان خواستار طرح معضل پشتونستان در سازمان ملل بودند. مگر در جریان اجلاس نخست کنفرانس جنبش کشورهای غیر منسلک در بلگراد محمدداوود به مشوره‌های نماینده دایمی افغانستان در ملل‌متحد عبدالرحمن پژواک که در این نشست اورا در ترکیب هیأت افغانی همراهی می‌کرد، وقعی نگذاشت. عضو دیگر این هیأت سیدقاسم رشتیا در این رابطه نوشته است: «در روز نخست کنفرانس در وقفه میان جلسه ما با سردار و پژواک سه نفر گردهم آمدیم. پژواک به وی سوالی را (دربارهٔ قطع مناسبات دیپلوماتیک با پاکستان) مطرح کرد. سردار به ما مفصلاً گفت که پس از رویداد باجور، پاکستان بطور یکجانبه دفترهای قونسلی ما را در پشاور و کویته بسته و بستن قونسلگری‌هایش در جلال آباد و قندهار را اعلام کرد. این عمل بذات خود یک امر خصمانه از جانب پاکستان بود که همواره ادعا می‌کرد قونسلگری‌های افغانستان در امور داخلی‌شان مداخله می‌کنند. ما با چنین تصورات موافق نبوده و اعلام کردیم که

---

[۵۳۴] این نقل قول‌ها مطابق متن اصلی دری کتاب فرهنگ آورده شده اند. در متن روسی کتاب پاچاخان بجای پاچا گل آمده و در اینجا نام متن اصلی از کتاب فرهنگ نقل شده است. (مترجم) میر محمدصدیق فرهنگ. افغانستان در پنج قرن اخیر جلد ۲. چاپ جدید سال ۱۳۷۱ خ. قم. ص.ص. ۶۹۱-۶۹۲.

[۵۳۵] همان‌جا

اگر آنها در جریان یک هفته به فعالیت دوباره قونسلی‌های ما اجازه ندهند، پس روابط سیاسی مارا بطور کلی با آنها قطع می کنیم.

اکنون همه چیز مربوط به پاکستان است: آیا به اعلامیه ما عکس‌العمل مثبت نشان می‌دهد یا تصمیم به قطع روابط با ما را می گیرد. پژواک با لحن بسیار آرام به گفته اش چنین ادامه داد: «شما به اقدامات درستی متوسل شدید، مگر مهلت پیشنهادی تان بسیار کم است، و این به یک اتمام حجت (اولتیماتوم) می‌ماند. هیچ دولت مستقل فشار و اولتیماتوم را ولو که خطر منافع ملی را هم در قبال داشته باشد، نمی‌پذیرد. بنابر این بجا خواهد بود که اعلام شود، اگر در مدت زمان قابل پذیرش پاکستان به بازگشایی قونسلگری‌های ما موافقه نکند، دولت افغانستان اجباراً مسأله دوام و یا قطع روابط مناسبات سیاسی را با آنها بررسی خواهد کرد».

سردار محمدداوود سخنش را قطع کرده و گفت:«شما به نزاکت‌های دیپلوماتیک توجه دارید، مگر ماهیت قضیه در یک نکته نهفته است: آیا پاکستان می‌خواهد به روابطش با افغانستان دوام دهد یا نه؟ ما به وضاحت در این مسأله ضرورت داریم».[۵۳۶]

من (رشتیا) از موقع استفاده نموده و اجازه سخن خواستم. سردار با ناخرسندی اجازه گفتن داد. من گفتم که هنوز فرصت داریم، در کنفرانس حاضر رؤسای جمهور برخی کشورهای دوست و متحابه حضور دارند.[۵۳۷] می‌شود بطور سری از آنها خواستار همکاری شد. و در آن‌صورت به کمک آنها از قطع روابط با پاکستان جلوگیری کرد. فکر میکنم، جمال عبدالناصر، مارشال تیتو و غیره رهبران دول حاضر در این کنفرانس مستقلانه و یا بطور جمعی می‌توانند نقش مثبتی را در حل و فصل چالش به میان آمده بازی کنند. آنها می‌توانند از هردو جانب معضله درخواست کنند، از تصامیم عجولانه خودداری کرده و امکان حل مناسب قضیه را جستجو کنند. یعنی اینکه ما از تعجیل در اخذ تصمیم دوری می‌جوییم.

[۵۳۶] محمد اکرام اندیشمند. ما و پاکستان . کابل ۲۰۰۷. ص. ۲٤٦
[۵۳۷] محمد اکرام اندیشمند. ما و پاکستان . کابل ۲۰۰۷. ص. ۲٤۷

من می‌خواستم اضافه کنم که با پژواک می‌توانستیم با وزیران خارجه مصر و یوگوسلاویا در این باره گفت‌وگو کنیم، مگر سردار جمله ام را قطع کرده و گفت که رجالی را که من نام بردم از طریق سفیران شان در جریان قضایا اند. اگر آنها بخواهند مداخله کنند، می‌توانند خودشان پیشنهاد میانجی‌گری را کنند. من عادت ندارم، التماس کنم: هرچه بادا باد.

من بازهم جرأت کرده و گفتم، که درخواست از آنها باید سری باشد. سردار با بی‌حوصلگی و با زهرخندی گفت: «اگر پاکستان به قطع روابط با ما مبادرت ورزد، به همه جهان واضح خواهد شد که آنها به تحریم اقتصادی دست می‌زنند، تا ما از داعیه عادلانه و بشردوستانهٔ حمایت از پشتونستان دست برداریم. در آن‌صورت همه دنیا و ابرقدرت‌ها حتی بدون خواهش ما، به این موضوع علاقمند شده و مسأله اساسی دربارهٔ سرنوشت مردم هشت ملیونی پشتون مطرح خواهد شد. هرچه که خواست خدا باشد. لازم نیست تشویش داشته باشیم، بدون قبول خطر و قربانی هیچ هدفی به دست نمی‌آید. پس از آن او دستش را تکان داده و از جایش برخاست».[۵۳۸]

پس از خرابی مناسبات با پاکستان محمدداوود کار تقویت نیروهای مسلح را آغاز کرده و هم‌زمان مرزهای جنوبی کشور با پاکستان را بست. به علت قطع مناسبات دو کشور امارات متحده عربی نماینده منافع افغانستان و عربستان سعودی نمایندگی منافع پاکستان را در افغانستان عهده‌دار شدند.

گسست روابط با پاکستان که بدون شرکت سردار محمدداوود صورت نگرفته بود، بیانگر نارضایتی وی در برابر سیاست پشتونستانِ پاکستان بود. البته این قطع روابط به تحلیل و جستار ژرف ضرورت دارد تا دانسته شود که کدام دولت این‌بار سود برد و کدام کشور خساره مند شد.

[۵۳۸] همان‌جا، محمد اکرام اندیشمند. ما و پاکستان . کابل ۲۰۰۷. ص.

صباح‌الدین کشککی[۵۳۹] آخرین وزیراطلاعات و فرهنگ محمدظاهرشاه می‌گوید که از قطع روابط فقط افغانستان خساره دید. او می‌نویسد: «کسانی که، مقام‌های بلند دولتی و حکومتی را داشتند، از سال ۱۹۶۰ (آغاز رورياوپی) تا سال ۱۹۶۳ دچار نگرانی و اضطراب بودند. در جریان این ۱۸ ماه زمانی که انتقالات ترانزیت از کراچی متوقف بود، افغانستان باوجود تلاش برای استقلال اقتصادی بتدریج به دام کرملین نزدیک شد.

از دست دادن راه ترانزیت از خاک پاکستان تاوان مستقیم را به کشاورزی افغانستان وارد کرد. سپتامبر عموماً ماه مهم صدور میوه‌های تازه افغانستان به کشورها دیگر است. در این مدت یعنی در میان سال‌های ۱۹۶۱ - ۱۹۶۲ افغان‌ها قادر به صدور محصولات‌شان نبودند. مسکو زیر نام «باید به افغان‌ها کمک کرد» کمپاین وسیع تبلیغاتی را پیش برده و اعلام می‌کرد که آماده وارد نمودن میوه‌های افغانی از راه هوا به اتحادشوروی است. ولی از آنجایی که این صادرات بسیار محدود بوده و رهبری شوروی شرایط سختی را برای کیفیت میوه‌های افغانی طرح کرده بودند، این میوه‌ها در کشتزارها و یا میدان‌های هوایی از بین می‌رفتند».[۵۴۰]

محمدصدیق فرهنگ می‌نویسد: «حکومت محمدداوودخان با این اقدام مهم‌ترین وسیله ارتباط را با جهان خارج با حق عبور اموال و افراد از خاک پاکستان و دسترسی به دریاهای آزاد که در معاهدات دوجانبه و عرف و رواج بین‌المللی (میان افغانستان و پاکستان، مؤلف) مسجل شده بود، داوطلبانه از دست داد و مشکلات نهایت بزرگ را برای خود و عامهٔ مردم، بازرگانان و کشورها و مؤسسات

[۵۳۹] صباح الدین کشککی در سال ۱۹۳۳ زاده شده بود. او سومین پسر برهان‌الدین کشککی بود. پس از پایان رساندن لیسه غازی برای تحصیل ژورنالیزم به ایالات متحده امریکا (۱۹۵۳-۱۹۵۸) رفت. او مدیر مسوول روزنامهء اصلاح (۱۹۵۹)، مدیر در رادیو افغانستان، رییس آژانس اطلاعاتی باختر (۱۹۶۱) و رییس رادیو افغانستان (۱۹۶۵) بود. از سال ۱۹۶۸ صاحب امتیاز جریده کاروان (به مدیریت مسوول عبدالحق واله) بود. در سال ۱۹۷۲ بمقام وزارت اطلاعات و فرهنگ رسید. از ماه می ۱۹۷۸ تا جنوری ۱۹۸۰ در زندان پلچرخی بندی بود. در سال ۱۹۸۰ به ایالات متحده امریکا رفت. عضو شورای فرهنگی تنظیم‌های جهادی در اسلام آباد بود.

[۵۴۰] محمد اکرام اندیشمند. ما و پاکستان . کابل ۲۰۰۷. ص. ۲۴۹

کمک دهنده به افغانستان فراهم کرد، بدون آنکه در مقابل هیچگونه منفعتی از آن به دست آورده باشد».[۵۴۱]

برخی از پژوهشگران افغانستان همانند داوودخان گمان می‌کردند که متحدین پاکستان و در گام نخست ایالات متحده امریکا نمی‌تواند مقاطعه افغانستان را با جهان غرب تحمل نمایند و پاکستان را وادار می‌سازند تا راه را دوباره مطابق شرایط افغانستان باز کند و به این صورت زمامداران افغانستان در نزد افکار عامه به پیروزی نایل می‌شوند. مگر در نهایت نه غرب و نه جهان اسلام افغانستان را حمایت کردند. برعکس، اتحادشوروی در انظار عامه نفوذ کرد، چنانچه یک مقدار ناچیز میوهٔ تازه افغانستان را که آمادهٔ صدور بود، خریداری نموده و از میدان‌های هوایی کابل و قندهار به اتحادشوروی فرستاد. به این‌ترتیب اتحادشوروی ذهنیتی را نزد جامعه افغانی ایجاد نمود که گویا افغانستان با اتکا به اتحادشوروی می‌تواند، دشواری‌هایش را حل کند.

در این میان صدراعظم داوود با لجاجت سرسختانه به مقابله با پاکستان ادامه داد. در سال‌های ۱۹۶۲ -۱۹۶۳ بدستور وی در مناطق قبایل پشتون در خاک پاکستان چندین گروه تخریبکار گسیل شد که یکی از آن‌ها را افسر مشهور اردوی افغانستان جگړن - کماندو صافی رهبری می‌کرد. این گروه‌ها که زیر نام «مجاهدین ملی پشتونستان» فعالیت می‌کردند، پل‌ها، خطوط اتصالات و مؤسسات مهم اقتصادی را تخریب نموده، بالای پسته‌های مرزی و قطعات پولیس حمله مسلحانه کرده، کارمندان دولتی را کشته و در دسته‌های خویش باشندگان پشتون و غیرهٔ محلی را جذب می‌کردند.

مگر این فعالیت‌ها کامیابی را در قبال نداشت. آنها در امر در دادن آتش جنگ پارتیزانی ناکام شده و برعلاوه شخص مبتکر این فعالیت‌های تخریبی محمدداوودخان استعفاء کرد.

واقعیت جالب اینکه: در ماه مارچ سال ۱۹۶۳ روزنامهٔ پایتخت - انیس از کناره

[۵۴۱] میرمحمد صدیق فرهنگ. افغانستان در پنج قرن اخیر. جلد دوم. قم سال ۱۳۴۷ . ص. ۶۹۲.

گیری محمدداوود از مقام صدارت عظمی خبر داده و با چاپ زندگی‌نامه کوتاه وی در صفحه اصلی البته با کنایه یادداشتی را نیز پیرامون فعالیت‌های «مجاهدین ملی پشتونستان» نشر کرد.[۵۴۲] ظاهراً این آخرین خرابکاران افغانی بودند، چون با بقدرت رسیدن حکومت جدید گسیل این نوع دسته‌ها به پاکستان متوقف شدند.

به این ترتیب قطع نوبتی روابط با پاکستان که وابسته به سیاست پشتونستان افغانستان بود، همانند گذشته‌ها به جز خسارات سیاسی و اقتصادی به دو طرف سودی را به‌بار نه آورد. مورخ افغان و پروفیسور اسبق پوهنتون (دانشگاه) کابل حسن کاکر می‌پندارد که افغانستان نباید پاکستان را به مثابه یگانه پنجره به جهان خارج از دست می‌داد. افغانستان باید به خلق پشتونستان حق انتخاب آزادانه سرنوشت را داده و از ارادهٔ آنها حمایت می‌کرد. بزرگ‌مردان افغانستان باید خوب می‌دانستند که برای تطبیق برنامه رشد اقتصادی و عصری‌سازی (مدرنیزاسیون) خویش باید با پاکستان مناسبات نیک همسایگی داشته باشند. راه دیگری وجود نداشت. یک مقام بلندرتبه پیشین وزارت‌امور خارجه افغانستان عبدالصمد غوث می‌پندارد که مهم‌ترین دلیل استعفاءی محمدداوودخان نادرستی سیاست وی در معضله پشتونستان بود.[۵۴۳]

با بازنگری راه دشوار محمدداوودخان بمثابهٔ سیاست‌گذار و دولت‌مدار در دورهٔ زمانی سال‌های ۵۰ و آغاز سال‌های ۶۰ می‌توان گفت که او بخوبی روان اجتماعی را درک و احساس نموده و بمثابهٔ سیاست‌مدار پخته در برابر آنها عکس‌العمل سریع نشان می‌داد. در سال‌های ۱۹۶۲ - ۱۹۶۳ سردار طی نامه‌هایی عنوانی شاه از رشد رادیکالیزم در میان حلقه‌های جوانان و روشنفکران هوشدار داده، تأکید می‌کرد که «مردم خسته اند»، و اینکه حفظ ساختار فوق‌العاده امتیازی اشرافی - قبیله‌یی در جامعه مانع رشد اجتماعی کشور می‌شود. به این دلیل او به شاه پیشنهاد می‌کرد در کشور رژیم دموکراسی پارلمانی را برقرار ساخته و از جمله صلاحیت‌های قدرتمندان محلی، سران قومی،خان‌های طوایف و رهبران مذهبی را محدود نموده،

[۵۴۲] روزنامه انیس مورخ ۹ مارچ سال ۱۹۶۳م.
[۵۴۳] همان‌جا: محمد اکرام اندیشمند. ما و پاکستان . کابل ۲۰۰۷. ص. ۲۵۱-

سیستم دوحزبی را در شیوه اداره دولت پیاده کرده، حکومت را تابع پارلمان ساخته و وظایف شاه را به فعالیت‌های تشریفاتی محدود سازد.

البته این پیشنهادات مورد پسند ظاهرشاه قرار نگرفتند. بنابراین داوودخان از نگاه سیاسی محکوم به ناکامی بود.

سخن پایانی

با استفاده از منابع و اوراق در دست داشته، مؤلف نتیجه گیری‌های خود و پژوهشگران را در چند پاراگراف درجه بندی نمود:

دوره‌ای صدارت محمدداودخان (۱۹۵۳ - ۱۹۶۳) ،که از یک طرف کشور را به رشد سریع اقتصادی کشاند و از طرف هم موجب رویارویی‌های سیاسی بین دو کشور همسایه افغانستان و پاکستان گردید، با نام محمدداوودخان یک دهه که ویژه‌گی آن پهنای رشد اقتصادی افغانستان می‌باشد، پیوند خورده است. در دوران حاکمیت محمدداوودخان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی کشور دگرگونی‌های جهشی رخ دادند، ولی رییس حکومت قادر نشد که سیستم فرسوده ساختارهای سیاسی کشور را تغییر داده، زندگی اجتماعی را دموکراتیزه نموده و وضعیت اقشار گسترده مردم را بهتر نماید. در نهایت او ناخواسته حمایت محافل لیبرال - بورژوازی و مترقی کشور را که در واقعیت اساسی‌ترین شالوده اجتماعی او را پس از به قدرت رسیدن به حیث صدراعظم تشکیل می‌دادند، از دست داد. برعلاوه آن اقشار جامعه افغانی که از هواداران سیاست غرب بشمار می‌رفتند، نیز از سیاست داخلی و خارجی او ناراض بودند. آنها از حکومت محمدداوود به دلیل مداخلهٔ بی‌جای آن در اقتصاد داخلی و خرابی مناسبات پاکستان - افغانستان که تهدید مناسبات تجاری - اقتصادی را با کشورهای غرب در قبال داشت، انتقاد شدید می‌نمودند.

سیاست داخلی و خارجی صدراعظم محمدداوودخان در چندین راستا پیش برده می‌شد:

۱. شالودهٔ سیاست اقتصادی داوودخان را «اقتصاد رهبری شده» تشکیل می‌داد که در نتیجهٔ آن نقش دولت و سکتور دولتی در زندگی اقتصادی کشور افزایش یافت. مگر در زمان حکومت محمدداوودخان وضعیت اقتصادی همچنان بی‌ثبات باقی ماند.

داوودخان همانند یک میهن‌دوست واقعی تلاش داشت به پس‌ماندگی قرون در کشور پایان دهد. مگر می‌پنداشت که افغانستان بدون کمک تخنیکی - اقتصادی از خارج نمی‌تواند، پیشرفت کند؛ چون به این منظور ذخایر داخلی مالی را ندارد. مگر سیاست مبتنی بر کمک بیرونی کشور را به پذیرنده دایمی تعاون تبدیل کرده و علت اصلی وابستگی افغانستان به شرق و غرب شد.

تمایل مشی اقتصادی محمدداوودخان به جلب کمک‌های خارجی، باعث فعالیت مناسبات با بسیاری کشورهای اروپای غربی و شرقی شد. واقعاً در سال‌هایی که داوودخان در رأس حاکمیت قرار داشت، از خارج امکانات گسترده اقتصادی بکشور داده می‌شد: افغانستان غله را از اتحادشوروی و ایالات متحده، اسلحه را از اتحادشوروی می‌گرفت؛ به کمک کارشناسان خارجی نیروگاه‌های برق، کارخانه ها، سیستم‌های آبیاری و ترانسپورتی و بسیاری پروژه‌های دیگر ساخته شده و جاهای معادن در داخل کشور تثبیت شدند. باوجود این، می‌توان گفت که افغانستان بصورت عموم در برابر کشورهای دیگر یک مصرف کننده بود. چون از پارتنرهایش بیشتر می‌گرفت تا به آنها چیزی بدهد. به این ترتیب، همکاری با افغانستان برای دولت‌های خارجی عملاً به یک کمک یکجانبه تبدیل شده بود. باوجود این با استفاده فعال از کمک‌های تخنیکی و مالی خارجی، حکومت داوودخان بنیان رشد عرصه‌های مهم اقتصاد ملی را گذاشت. بنابراین، بیجا و شگفت‌انگیز نیست که برخی پندارهای سیاسی محمدداوودخان تا کنون در سیاست معاصر افغانستان بازتاب یافته و از نفوذ نیرومند در روان و شعور فعالان سیاسی افغانستان برخوردار اند.

۲. دوره زمامداری محمدداوودخان و ریاست حکومت او با تشکل سیستم دوقطبی در سیاست جهانی و «جنگ سرد» دو ابرقدرت و مبارزه آنها برای گسترش ساحهٔ نفوذ شان در جهان سوم همراه بود.

مشی سیاست خارجی افغانستان بر شالودهٔ سیاست بی‌طرفی مثبت استوار بود، که در یک سوی همسایه‌یی مانند اتحادشوروی قرار داشته و از جانب دیگر شاهد پیدایش پیمان‌های نظامی (سنتو و سیاتو) در منطقه بود. افغانستان به بلوک‌های

نظامی نه پیوست، چون این امر از جانب این پیمان‌ها و ایالات متحده امریکا همچون متحد پاکستان به چشم‌پوشی از داعیه پشتونستان مشروط بودند. پیوستن به بلوک‌های نظامی تحت رهبری اتحادشوروی (پیمان وارسا) بر اساس ایدیولوژیکی برای افغانستان ناممکن بود. در نتیجه افغانستان به سازمان «جنبش عدم انسلاک» پیوست که این امر و مرام آن یعنی جلب همکاری همه جانبه از هردو ابر قدرت، مانعی در راستای برقراری روابط تنگاتنگ با اتحادشوروی و ایالات متحده پنداشته نمی‌شد.

در آن‌زمان اتحادشوروی نیز به افغانستان سخت علاقمندی داشت. برای محمدداوودخان پاکستان منبع تهدید بود، بنابراین، وی از یکسو می‌خواست به سلاح‌های روسی دسترسی داشته باشد و از سوی دیگر اصلاحات اقتصادی را پیش ببرد که برای آنها نیاز به تمویل داشت. مناسبات کابل با مسکو با گذشت هر روز بسرعت انکشاف می‌یافتند و افغانستان هرچه بیشتر و بیشتر به اتحادشوروی وابسته می‌شد.

۳. روابط پاکستان و افغانستان که در دهه نخست پس از استقلال آن کشور و تقسیم هند برتانوی گاهی با تب و تاب و گاهی با گسست مؤقتی همراه بود در سال ۱۹۵۵ به علت ایجاد «یونت یگانه»[٥٤٤] پاکستان غربی به وخامت گرایید. دلیل این تشنج تلاش زمامداران افغانستان بویژه پس از به قدرت رسیدن محمدداوود بود که می‌خواست از «معضل پشتونستان» برای احیای عدالت تاریخی استفاده کند.

قطع متواتر مناسبات با پاکستان که از سیاست حکومت داوودخان در مورد پشتونستان ناشی می‌شد، به دوطرف هیچ چیزی را بجز زیان سیاسی و اقتصادی به‌بار نه آورد. در نتیجه، افغانستان و مردم پشتونستان، هیچ مفاد اقتصادی و سیاسی را نصیب نشدند. افغانستان نباید پاکستان را هم مانند دهلیز به جهان خارج از دست می‌داد، چون بیشتر از ۷۰٪ تمام کالاهای ترانزیتی از جمله کمک‌های

[٥٤٤] One Unit

خارجی از خاک پاکستان می‌گذشتند. افغانستان باید به خلق پشتونستان امکان حق خودارادیت را در انتخاب‌شان داده، فقط از خواست‌شان حمایت نموده و نباید در این مورد با پاکستان به دشمنی می‌پرداخت. رهبری افغانستان باید بخوبی می‌دانست که برای عملی نمودن برنامه‌های رشد اجتماعی و مدرنیزه ساختن کشور به داشتن روابط دوستانه با پاکستان ضرورت است.

معضل پشتونستان شالودهٔ چالش‌ها در مناسبات دو کشوری افغانستان و پاکستان بود. تحلیل تاریخی دوره صدارت محمدداوودخان نشان می‌دهد که سیاست رویارویی پیرامون مسأله پشتونستان در گام نخست برای خودِ افغانستان نتایج معکوس داشت. سیاست جانب افغانی و عکس‌العمل‌های پاکستان بیشتر باعث وخامت اوضاع می‌شدند. مسأله ناحل پشتونستان در آینده نیز مانع رشد مناسبات افغانستان - پاکستان و عامل نامؤثریت کار سیاستمداران هردو کشور خواهد بود. باگذشت زمان، هویداتر می‌شود که باید راه‌های نوین حل و فصل معضل پشتونستان را جستجو کرد.

نظر به نتایج حاصله، مؤلف این اثر پیشنهاد می‌کند تا مرکز بین‌المللی تحت نظر ملل‌متحد ایجاد شود، که در آن نه محافل سیاسی بلکه کارشناسان، دانشمندان و مؤرخانِ، نه فقط دو کشور، بلکه ممالک منطقه، به کمک ایالات متحده امریکا و روسیه تحلیل همه‌جانبه اوضاع در منطقه شمال‌غربی قبایل پشتون را با استفاده از اسناد محفوظ و مواد غنی آرشیفی انجام دهند. و بر سیاستمداران دو کشور است که باید مؤقتاً بحث مسأله پشتونستان را تا پایان پژوهش‌های این مرکز توقف دهند. پرواضح است که این کاری دشوار و پرزحمت است و برای به دست آوردن نتایج و فیصله‌های لازمی یک سال کافی نبوده، بلکه این امر سرآغازی مناسب برای رفع تشنج و تحقق پروژه‌های اقتصادی منطقوی توسط سیاست‌گذاران دو کشور خواهد شد.

فهرست منابع

۱. اسناد بایگانی آرشیف سیاست خارجی فدراسیون روسیه

АВП РФ. Ф٠٤٢.. ١٩٥٤. Оп. ٦٦. Д.١. П. ٨٣

АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٤. Оп. ٦٦б. Д. ١. П. ٨٨

АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٤. Оп. ٦٦б. Д.١. П. ٨٣

АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٤. Д. ١. П. ٨٨

АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٤. Оп. ٦٦б. Д. ١. П. ٨٨

АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٤. Оп. ٦٧а. Д. ١. П. ٨٨

АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٥. Оп. ٠٤٢. Д. ٣. Инв. ١٧٨, ٢١٠. П. ٥٩

АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٥. Оп. ٠٤٤. Д. ٣. Инв. ١٧٨, ٢١٠. П. ٥٩

АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٥. Оп. ٦٦б. Д. ١. П. ٨٨

АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٥. Оп. ٦٧а. Д. ٢. П. ٨٦

АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٥. Оп. ٦٧а. Д.٢. П. ٨٦

АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٥. Оп. ٦٦б. Д. ١. П. ٨٨

АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٦. Д. ٢. П. ٨٨

АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٦. Оп. ٦٨в. Д. ٢. П. ٨٨

АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٦. Оп. ٦٧а. Д. ٢. П. ٨٦

АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٧. Оп. ٦٩. П. ٨٣. Д. ١

АВП РФ. Ф. ٠٤٢. ١٩٥٨. Оп. ٦٢а. Д.٢.П. .٨٦

۲. آرشیف دولتی تاریخ معاصر روسیه

РГАНИ. Ф. ٥. Оп. ٢٨р. ٢٧/٥. Д. .٢٥١

РГАНИ. Ф. ٥. Оп. ٢٨р. ٥٤/٥. Д. .٣٤٧

РГАНИ. Ф.٥. Оп. ٢٨р. ٩٢/٥. Д. .٤٦٧

رسانه‌ها

۱. روزنامه انیس (سال‌های ۱۹۵۴ - ۱۹۶۱)
۲. روزنامه اصلاح (سال‌های ۱۹۵۹-۱۹۵۴)
۳. روزنامه هیواد (۱۹۵۶)
٤. بولتن اخبار مطبوعات افغانستان از سال ۱۹۵۹.

آرشیف آژانس‌های خبررسانی

۱. خبرنامه‌های آژانس باختر (سال‌های ۱۹۵۴ -۱۹۵۹)

بولتن سفارتخانه‌ها

۲. خبرنامه سفارت ایالات متحده امریکا (۱۹۵۸-۱۹۵۵)
۳. خبرنامه سفارت سفارت پاکستان ۱۹۵۹.

نشرات علمی و مطبوعاتی

۱. جله آسیا و افریقای امروز سال‌های ۲۰۰۰ - ۲۰۱۱
۲. جله «وستوک» (شرق) سال‌های ۲۰۰۱ - ۲۰۱۰.

اسناد رسمی

۱. سالنامه وزارت‌پلان افغانستان از سال ۱۹۵۸.

منابع انترنتی

۱. www.works.tarefer.ru/۱۰۰۱۲۰/٥٤/index.html
۲. www.works.tarefer.ru/۱۰۰۱۲۰/٥٤/index.html
۳. http://afg-hist.ucoz.ru/publ/۱۲-۰-۱-۸

منابع دری و پشتو:

۱. محمداکرام اندیشمند. ما و افغانستان. کابل ۲۰۰۷
۲. محمداسحاق الکو. داودخان د کی جی بی‌په لومو کی. کابل ۲۰۰۸.

٣. امین‌الله دریغ. افغانستان در قرن بیستم.پشاور ٢٠٠٧.
٤. وحید مژده. روابط سیاسی ایران و افغانستان در قرن بیستم. کابل ٢٠١٠.
٥. میر غلام‌محمد غبار. افغانستان در مسیر تاریخ کابل ١٩٦٧.
٦. میر محمدصدیق فرهنگ. افغانستان در پنج قرن اخیر. جلد دوم. قم سال ١٣٧٤
٧. ظاهر طنین افغانستان در قرن بیستم (١٩٠٠ - ١٩٩٦). تهران ٢٠٠٦.
٨. محمدابراهیم عطایی. نگاهی مختصر به تاریخ افغانستان معاصر افغانستان. ٢٠١٠.
٩. صباح الدین کشککی. دهه قانون اساسی. اسلام آباد. ١٩٨٦.
١٠. سید مهدی فرخ. تاریخ سیاسی افغانستان. قم ١٩٩٣.

منابع انگلیسی زبان:

١. Abdul Ghaffar Khan. Marsh of Pakhtunistan .- Bombay, .١٦٣٦
٢. Adamec L.W. Afghanistan's Foreign Affairs to the MidTwentieth Century. -Arisona, .١٩٧٤
٣. Adamec L.W. Historical and Political Who's Who of Afghanistan / L.W. Adamec. Graz Akad. u. Verlag. – Austria, .١٩٧٥
٤. Adamec L.W. Historical dictionary of Afghanistan. Second Edition .- Lanham, .١٩٩٧
٥. Asghar M. Khan. Generals in Politics. Pakistan -١٩٥٨ .١٩٨٢- Delhi, .١٩٨٣
٦. Ayub Khan Muhammad. Pakistan today. Text of the Address of the R. Inst. of Intern Affairs .- Karachi, .١٩٦٦
٧. Ayub Khan Muhammad. Speeches and Statements .- Karachi, .١٩٦٠

٨. Ayub Khan Muhammad. Towards a New Political System. Inauguration Speech .- Karachi, .١٩٦٦

٩. Azmat Hayat Khan. The Durand Line. Its Geo-Strategic Importance .- Peshawar, .٢٠٠٥

١٠. Caroe O. The Pathans, ٥٥٠B.C. to A.D .- London, .١٩٦٤

١١. Dupree L. Afghanistan .- New Jersey, .١٩٧٣

١٢. Fraser-Tytler W.K. Afghanistan. A Study of Political Developments in Central and Southern Asia .- London, .١٩٦٧

١٣. Fraser-Tytler W.K. Afghanistan .- London, .١٩٥٧

١٤. Ghaus, Abdul Samad. The Fall of Afghanistan. Pergamon-Brasseey's Defense Publishers .- Virginia, .١٩٨٨

١٥. Poullada B.P. Reform and Rebellion in Afghanistan .- Cornell University Press, .١٩٧٣

١٦. Poullada, L.B. Afghanistan and the United States: the Crucial Years // The Middle East Journal .- Spring .١٩٨١ - Vol. ٣١, № .٩

١٧. Sykes, Sir W. Kerr. Afghanistan: A Study of Political Developments in Central and Southern Asia .- Oxford, .١٩٥٣

١٨. Tanner S. Afghanistan. A Military History from Alexander the Great to the Fall of the Taliban .- New York, .٢٠٠٢

منابع روسی:

١. Авдеев. Россия - Афганистан. Ч.١. – М., .١٩٨٤
٢. Александров А., Ахрамович Р. Государственный строй Афганистана .- М., .١٩٥٦
٣. Арунова М.Р. Афганская политика США в ١٩٩-١٩٤٥гг. - М., .٢٠٠٠
٤. Ахрамович Р.Т. Афганистан после Второй мировой войны. Очерк истории .- М., .١٩٦١
٥. Белокреницкий В.Я., Каменев С.Н., Москаленко В.Н. Пакистан, страны Южной Азии и Среднего Востока: история и современность .- М., .٢٠٠٤
٦. Белокреницкий В.Я., Москаленко В.Н. История Пакистана XX век .- М., .٢٠٠٨
٧. Белокреницкий В.Я., Москаленко В.Н., Шаумян Т.Д. Южная Азия в мировой политике .- М., .٢٠٠٣
٨. Булганин Н.А., Хрущев Н.С. Речи во время пребывания в Индии, Бирме и Афганистане. – М., ١٩٥٥г.
٩. Вопросы экономики Афганистана. Отв. ред. Н.М. Гуревич .- М., .١٩٦٣
١٠. Гуревич Н.М. Очерки истории торгового капитала в Афганистане .- М., .١٩٦٧
١١. Гуревич Н.М. Афганистан. Некоторые особенности социально-экономического развития. .١٩٧٧-١٩١٩- М., .١٩١٣

١٢. Гуревич Н.М. Внешняя торговля Афганистана в новейшее время .- М., .١٩٨١

١٣. Гуревич Н.М.Экономическое развитие Афганистана . - М., .١٩٧٢

١٤. Демьяненко А.П. Советский союз и крах гитлеровской политики в Афганистане. // Народы Азии и Африки. ١٩٨٥. № .٩

١٥. Джабборов Т.Д. Северо-Западная Пограничная провинция Пакистана .- М., .١٩٧٧

١٦. Ежов. Г.П. Афганистан. Краткий биографический справочник .- М., .٢٠٠٧

١٧. История Афганистана. /Отв. ред. Ю.В. Ганковский .- М., .١٩٨٢

١٨. История внешней политики СССР ١٩٨٠-١٩١١. / Под ред. Громыко А.А., Пономарева Б.Н .- М., .١٩٨١

١٩. История вооруженных сил Афганистана. ١٩٧٧-١٧٤٧. ИВ РАН. / Отв. ред. Ю.В. Ганковский .- М., .١٩٨٥

٢٠. История Востока: в ٦т. / ИВ РАН Ред. кол.: Рыбаков Р.Б. и др .- М., .٢٠٠٦- Т. .٥

٢١. Коргун В.Г. История Афганистана XX век .- М., .٢٠٠٤

٢٢. Коргун В.Г. Россия и Афганистан: исторические пути формирования образа России в Афганистане .- М., .٢٠٠٩

٢٣. Коргун В.Г., Арунова М.Р., Сикоев Р.Р. Афганистан на переходном этапе .- М., .٢٠٠٢

٢٤. Кредит и кредитные системы стран Азии / ИНА АН СССР / Отв. ред. А.И. Динкевич .- М., .١٩٦٨

٢٥. Ляховский А.А. Трагедия и доблесть Афгана / А.А. Ляховский.٢ - -е изд., перераб. и доп. - Ярославль, .٢٠٠٤
٢٦. Массон В.М., Ромодин В.А. История Афганистана .- М., ١٩٦٥. Т. .٢
٢٧. Независимый Афганистан / Отв. ред. Р.Т. Ахрамович . - М., .١٩٥٨
٢٨. Нухович Э.С. Внешняя политика Афганистана .- М., .١٩٨٦
٢٩. Паничкин Ю.Н. Образование Пакистана и пуштунский вопрос .- М., .٢٠٠٥
٣٠. Плешов О.В. Ислам и политическая культура общества. Парадоксы консервативной традиции. // Азия и Африка сегодня. №٢. .٢٠٠٣
٣١. Райков А.В. Факир из Ипи - борец за свободу Вазиристана.//Восток, №٣, .١٩٩٥
٣٢. Рейснер И.М. Афганистан .- М., .١٩٤٨
٣٣. Рейснер И.М. Независимый Афганистан .- М., .١٩٢٨
٣٤. Снесарев А.Е. Афганистан .- М., .٢٠٠٢
٣٥. Теплинский Л.Б. История советско-афганских отношений. .١٩٨٧-١٩١٩- М., .١٩٨٨
٣٦. Теплинский Л.Б. ٥٠лет советско-афганских отношений. .١٩٦٩-١٩١٩- М., .١٩٧١
٣٧. Теплинский Л.Б. СССР и Афганистан .- М., .١٩٨٢
٣٨. Теплинский Л.Б. СССР и Афганистан. - М., ١٩٨٢
٣٩. Тихонов Ю.Н. Афганская война Сталина. Битва за Центральную Азию .- М., .٢٠٠٨



https://rahparcham۱.org/